

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ذریه پیامبران، آخرالزمان و نقش ویژه قوم ایرانی در آن

"و نزل عليك الكتاب تبیاناً لكل شیء"

-سوره نحل آیه ۸۹

و این کتاب را بر تو فرو فرستادیم تا روشنگر هر چیزی باشد

## مقدمه - دنیای وارونه

در یکی از فیلمهای آمریکایی به نام ماتریس (*The Matrix*) محصول سال ۱۹۹۹، که احتمال زیاد شما نیز دیده اید، قهرمان داستان به نام نئو دارای حس عجیبی است. مانند اینکه او در دنیایی زندگی میکند که چیزی در آن ایراد دارد. مانند اینکه تمام چیزهایی که به او گفته شده به نظر معقول و منطقی نیاید و روال دنیا باید جور دیگری باشد. این داستان تا زمانی ادامه دارد که فردی به نام مورفیوس با او آشنا میشود و به او نشان میدهد که او در یک دنیای خیالی زندگی میکند و دنیای واقعی به صورت دیگری است. او و تمامی انسانهای دیگر اسیر سیستمی به نام ماتریس هستند که تمامی انسانها را به بردگی کشیده است.

بیشتر ما ایرانیان نیز حس مشابهی داریم. ما، مخصوصاً نسل بعد از انقلاب دچار دوگانگی عجیبی هستیم. از طرفی بیشتر ما با ایده های اصلی انقلاب که استقلال و آزادی بود موافق هستیم. بیشتر ما از وابستگی به بیگانگان متنفریم و تحمل چیزهایی مانند وجود مستشار خارجی در کشور خود را نداریم. بیشتر ما طرفدار حقوق مستقل خود هستیم و از زورگوییهای کشورهای خارجی و کارهایی که به صورت تاریخی در حق ما کرده اند نظیر بردن منابع طبیعی و یا اشغال کشورمان متنفریم. از طرفی دیگر با حکومت خود نیز احساس بیگانگی و جدایی عجیبی میکنیم. ما با دینی که حکومت تبلیغ میکند بیگانه‌ایم. درک نمیکنیم که چرا حکومت ما با اینکه ظاهراً حرفهای بسیار زیبایی میزند در عمل مردم ما را تحت ظلم قرار داده، اموال آنان را چپاول میکند و به سلامت و زندگی آنها اهمیتی نمیدهد. چرا جان جوانان ما برای مسئولان حکومت بی اهمیت است و یا چرا آنان از ناراحتی ما ناراحت و از خوشحالی ما خوشحال نمیشوند. اگر واقعا حکومت ما بر آمده از خود مردم ما باشد باید ما از آن راضی تر باشیم از آنچه هستیم. از طرف دیگر دینی که امروز در جامعه تدریس میشود چیزی به غیر از مقداری خرافات به نظر نیاید. چیزی که نه تنها توجیه کننده دنیای اطراف و اتفاقات عجیب آن نیست، بلکه تنها به نظر مشتکی ورد و روضه عربی میآید. همه اینها ممکن است

ظاهرا به نظر درست آید ولی همیشه حسی در بسیاری از ما وجود دارد که چیزی ایراد دارد. اگر مسئولین حکومت ما واقعا آن چه میگویند هستند، پس چرا مردم از ظلم آنان در امان نیستند. چرا به جای عشق، در قلب مردم نفرت میکارند.

آنچه من در این کتاب به شما خواهم گفت بسیار عجیب است. حتی فهمیدن بعضی از این مطالب ممکن است در بعضی خوانندگان روان پریشی ایجاد کند. در فیلم ماتریس هنگامی که مورفیوس قصد دارد به نئو دنیای واقعی را نشان دهد، از او برای بار آخر سؤال میکند که اگر دنیای واقعی را ببینی دیگر نمیتوانی به دنیای خیالی که در آن زندگی میکردی بازگردی. حال من نیز همین مطلب را با شما خواننده محترم بیان میکنم. مطالبی که من به شما خواهم گفت تمام حقیقت خواهد بود، ولیکن این حقیقت آنقدر عجیب و مشکل رویاروی ما آنقدر بزرگ است که تمامی زندگی شما را متحول خواهد کرد. حتی ممکن است که دیگر نتوانید از دنیای خیالی که در آن زندگی میکنید لذت برده و با آن به مشکل برخورد کنید. از این رو اگر در شرایط زندگی فعلی احساس راحتی میکنید و چیزی به نظر شما دارای ایراد نمیآید، همین الان این کتاب را کنار بگذارید. زیرا بعد از دانستن حقیقت، دیگر بازگشت به دنیای خیالی محال است.

در این کتاب مطالب تاریخی خواهید خواند که در بسیاری از موارد از نظرها به طور عامدانه مخفی شده است. من به شما خواننده گرامی توصیه میکنم که هیچیک از این مطالب را به صورت کورکورانه قبول نکنید. در صورتی که دسترسی به اینترنت دارید میتوانید تمام مطالب نوشته شده و زندگی افرادی که در این کتاب از آنها اسم میبرم و وقایعی که شما در مورد آن میدانید را چک کنید. دایره المعارف ویکیپدیا (*Wikipedia*) دارای اطلاعات زیادی از زندگینامه این افراد و وقایع تاریخی اسم برده شده است. هیچوقت هیچ حرفی را باور نکنید تا خودتان به آن برسید.

”تنها چیزی که برای پیروزی شر نیاز است این است که مردان خوب کاری نکنند.“

– ادموند برک

## قسمت اول - دين وارونه

بیشتر ما تدریس درس دینی در مدارس را دیده‌ایم. بیشتر مطالب تدریس شده به روخوانی بدون توجه به معنی قرآن و سخنان روحانیون معاصر اختصاص دارد. دین به عنوان گروهی تعالیم اخلاقی مطرح میشود که حتی افراد دیگری نیز که پیامبر نبوده‌اند و یا از جانب خدا مبعوث نشده بودند آنها را گفته‌اند. فهمیدن اینکه دروغگویی و یا قتل کار خوبی نیست نیازی به علم غیب و وحی از جانب خداوند ندارد. کد حمورابی (*Hammurabi*) نیز که برگرفته از دین نیست موارد مشابهی را تبیین میکند. گذشته از این در دینی که در مدارس و تلویزیون تدریس میشود حدیث مهمتر از قرآن است. برای هر چیز یک حدیث وجود دارد که در بسیاری موارد این حدیثها بسیار عجیب و غیرمنطقی به نظر می‌آید. این حدیثها حتی در مورد موارد بسیار بی‌اهمیتی نظیر اینکه کدام پای خود را برای ورود به مستراح جلو بگذاریم وجود دارد. دینی که ما تدریس میکنیم چیزی نیست جز مقداری دستورات که حتی دلیل هیچیک را نمیدانیم. فقط چون پدران ما اینکار را میکرده‌اند ما نیز آنها را دنبال میکنیم. اگر پدران ما بت نیز میپرستیدند ما نیز بت پرست بودیم زیرا ما فقط کورکورانه تقلید میکنیم.

دراثر این سیستم آموزشی بیشتر ما اینقدر از دین متنفر شده‌ایم که حتی یکبار نیز قرآن را به صورت کامل نخوانده‌ایم. با اینکه فرهنگ ما در ۱۴۰۰ سال اخیر تحت تاثیر این کتاب بوده است. ما حتی کتابهای قصه که اهمیت و تاثیر زیادی در زندگی هیچکس نداشته را میخوانیم ولیکن احساس نفرتی که مدرسه و اجتماع از دین درون ما کاشته‌اند باعث میشود که حتی علاقه‌ای نداشته باشیم این کتاب را یکبار به طور کامل از رو بخوانیم. افرادی که در جامعه و حکومت ظاهر دینداری به خود میگیرند بدترین مردم هستند. آنها دروغ میگویند، دزدی میکنند و دم از خدا نیز میزنند. سیستم آموزشی ما طوری برخورد میکند که اگر ما با دین مسیحیت آشنا شویم حتماً مسیحی میشویم زیرا دین ما قدرت توجیه ندارد. از این رو انجیل نباید به صورت علنی در دسترس باشد هر چند که قرآن میگوید لازمه مسلمان بودن ایمان داشتن به تورات و انجیل نیز



هست. بسیاری از داستانهای دینی فقط وقتی معنی پیدا میکند که معادل مسیحی و یهودی آن را بدانیم. بیشتر ما هیچ چیز از یهودیان و مسیحیان نمیدانیم. ما حتی نمیدانیم که مسیحیان اعتقاد دارند عیسی پسر خداست. با اینکه لازمه فهمیدن دین اسلام فهمیدن دین مسیحیت و یهودیت است.

حال اگر ما قرآن را به صورت موازی با عهد عتیق و عهد جدید بخوانیم دید کاملاً متفاوتی به دست میآوریم. تمامی سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام دارای مقوله‌ای بسیار مهم به نام "قوم برگزیده" هستند و این مقوله آنها را با درسهای اخلاقی غیر ابراهیمی نظیر قوانین حمورابی، سخنان بودا و غیره متمایز میکند. نام موسی در قرآن بیشتر از تمامی پیامبران و بیش از ۱۰۰ بار ذکر شده است. در کتابهای دینی مسیحیان و یهودیان نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. حال سؤال اصلی این است که اگر این دین قرار است راهنما و مرجع برای نحوه زندگی در هر زمانی و هر مکانی باشد چرا زندگی این قوم اینقدر از نظر خدا مهم است. مگر قوم موسی چه تاثیری در دنیا دارد که اینقدر باید بر روی آن تاکید شود. چرا بقیه مردم برای یادگیری نحوه درست زندگی باید اینقدر به زندگی این قوم توجه کنند؟ چرا برای اینکه زندگی من نوعی که چند هزار سال بعد از اتفاقات قوم موسی زندگی میکنم دانستن زندگی این قوم اینقدر اهمیت دارد. آیا زندگی من در امروزه تاثیری از زندگی این قوم میگیرد؟

نکته دیگر این است که در دنیای معاصر ما اکثراً اجداد خود را افرادی خرافاتی و احمق میدانیم که به محتویات این کتابها ایمان داشتند. دینداری آنها نه از روی فهم و عقل و منطق و بلکه از روی تقلید کورکورانه و تعصب بوده است. درست است که بسیاری از مردم همینگونه هستند و بودند و تعداد کثیری از پدران و مادران ما دلیل منطقی برای آمیزه های دینی ندارند، ولیکن مطمئناً تمامی اجداد ما احمق نبوده اند. چنین طرز تفکری به نظر با واقعیت منطبق نمیاید. همه ما این حس را داریم که چیزی ایراد دارد، ولیکن هیچیک نمیدانیم این چیز ایراددار چیست.

جنگ جهانی دوم تغییرات بسیار عظیمی در تدریس دین ایجاد کرد. دینی که امروزه در تمامی کشورهای اسلامی و یا مسیحی تدریس میشود مهمترین قسمت آن که همین مساله قوم برگزیده است سانسور میشود. از این رو بعد از جنگ جهانی دوم تدریس این مساله توسط تمامی دولتها گویی ممنوع شده است و از آن پس سیر بیدین شدن سریع جوامع مسلمان و مسیحی آغاز شده است. حال آنکه اختلافات بین ایران و غرب تنها در چهارچوب این مساله قابل فهم است. با وجود اینکه کلمه اسرائیل در قرآن ۴۰ بار و نام موسی بیش از ۱۰۰ بار تکرار شده است هیچگاه در دیوارهای شهر و یا در تلویزیون آیات مربوط به اسرائیل دیده و یا پخش نمیشود. آیا معقول نیست که اگر امروزه ما با کشور اسرائیل در جنگ هستیم مسائل قرآنی مربوط به آن را نیز برای مردم خود توضیح دهیم؟ آیا هیچوقت از تلویزیون آیه‌ای از قرآن که کلمه اسرائیل در آن باشد دیده‌اید؟ آیا هیچوقت هیچ روحانی در تلویزیون در مورد مساله قوم برگزیده و یا کلمه اسرائیل صحبت کرده است؟

### **عهد عتیق و عهد جدید**

بیشتر ما ایرانیان در مورد تورات و انجیل هیچ نمیدانیم. حال آنکه خداوند در قرآن لزوم باور به آنچه او قبلا نازل کرده است را به عنوان یکی از نیازهای مسلمان بودن میداند.

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ وَاَنان که بدانچه به سوي تو فرود آمده و به

قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می

آورند و آنانند که به آخرت یقین دارند.

### سوره بقره آیه ۴

کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان با کتاب مقدس ما متفاوت است. قرآن به صورت سخن خداوند از طریق جبرئیل به پیامبر منتقل شده و نوشته شده است. حال آنکه تورات و انجیل توسط آدمیان عادی نوشته شده و تنها نقل قول سخنان پیامبران هستند. قرآن از ابتدا تا به امروز به یک صورت بوده و ترجمه نشده است. حال آنکه تورات و انجیل بارها از زبانهای مختلف نظیر عبری، آرامی، یونانی و غیره ترجمه شده و بسیاری از لغات آن دستخوش تغییر شده است.

آنچه یهودیان باور دارند معمولاً توسط مسیحیان عهد عتیق ( *Old Testament* ) نامیده میشود. عهد عتیق مجموعه‌ای از ۵ کتاب موسی به نامهای پیدایش ( *Genesis* )، خروج ( *Exodus* )، لاویان ( *Leviticus* )، اعداد ( *Numbers* ) و تثنیه ( *Deuteronomy* ) است که تورات نام دارد به همراه کتابهای پیامبران دیگر بنی اسرائیل نظیر دانیال، حبقوق، عزرا و ... است. مسیحیان کتاب مقدسشان عهد جدید ( *New Testament* ) نام دارد که شامل چهار انجیل حواریون به نامهای متی ( *Matthew* )، لوقا ( *Luke* )، پطرس ( *Peter* ) و مرقس ( *Mark* ) به علاوه کتابهای دیگر نظیر رومیان، اعمال و ... است.

مسیحیان عهد عتیق را قبول دارند ولی معتقدند قوانین عهد جدید بر عهد عتیق اولویت دارد. از این رو برای مسیحیان بسیاری از قوانین عهد عتیق توسط عهد جدید نسخ میشود.

برای فهم کامل قرآن باید این کتاب به صورت موازی با کتابهای مقدس مسیحیان و یهودیان خوانده شود. بسیاری از داستانهای قرآنی به وقایع پیامبران گذشته اشاره دارد که داستان آنها در قرآن نیامده است و فهم آن تنها با خواندن روایت مسیحی و یهودی آن داستانها ممکن است. از این رو خواندن کتابهای مقدس آنها نه تنها اعتقاد به قرآن را کم نکرده بلکه به شدت آنرا زیاد میکند. حال آنکه بیشتر روحانیون مسلمان تسلط بسیار کمی به عهد عتیق و عهد جدید دارند و از داستانهای آن بی اطلاع میباشند و شاید حتی عمدا آنها را از چشم مردم مخفی میکنند. ولیکن در زمان پیامبر محدودیتی برای دانستن دین آنها وجود نداشت. بسیاری از گروندان اولیه به دین اسلام مسیحیان و یهودیانی بودند که تسلط زیادی به متون عهد عتیق و عهد جدید داشتند. بیشتر روایتهایی که در مورد داستانهای پیامبران نیز آمده است توسط همین یهودیان و مسیحیان مسلمان شده بنا بر دانش آنها از تورات و انجیل روایت شده است. بیشتر سخنانی که خداوند خطاب به یهودیان و مسیحیان در قرآن بیان میکند وقتی معنی پیدا میکند که بدانیم آنها به چه چیزی اعتقاد دارند. علاوه بر اینها تاریخ ایران در عهد عتیق نقش زیادی دارد. بسیاری از پیامبران یهودیان نظیر دانیال و حبقوق در ایران ساکن بوده اند و با شاهان ایرانی ارتباط داشتند. واژه فارس در عهد عتیق بسیار تکرار شده است. از بسیاری از شاهان هخامنشی در عهد عتیق نامبرده شده است. از این رو دانستن داستانهای عهد عتیق بخش مهمی از تاریخ ایران را نیز روشن میکند.

**سپس داریوش پادشاه، این پیام را به تمام قومهای دنیا که از نژادها و زبانهای گوناگون بودند نوشت: "با درود فراوان. به این وسیله دستور میدهم هرکسی در هر قسمت از قلمرو**

پادشاهی من باشد باید از خدای دانیال بترسد و به او احترام بگذارد. زیرا او خدای زنده و جاویدان است و سلطنتش بی زوال و بیپایان است. اوست که نجات میبخشد و میرهاند.

— عهد عتیق، کتاب دانیال، ۶:۲۴

## اسرائیل چیست؟

در دینهای ابراهیمی این مساله مطرح میشود که خداوند پیامبران بیشمار برانگیخت. این دینها از موحد شدن ابراهیم آغاز شده و از طریق بعثت پسران او ادامه یافت. ابراهیم دو پسر به نامهای اسحاق و اسماعیل داشت. اسحاق از همسر اول او سارا و اسماعیل از همسر دوم او هاجر بود. سارا از خانواده اشرافی و ثروتمند بود ولیکن هاجر کنیز مصری او بود. وقتی که سارا دید بچه دار نمیشود کنیز خود را به ابراهیم داد تا از او بچه دار شود. ولیکن بعد از اینکه خداوند به او اسحاق را داد روابطش با هاجر بد شد. خداوند هم اسحاق و هم اسماعیل را به پیامبری مبعوث کرد، ولیکن نسل بقیه پیامبران تا عیسی از نسل اسحاق است. پسر اسحاق و نوه ابراهیم به نام یعقوب بود که او نیز پیامبر شد و در اتفاقی که در عهد عتیق آمده است نام او توسط خدا به اسرائیل تغییر کرد.

آن شب یعقوب بیدار شد و دو همسر، دو خدمتکار زن و یازده پسر خود را بلند کرد و از جبوک عبور کرد. بعد از اینکه آنها را از رودخانه عبور داد، تمامی وسائل خود را نیز فرستاد. بعد یعقوب تنها بود، و مردی با او به کشتی تا صبح پرداخت. وقتی مرد متوجه شد که نمیتواند بر او چیره شود او ران یعقوب را گرفت تا ران او در هنگام کشتی کج

شود. بعد مرد گفت: "مرا ول کن، زیرا صبح شده است" یعقوب گفت "تو را ول نمیکنم تا مرا برکت ندهی" مرد از او پرسید: "نام تو چیست؟" جواب داد "یعقوب" مرد گفت "نام تو از این به بعد نه یعقوب و بلکه اسرائیل خواهد بود زیرا تو با خدا و مردان کشتی گرفتی و پیروز شدی" یعقوب گفت "نام خود را لطفاً به من بگو" ولیکن او گفت "چرا نام مرا میپرسی؟" سپس او وی را برکت داد. - عهد عتیق، کتاب پیدایش، فصل ۳۲

با اینکه این داستان در قرآن نیامده است و دین اسلام کشتی گرفتن با خدا را غیرممکن میداند ولیکن این مساله که نام دیگر یعقوب اسرائیل است توسط قرآن نیز تایید میشود. در آیات زیادی از قرآن از لغت اسرائیل برای اشاره به یعقوب استفاده شده است. از این رو فرزندان یعقوب، بنی اسرائیل نام دارند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا  
 آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می‌شد سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتادند. - سوره مریم آیه ۵۸

اسرائیل دوازده پسر به نامهای : روبن (*Reuben*)، شمعون (*Simeon*)، لوی (*Levi*)، جودا (*Judah*)، دن (*Dan*)، نفتالی (*Naphtali*)، گد (*Gad*)، آشر (*Asher*)، ایساگر (*Issachar*)، زبولون (*Zebulun*)، یوسف (*Joseph*) و بنیامین (*Benjamin*) داشت که این دوازده پسر به دوازده قبیله تقسیم شدند. به مجموع این دوازده قبیله در قرآن اسباط گفته میشود. این دوازده قبیله به نامهای پسران یعقوب شناخته میشوند غیر از یوسف که خود دو پسر به نامهای مناسه (*Manasseh*) و افرائیم (*Ephraim*) داشت. فرزندان لوی نیز خداوند به عنوان یک قبیله جدا در نظر گرفت زیرا آنان انتخاب شدند تا روحانی باشند. از این رو در دوازده قبیله، یوسف دو قبیله و لوی بدون قبیله است. به هریک از این قبیله ها زمینی اختصاص داده شد.

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ

عَلِمَ كُلُّ أَنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد گفتیم با عصایت بر آن تخته سنگ بزن پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت [به گونه‌ای که] هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست [و گفتیم] از روزی خدا بخورید و بیاشامید و [لی] در زمین سر به فساد برمدارید.

—سوره بقره آیه ۶۰—

خداوند در قرآن و در کتاب مقدس بارها به این مساله اشاره کرده است که از فرزندان اسرائیل عهدی گرفته شد. بر اساس این عهد خداوند این قوم را بر مردم جهانیان برتری داد تا آنها راه خدا را در پیش گرفته و

مردم دیگر را نیز هدایت کنند. دوازده قبیله اسرائیل تنها در زمان اندکی در زمان پادشاهی داوود و سلیمان به عنوان یک کشور واحد بودند. بعد از مرگ سلیمان دوازده قبیله به دو پادشاهی جودا ( *Kingdom of Judah* ) و اسرائیل ( *Kingdom of Israel* ) تقسیم شدند. پادشاهی اسرائیل شامل حدود ده قبیله بود و پادشاهی جودا از قبیله جودا و بنیامین و کمی از فرزندان لوی تشکیل شده بود. پادشاهی اسرائیل که ۱۰ قبیله بودند توسط آشوریان مورد هجوم قرار گرفته و از ارض مقدس کوچانده میشوند. از این زمان به بعد از سرنوشت آنان چیزی در دست نیست و به ده قبیله گمشده معروفند.

یهودیان فعلی تنها بازمانده از پادشاهی جودا هستند و از این رو یهودی نامیده میشوند. باید دقت کرد که لغت بنی اسرائیل در قرآن و کتاب مقدس یک نژاد و نه یک دین است. در قرآن برای خطاب کردن یهودیان دو نوع اطلاق وجود دارد. وقتی از یهود و یا الذین هودا استفاده میشود مقصود دین و وقتی از فرزندان اسرائیل استفاده میشود مقصود نژاد است. از این رو خداوند بارها میگوید که نژاد و ذریه این پیامبر (اسرائیل) بر مردم جهان برتری یافته است.

### **برهان گمشده – برهان یهود**

یکی از برهانهای مهم اثبات وجود خدا، که در قبل از جنگ جهانی دوم به همراه دین تدریس میشد مساله وجود یهودیان است. یهودیان دارای سرنوشت منحصر به فردی هستند که با تمامی مردم دنیا متفاوت است. اولاً یهودیان تنها قومی هستند که از حدود ۴۰۰۰ سال پیش فرهنگ خود را حفظ کرده اند. تمامی اقوام دیگر معاصر آنان و تمامی باورهای آنها تقریباً از بین رفته است ولیکن تنها قومی که از ۴۰۰۰ سال پیش تاکنون بی‌تغییر و یا با تغییر اندکی باقی مانده اند یهودیان هستند. دوماً یهودیان در تمامی دنیا به صورت یک اقلیت در بین ملت‌های دیگر هستند. هیچ قوم دیگری به این صورت در میان مردم دیگر زندگی نمی‌کردند.



تمامی افراد دیگر دوست دارند در بین افرادی مشابه خود زندگی کنند ولیکن یهودیان در تمامی دنیا به صورت یک اقلیت در بین اکثریت بودند.

این مساله تا قبل از شکل گیری کشور اسرائیل که تنها کشوری است که یهودیان در آن اکثریت هستند واضحتر بود. سوما در تمامی دنیا یهودیان افرادی محبوب نیستند. در بیشتر جوامع مخصوصا تا قبل از جنگ جهانی دوم دید مردم نسبت به آنان بسیار منفی بود و حقوق آنان با بقیه افراد برابر نبود. ولیکن با وجود این مساله یهودیان در هیچجای دنیا از بین نرفتند و تا به امروز باقی ماندند. هیچ قوم دیگری مانند یهودیان احساس نفرت اقوام دیگر را به این شدت برانگیخته نکرده است. این احساس در بین تمامی غیریهودیانی که یهودیان در بین آنها زندگی میکردند چه رومی مشرک، چه ایرانی زرتشتی، چه مسیحی و چه مسلمان به طور مشابهی ایجاد شده است. در ایران نیز تا قبل از جنگ جهانی دوم احساسات مشابهی وجود داشت. بیشتر ایرانیان از یهودیان متنفر بودند. رمانی به نام "جهودکشان" در اواخر سده قاجاریه در مورد وضعیت یهودیان در ایران نوشته شده است با اینکه بیشتر ما چیزی در مورد آن نشنیده ایم. اگر این نفرت فقط در یک زمان و در یک قوم خاص وجود داشت قابل توجیه بود. ممکن است به طور مثال قومی از یک قوم دیگر به هر دلیل متنفر باشد. ولیکن این نفرت از یهودیان در تمامی اقوام دیگری که یهودیان با آنها در تماس بودند ایجاد شده است.

جمعیت یهودیان بر خلاف مسلمانان و مسیحیان بسیار بسیار کم است. جمعیت مسلمانان در کل دنیا حدود ۱/۵ میلیارد، جمعیت مسیحیان حدود ۲ میلیارد و جمعیت یهودیان حدود ۱۵ میلیون نفر است. یعنی چیزی حدود یک صدم جمعیت مسلمانان. مهمترین دلیل کمی جمعیت یهودیان این است که یهودیان اعتقاد دارند دین آنها ترکیبی از دین و نژاد است. از این رو آنها هیچوقت دین خود را در بین دیگران تبلیغ نکرده و علاقه‌ای به جذب کردن بقیه مردم به دینشان ندارند. از این رو هیچگاه یهودی که در حال تبلیغ دین خود

به دیگران باشد یافت نمیشود. حتی اگر کسی قصد یهودی شدن داشته باشد بیشتر اوقات یهودیان سعی میکنند او را منصرف کنند. آنها اعتقاد دارند که تورات میراث آنان است و بقیه نباید آن را بخوانند.

با وجود اینکه مسلمانان و مسیحیان علاقه زیادی به اینکه بقیه را به دین خود در آورند دارند ولیکن یهودیان اصلا تمایلی به یهودی کردن بقیه مردم نشان نمیدهند. ازدواج بین آنان و دیگر اقوام بسیار کم است و تا قبل از جنگ جهانی دوم در بیشتر جوامع تقریبا نزدیک به صفر بوده است. یهودیان اعتقاد دارند که دارای نژاد پیامبران هستند. اکثریت پیامبران عبرانی و از نسل اسحاق و یعقوب بوده و از این رو جد یهودیان میباشند. بر اساس هالاخا (فقه یهودی) کسی که از مادر یهودی متولد شود یهودی است حتی اگر به دین دیگری درآید. از این رو یهودی بودن در خون فرد و نه در اعمال او است.

یکی از برهانهای اصلی وجود خدا که بعد از جنگ جهانی دوم فراموش شده است، هوش استثنایی و قدرت عجیب یهودیان است. خداوند در قرآن و کتاب مقدس ذکر کرده است که آنها را نسبت به تمامی مردم دنیا برتری داده است.

زیرا شما قومی مقدس در نزد پروردگار خدای خود هستید: پروردگار خدای شما، شما را انتخاب کرده تا جواهر او باشید، از بین تمامی مردمانی که بر روی زمین هستند.

عهد عتیق ، سفر تثئیه ، فصل ۷ آیه ۶

شما برای یهوه خدای خود قومی مقدس هستید، و خدا شما را برای قوم برگزیده

خود از بین تمامی ملت‌های روی زمین انتخاب کرده است. عهد عتیق، سفر تثبیه،

فصل ۱۴ آیه ۲

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنْتِي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ أَي

فرزندان اسرائیل از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتیم و [از] اینکه من شما را بر

جهانیان برتری دادم یاد کنید. سوره بقره آیه ۴۷ و ۱۲۲

با کمی کنکاش دیدن این مطلب که یهودیان دارای هوش استثنایی در زمینه علم، هنر و تجارت میباشند سخت نیست. تمامی دانشگاه‌های آمریکا و کشورهای غربی، دارای جمعیت بسیار قابل توجهی از یهودیان میباشند حال آنکه در بسیاری از این جوامع یهودیان کمتر از ۲٪ کل جمعیت هستند. با این وجود حضور آنها در رشته های علمی مخصوصا رشته هایی مانند پزشکی، وکالت، مهندسی و غیره گاه تا ۵۰٪ است. یعنی این افراد حدود ۱۰ تا ۱۰۰ برابر جمعیت آماری جامعه در دانشگاهها حضور دارند. بسیاری از یهودیان دارای شجره نامه بوده و قادرند نسل خود را تا داوود و یا هارون دنبال کنند. برای مطمئن شدن از صحت گفته های من کافی است اینترنت واژه نامهای خانوادگی یهودی (*Jewish surnames*) را در اینترنت جستجو کرده و سپس سری به سایت اینترنتی هر یک از دانشگاههای مطرح آمریکا مانند هاروارد بزنید. خواهید دید که در هر دانشکده تعداد یهودیان چیزی حدود ۳۰-۵۰٪ است که بسیار بیشتر از جمعیتی است که بر اساس توزیع آماری جمعیت آنها در جامعه میبایست باشد.

علامت دانشگاه ییل (Yale) که یک از معروفترین دانشگاههای آمریکا است. دقت کنید که زبان نوشته شده بر روی آن عبری و نه لاتین و یا انگلیسی است حال آنکه عبری هیچگاه زبان ایالات متحده و یا کلیسا نبوده است.



گشتی در دنیای تجارت و اقتصاد نیز دید مشابهی ایجاد خواهد کرد. یهودیان جمعیت بسیار کمی در آمریکا دارند ولیکن بسیاری از شرکتهای، بانکها و تجارت‌های آمریکا مختص آنان است. حضور آنان در این عرصه ها گاه تا ۵۰ برابر مقدار پیش بینی بر اساس جمعیت آماری آنان است. به طور مثال یک توزیع آماری یکنواخت ایجاب میکند که اگر یهودیان ۲ درصد جمعیت آمریکا هستند، حضور آنان به عنوان رئیس شرکتهای بزرگ نیز باید حدود ۲ درصد باشد. ولیکن در عمل در بعضی رشته ها این امر تا حدود ۵۰ درصد و بیشتر است.

قدرت یهودیان در ایالات متحده عجیب و باورنکردنی است. در هیات رئیسه بانک مرکزی آمریکا (*Federal Reserve Board of Governors*) از هفت نفر، چهار نفر (بن برنانکی (*Ben Bernanke*))، ژانت یلن (*Janet Yellen*))، جرمی ستاین (*Jeremy Stein*))، سارا بلوم (*Sarah Bloom*)) یهودی هستند. در رئیسان شعبه های بانک مرکزی از ۱۲ رئیس شعبه ۸ نفر یهودی هستند. شرکت بانکداری گلدمن-سکز (*Goldman-Sachs*) توسط مارکوس گلدمن (*Marcus Goldman*) و ساموئل سکز (*Samuel Sachs*) ایجاد شده و توسط لویید بلانکفاین (*Lloyd Blankfein*) و گری کوهن (*Gary Cohn*) مدیریت میشود. کمپانی مترو-گلدوین-میر توسط ساموئل گلدوین (*Samuel*

*Goldwyn* - یهودی لهستانی) و لوئیس مایر (*Louis B. Mayer* - یهودی روسی) و به مدیریت مارکوس لو (*Marcus Loew* - یهودی آمریکایی) ایجاد شد. استودیو پارامونت (*Paramount Pictures*) توسط آدولف زو کور (*Adolph Zukor* - یهودی مجارستانی) و جسی لاسکی (*Jesse Lasky* - یهودی) ایجاد شده است. رئیس شرکت سونی پیکچرز (*Sony Pictures*) مایکل لیتون (*Michael Lynton* - یهودی آلمانی) است. کمپانی فاکس قرن بیستم (*20th Century Fox*) توسط ویلیام فاکس (*William Fox* - یهودی آلمانی) ایجاد شده است. کمپانی یونیورسال (*Universal Studios*) توسط کارل لائمله (*Carl Laemmle* - یهودی آلمانی) ایجاد شده است و اکنون نیز توسط ران میر (*Ron Meyer* - یهودی آمریکایی) مدیریت میشود. کمپانی والت دیزنی که به دست یک غیریهودی والتر دیزنی (*Walter Disney*) ایجاد شده بود پس از مرگ او به دست یهودیان افتاد و اکنون توسط باب ایگر (*Bob Iger*) مدیریت میشود. کمپانی وارنر بروس (*Warner Bros.*) توسط برادران وارنر آلبرت، هری، سام و جک که همگی یهودی لهستانی بودند ایجاد شد و اکنون نیز توسط بری میر (*Barry Meyer* - یهودی آمریکایی) مدیریت میشود. آکادمی اسکار و جایزه آن توسط لوئیس میر (*Louis B. Mayer*) رئیس مترو-گلدوین-میر یهودی روسی) ایجاد شد. شبکه تلویزیونی کامکست (*Comcast*) توسط برایان رابرتز (*Brian Roberts* - یهودی آمریکایی) مدیریت میشود. شبکه تلویزیونی (*CBS*) توسط سامنر ردستون (*Sumner Redstone* - یهودی آمریکایی) مدیریت میشود. شبکه تلویزیونی ن.بی.سی. (*NBC*) توسط دیوید سارنوف (*David Sarnoff* - یهودی روسی) ایجاد شد. شبکه تلویزیونی شو تایم نتورکز (*Showtime Networks*) توسط متیو بلانک (*Matthew Blank* - یهودی) مدیریت میشود. از ۶۶ مدیر شبکه های تلویزیونی آمریکا ۵۹ نفر یهودی هستند که معادل ۸۹٪ میشود. در صورتی که یهودیان ۲٪ جمعیت آمریکا هستند.



**THEY ALL CONTROL YOUR THOUGHTS,  
AND THEY ARE ALL JEWS.**

یهودیان حضور بسیار زیادی در عرصه رسانه دارند و رسانه را به طور کامل تحت تسلط خود درآورده اند و به کمک این قدرت افکار بقیه مردم را کنترل میکنند.

رئیس کمپانی میکروسافت استیو بالمر (*Steve Ballmer* یهودی آمریکایی) است. نایب رئیس و کمک موسس شرکت اپل (*Apple*) استیو وزنیاک (*Steve Wozniak*) یهودی است. شرکت گوگل (*Google*) توسط لری پیج (*Larry Page*) و سرگئی برین (*Sergey Brin*) هر دو یهودی روسی ایجاد شد و توسط اریک اشمیت (*Eric Schmidt* یهودی آمریکایی) مدیریت میشود. شرکت کامپیوتر کمودور (*Commodore*) توسط جک ترامیل (*Jack Tramiel*) یهودی لهستانی ایجاد شد. کمپانی فیسبوک (*Facebook*) توسط مارک زوکربرگ (*Mark Zuckerberg* یهودی آمریکایی) ایجاد شد و مدیریت میشود. کمپانی کالوین کلاین (*Calvin Klein*) توسط کالوین کلاین یهودی آلمانی ایجاد شد.

کمپانی رالف لورن (*Ralph Lauren*) توسط رالف لورن یهودی لهستانی ایجاد شد. کمپانی گپ (*Gap*) توسط خانواده فیشر (*Fisher* یهودی آلمانی) ایجاد شد و مدیریت میشود. کمپانی گس (*Guess*) توسط پل و موریس مارسیانو (*Paul and Maurice Marciano*) یهودیان مراکشی ایجاد شد و مدیریت میشود. کمپانی جورداش (*Jordache*) توسط جو، رالف و آوی نکاش (*Joe, Ralph and Avi Nakash*) برادران یهودی ایجاد شد و مدیریت میشود. کمپانی *DKNY* توسط دانا کاران (*Donna Karan*) یهودی ایجاد شد و مدیریت میشود. کمپانی ایزاک میزراهی (*Isaac Mizrahi*) توسط ایزاک میزراهی یهودی سوری ایجاد شد و مدیریت میشود. کمپانی بیژن (*Bijan*) توسط یهودی ایرانی بیژن پاکزاد مدیریت میشود. کمپانی کنت کول (*Kenneth Cole*) توسط کنت کوهن یهودی ایجاد شده و مدیریت میشود. کمپانی بنانا ریپابلیک (*Banana Republic*) توسط بیل روزنزویگ (*Bill Rosenszweig*) و مل و پاتریشیا زیگلر (*Mel and Patricia Ziegler*) ایجاد شد. کمپانی دل (*Dell*) توسط مایکل دل (*Michael Dell* یهودی آمریکایی) مدیریت میشود. کمپانی ریل نکتورکز (*Real Networks*) توسط راب گلیسر (*Rob Glaser* یهودی آمریکایی) مدیریت میشود. کمپانی اورکل (*Oracle*) توسط لاری الیسون (*Larry Ellison* یهودی آمریکایی) ایجاد شده و مدیریت میشود. روزنامه نیویورک تایمز به آرتور سالزبرگر (*Arthur Sulzberger* یهودی آمریکایی) تعلق دارد. در عرصه علم و دانش نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. یوناس سالک (*Jonas Salk* یهودی روسی) اولین واکسن فلج اطفال را ایجاد کرد. نیلز بوهر (*Niels Bohr* یهودی دانمارکی) مدل اتم را کشف کرد. در بین برندگان جایزه نوبل شیمی ۳۳ نفر یهودی بوده اند که ۲۰٪ تمامی برندگان بودند. در بین اقتصاد ۲۹ نفر یهودی بودند که ۴۱٪ تمامی برندگان هستند. در ادبیات ۱۳ نفر یا ۱۲٪ برندگان، در فیزیک ۵۰ نفر یا ۲۳٪ برندگان، در پزشکی ۵۳ نفر یا ۲۶٪ برندگان یهودی بودند. در بین برندگان مدال علمی ملی آمریکا ۳۸٪

یهودی بوده اند. در بین برندگان جایزه تورینگ *ACM* ۲۹٪ یهودی بودند. در بین برندگان جایزه شونون *IEEE* ۳۵٪ یهودی بودند. کسیمیر فانک (*Casimir Funk* یهودی روسی) ویتامین را کشف کرد. سیگموند فروید (*Sigmund Freud* یهودی اتریشی) روانشناسی سایکوانالیز را ایجاد کرد. باروخ اسپینوزا (*Baruch Spinoza* یهودی هلندی) فلسفه علم مدرن را نوشت. جان ون نیومان (*John Von Neumann* یهودی مجارستانی) تئوریهای ریاضی مدرن نظیر تئوری ست، روشهای عددی، تئوری بازی و غیره را ایجاد کرد. سلمان وکسمن (*Selman Waksman* یهودی روسی) آنتیبیوتیک را کشف کرد. لئو زیلارد (*Leo Szilard* یهودی مجارستانی) اولین راکتور اتمی را ایجاد کرد. امیل برلینر (*Emile Berliner* یهودی آلمانی) اولین گرامافون را ایجاد کرد. کارل ژاکوبی (*Carl Jacobi* یهودی آلمانی) مارتیس ژاکوبی را در ریاضیات ایجاد کرد. بمب اتمی توسط فیزیکدانان یهودی نظیر رابرت اوپنهایمر (*Robert Oppenheimer*)، ریچارد فاینمن (*Richard Feynman*) و ایزیدور ربی (*Isidor Rabi*) ایجاد شد. فردیناند کوهن (*Ferdinand Cohn*) یهودی باکتریولوژی مدرن را ایجاد کرد. هاینریش هرتز (*Heinrich Hertz* یهودی آلمانی) موجهای رادیویی را کشف کرد. ویلیام هرشل (*William Herschel*) یهودی سیاره اورانوس را کشف کرد. ادوارد تلر (*Edward Teller*) یهودی بمب هیدروژنی را ایجاد کرد. گریگوری بینکوس (*Gregory Pincus*) یهودی اولین قرص جلوگیری از بارداری را تولید کرد. باب کاهن (*Bob Kahn*) یهودی پروتوکل انتقال اطلاعات بر روی اینترنت (*TCP/IP*) را ایجاد کرد. کارل لندستاینر (*Karl Landsteiner*) یهودی گروههای خونی را کشف کرد. ماکس بورن (*Max Born*) مکانیک کوانتوم را ایجاد کرد. دنیس گبور (*Dennis Gabor*) هولوگرافی را ایجاد کرد. بنوا مندلبرو (*Benoit Mandelbrot*) یهودی فراکتالها را کشف کرد. اوزیل



گال (*Uziel Gal*) مسلسل یوزی را ایجاد کرد. آبراهام ماسلو (*Abraham Maslow*) تئوری طبقه بندی نیازهای ماسلو را ایجاد کرد. نوستراداموس (*Nostradamus*) یهودی بود.

در عرصه سینما نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. جری لوئیس (*Jerry Lewis*)، لیزا کودرو (*Lisa Kudrow*)، کرک داگلاس (*Kirk Douglas*)، بن کینگزلی (*Ben Kingsley*)، بن استیلر (*Ben Stiller*)، پل نیومن (*Paul Newman*)، ست گرین (*Seth Green*)، ناتالی پورتمن (*Natalie Portman*)، آلیسیا سیلورستون (*Alicia Silverstone*)، وودی آلن (*Woody Allen*)، لری کینگ (*Larry King*)، جری ساینفلد (*Jerry Seinfeld*)، دیوید شویمر (*David Schwimmer*)، استیون سیگال (*Steven Seagal*)، باربارا استریسند (*Barbara Streisand*)، برادران مارکس (*Marx brothers*)، آدام سندلر (*Adam Sandler*)، هریسون فورد (*Harrison Ford*)، گوینت پالترو (*Gwyneth Paltrow*)، لئونارد نیموی (*Leonard Nimoy*)، ویلیام شتتر (*William Shatner*)، وینونا رایدر (*Wynona Ryder*)، شیا لایبوف (*Shia LaBeouf*)، دانیل رادکلیف (*Daniel Radcliffe*)، جک بلک (*Jack Black*)، پاولا عبدل (*Paula Abdul*)، ماییم بیالیک (*Mayim Bialik*)، ساشا بارون کوهن (*Sacha Baron Cohen*)، میلا کونیس (*Mila Kunis*) و بسیاری دیگر همه یهودی هستند.

از نظر مالی نیز یهودیان دارای قدرت بسیار زیادتری نسبت به بقیه آمریکاییها هستند. ۵۵٪ یهودیان آمریکا دارای درآمد بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ دلار هستند که این رقم در بین بقیه آمریکاییها ۱۹٪ است. در بین دانشگاههای معروف آمریکا دانشگاه نیویورک (*NYU*) دارای ۳۳٪، دانشگاه بوستون (*Boston University*) ۲۰٪، دانشگاه کورنل (*Cornell University*) ۲۵٪، دانشگاه هاروارد (*Harvard University*) ۳۰٪ و دانشگاه کلمبیا (*Columbia University*) ۲۹٪ دانشجوی یهودی دارند.

نکته جالب دیگر در مورد یهودیان این است که آنها به صورت تاریخی فقط در شغل‌های خاصی یافت می‌شود. به طور مثال یهودی کارگر ساده، کشاورز و یا یهودی گدا وجود ندارد. بیشتر یهودیان دارای شغل‌هایی هستند که اولاً با تعداد زیادی از مردم در ارتباط هستند. ثانیاً این شغلها اکثراً به کار فیزیکی کم و کار ذهنی و زبانی بالا احتیاج دارد. یهودیان استعداد عجیب و منحصر به فردی از خود در پزشکی، وکالت، مهندسی، ریاضیات، اقتصاد و علوم مشابه نشان می‌دهند. بیشتر این علوم احتیاج به توانایی ذهنی بالا و توانایی فیزیکی کم دارند. در بیشتر کشورهای دنیا تعداد یهودیان در بین پزشکان بسیار زیاد است. همچنین یهودیان در شغل‌هایی که باید بر روی بقیه مردم تاثیر بگذارند بسیار زیادند. سینما و بازیگری بسیار مورد علاقه آنان است. هالیوود دارای تعداد بسیار زیادی یهودی است. این حضور یهودیان در عرصه سینما و تلویزیون بسیار بیشتر از جامعه آماری آنان است.

به طور کلی ویژگی‌های یهودیان را میتوان به صورت زیر خلاصه کرد:

- آنها در تمامی سرزمینها غریبه بودند و به صورت تاریخی در هیچکجا دارای حق شهروندی نبودند.
- آنها در تمام دنیا پخش بودند و هیچگاه در یکجا متمرکز نبودند.
- جدا زندگی کردن آنها از غیریهودیان اختیاری بود و قسمتی از فلسفه دینی آنان بود.
- آنها استاندارد اخلاقی دوگانه داشتند، یکی برای خودشان و یکی برای غیریهود، اینکار باعث تقویت روحیه گروهی آنان میشد.
- آنها فقط در جماعت خود ازدواج میکردند.
- آنها دارای ثروت زیاد و به صورت نقد مانند پول و طلا بودند.

- آنها باسواد بودند و به تمامی فرزندان خود خواندن و نوشتن یاد میدادند با اینکه غیریهودیان اکثراً سواد خواندن و نوشتن نداشتند.

- آنها به صورت گروهی عمل میکردند. اگر یکی از آنها دچار مشکل میشد تمامی یهودیان از همه جای دنیا برای کمک به او بسیج میشدند.

## ذریه ابراهیم

خواندن قرآن و کتاب مقدس به مساله دیگری نیز اشاره میکند. خداوند وقتی نسل دو پسر ابراهیم، اسحاق و اسماعیل را جدا میکند، برای نوادگان هر یک محل عبادتی میسازد. محل عبادت اسماعیل و فرزندانش کعبه در مکه و محل عبادت برای فرزندان اسحاق، معبد سلیمان در اورشلیم (بیت المقدس) است. با اینکه کعبه پس از بنای آن توسط اسماعیل و ابراهیم تا به امروز امن بوده و پا برجا مانده است، معبد فرزندان اسرائیل دو بار به صورت کامل تخریب شده است.

و در کتاب آسمانی [شان] به فرزندان	وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ
اسرائیل خبر دادیم که قطعا دو بار در	لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا
زمین فساد خواهید کرد و قطعا به	كَبِيرًا (۴)
سرکشی بسیار بزرگی برخواهید خاست	فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا
(۴)	أُولَىٰ بِأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ
پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن	وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (۵)
دو فرا رسد بندگانی از خود را که سخت	

نیرومندانند بر شما می‌گماریم تا میان  
خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به  
جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی  
است (۵)

پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان  
چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران  
یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را  
بیشتر می‌گردانیم (۶)

اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده‌اید و اگر  
بدی کنید به خود [بد نموده‌اید] و چون  
تهدید آخر فرا رسد [بیایند] تا شما را  
اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنانکه بار  
اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر  
چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند  
(۷)

### سوره اسراء، آیه ۴-۷

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ  
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا (۶)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ  
فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا  
وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ  
مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا (۷)

معبد اول در زمان سلیمان بنا شده و محل عبادت یهودیان شد. این معبد توسط بخت النصر پادشاه بابلان  
تخریب شد و یهودیان در بابل به اسارت گرفته شدند. بعد از اینکه کورش هخامنشی با حمله به بابل آنها را

آزاد کرد، یهودیان به ساخت معبد دوم مشغول شدند که در زمان داریوش تکمیل شد. این معبد تا ۷۰ سال بعد از به دنیا آمدن عیسی پابرجا بود که در نهایت توسط تیتوس (*Titus*) امپراتور روم تخریب شد و یهودیان در اقصی نقاط دنیا پخش شدند. رومیان زندگی یهودیان در اورشلیم را ممنوع کرده و اورشلیم را محل پرستش خدایان خود کردند. بر اساس کتاب مقدس در زمان وجود معبد، مراسم خاصی وجود داشت. معبد دارای کاهنین خاصی بود که وظایف خاصی داشتند. چون اولین کاهن، هارون بود فرزندان او کوهن (*Kohen*) نامیده میشوند. از این رو کوهنها نسل به نسل در زمان وجود معبد، وظیفه انجام اعمال مخصوص نظیر اهدای قربانی و غیره را داشتند. بعد از نابودی معبد وظایف کوهنها دیگر وجود نداشت ولیکن این افراد همچنان در بین یهودیان دارای مقام خاصی بودند. در اسرائیل امروزی نیز برای کوهنها وضعیت ویژه‌ای وجود دارد و ازدواج با آنها دارای قوانین خاصی است. این افراد با نامهای خانوادگی مانند کوهن، کاهن، کوئن و غیره مشخص هستند. گشت و گذاری در دانشگاهها، شرکتها و یا افراد معروف کشورهای غربی باعث میشود که افراد زیادی با نام خانوادگی کوهن مشاهده کنید. به طور مثال با جستجوی لغت کوهن در سرویس گوگل اسکولار (*Google Scholar*) که در بین مقالات علمی جستجو میکند، مقالات بیشماری در حد چندین میلیون نوشته شده توسط افرادی با نام خانوادگی کوهن خواهید یافت. حال آنکه جمعیت کل یهودیان در دنیا ۱۵ میلیون نفر است و کمتر از ۵۰٪ این افراد کوهن هستند.

تعداد افرادی که دارای نام خانوادگی کوهن هستند در بین دانشمندان بسیار زیاد است. اگر نحوه های نوشتن دیگر این نام خانوادگی نظیر *Kohn*, *Kaplan*, *Katz*, *Kohen* و غیره را نیز اضافه کنیم تعداد بسیار بیشتری خواهیم یافت.



با جستجو در جاهای دیگری نظیر رئیس شرکتهای، رئیس بانکها و افراد مهم و مشهور کوهنهای بیشماری خواهید یافت. به طور مثال فیلمسازان مشهور برادران کوئن (*Coen brothers*) (کوهن) هستند، رئیس سابق بانک جهانی دومینیک اشتراس کاهن (*Dominique Strauss Kahn*) (کوهن) بود، یا یکی از رئیسان شرکت بزرگ بانکداری گلدمن سکز گری کوهن (*Gary Cohn*)، رئیس جدید دادگاه عالی ایالات متحده النا کاگان (*Elena Kagan*) (کوهن) است. اگر ترکیبات مختلف این نام خانوادگی را در نظر بگیرید تعداد کوهنهای بیشمارتری در نقاط حساس و کلیدی خواهید یافت. حال از خود بپرسید اگر خدا وجود ندارد چگونه ممکن است قوم برگزیده خدا دارای استعداد و توانایی منحصر به فرد باشد. اگر خدا وجود ندارد آیا امکان پذیر است که کسانی که او گفته است به بقیه مردم برتری داده، کنترل تمامی نقاط مهم دنیا را در دست داشته باشند. آیا بر اساس فقط آمار و احتمالات ممکن است کسانی که تنها جمعیتی حدود ۳ یا ۴ میلیون نفر در کل دنیا داشته باشند اینگونه در پستهای حساس و کلیدی در تمامی دنیا نقش اساسی داشته باشند؟ در صورتی که آمار و احتمال و ریاضیات بیان میکند که اگر تمامی مردم دنیا از نظر استعداد یکسان بوده و هوش بالا در درصد اندکی از هر قومی وجود داشته باشد آیا نباید یهودیان نیز در دانشگاهها به اندازه جمعیت خود حضور داشته باشند؟

مسلمانان و مسیحیان ضد صهیونیست گاهها این مساله را رد کرده و توجه به آنرا نژادپرستی میدانند. حال آنکه خداوند به طور مشخص از یک قوم و نه یک دین در کتابهای آسمانی صحبت کرده و فرزندان فرد

مشخصی (نه مردمان دارای دین خاص) را به عنوان افرادی که خداوند به بقیه برتری داده صحبت میکند. خیلی وقتها ممکن است ما کاری که خدا انجام داده است را نپسندیم زیرا علم کافی برای فهمیدن دلیل آن نداریم. ولی با رد کردن ما چیزی تغییر پیدا نمیکند.

توجه به قرآن مساله دیگری را نیز روشن میکند. خداوند بعد از برگزیدن هر فرد به پیامبری به او حکم و علم میدهد. ("و نوح اتیناه حکما و علما") این حکم و علم به آن فرد دانش و حکمتی میدهد که شایستگی رهبری مردم و هدایت آنها را داشته باشد. حال اگر این افزایش حکم و علم تغییر ژنتیکی یا موتاسیون در فرد ایجاد کند این افزایش هوش به فرزندان آن فرد نیز منتقل میشود. خداوند بارها در قرآن به مساله ذریه اشاره میکند. مراجعه به کتاب مقدس نیز مبحث مشابهی به نام *seed* دارد که در آن نسل افراد با ایمان و با تقوی در زمین گسترش میابد.

از این رو در دیدگاه خداوند ژنتیک دارای اهمیت زیادی بوده و انسانهای صالح به واسطه گسترش نسل آنها نیز پاداش میگیرند. همچنین خداوند حتی فرزندان افراد ناصالح را نیز به خاطر اعمال بد پدران آنها مجازات میکند. به طور مثال در زمانی که خداوند با ابراهیم، اولین بت شکن، عهد میبندد به او میگوید که نسل او را پاداش داده و مردمان زیادی از نسل او ایجاد خواهد کرد.

**خداوند به ابرام (ابراهیم) فرمود: با دقت به اطراف خود نگاه کن! تمام این سرزمین را که می بینی، تا ابد به تو و نسل تو می بخشیم. نسل تو را مانند غبار زمین بی شمار می گردانم.**

**عهد عتیق، کتاب پیدایش، ۱۱:۱۳**

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا  
هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ  
وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ  
نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (٨٤)

و به او (ابراهیم) اسحاق و یعقوب را  
بخشیدیم و همه را به راه راست درآوردیم و  
نوح را از پیش راه نمودیم و از نسل او  
(ذریه او) داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِيلَىٰ كُلٌّ مِّنَ  
الصَّالِحِينَ (٨٥)

موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این  
گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (٨٤)  
و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه  
از شایستگان بودند (٨٥)

وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا  
عَلَى الْعَالَمِينَ (٨٦)

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط که  
جملگی را بر جهانیان برتری دادیم (٨٦)

وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ  
وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ (٨٧)

و از پدران و فرزندان (ذریه ها) و  
برادرانشان برخی را [بر جهانیان برتری  
دادیم] و آنان را برگزیدیم و به راه راست  
راهنمایی کردیم (٨٧)

—سوره انعام آیه ٨٤-٨٧—



این پاداش به واسطه اعمال صالح ابراهیم و سربلند بیرون آمدن از آزمایشهای الهی بود. از این رو پیامبر شدن هر فردی وضعیت ویژه‌ای برای ذریه او ایجاد خواهد کرد. یهودیان نیز به دلیل داشتن ذریه پیامبرانی نظیر ابراهیم، اسحاق، یعقوب (اسرائیل) و غیره دارای هوش فوق العاده‌ای هستند.

خواندن کتاب مقدس و قرآن مساله مهم دیگری را نیز آشکار میکند. عهد خداوند با فرزندان اسرائیل عهدی مشروط است. خداوند از فرزندان اسرائیل عهد میگیرد که چیزی جز خدا را نپرستند و به پدر و مادر و یتیمان و فقیران نیکی کنند و با مردم به نیکی سخن بگویند. در صورتی که فرزندان اسرائیل به عهد خود با خدا پایبند باشند خدا نیز آنان را پاداش بی پایان میدهد. ولیکن فرزندان اسرائیل ناخلف بوده و عهد خود با خداوند را زیر پا میگذارند. از این رو گناهان بسیار بزرگی مرتکب شده و حتی پیامبران بعدی را به دروغ بسته و یا میکشند. از این رو خداوند تصمیم به عذاب آنان میگرد. عذاب آنان برای بار اول نابودی معبد سلیمان و به اسارت گرفته شدن در بابل است.

بابل شهری پر از گناه و فساد بود که در آن انواع فساد نظیر فسادهای مختلف جنسی به صورت پرستش ایشتار (*Ishtar*)، قربانی کردن کودکان و انواع گناهان بسیار رایج است. بابل مرکز بت پرستی بود و خدای اصلی آن مردوک (*Marduk*) بود. معبد مردوک دارای بت‌های طلایی از بل (*Bel*) و ایشتار (*Ishtar*) بود. بابل دارای ۵۳ معبد و ۱۸۰ قربانگاه برای ایشتار، خدای ماه و خدای سکس بود. روسپیگری مقدس در بین زنان بابل رواج داشت. در قرآن آمده است که خداوند در بابل یهودیان را یکبار دیگر آزمایش کرده و دو فرشته به نامهای هاروت و ماروت را به آنها میفرستد.

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا  
يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ

حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (١٠٢)

و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلا به او] می‌گفتند ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم پس زنهار کافر نشوی و [لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید و قطعا [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد در آخرت بهره‌ای ندارد و که چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند.

—سوره بقره آیه ۱۰۲—

این دو فرشته به مردم جادوهایی یاد میدهند که قدرت زیادی به آنها میدهد ولیکن این جادوها مردم را کافر میکند. آنها به همه کسانی که قصد یادگیری دارند اخطار میدهند که در صورت یادگیری این جادوها کافر میشوند ولیکن مردم به دلیل علاقه شدید به قدرت دستور خدا را زیر پا گذاشته و از آزمایش سرافکننده

بیرون می‌آیند. دین یهودی بعد از آزاد شدن یهودیان از بابل دچار تغییرات عجیبی شد و دیگر دین موسی نبود. یهودیان بسیاری از رسوم بابلیان را وارد دین خود کردند.

بعد از آزادی از بابل و ساخت معبد دوم خداوند یکبار نهایی یهودیان را آزمایش میکند. در این زمان آخرین پیامبر از نسل اسحاق، عیسی مسیح به عنوان مسیح موعود به آنها نازل میشود. در تورات به یهودیان وعده داده شده است که فردی از نسل داوود به عنوان مشیحا (مسیح) خواهد آمد که یهودیان را از اسارت نجات داده و دوباره پادشاهی داوود را برقرار خواهد ساخت. خداوند برای آزمایش بیشتر عیسی را بدون پدر خلق میکند. یهودیان که منتظر بودند که مسیح موعود آنها از نسل داوود باشد عیسی را رد کرده و به مادر او تهمت زنا میزنند. با اینکه مادر او مریم از نسل داوود بوده و شرایط داشتن نسل داوود را برآورده میکرد. عیسی دارای معجزاتی است که به هیچیک از پیامبران قبل از او داده نشده بود. او به اذن خدا مرده را زنده میکند و بیماران را شفا میدهد. عیسی بعد از بزرگ شدن به تعلیم دین اصلی میردازد و یهودیان را از کارهای بد خود منع میکند. یهودیان منتظر بودند که عیسی حکومت زمینی برپا کرده و غیریهودیان را تسلیم کند ولیکن عیسی به آنها میگوید که پادشاهی خدا معنوی و نه دنیوی است. عیسی با رباخواری آنان به مقابله برمیخیزد و معبد اورشلیم را از صرافان پاکزدایی میکند.

یهودیان توطئه کرده و تصمیم میگیرند او را به صلیب بکشند. عیسی به آنها وعده میدهد که خداوند معبد دوم آنها را تخریب کرده و عذابی سخت به آنان نازل خواهد کرد. بعد از اینکه به صلیب کشیده شدن عیسی به یهودیان مشتبه میشود حدود ۴۰ سال بعد عذاب خداوند به دست رومیان به یهودیان نازل میشود. در زمان مشتبه شدن به صلیب کشیدن یهودیان از فرمانده رومی درخواست میکنند که عیسی را به صلیب بکشد. پونتئوس پیلاته (*Pontius Pilate*) میگوید که او عیسی را مستحق مرگ نمیباید ولیکن یهودیان با اصرار او را مجبور میکنند.

”فریسیان گفتند خون او (عیسی) بر گردن ما و بر گردن فرزندان ماست.“ – عهد جدید،

انجیل متی 27:25

یهودیان به اسارت گرفته شده و در تمامی نقاط دنیا پخش میشوند. از این رو از این پس یهودیان به عنوان یک اقلیت در تمامی کشورهای دیگر حضور دارند. خداوند در قرآن وعده دیگری نیز به یهودیان میدهد. خداوند اعلام میکند که به دلیل دروغ بستن به پیامبران و کشتن بعضی از آنان و رفتار آنها با عیسی ابن مریم تا روز قیامت افرادی را به آنان مسلط خواهد کرد تا سخت ترین نوع عذاب را به آنان بچشانند. از این رو یهودیان در تمامی کشورهای دنیا منفورترین افراد بوده و بدترین نوع رفتار را میچشند. این سرنوشت که خود یهودیان آنرا یهودی ستیزی (*Antisemitism*) مینامند در تمامی نقاط دنیا تا قبل از جنگ جهانی دوم وجود داشت. در ایران نیز مردم به شدت از یهودیان متنفر بودند و رفتار بسیار بدی با آنان داشتند. یهودیان به صورت یک اقلیت در کشورهای مختلف یک اقلیت مجزا بودند. آنها هیچگاه در اکثریت جمعیت حل نشده و خود را مستقل نگاه داشتند. یهودیان اکثرا در محله های خود ساکن بوده و ارتباط بسیار کمی با بقیه مردم داشتند. ازدواج بین آنان و بقیه مردم بسیار اندک بود. بیشترین تعامل آنها با بقیه در دادن ربا (وام با سود)، پزشکی، فروش دارو، اجناس دست دوم، جمع آوری مالیات و غیره بود. دادن ربا به صورت ذاتی خشم مردم را برمیانگیزد زیرا کاری مضر و انگل گونه است. از این رو عامه مردم از آنان متنفر بوده و دید بسیار بدی نسبت به آنان داشتند. یهودیان معمولا در دولتها نفوذ کرده و با دادن پول به مقامهای دولتی و یا تهدید به افشای مسائل سوء اخلاقی آنان را مجبور میکردند که از آنها حفاظت و حمایت کنند. در دربار تقریبا تمامی حاکمان و پادشاهان پزشک یهودی وجود داشته است. از این رو یهودیان هیچوقت خود را مردم

هیچ کشوری نمیدانستند، آنها اول و آخر یهودی بودند و فرانسوی، انگلیسی و یا ایرانی برای آنها اهمیتی نداشت. در صورتی که یک کشور از بین میرفت به کشور دیگر مهاجرت میکردند. یهودیان به دلیل استعداد بالا در تجارت و همبستگی زیاد با یکدیگر قدرت زیادی داشتند. تا آنجا که تجارت بین المللی به صورت کامل در دست آنان بود زیرا آنها هیچگاه بر سر یکدیگر کلاه نمیگذاشتند. این مساله در هر زمان و در هر جای دنیا وجود داشته است.

### یهودیت مخفی

قرآن نیز به مسلمانان هشدار میدهد که یهودیان با اینکه ظاهراً به دین اسلام در میابند در خفی به یهودیت خود ادامه میدهند. آیات ابتدایی سوره بقره به همین مساله مهم اشاره دارد. از این رو آنان وقتی با بقیه مومنین برخورد میکنند ظاهراً میگویند ایمان آوردند ولی وقتی با بقیه یهودیان هستند میگویند که ما فقط آنها را مسخره میکنیم.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ (۱۴) و (یهودیان) چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند می‌گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می‌گویند در حقیقت ما با شما هستیم ما فقط [آنان را] ریشخند می‌کنیم. -سوره بقره آیه ۱۴

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاوِلَ جُؤُومُهُ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۷۶) و [همین یهودیان] چون با کسانی که

ایمان آورده‌اند بر خورد کنند می‌گویند ما ایمان آورده‌ایم و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند می‌گویند چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند آیا فکر نمی‌کنید.

—سوره بقره آیه ۷۶—

تاریخ سرشار از نمونه‌هایی از چنین گرویدن ظاهری است. به دلیل اینکه یهودیان در بین مسلمانان و مسیحیان بسیار منفور بودند بسیاری از آنان ظاهراً به دین اسلام و مسیحیت درآمد ولی در خفی به یهودی بودن خود ادامه می‌دادند. این افراد ظاهراً تمامی قوانین دین جدید را رعایت می‌کردند. آنها نامهای مسیحی و یا اسلامی انتخاب می‌کردند، به همراه بقیه عبادت می‌کردند و حتی به مسجد و کلیسا می‌رفتند. بعضی حتی روحانی و یا کشیش میشدند. ولیکن در ته دل هنوز یهودی بوده و به دین یهودیت پایبند بودند. این یهودیان مخفی معمولاً در نزدیک محله‌های یهودیان ساکن بوده و با یهودیان مخفی دیگر ازدواج می‌کردند. این افراد در ایران "جدیدالاسلام" نامیده میشدند. نمونه معروفی از این گروهها افرادی هستند که در مشهد پس از "واقعه الله داد" در ۱۸۳۹ میلادی مسلمان شدند. در مشهد بعد از اینکه یهودیان متهم شدند که بچه‌ای را برای استفاده از خون او در عید پسخ دزدیده اند مردم به محله آنها حمله کرده و آنها را مجبور به مسلمان شدن کردند. همه این افراد تحت فشار مسلمان شده ولی در خفی یهودی بودند. بسیاری با مهاجرت به اسرائیل به دین قبلی خود بازگشتند. سرنوشت دسته‌ای از این یهودیان توسط یکی از آنان در کتابی به نام جدیدالاسلام: یهودیان تازه مسلمان مشهد ( *Jadid Al-islam: The Jewish New Muslims* ) در ۱۹۷۳ ( *of Meshhed* ) به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است. جواخیم پرنز ( *Joachim Prinz* ) در ۱۹۷۳ درباره یهودیان مشهد مینویسد: "آنها هم در رمضان و هم یوم کیپور روزه می‌گیرند. آنها تمامی اعیاد یهودی و

محمدان (اسلامی) را جشن میگیرند، ولیکن فشار اقتصادی باعث میشود که آنها مغازه های خود را در سبت (شنبه) یهودی باز نگهدارند. بعد از ۱۰۰ سال گرویدن ناقص جدیدان دارای تعهد دوگانه به قرآن و تورات هستند که این برای آنها نه مشکل دینی و نه روانی ایجاد نمیکند. " بعضی از مسلمانان نیز امروزه از سنتهای یهودی تبعیت میکنند بدون اینکه بدانند احتمالاً اجداد آنها یهودی بودند. از آن جمله روشن کردن شمع در جمعه شب (شب قبل از شبات) است، زیرا روشن کردن شمع در روز شنبه در دین یهودی حرام است.

در کشورهای دیگر نیز نظیر این مطلب بسیار اتفاق افتاده است. به طور مثال بعد از اینکه مسیحیان اسپانیا را در سال ۱۴۹۲ باز پس گرفتند یهودیان را مجبور کردند که مسیحی شوند و یا اسپانیا را ترک بگویند. بسیاری از این افراد ظاهراً مسیحی شده ولی در خفی به یهودیت ادامه دادند. این گروه افراد مارانو (*Marrano*) نام داشتند. اینان در اسپانیا باقی ماندند و دارای قدرت اقتصادی زیادی بودند. دو تن از این مارانوها به نامهای لوئیس دو سنت انگل (*Louis de Santangel*) و گابریل سانچز (*Gabriel Sanchez*) از کریستوفر کلمبوس (*Christopher Columbus*) برای سفر به آمریکا حمایت مالی کردند. به طور کلی به یهودیت مخفی در زبان انگلیسی *Crypto-Judaism* اطلاق میشود. به تازگی گروهی از یهودیان در پرتغال پس از ۵۰۰ سال اعلام کردند که یهودی بوده و در پانصد سال گذشته تنها وانمود میکردند مسیحیند. هیچ قوم دیگری غیر از یهودیان نتوانسته است در طول تاریخ اینگونه دوگانه زندگی کند و آن را طبیعی بیابد. استعداد عجیب یهودیان در بازیگری نیز به خاطر این است که قرنهای گذشته بازی کرده اند.

جواخیم پرینز در جای دیگر مینویسد: " وقتی هیتلر سرکار آمد رئیس بانکداران، فرانز وون منلدسوهن (*Franz Von Mendelsohn*) رئیس کلیسای لوتران در آلمان بود. او اعلام کرد که از ریاست کلیسا استعفا میدهد با اینکه بر اساس قوانین نورنبرگ او آریان محسوب میشد. او با اینکه خیلی احساساتی بود

گفت که من نمیتوانم به عنوان بازمانده موزس مندلسوهن (*Moses Mendelsohn*) وانمود کنم. برای من خیلی دیر است که به یهودیت بازگردم."

سیمون ویزنتال (*Simon Wisenthal*) در مورد سیاستمدار اتریشی اتو بائر (*Otto Bauer*) مینویسد:  
"یهودیان موسسین حزب سوسیال دموکرات در اتریش بودند. همیشه رئیسها یهودی بودند. بله ، آدلر پروتستان شد ولیکن بائر گفته بود من یهودی هستم و یهودیت برای من یک قوم است نه یک دین بلکه یک سرنوشت مشترک. و شما نمیتوانید آنرا ترک کنید اگر از دین خارج شوید. از این رو او یهودی مانده بود."

گروهی دیگر به نام دونمه (*Donmeh*) در ترکیه عثمانی ظاهرا مسلمان شدند. این افراد پیروان یک کابالیست یهودی به نام سبتای زوی (*Sabbatai Zevi*) بودند که به صورت جمعی ظاهرا مسلمان شدند. این افراد در تجارت عثمانی نقش اساسی داشته و انقلاب ترکیه را نیز تحت تاثیر زیادی قرار دادند. بسیاری از این افراد در جنبش ترکهای جوان (*Young Turks*) حضور داشتند و نقش اساسی در تصمیم برای کشتار ارمنیان داشتند.

بعضی وقتها حتی یهودیان ظاهرا با بقیه یهودیان نیز مخالفت میکنند. به طور مثال آنها برای نابودی دشمنانشان ظاهرا به کیش آنها در آمده و از یهودیان بد میگویند. حال آنکه در واقع منافع یهودیان را دنبال کرده و گروه مخالف را از درون نابود میکنند. یکی از سران القاعده آدام گادان (*Adam Gadahn*) است. این فرد که در بسیاری ویدیوهای القاعده در نقش یک مسلمان دیوانه و تروریست ظاهر میشود یهودی زاده و دارای نام اصلی آدام پرلمن (*Adam Pearlman*) است. پدربزرگ او در اتحادیه ضد افترا (*Anti Defamation League*) که یکی از سازمانهای اصلی برای پیشبرد منافع یهودیان است عضویت داشته



است. جالب اینکه نه تلویزیونهای خارجی و نه حتی ایرانی اشاره‌ای به یهودی بودن این فرد و دورویی او نمیکنند. فردی دیگر به نام یوسف الخطاب (*Yosef Al Khattab*) در شبکه های تلویزیونی آمریکا به عنوان یک آمریکایی عضو القاعده مطرح شد. تمامی روزنامه ها و کانالهای تلویزیونی در مورد القاعده آمریکایی و خطرناک بودن آن مسائل زیادی مطرح کردند. حال آنکه هیچ یک اشاره نکردند که فرد مذکور یهودی زاده و دارای نام اصلی جوزف کوهن (*Joseph Cohen*) بود. او حتی تعالیم مذهبی یهودی دیده بود و به مدرسه ربانی ارتدوکس یهودی میرفت. او آنقدر از مسلمانان متنفر بود که حتی در بیرون از مسجد به کتک زدن نمازگزاران میپرداخت. بعد با گرویدن ظاهری به اسلام، به احمق و وحشی نمایی مسلمانان پرداخت. نمونه های مشابه این در طول تاریخ بسیارند. یهودیان مردانه جنگ نمیکنند. آنها همیشه با استفاده از دسیسه و دورویی به جنگ با دشمنان خود میپردازند.



سمت راست چهره واقعی یوسف الخطاب با نام یهودی جوزف کوهن به صورت یک یهودی ارتدوکس و سمت چپ چهره او بعد از گرایش ظاهری به اسلام و تروریست شدن در حال خواندن کتاب جهادگر

هسته‌ای.



سمت راست چهره یهودی آدام گادان با نام واقعی آدام پرلمن و سمت چپ چهره او بعد از گرویدن ظاهری به اسلام و تروریست شدن.

### یهودیان چگونه فکر میکنند؟

”وقتی یهودیان نماز روزانه صبح خود را میخوانند میگویند: شلو اسانی گوی، خدایا متشکرم که من را جنتایل نیافریدی.“ – آلفرد جوسپه (*Alfred Jospe*)، صفحه ۱۰

”تنها به چیزی عمل کن که برای بقیه یهودیان خوب است. این تنها روش فکری تو است.“ نصیحت عموی لازار کاگانوویچ (*Lazar Kaganovich*) یهودی، قصاب بلشویک به او، در کتاب گرگ کرملین (*The Wolf of Kremlin*)، نوشته استوارت کاهان (*Stuart Kahan*)

یکی از مسائل اصلی در تفکر یهودی مساله برگزیدگی توسط خداوند است. از این رو یهودیان خود را قوم برگزیده خداوند دانسته و معتقدند وظایف ویژه‌ای در دنیا دارند. در کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید

واژه‌ای عبری به نام "گوی" (عبری : גוי) وجود دارد که خطاب به غیر یهود میشود. در ترجمه لاتین و یا انگلیسی این لغت به جنتایل (*Gentile*) ترجمه میشود.

از این رو در کتاب مقدس یهودیان مردم دنیا به دو دسته یهودی و "گویم" (عبری : גויים) (جمع گوی) تقسیم میشوند که گویم یا جنتایل افرادی هستند که کتاب مقدسی به آنها داده نشده است. یهودیان معتقدند که خداوند آنها را خلق کرده است که سرور مردم زمین بوده و گویم را فقط برای خدمت به آنان مانند گوسفندان آنان خلق کرده است. بر اساس دین یهود، یهودیان هیچ وظیفه‌ای در قبال گویم ندارند و هر بلایی را میتوانند بر سر آنها بیاورند. مهمترین تفاوت گویم در تورات با کافر در دین اسلام و یا مسیحیت این است که در اسلام و مسیحیت کافر بودن به صورت ژنتیک نیست. از این رو در هر زمان فرد کافر میتواند با گرویدن به دین از کفر خارج شود ولیکن در یهودیت گویم به صورت ذاتی و ژنتیک بوده و با گرویدن تغییر نمیکند. دوما بسیاری از اعمال حتی در مورد کسانی که دین ندارند نیز مجاز نیست. به طور مثال اسلام و یا مسیحیت دزدی از بقیه مردم و حتی کافران را درست نمیدانند. قوانین اخلاقی اسلام و مسیحیت دوگانه نیست و اعمال بد همیشه بد محسوب میشود. خداوند در قرآن در مورد مومن و نه مسلم حرف میزند. از این رو ملاک خداوند ایمان درونی و نه ایمان ظاهری است.

"مهمترین قسمت یهودیت مدرن این است که یک گر (گوی، گویم)، یک غریبه، و در واقع تمامی کسانی که به دین آنها تعلق ندارند، حیوانات وحشی هستند، و دارای حقوقی بیشتر از حیوانات نیستند." – سر ریچارد برتون (*Sir Richard Burton*)، یهودی، کولی و اسلام (*The Jew, The Gypsy and el Islam*)، صفحه ۷۳.

یکی از لغاتی که در ترجمه قرآن از صدر اسلام تاکنون همیشه اشتباه ترجمه شده است لغت "امی" است. روحانیون مسلمان که اکثراً سواد دینی بسیار کمی دارند معمولاً این لغت را به عنوان اینکه پیامبر خواندن و نوشتن بلد نبود در نظر میگیرند. ولیکن قرآن لغت امی مربوط به کسانی است که تا آن زمان کتابی به آنان داده نشده بود و ربطی به سواد خواندن و نوشتن ندارد. از این رو لغت امی در قرآن معادل لغت جنتایل و یا گویم است. خاخام جودا هاناسی (*Judah Ha-Nasi*) در نوشته های خود در میدراش تهیلیم (*Midrash Tehillim*) در تفسیر مربوط به زبور ۱۷:۱ (*Psalm 17:1*) از لغت "گویم" برای غیریهودیان همسایه اسرائیل و از لغت "امیم" برای غیریهودیانی که همسایه اسرائیل نبودند استفاده کرده است. لغات عبری وقتی از این زبان به عربی یا فارسی منتقل میشوند "م" آخر را از دست میدهند. از این رو "امیم" در زبان عبری تبدیل به "امی" در زبان عربی میشود. از این رو پیامبر که جنتایل و از مردمانی که همسایه اسرائیل نبودند بود توسط آنها امی خوانده میشد. همچنین لغت گویم در عبری به معنی ملت نیز هست. لغت امت در عربی نیز به همین معنی و از ریشه امی است. این ترجمه صحیح معنی قرآن را به طور کامل دگرگون میکند. در صورتی که دیوار نژادی بین یهودی و جنتایل درک شود اختلافات پیامبر با یهودیان معنی پیدا میکند. جنتایل بودن پیامبر بارها توسط یهودیان به عنوان دلیل اینکه نبوت او غلط است به او یادآوری میشود. چون او تنها پیامبری است که دارای کتاب بوده ولی از نژاد اسرائیل نیست. آنها حتی با جبرئیل نیز دشمنی کرده و او را دشمن خود میخوانند که پیام خدا را به یک جنتایل برده است:

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى

وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷) بگو کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا

که او به فرمان خدا قرآن را بر قلبت نازل کرده است در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی]

پیش از آن و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.

—سوره بقره آیه ۹۷—

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا أُمَّرَهُمْ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ  
إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ  
مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۵۷) قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يُؤْمِنُ  
بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۸) همانان که از این فرستاده پیامبر جنتایل که  
[نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که]  
آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای  
پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و  
بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش  
داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان  
رستگارانند. بگو ای مردم من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم همان [خدایی] که  
فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست هیچ معبودی جز او نیست که زنده می‌کند و  
می‌میراند پس به خدا و فرستاده او که پیامبر جنتایلی است که به خدا و کلمات او ایمان

دارد بگروید و او را پیروی کنید امید که هدایت شوید.

سوره اعراف، آیه ۱۵۷ و ۱۵۸

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۵) و از اهل کتاب کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمري آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمري آن را به تو نمی‌پردازد مگر آنکه دایما بر [سر] وي به پا ایستی این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند (جنتایلهما) بر زیان ما راهی نیست و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند. -سوره آل عمران آیه ۷۵

از این رو قرآن نیز اشاره میکند که یهودیان در تجارت با غیریهودیان (جنتایلهما) معتقدند که نسبت به آنها هیچ مسئولیتی ندارند و میتوانند سر آنها کلاه بگذارند. سری به بازار تهران و یا مراکز اصلی تجارت در هر یک از شهرهای ایران شک هر کسی را در مورد صحیح بودن توصیف قرآن برطرف میکند.

در دین یهودیت همچنین قوانین زیادی به صورت دوگانه وجود دارد. از این رو بسیاری از اعمال نسبت به بقیه یهودیان مذموم بوده ولیکن در مورد گویم ها کاملا آزاد است. مهمترین نمونه این مساله گرفتن سود بر روی پول یا همان ربا است که بر اساس آیه زیر از سفر تثئیه تورات سود گرفتن از یهودی ممنوع ولیکن از غیریهودی آزاد و حلال است.

وقتی به برادر اسرائیلی خود پول ، غذا یا هر چیز دیگری قرض می دهید، از او بهره نگیرید. از یک غریبه (گویم، جنتایل) می توانید بهره بگیرید، ولی نه از یک اسرائیلی اگر این قانون را رعایت کنید خداوند، خدایتان زمانی که وارد سرزمین موعود شوید به شما برکت خواهد داد.

—عهد عتیق، سفر تثئیه، ۲۳:۱۹—

این آیه یکی از تحریفهای بسیار مهم تورات است که خداوند در قرآن ذکر میکند که یهودیان برای به دست آوردن مال دنیا به آن اضافه کرده اند. خدا میگوید که آزاد بودن سود گرفتن از غریبهود را خدا نفرستاده بلکه یهودیان خود به تورات اضافه کرده اند.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (۷۹) پس وای بر کسانی که کتاب را با دستهای خود می نویسند سپس می گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می آورند.

—سوره بقره آیه ۷۹—

یهودیان دارای دعایی به نام کل نیدره (*Kol Nidre*) هستند که همه ساله در عید یوم کیپور (*Yom Kippur*) اعلام میکنند که تمام قولهایی که به جنتایلها خواهند داد میتوانند لغو کنند: "قولهای من مهم نخواهد بود... بدهیهای من بدهی نخواهد بود... سوگندهای من سوگند نخواهد بود... تمامی قولهایی که من در آینده خواهم داد از این یوم کیپور تا یوم کیپور بعدی باطل خواهد بود." از این رو هیچ قولی که آنها به جنتایلها بدهند بر اساس دعای خود آنها درست نخواهد بود. در قرون وسطی غیریهودیان از فهمیدن وجود چنین دعایی بارها به خشم آمده بودند.

"دشمنی با غیر یهودی فرهنگ خاص ضد گویم در بین یهودیان ایجاد کرده است. این فرهنگ هم در بین لیبرالهای یهودی آمریکایی و هم در راستگرایان اسرائیلی وجود دارد. اینکه یهودیان، غیر یهود را پشت سرشان مسخره میکنند مخفی نیست. بعضی یهودیان به اینکه سر آنها در تجارت کلاه گذاشتند افتخار میکنند، بعضی آنها را در جمع مسخره میکنند" - مایکل لرنر (*Michael Lerner*)، گویم (*Goyim*)، صفحه ۴۳۰.

یهودیت، دین یا نژاد؟

"یک یهودی، یهودی باقی میماند حتی اگر دینش را عوض کند. یک مسیحی که تعالیم یهودی را قبول کند یهودی نمیشود، زیرا یهودی بودن در دین نیست و بلکه در نژاد است. یک آزاد اندیش و آتئیست (ضد دین) همیشه یهودی است." - دنیای یهودی *Jewish World* لندن، ۱۴ دسامبر ۱۹۲۲.



”ما یهودیان اعتقاد داریم که نژاد ما بر تمام انسانیت برتر است، ما منتظر هستیم، نه برای مخلوط شدن با نژادهای دیگر، بلکه برای غلبه بر تمامی آنها.“ – گلدوین اسمیت

(Goldwin Smith)، استاد یهودی دانشگاه آکسفورد، اکتبر ۱۹۸۱.

یکی از مطالب مهمی که دین یهودی را از دین اسلام و مسیحیت متفاوت میکند مساله نژاد است. یهودیان اعتقاد دارند که نژاد آنها مهمتر از دین است. از این رو اگر فردی از مادر یهودی متولد شود، حتی اگر به دین دیگری دربیابد باز هم یهودی محسوب میشود. بر اساس هالاخا (فقه یهود) فردی که از مادر یهودی متولد شود تا آخر عمر یهودی است. کشور اسرائیل نیز که به عنوان کشوری برای یهودیان تاسیس شد به نژاد یهودی و نه دین یهودی اهمیت میدهد. به طور مثال برای گرفتن شهروندی اسرائیل بر اساس قانون بازگشت (*Law of return*) تنها کافی است فرد بتواند ثابت کند که از مادر یهودی به دنیا آمده است. اینکه آیا او به دین یهودی پایبند است و یا اصلا حتی به خدا اعتقاد دارد بی اهمیت میباشد. از این رو یهودیان شوروی سابق که اکثرا کمونیست و بیدین بوده به راحتی شهروندی اسرائیل را گرفته و به آن کشور مهاجرت کردند. ولیکن اگر فرد دارای مادر غیر یهودی باشد یهودی محسوب نمیشود. به طور مثال ایلانا استرن (*Ilana Stern*) از مادر غیر یهودی که در اردوگاه کار اجباری مرده بود و پدر یهودی در روسیه متولد شده بود. وقتی او به همراه پدرش در سال ۱۹۵۶ به اسرائیل رفت متوجه شد که دولت او را به عنوان مسیحی در نظر گرفته است. با اینکه او تحت نظر پدر یهودی خود، یهودی بزرگ شده بود و از تمام قوانین یهودی تبعیت میکرد. بنجامین شلیت (*Benjamin Shalit*) در ۱۹۷۰ دادگاه خبرسازی با دولت اسرائیل داشت. او دارای زن غیر یهودی بود و دولت تصمیم نداشت فرزندان او را به عنوان یهودی قبول کند. سرانجام دادگاه عالی اسرائیل رای با نسبت ۴-۵ رای داد که این فرزندان یهودیند. وقتی فرزند سوم به دنیا آمد قانون به قدری محکم بود که این فرزند حتما غیر یهودی است.

بسیاری از یهودیان نیز در مورد نژاد خود و نه دین خود سخنان زیادی گفته اند از آن جمله :

ربی استیفن وایز (*Stephen Wise*)، نیویورک هرالد تریبون، ۱ ژوئن ۱۹۳۸: "من یک آمریکایی از دین یهودی نیستم. من یک یهودی هستم. من برای هزاران سال یهودی بوده ام. هیتلر یک مطلب را درست میگفت. او یهودیان را یک نژاد خواند و ما واقعا یک نژاد هستیم."

جرالد سومان (*Gerald Soman*)، رئیس فلوشیب یهودیان دنیا، در بیانیه رسمی شروع کار، ۱ ژانویه ۱۹۳۵: "شما نمیتوانید انگلیسی یهودی شوید. ما یک نژاد هستیم و تنها به عنوان یک نژاد کار میکنیم. تفکر ما تفکر عبری است و با انگلیسیها متفاوت است. مخفی کاری بس است. بیایید علنا بگوییم که ما یهودیان بین المللی هستیم."

لوئیس براندایس (*Louis Brandeis*)، رئیس سابق دادگاه عالی ایالات متحده، صهیونیسم، صفحه ۱۱۳: "بیایید بگوییم که ما یهودیان یک ملت خاص هستیم که هر یهودی بدون توجه به کشور، وضعیت، اعتقاد، به صورت اجباری عضو آن است."

دنیای یهودی (*Jewish world*)، ۸ دسامبر ۱۹۱۱: "میهن پرستی انگلیسی (یا فرانسوی و آمریکایی) برای یک یهودی فقط یک لباس ظاهری شیک است که او برای رضایت بقیه مردم کشور به تن میکند."

"تو اول کدام هستی، یک یهودی یا یک آمریکایی؟ یک یهودی." - دیوید بن گوریون (*David Ben Gurion*)، نخست وزیر اسرائیل.

"ما نه آلمانی، نه انگلیسی و نه فرانسوی هستیم. ما یهودی هستیم و تفکر مسیحی شما به ما تعلق ندارد." - مکس نوردرو (*Max Nordrow*)، دنیای یهودی (*Jewish World*).

"وقتی یک یهودی در آمریکا یا آفریقای جنوبی درباره "کشور من" با بقیه یهودیان صحبت میکند، منظور او معمولاً دولت اسرائیل است. یهودیان در تمامی کشورهای دنیا سفیر اسرائیل را نماینده خود میبینند." - دفتر سال دولت اسرائیل، ۱۹۵۳-۵۴، صفحه ۳۵.

استیون سیلبیگر (*Steven Silbiger*)، اتفاق یهودی (*Jewish Phenomenon*): "بر خلاف بیشتر دینها یهودیت بیشتر از یک سیستم اعتقادی است که هر کسی بتواند آن را یاد بگیرد. برای یهودی بودن باید جزئی از قبیله شد. رابطه و عهدهی که خدا با یهودیان بسته و نه با هر یهودی به صورت مجزا. یهودیت دینی با جزء اجدادی بسیار مهم است." "یهودیان قوم برتری از نظر فکری هستند و تا زمانی که ژنهای یهودی وجود دارند، تاثیر بیش از حد آنان بر قرن بیستم نیز ادامه خواهد داشت" - اریک کنتور (*Eric Cantor*)، زنجیر مقدس (*The Sacred Chain*)، ۱۹۹۴

"چرا یهودیان به عنوان مهاجرین در آمریکا موفقتر از ایتالیاییها و یا ایرلندیها هستند؟ شاید این مساله به ژنهای برتر و ازدواج گزینشی مرتبط باشد." - اریک کنتور (*Eric Cantor*)، تجربه یهودی (*Jewish Experience*)، صفحه ۳۸۹

"هیچ راهی برای توقف یهودی بودن وجود ندارد." - چارلز سیلبرمن (*Charles Silberman*)

## ممنوعیت ازدواج با غیریهودیان

در بین یهودیان ازدواج با جنتایل بسیار مذموم است. این ممنوعیت بیشتر به صورت نژادی و نه دینی است. با اینکه اولین پیامبران اسرائیل نظیر موسی و یوسف زنان غیریهودی گرفتند و این مساله ایرادی نداشت در بقیه عهد عتیق ازدواج با جنتایل به شدت مذموم میشود.

در کتاب عزرا (*Ezra*) از پیامبران اسرائیل در عهد عتیق در فصل نهم و دهم در مورد ازدواج با غیریهود (جنتایل) صحبت شده است.

ما اعتراف می کنیم که نسبت به خدای خود گناه ورزیده ایم ، چون با زنان غیریهودی (جنتایل) ازدواج کرده ایم. ولی با وجود این، باز امیدی برای بنی اسرائیل باقی است. اینک در حضور خدای خویش قول می دهیم که از زنان خود جدا شویم و آنها را با فرزندانشان از این سرزمین دور کنیم. ما در این ورد از دستور تو و آنانی که از خدا میترسند پیروی می کنیم، و طبق شریعت عمل می نماییم.

– عهد عتیق کتاب عزرا، فصل ۱۰

نکته جالب این است که در این داستان پیامبر قوم اسرائیل مردان را تشویق نمیکند که زنان خود را به دین یهودیت درآورند. او میگوید که این زنان قادر به موحد شدن نیستند و بت پرستی در ذات آنان است. از این رو جنتایلهها به صورت ذاتی بت پرست بوده و هیچ امیدی به موحد شدن آنان نیست.

در آمریکا یک مطالعه نشان داد که در ۱۹۷۰ "۹۶٪ یهودیان آمریکا تنها دارای اقوام یهودی بودند، ۷۷٪ بهترین دوستانشان یهودی بود، ۶۰٪ به خانه های محله یهودی میرفتند، همه به خیریه های یهودی کمک میکردند، ۹۰٪ دارای تعلق خاطر زیادی به اسرائیل بودند." - آرنولد فورستر (*Arnold Forster*)، یهودی ستیزی جدید (*The New Antisemitism*)، صفحه ۱۲۹

## یهودیت اشکنازی، سفاردی و میزراهی

یهودیان بر اساس موقعیت زندگی خود به سه گروه اصلی اشکنازی، سفاردی و میزراهی تقسیم میشوند. یهودیان اشکنازی (*Ashkenaz*) به یهودیان اروپایی اطلاق میشود. بیشتر این یهودیان دارای پوست روشن و ویژگیهای ظاهری شبیه اروپاییان هستند. در عهد عتیق اشکناز یکی از نوه های نوح است که در سرزمین آلمان فعلی ساکن میشود. از این رو به یهودیان آن منطقه اشکنازی گفته میشود. یهودیان اشکنازی اکثریت یهودیان فعلی در دنیا هستند و جمعیت آنها حدود ۸ تا ۱۲ میلیون نفر است.

یهودیان سفاردی (*Sephardi*) یهودیان شمال آفریقا، اسپانیا و پرتغال هستند. این یهودیان دارای شباهتهای ظاهری با مردم این منطقه بوده و اکثرا دارای پوست تیره تر و موهای مشکی هستند. جمعیت سفاردیها چیزی حدود ۲ میلیون نفر یا ۱۵٪ جمعیت یهودیان دنیا است.

یهودیان میزراهی (*Mizrahi*) یهودیان غیر اشکنازی هستند که سفاردی نمیباشند. از این رو به یهودیان ایران، عراق، یمن و هند یهودیان میزراهی گفته میشود. این یهودیان شباهتهای ظاهری زیادی به مسلمانان داشته و غالبا از روی چهره قابل تشخیص نیستند. جمعیت میزراهیها تقریبا حدود ۱،۷۵۰،۰۰۰ نفر است که حدود ۱۳٪ جمعیت یهودیان را تشکیل میدهند.



یک مرد یهودی اشکنازی در کنار یک زن یهودی میزراهی (ایرانی). اشکنازیها دارای چهره شبیه اروپاییها و میزراهیها شبیه مردمان خاورمیانه هستند.

به طور تاریخی یهودیان اشکنازی بیشتر از سایر گروههای یهودی از بقیه مردم جدا زندگی میکردند. یهودیان اشکنازی دارای هوش بسیار بالاتری نسبت به یهودیان سفاردی و میزراهی هستند. بیشتر دانشمندان معاصر یهودی، اشکنازی هستند. در اسرائیل نیز یهودیان اشکنازی دارای تحصیلات و درآمد بالاتری بوده و اکثراً شغل‌های بهتری دارند. از این رو در بسیاری موارد آنها خود را بهتر از یهودیان سفاردی و میزراهی میدانند.

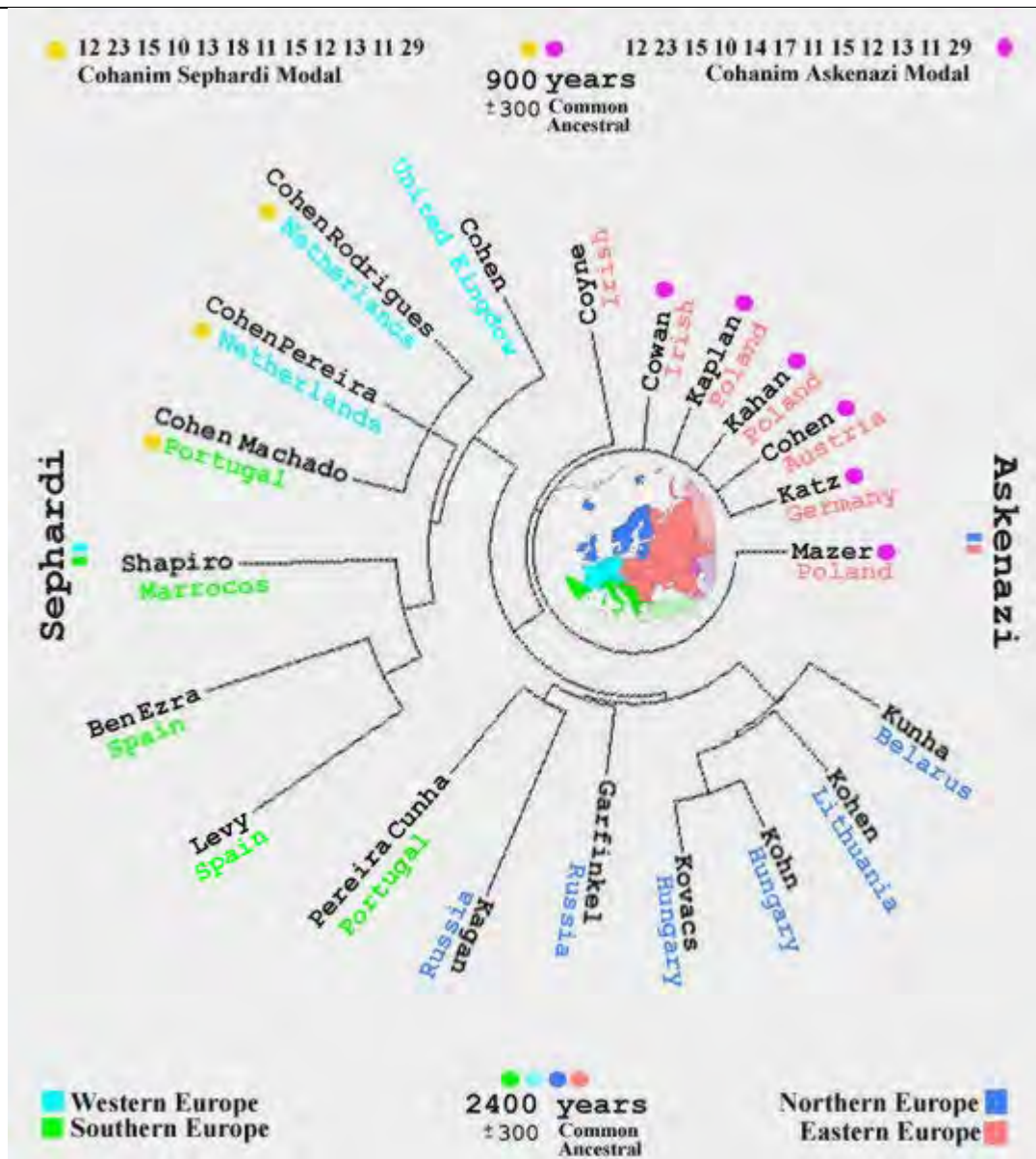
## علم مدرن و نژاد یهودی

در چندین دهه اخیر با کشف ژنها و اینکه صفات از والدین به فرزندان منتقل میشوند اطلاعات بسیار کاملتری میتوان در مورد مسائل نژادی اقوام مختلف به دست آورد. یکی از مسائلی که در چندین سال اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است مساله ژنتیک یهودیان (*Jewish Genetics*) است. در بدن انسان ۴۶

کروموزوم وجود دارد که ۲۳ کروموزوم از هر والد به ارث میرسند. دو کروموزوم  $X$  و  $Y$  جنسیت فرزند را تعیین میکنند. اگر هر دو کروموزوم  $X$  باشند فرزند دختر و اگر یکی  $X$  و دیگری  $Y$  باشد فرزند پسر میشود. از این رو هر مردی حتما کروموزوم  $Y$  پدر خود را به ارث خواهد برد. از این رو مردانی که دارای جد مشترک باشند کروموزوم  $Y$  یکسانی دارند. مطالعات زیادی بر روی ژن کوهانیم انجام شده است. اولین مطالعه توسط کارل اسکورکی (*Karl Skorecki*) در اسرائیل انجام شد و در مجله معروف *Nature* به چاپ رسید. نتایج این مطالعه نشان داد که کوهنها دارای دو مارکر ژنتیکی خاص میباشند که با بقیه یهودیان متفاوت است. در مطالعه جدیدتری که در سال ۲۰۰۹ انجام شد نشان داده شد که ۴۶/۱٪ کوهنها دارای جد مشترکی میباشند که از منطقه ارض مقدس نشأت گرفته است. این ژن در بقیه یهودیان در ۲۰٪ مردم و در غیریهودیان بسیار نادر است. جدول زیر نرخ وقوع چند مارکر ژنتیکی را در کوهانیم و در بقیه یهودیان نشان میدهد. نکته جالب این است که در بین یهودیان اشکنازی و یهودیان سفاردی تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد و کوهنهای هر دو گروه ویژگیهای ژنتیکی مشابهی نشان میدهند.

	$xDE^{[3]}$	$xDE,PR^{[4]}$	$Hg J^{[5]}$	$CMH.1^{[4]}$	$CMH^{[4]}$	$CMH.1/HgJ$	$CMH/HgJ$
<b>Ashkenazi Cohanim (AC):</b>	98.5%	96%	87%	69%	45%	79%	52%
<b>Sephardic Cohanim (SC):</b>	100%	88%	75%	61%	56%	81%	75%
<b>Ashkenazi Jews (AJ):</b>	82%	62%	37%	15%	13%	40%	35%
<b>Sephardic Jews (SJ):</b>	85%	63%	37%	14%	10%	38%	27%

مطالعات جدیدتر بر روی نامهای خانوادگی کوهنیم نشان میدهد که بسیاری از افرادی که دارای این نامهای خانوادگی هستند دارای ژن کوهانیم بوده و با اینکه در کشورهای مختلف زندگی میکنند مواد ژنتیکی مشابهی دارند.



افرادی که دارای نامهای خانوادگی کوهانیم هستند دارای مواد ژنتیکی مشابهی میباشند. این مارکرهای ژنتیکی در بین سفاریدیها و اشکنازیها یکسان است.

خاخام (ربی)



در یهودیت به روحانی یهودی ربی (عبری: רבי) از ریشه لغت "رب" (معادل رب در عربی) به معنای سرور و خدا اطلاق میشود. در کشورهای اسلامی و عربی یهودیان که میدانستند استفاده از لغت رب (خدا) برای اطلاق به خودشان حساسیت بر میانگیزد از لغت حاخام (عبری: חזן) به معنای لغوی فرد حکمت دار به جای ربی استفاده میکردند. در تورات شغلی به نام ربی وجود ندارد و اولین اشاره به چنین شغلی در حدود ۲۰۰ سال بعد از میلاد مسیح است. این لقب اولین بار برای ربی جمیل بزرگ، ربی شیمون پسر او و ربی یوهان بن زکای که اولین رئیسان سنهدرین (*Sanhedrin*) (دادگاه شرعی یهود) بودند استفاده شد. در عهد جدید در انجیل متی، مرقس و یوحنا لغت ربی برای اطلاق به "کاتبان تورات و فریسیان" وجود دارد. عیسی از یهودیان به خاطر استفاده از این لغت و به خاطر ریاکاری و دورویی ریبها انتقاد میکند.

در ایران نیز ایرانیان یهودی معمولاً از لغت حاخام یا خاخام استفاده میکنند. استفاده از لغت ربی در کشورهای اسلامی به طور کلی کمتر مرسوم است. با اینکه یهودیان در خلوت خود و درجایی که غیریهود حضور ندارد از این لغت استفاده میکنند. در ترکیه عثمانی لقب ربی بزرگ امپراتوری خاخامباشی بود.

### چرا یهودیان از کارهای بد خود نمیترسند؟

فقه یهود با فقه اسلامی و مسیحی فرق دارد. در دیدگاه اسلامی و مسیحی دنیای آخرت دارای جهنم و بهشت دائمی است و ممکن است کسانی تا ابد در جهنم باقی بمانند. ولیکن در دیدگاه یهودی چیزی به نام جهنم دائمی وجود ندارد. حتی بعضی از فرقه های یهودی به دنیای بعد از این نیز اعتقادی ندارند. در یهودیت تنها جایی به نام "گهنا" (*Gehenna*) وجود دارد که شخص مدت معدودی در آنجا خواهد بود تا از اعمال بد خود آگاه شود. بر اساس نوشته های خاخامها بیشترین زمانی که فرد میتواند در گهنا بماند ۱۲ ماه است. از این رو هر کسی مدت معدودی در آنجا میماند و سپس به "اولم هبا" (*Olam Haba*) (معادل

بهشت در اسلام و مسیحیت) منتقل میشود. اسلام کاملاً این دیدگاه یهودیان را رد کرده و خدا به آنها وعده میدهد که در صورت گناهکار بودن در جهنم ابدی خواهند ماند.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

(۲۴) این بدان سبب بود که آنان [به پندار خود] گفتند هرگز آتش جز چند روزی به ما

نخواهد رسید و بر ساخته‌هایشان آنان را در دینشان فریفته کرده است (۲۴) -سوره آل

عمران آیه ۲۴

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً قُلْ

أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ

أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۰)

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ

فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۸۱)

آری کسی که بدی به دست آورد و گناهش

او را در میان گیرد پس چنین کسانی اهل

آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (۸۱)

-سوره بقره آیه ۸۰ و ۸۱

مساله ديگر اين است كه آيا غيريهوديان در دنياي ديگر نقشي دارند يا خير. بر اساس ديده‌گاه يهوديان تمامي يهوديان به اولم هبا ميروند زيرا تمامي آنها افراډي صالح هستند. غيريهوديان نبايد قوانين يهودي را رعايت كنند بلكه آنها بايد از هفت قانون نوح (*Seven Laws of Noah*) كه در زمان نوح به همه مردم داده شده اطاعت كرده و پايينتر بودن خود نسبت به يهوديان را قبول داشته باشند. تنها در اين صورت ميتوانند يك جنتايل صالح (*Righteous Gentile*) شده و در دنياي آينده نقشي داشته باشند. غيريهوديان كه بخواهند قوانين تورات را رعايت كنند دشمن يهوديان هستند.

در نوشته هاي خاخامها در ميشنا آمده است: "تمام قوم اسراييل داراي نقشي در دنياي آينده خواهند بود. زيرا نوشته شده است: تمام مردم تو درستكار هستند، آنها زمين را به ارث ميبرند"

قرآن اين ديده‌گاه را نيز كاملا رد ميكند. بر اساس ديده‌گاه قرآني يهوديان نيز مانند هر قوم ديگري داراي افراډ صالح و افراډ بدكار هستند. به علاوه تعداد افراډ ناصالح در بين آنها به مراتب بيشتري است. خداوند وعده ميدهد كه هر كسي كه از خدا تبعيت كند و اعمال صالح انجام دهد چه يهودي و چه جنتايل داراي پاداش در نزد خدا خواهد بود.

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٦) بگو اي كساني كه يهودي شده‌ايد اگر پنداريد كه شما دوستان خداييد نه مردم ديگر پس اگر راست مي‌گوئيد درخواست مرگ كنيد (٦) -سوره جمعه آيه ٦

قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٩٤) وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (٩٥) بگو اگر در نزد

خدا سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد نه دیگر مردم پس اگر راست می‌گویید  
آرزوی مرگ کنید (۹۴) ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده‌اند هرگز آن را آرزو نخواهند  
کرد و خدا به [حال] ستمگران داناست (۹۵)  
-سوره بقره آیه ۹۴ و ۹۵-

تلمود و زوهر و فتنه هاروت و ماروت

"یهودی امروزی زاییده تلمود است." - مایکل رادکینسون (*Michael Rodkinson*),

مقدمه تلمود بابلی، صفحه ۱۱

"تلمود در واقع پرچم یهودیت است که در کشورهای مختلف پراکنده شده است. آن باعث

اتحاد یهودیان شده است." - هاینریش گرائتز (*Heinrich Gaetz*), تاریخ یهودیان

(*History of the Jews*).

"تلمود امروزه خون و قلب تپنده یهودیت است. هر قانون، سنت، و یا مراسمی داریم چه

ارتدوکس، چه محافظه کار، چه رفرم،...- از تلمود تبعیت می‌کنیم. آن قانون مشترک

ماست." - هرمان ووک *Herman Wouk* این خدای من است (*This is my god*)

"تلمود مهمترین کتاب تاثیرگذار در تاریخ یهودیت است." - جاکوب نوسنر (*Jacob*)

(*Neusner*), در ادوارد بوراز (*Edward Boraz*), فهمیدن تلمود (*Understanding the*

*Talmud*)، ۱۹۹۶، صفحه ۵.

فتنه هاروت و ماروت اثرات ماندگاری در دین یهود داشت. بعد از آزادی یهودیان از بابل دین آنها با شریعت حضرت موسی دیگر یکی نبود. آنها بدعتهایی را وارد دین کردند که دیگر از دین موسی خارج شدند. شرع یهودی از این زمان دچار تغییر زیادی شد. خاخامهای یهودی شرعی شفاهی ایجاد کردند. این شرع شفاهی الهام گرفته از فتنه هاروت و ماروت بود و در بسیاری از موارد آیات تورات را لغو میکرد. یهودیان اعتقاد داشتند این شرع شفاهی توسط هفتاد نفر از بنی اسرائیل که در بار دوم به همراه موسی به کوه سینا رفتند روایت شده است.

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا إِن هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (۱۵۵) و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید و چون زلزله آنان را فرو گرفت گفت پروردگارا اگر می خواستی آنان را و مرا پیش از این هلاک می ساختی آیا ما را به [سزای] آنچه کم خردان ما کرده اند هلاک می کنی این جز آزمایش تو نیست هر که را بخواهی به وسیله آن گمراه و هر که را بخواهی هدایت می کنی تو سرور مایی پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگان .

-سوره اعراف آیه ۱۵۵-

این شرع شفاهی تدریجاً نوشته شد و ابتدا در دو کتاب به نام میشنا (*Mishna*) و گمارا (*Gemara*) گرد آمد. میشنا و گمارا بعداً جمع شده و کتابی کامل به نام تلمود (*Talmud*) ایجاد کرد. تلمود کتابی به مراتب بزرگتر از عهد عتیق است. مطالب آن توسط یکنفر نوشته نشده است و بلکه هر یک از خاخامها مطالبی را در گذر زمان به آن اضافه کرده اند. از این رو تلمود جمعی از نظرهای نویسندگان مختلف است که در اعصار مختلف زندگی میکردند. تلمود در بسیاری زمینه‌ها دارای نظر واحدی نیست و خواننده میتواند بنا به سلیقه خود هر نوع تفسیری ارائه کند. تورات کتاب قوانین خداوند (*Laws of God*) ولیکن تلمود کتاب قوانین آدمیان (*Laws of Men*) است. آدمیانی که علاقه داشتند مانند خدا برای مردم قوانین وضع کنند.

تلمود کتاب بسیار عجیبی است. مطالب درون آن نه تنها شباهتی به کتابهای دینی ندارد بلکه گاهی برای مخاطب نا آشنا غیر قابل باور است. نمونه‌هایی از این مطالب عجیب به شرح زیر است:

**سنهدرین ۵۷a (*Sanhedrin 57a*):** یهودیان میتوانند از غیریهود (جنتایل) دزدی کرده و آنها را بکشند. وقتی یهودی یک کوتیان (جنتایل) را بکشد مجازات اعدام ندارد. هر چیزی که یهودی از جنتایل (گویم) بدزدد میتواند نگهدارد.

**بابا کاما 37b (*Baba Kamma 37b*):** جنتایله‌ها (گویم) خارج از حمایت قانون هستند و خداوند ثروت آنها را برای اسرائیل گذاشته است.

**بابا کاما ۱۱۳a (*Baba Kamma 113a*):** یهودیان میتوانند به غیریهود (گویم) دروغ بگویند. یهودیان میتوانند از دروغ برای کلاه گذاشتن بر سر غیر یهود استفاده کنند.

**یباموت ۹۸ (Yebamoth 98a) a:** فرزندان غیریهودیان انسان نیستند. تمامی فرزندان جنتایلهها حیوان هستند.

**عبودا زارا 36b (Abodah Zarah 36b) 36b:** دختران جنتایل از کودکی در حالت نیدا (کثافت) هستند.

**عبودا زارا 22b (Abodah Zarah 22b) 22b:** چرا گویم (غیریهودیان) نجس هستند؟ زیرا آنها در کوه سینا حضور نداشتند. زیرا وقتی مار زن را گول زد نجاست در او وارد شد. ولیکن یهودیان وقتی در کوه سینا بودند پاکیزه شدند. گویم در کوه سینا حضور نداشتند و پاکیزه نشدند.

**عبودا زارا 22a و 22 (Abodah Zarah 22a-22b) 22:** جنتایلهها سکس با حیوانات را ترجیح میدهند.

**سنهدرین ۱۰۶ (Sanhedrin 106a) a:** او (مریم مادر عیسی) از نسل شاهزادگان و حاکمین بود و با نجاران فاحشگی میکرد. همچنین در نسخه سانسور نشده در شبات 104b آمده است که مادر عیسی "مریم آرایشگر" بود که با مردان زیادی رابطه جنسی داشت.

**سنهدرین 43a (Sanhedrin 43a) 43a:** عیسی (یشوی نذرینی) اعدام شد زیرا جادوگری میکرد.

**گیتین 57a (Gittin 57a) 57a:** عیسی در مدفوع داغ در جهنم سوزانده میشود.

**سنهدرین 43a (Sanhedrin 43a) 43a:** عیسی لیاقت اعدام داشت، در عصر عید پسخ یشو (عیسی) اعدام شد.

**سنهدرین 74b (Sanhedrin 74b) 74b:** رابطه جنسی با گوی (غیریهود) مانند رابطه جنسی با یک حیوان است.

روش هاشانا ۱۷a (*Rosh Hashana 17a*): مسیحیان و کسان دیگری که تلمود را رد کنند به جهنم رفته و آنجا تا ابد مجازات میشوند.

حگگاه 27a (*Hagigah 27a*): هیچ ربی (خاخام) به جهنم نمیرود.

مناحوت 43b – 44a (*Menahoth 43b-44a*): هر مرد یهودی باید این دعا را هر روز بگوید  
خدایا متشکرم که مرا جنتایل، زن و یا برده نیافریدی.

گیتین 57b (*Gittin 57b*): ادعا میکند که چهار میلیارد یهودی توسط رومیها در شهر بتار کشته شدند.  
گیتین 58a ادعا میکند که ۱۶ میلیون کودک یهودی درون تورات پیچیده شده و توسط رومیان زنده سوزانده شدند (در صورتی که آمار نشان میدهد در آن زمان در کل دنیا ۱۶ میلیون یهودی وجود نداشته چه برسد به ۱۶ میلیون کودک و یا ۴ میلیارد یهودی).

گیتین 45b (*Gittin 45b*): ذهن هر غیریهودی همیشه به بت پرستی تمایل دارد.

سنهدرین 105a (*Sanhedrin 105a*): جنتایلها هیچ سهمی در دنیای پس از این ندارند.

سوفریم ۱۵ قانون ۱۰ (*Soferim 15 Rule 10*): این حرف ربی سیمون بن یوحای است : توب شب گویم هاروگ (حتی بهترین جنتایلها نیز باید کشته شود).

موند کاتان ۱۷a (*Moed Kattan 17a*): اگر یک یهودی بخواهد کار شیطانی انجام دهد باید به شهری رود که در آنجا شناخته شده نیست و کار شیطانی خود را آنجا انجام دهد.



**بابا مزیا 114a-114b (Baba Mezia 114a-114b):** غیریهودیان (جنتیلها) انسان نیستند. تنها یهودیان انسانند.

**سنهدرین 58b (Sanhedrin 58b):** یهودیان الهی هستند. اگر یک غیریهودی (جنتایل) یک یهودی را بزند او باید کشته شود. زدن یهودی مانند زدن خدا است.

**سنهدرین 57a (Sanhedrin 57a):** کلاه گذاشتن بر سر غیریهودیان مجاز است. یهودی نباید به مسیحی حقوق معوقه او را بدهد.

**بابا کاما 37b (Baba Kamma 37b):** یهودیان دارای حقوق اضافه هستند. "اگر گاو یک یهودی گاو یک کنعانی را بدرد هیچ مجازاتی ندارد ولیکن اگر گاو یک کنعانی گاو یک یهودی را بدرد مجازات کامل است."

**بابا مزیا 24a (Baba Mezia 24a):** یهودیان میتوانند از غیریهودیان (جنتایلها) بدزدند. اگر یک یهودی شیئی را که یک جنتایل گم کرده پیدا کند او نباید آن را باز گرداند.

**شبات 16a (Shabbath 116a):** یهودیان باید کتابهای مسیحیان را نابود کنند. اسرائیل شاهاک میگوید که یهودیان بسیاری از نسخه های عهد جدید را در سرزمینهای اشغالی سوزاندند.

**یپاموٹ 63a (Yebamoth 63a):** میگوید که آدم در باغ بهشت با تمامی حیوانات رابطه جنسی داشت.

**یپاموٹ 63a (Yebamoth 63a):** میگوید که کشاورزی پایینترین نوع حرفه ها است.

**سنهدرین 55b (Sanhedrin 55b):** یک یهودی میتواند با دختر ۳ ساله ازدواج کند (به طور مشخص سه سال و یک روز).

**کتوبوت 11b (Kethuboth 11b):** وقتی یک مرد مسن با یک دختر بچه رابطه جنسی داشته باشد اهمیتی ندارد زیرا بکارت او باز میگردد.

**کتوبوت 3b (Kethuboth 3b):** نژاد گوی (غیریهود) مانند نژاد یک حیوان است.

**اروبین 21b (Erubin 21b):** هر کسی که از خاخمها اطاعت نکند باید کشته شود و در جهنم در مدفوع داغ سوزانده خواهد شد.

**کریتوت 6b (Kerithuth 6b):** "دستور خاخمها چنین است کسی که روغن بر روی یک گوی (غیریهود) و بر روی مردگان بریزد از مجازات رهایی میابد. این برای حیوانات درست است زیرا انسان نیستند. ولیکن چگونه میتوان گفت که با ریختن روغن بر روی گوی شخص از مجازات نجات میابد، زیرا گوی نیز آدم است؟ ولیکن این درست نیست زیرا نوشته شده است: شما قوم من هستید و قوم من انسانها هستند (از کیل ۳۱:۳۴). از این رو شما انسان هستید، ولیکن گویم (غیریهود) انسان نیستند.

**مکوت 7b (Makoth 7b):** یک یهودی در کشتن مجرم است مگر وقتی که بخواهد یک حیوان را بکشد و یک انسان را اشتباها بکشد و یک بخواهد یک گوی (غیریهود) را بکشد و یک اسرائیلی را بکشد (برای کشتن غیریهود مجازاتی نیست).

**چوشن هام ۳۴ و ۱۹ (Choschen Ham 19, 34):** یک گوی (غیریهودی) و یا خدمتکار نمیتواند به عنوان شاهد باشد.

یوره دیا ۱۵۴ و ۲ (*Iore Dea 154,2*): یاد دادن هرگونه تجارت به مسیحیان ممنوع است.

یوره دیا ۱۵۷ و ۲ (*Iore Dea 157,2*): اگر یک یهودی بتواند (غیریهودیان) را با تظاهر به پرستش ستارگان فریب دهد باید این کار را بکند.

عبودا زارا 54a (*Abodah Zarah 54a*): گرفتن ربا از غیریهودیان مجاز است.

سنهدرین 59a (*Sanhedrin 59a*): یک غیریهودی که تورات بخواند باید کشته شود، زیرا نوشته شده است که موسی این قانون را به عنوان ارث به ما داد. این ارث ما و نه آنان است.

سنهدرین 58b (*Sanhedrin 58b*): جنتایلی که حرمت روز سبت (شنبه) را رعایت کند باید کشته شود.

بابا کاما 113b (*Baba Kamma 113b*): وقتی دعوی بین یک اسرائیلی و یک جنتایل است اگر میتوانی به وسیله قوانین اسرائیل به نفع اسرائیلی رای دهی بگو این قانون ماست. اگر میتوانی به وسیله قوانین جنتایلی به نفع اسرائیلی رای دهی بگو این قوانین شماست.

کتوبوت 111a (*Kethuboth 111a*): مسیح در واقع تمامی ملت اسرائیل (قوم یهود) است.

شولچان آروش *Schulchan Aruch*، چوزن هامیزپات *Choszen Hamiszpat* ۳۴۸:

تمامی اموال بقیه اقوام به قوم یهود تعلق دارد و قوم یهود حق دارد در هر زمان که بخواهد آن را به دست آورد.

و بسیاری مطالب دیگر مشابه با همین مضمون در تلمود یافت میشود. بسیاری از قوانین تلمود، قوانین تورات را لغو میکنند. از این رو بسیاری از این قوانین حتی با قوانین تورات تحریف شده نیز در تضاد هستند. ولیکن امروزه تقریباً تمامی یهودیان تلمود را به عنوان کتابی مقدس قبول دارند. یهودیان ایران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. تنها گروهی از یهودیان که تلمود را قبول ندارند گروهی به نام قرائیم (Karaites) هستند. قرائیم به صورت تاریخی توسط یهودیان دیگر به شدت مورد نفرت قرار گرفته و کشته شدند. امروزه تقریباً نسلی از قرائیم باقی نمانده است و جمعیت امروزه آنان درصد بسیار کمی از یهودیان است.

قرآن نیز کفر یهودیان را به دلیل پیروی کورکورانه آنها از علمای دینشان میداند. لغت "احبار" در قرآن به معنی خاخام (ربی) است.

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا  
 وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۱) اینان دانشمندان (خاخامها) و راهبان خود و  
 مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند با آنکه مامور نبودند جز اینکه خدایی  
 یگانه را پرستند که هیچ معبودی جز او نیست منزّه است او از آنچه [با وی] شریک  
 می گردانند. - سوره توبه آیه ۳۱

عیسی نیز درباره یهودیان نظر مشابهی داشت. همانگونه که از بحثهای او با آنها در عهد جدید مشخص است.

او (عیسی) پاسخ داد (به فریسیان): اشعیا راست میگفت وقتی که درباره شما منافقین  
 پیشگویی کرد. این مردمان با زبان به من احترام میگذارند ولی قلبهایشان دور از من

است. آنها من را ستایش میکنند، ولیکن تعلیمات آنها تعالیم مردم (نه خدا) است. شما دستورات خدا (تورات) را فراموش کرده‌اید و به سنتهای مردان خود (میشنا و تلمود)

چسبیده‌اید. — عهد جدید، انجیل مرقس ۷:۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ  
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ

أَلِيمٍ (۳۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از دانشمندان یهود (خاخامها) و راهبان اموال مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. — سوره توبه

آیه ۳۴

خنده دار تر از همه چیز این است که یهودیان ایران که ظاهراً بنا به گفته خودشان ضد صهیونیست هستند و تحت نظر حکومت جمهوری اسلامی فعالیت میکنند از کتاب تلمود که جنتایلهها را برده یهودیان و عیسی پیامبر خدا را جادوگر و مریم مادر او را زناکار معرفی میکنند به عنوان کتاب مقدس خود نام میبرند.

## متن اعتراض انجمن کلیمیان تهران به سخنان معاون اول ریاست جمهوری در دفاع از سیانت کتاب مقدس تلمود

جناب آقای محمدرضا رحیمی

معاون اول محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران

با سلام،

احتراما در پی سخنان جنابعالی به نقل از خبرگزاری فارسی در روز جهانی مبارزه با مواد مخدر و ابراز نظر پیرامون کتاب مقدس تلمود به عرض می‌رساند که گنجینه گرانبهای تلمود یهودیان شامل نحوه اجرای احکام و قوانین تورات مقدس بوده و حدود ۱۸۰۰ سال پیش علمای یهود شروع به نگارش آن نموده و این نگارش حدود ۳۰۰ سال به طول انجامیده است. در این مجموعه در کنار بحث‌های فقهی، بخش‌هایی از زندگی علما و انبیا، جنبه‌های اخلاقی و رفتاری صحیح و امور بهداشتی و پزشکی در حد علم زمانه نیز بیان شده است.

تلمود که در ۳۷ جلد تالیف گردیده دارای متن وانشایی تخصصی و حجمی بسیار مفصل بوده که متاسفانه تا به امروز به فارسی ترجمه نشده است.

آنچه مسلم است در دوران تلمود مواد مخدر جهت سوء استفاده به صورت فعلی ابداع شده نبوده و کاربردی نداشته است و همچنین در قرون متوالی هیچ یهودی به عنوان قاچاقچی مواد مخدر شناخته و دستگیر نشده است.

از آنجایی که مطالعه دقیق و بیان مطالب صحیح و مستند وظیفه هر سخنگو و حق‌شنونده‌ای می‌باشد، خصوصا هنگامی که موضوع توسط یک مقام ارشد رسمی بیان شود باعث افزایش توقع در این زمینه می‌گردد. همچنین اختلاط و عدم افتراق دو موضوع یهودیت به عنوان یک دین الهی و

توحیدی و صهیونیسم به عنوان یک حزب سیاسی اشتباهی بزرگ و مخالف با گفتار رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد که "حساب یهودیت از صهیونیسم جداست". خصوصا در این برهه حساس، زمانی که بیگانگان و دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی جهت بدنام کردن و ایجاد جو تبلیغاتی مخالف برای کشور عزیزمان در کمین نشست‌اند. لذا خواست به حق جامعه ایرانیان کلمی اصلاح سخنان بیان شده می‌باشد.

جناب آقای رحیمی از آنجاییکه انجمن کلیمیان تهران مطمئن است که بیانات جنابعالی بر اساس نظرات افرادی نامطلع و ناوارد پیرامون گنجینه مقدس تلمود بوده‌است، لذا این انجمن آمادگی خود را جهت تبیین آموزه‌های بسیار ارزشمند این کتاب خصوصا در مورد آموزه‌های ممنوع دوستی برای آن جناب اعلام می‌دارد.

همچنین این انجمن اعلام می‌دارد همواره رعایت وصایای حضرت امام راحل و همچنین سخنان گرانقدر رهبر جمهوری اسلامی ایران در مورد وحدت کلمه و همدلی در کشور بزرگ و قدرتمند ایران را مد نظر داشته و از یکایک افراد ایرانی نیز این انتظار به حق را دارد.

با تقدیم احترام

رئیس انجمن کلیمیان تهران

دکتر همایون سامه یح

تیر ۱۳۹۱

"صهیونیسم همان یهودیت است، و یهودیت بدون صهیونیسم بیمعنی است." - دایره

المعارف هارپر از تاریخ آمریکا ( *Harper's Encyclopedia of United States* )

(*History*)، جلد ۱۰، کلیدواژه "صهیونیستها" (*Zionists*).

### کابالا (*Kabbalah*) و سحر یهودی

کتاب زوهر (*Zohar*) بخش دیگری از فتنه هاروت و ماروت و یادگیریهای یهودیان از بابل است. زوهر که مبانی فکری صوفیگری یهودی و یا کابالا (*Kabbala*) را تشکیل میدهد در بسیاری موارد پا را از تلمود نیز فراتر گذاشته و گاهی از موحد بودن نیز خارج میشود. کابالا مانند اعتقادات زرتشتی اعتقاد دارد که در دنیا نیروهای خیر (*Qeddushah*) و شر (*Kelipah*) مساوی وجود دارد و همیشه جنگی بین این نیروهای خیر و شر برقرار است.

کتاب زوهر اولین بار در قرن ۱۳ میلادی در اسپانیا تحت سلطه خلفای سنی آشکار شد و توسط یک خاخام به نام موزس دو لیون (*Moses de Leon*) چاپ گردید. موزس دو لیون گفت که نوشته‌های زوهر نوشته ربی شیمون بر یوحای (*Shimon bar yochai*) است که بنا بر افسانه‌ای سیزده سال در یک غار عبادت میکرد تا زوهر توسط الیاس نبی به او آشکار شد. از این رو یک فاصله ۱۰۰۰ ساله بین آشکار شدن زوهر و نوشته شدن آن توسط موزس لیون وجود داشته است. بر اساس تفسیر آنان زوهر و معانی مخفی کابالا برای یک هزار سال مخفی شده بود و قرار بود فقط در روزهای آخر دوباره آشکار شود. از این رو آشکار شدن این متن در قرن ۱۳ میلادی برای بسیاری از یهودیان نشاندهنده آغاز عصر مسیحایی بود. یهودیان معتقد بودند که با مطالعه هرچه بیشتر زوهر، آمدن مسیح موعود را تسریع خواهند کرد.

"وقتی هزار سال تمام شد، شیطان از زندان خود آزاد خواهد شد." - عهد جدید، مکاشفات



خاخامها اعتقاد داشتند که به وسیله قدرت جادویی زوهر از آوارگی که خدا بعد از نابودی معبد دوم بر آنها معین کرد رهایی یافته و به سرزمین خود بازمیگردند. از این رو در این دیدگاه دیگر وظیفه یهودیان انتظار غیرفعال و عبادت برای بخشیده شدن و بازگشت به ارض موعود نبوده و بلکه آنها به صورت فعال با پخش کردن کابالا باید رستگاری خود را تسریع میکردند. بعد از سال ۱۵۳۵ میلادی خاخامهای کابالیست عثمانی به ارض موعود و خصوصا شهر صفا در شمال اسرائیل فعلی رفته و به پخش کردن تعالیم کابالیستی مشغول شدند.

”با تکمیل پرستش (کابالایی)، شکست خوردن جنتایلها اتفاق خواهد افتاد و پادشاهی آنها نابود خواهد شد” – موشه کوردوورو (*Moshe Kordovero*)، اور یاکار (*Or Yakkar*)، ۱۹۸۶.

امروزه درصد زیادی از خاخامها به جای تبحر اصلی در تورات، بیشتر در تلمود و کابالا تبحر دارند. بعضی حتی از جادوهایی نظیر کابالای عملی (*Practical Kabbala*) برای رسیدن به اهداف خود استفاده میکنند. به طور مثال روایت میشود که خاخام جودا لو بن بزلال (*Judah Loew Ben Bezalel*) در قرن ۱۶ توانست در پراگ یک با استفاده از قدرت کابالا یک موجود به نام گولم (*Golem*) خلق کند که یهودیان را از حملات مسیحیان حفظ کند. او ادعا میکرد که دانشی را که به وسیله آن خدا آدم را خلق کرده است داراست.

تغییرات عجیب دنیا در چند صد سال گذشته تنها با توجه به وضعیت کابالا قابل فهم است. خاخامهای یهودی معمولاً مطالعات خود را به چندین عصر تقسیم میکنند. از این رو ربیهای این اعصار با هم به بحث و گفتگو پرداخته و نتایج این بحثها به صورت یک کتاب قانون در میآید. اولین اعصار، عصر تنائیم (*Tannaim*) و آموزائیم (*Amoraim*) بود که منجر به جمع آوری تلمود شد. عصر قرون ۱۱ تا ۱۵ نیز عصر ریشونیم (*Rishonim*) نام دارد که با نوشتن کتاب شولچان آروش (*Shulchan Arush*) به پایان رسید. از قرن ۱۶ خاخامها وارد عصر جدیدی به نام آخرونیم (*Acharonim*) که آخرین عصر نام دارد شدند. مهمترین تغییر این عصر با عصور دیگر این است که محدودیتهای برای تدریس عمومی کابالا برداشته شده و یهودیان کابالیست به تدریس این سحرها به شاگردان خود پرداختند. تا قبل از آن خاخامها در تدریس و استفاده از کابالا ممنوعیتهای زیادی داشتند. ولیکن از این زمان کابالا به صورت گسترده در بین یهودیان استفاده شد.

”من اینرا به صورت نوشته شده دیدم که ممنوعیت الهی برای عدم مطالعه حکمت حقیقت (کابالا) فقط برای مدت محدودی، تا پایان ۱۴۹۰ بود. ولیکن از این زمان، ممنوعیت برداشته شده است و اجازه مطالعه زوهر داده میشود. از ۱۵۴۰ این یک میتزوای بزرگ (دستور) است که مردم آن را به صورت عمومی مطالعه کنند، پیر و جوان... و این به آن دلیل است که مشیحا خواهد آمد به این دلیل و نه به دلیل دیگر.“ - **ربی**

**آبراهام بن موردخای عزولای (*Rabbi Abraham ben Mordecai Azolai*)، اوهر**

**هاشاما (*Ohr Hachama*).**

از این زمان اولین نسخه چاپی زوهر در سال ۱۵۵۸ میلادی در دسترس عموم قرار گرفت. تا قبل از این زوهر فقط به صورت دستنویس و در دست افراد خاصی وجود داشت. ولی از این زمان آنها اعتقاد داشتند که با پخش کردن هرچه بیشتر کابالا، بخشیده شدن خود و بازگشت به ارض موعود را تسریع میکنند. دومین تغییر مهم از این زمان تغییر در فهم هلاخا (شرع یهود) بود. از این رو دو نوع تفسیر از هلاخا به نامهای "قانون آوارگی" و "قانون رستگاری" وجود داشت. در اولی معنی قانون به صورت معنی لغوی و در دومی به صورت معنی کابالیستی بود. از این رو کابالا به عنوان "تورات مسیحایی" مطرح شد. از این زمان قانون کابالا بر هلاخا غلبه کرد و ادعای برتری بر هلاخا نمود.

"تورات به صورت معنی لغوی آن، تورات مربوط به دنیای خاکی است، و در مقایسه با تورات دنیای پس از این (زوهر) بی ارزش است. درباره میشنا هم، معنی لغوی آن چیزی جز حجاب، پوسته و لایه بیرونی نیست در مقایسه با رمز مخفی که در ذات حکمت درونی (کابالا) است." - حییم ویتال (*Hayim Vital*)، اتز - حییم (*Etz-Hayim*).

ویتال که در قرن شانزدهم زندگی میکرد، اعتقاد داشت که قوانین قبلی یهودیت در واقع "تورات آوارگی" (*Torah of Exile*) است و از آغاز عصر کابالا دیگر مهم نیستند. او معتقد بودند که کابالا تورات رستگاری (*Torah of Redemption*) است و در عصر رستگاری جایگزین تورات میشود. کابالای مدرن زابیده نوشته ها و تعلیمات یک خاخام معروف به نام ایزاک لوریا (*Isaac Luria*) بوده و از این رو کابالای لوریان (*Lurian Kabbalah*) نامیده میشود.

علم مدرن در واقع زابیده کابالا است. باروخ اسپینوزا (*Baruch Spinoza*) که در کابالا و تلمود تعلیمات زیادی گرفته بود و شاگرد کابالیست معروفی به نام مناسه بن اسرائیل (*Manasseh ben Israel*) بود

دارای تاثیر بسیار مهمی در علم مدرن و اثر روشنفکری بود. به طور کلی پیش فرضهای علم مدرن با ذات تورات و قرآن در تضاد است.

علم مدرن تصور میکند که خدا غیرشخصی بوده و به صورت فعال در امور مداخله نمیکند. علم مدرن تصور میکند که دنیا بر پایه یک سری قوانین ایجاد شده و در واقع تمامی دنیا تصویر خداست و خدا نسبت به آنچه در طبیعت میگذرد ناآگاه است. خدا دارای عقیده‌ای نسبت به درست و غلط نیست. از این رو چون خدا به صورت فعال در وقایع مختلف نقش ندارد تنها دنیا را برپایه این قوانین ایجاد کرده و رفته است. از این رو اگر این قوانین فهمیده شوند انسان به معادل بودن با خدا میرسد. در واقع علم مدرن، شباهتهای بسیار زیادی با دین طبیعت گرایی (*Pantheism*) دارد و به همین دلیل است که دانشمندان اکثرا بیدین میشوند. زیرا پیشفرضهای آنچه انجام میدهند در تضاد با تسلیم بودن نسبت به خداست. تلاش برای غلبه بر خدا، انسان را نسبت به خدا کافر میکند. تنها وقتی علم میتواند با خداپرستی در تضاد نباشد که به جای تلاش بر غلبه بر خدا، از فهمیدن طبیعت برای فهم بیشتر خدا و نزدیک شدن به او استفاده کند. در دیدگاه کابالیستیک از اصطلاحی به نام تیکون اولم (*Tikkun Olam*) استفاده میشود که معنی آن این است که دنیا به صورت ذاتی خراب است و یهودیان باید آن را ترمیم کنند.

کتاب زوهر مسائل بسیار عجیبی مطرح میکند. در زوهر آمده است که آدم در باغ بهشت علاوه بر حوا با یک شیطان به نام لیلیث رابطه جنسی داشت. از این رو غیریهودیان (جنتایلها) همه از رابطه جنسی با لیلیث و یهودیان از حوا هستند.

در عهد جدید وعده داده شده بود که شیطان دارای عدد ۶۶۶ است (مکاشفات یوحنا ۱۵:۱۳-۱۸). در سال ۱۶۶۶ یک یهودی کابالیست به نام سبتای زوی (*Sabbatai Zevi*) که در از میر عثمانی (ترکیه امروزی)

متولد شده بود ادعا کرد که مسیح موعود یهودیان است. او در ۱۸ ژوئن ۱۶۶۶ اعلام کرد که عصر مسیحایی (*Messianic Age*) آغاز شده است و مجازات یهودیان به زودی پایان میابد. او آنقدر در بین یهودیان محبوبیت یافت که تمامی یهودیان دنیا از انگلستان تا ایران و از آلمان تا شمال آفریقا و از لهستان تا یمن تحت تاثیر او قرار گرفتند. او شروع به اعمال ممنوعه در دین یهودی نظیر تلفظ نام خدا (*Tetragrammon*) در انظار عمومی کرد و اعلام کرد در عصر مسیحایی تمامی آنچه قبلاً ممنوع بود آزاد است. او اجازه داد پیروانش تاریخ عیدهای اصلی یهودیت را تغییر دهند. او اعلام کرد که چون مسیح آمده است دیگر نیازی به پیروی از قوانین تورات نیست. یهودیان او را نه به عنوان یک پیامبر بلکه به عنوان مسیح موعود و نماد خدا بر روی زمین قبول کردند. ولیکن سلطان عثمانی او را دستگیر کرد و او در اقدامی غیرمنتظره به اسلام گروید. بسیاری از پیروان او نیز همراه او به اسلام گرویدند. بعد از او کابالیست دیگری در لهستان به نام جاکوب فرانک (*Jacob Frank*) ادعاهای او را درباره مسیح بودن تکرار کرد. جاکوب فرانک گفت که او زنده شدن مجدد سبتای زوی است. او نیز در اقدامی عجیب به همراه پیروانش به مسیحیت گروید. از این زمان تغییرات بسیار عجیبی در دنیای مسیحیت و اسلام از درون آغاز شد. سبتای زوی و جاکوب فرانک دارای دکترونی به نام رستگاری از طریق گناه (*Redemption through sin*) بودند. آنها معتقد بودند با انجام هرچه بیشتر گناه به خدا نزدیکتر میشوند. آنها پیروان خود را نیز ترغیب میکردند که با انجام بیشتر گناهان و هر آنچه ممنوع بود به خدا نزدیکتر شوند.

”تو را ستایش میکنیم، خدای تمامی دنیا، که کارهای ممنوع را آزاد کردی” – سبتای زوی.

گریگوری راسپوتین (*Rasputin*) کشیش معروف که نقش مهمی در نابودی آخرین تزار روسیه داشت نیز از همین دکترونی (رستگاری از طریق گناه) تبعیت میکرد.

"وقتی آدم و حوا بچه دار شدند اولین فرزند آنها فرزند نچش (شیطان به صورت مار) بود. زیرا دو موجود با حوا رابطه جنسی داشتند و او از هر دو حامله شده و دو فرزند به دنیا آورد. هر دو از والد پدر خود تبعیت کردند، روحهایشان جدا شد، یکی به این سمت و دیگری به سمت دیگر و همچنین خصوصیات اخلاقیشان. در طرف قابیل تمامی موجودات شر هستند. از طرف هابیل موجودات مهربان، ولیکن نه لزوما سودمند، شراب خوبی که با شراب بد مخلوط شده است. نژاد درست تولید نشد تا اینکه ست (*Seth*) آمد و او جد نسل درستکاران (یهودیان) شد." - زوهر (*Zohar*)، 1:36b

"عیسی مانند یک حیوان مرد و در خاک کثیف دفن شد در جایی که آنها بدن سگها و الاغها را مینداختند و جایی که فرزندان عیسو (مسیحیان) و اشماعیل (مسلمانان) و عیسی و محمد، ختنه نشده و کثیف مانند سگان مرده دفن شدند." - زوهر ۳:۲۸۲

"روح زنده به اسرائیل (قوم یهود) اطلاق میشود که دارای روح مقدس زنده از بالا است و گوسفند و موجودات خزنده و حیوانات زمین به افراد دیگر اطلاق میشود که روحهای زنده نیستند." - زوهر، برشیت (*Bereshith 47a*) 47a

در عصر روشنفکری (*Age of Enlightenment*) در قرن ۱۸ تعداد زیادی از کابالیستها به صورت دسته جمعی از اروپای شرقی و خصوصا لهستان به اروپای غربی مهاجرت کردند. این کابالیستها دارای قدرت و ثروت زیادی بودند و جوامع مسیحی را دچار تغییرات زیادی کردند. از این زمان مسیحیان دیگر مسیحی نبودند بلکه سفیدپوست مسیحی (*White Christian*) بودند. آنها به دلیل حمایت از قوم برگزیده خود

نیز نژاد برگزیده شدند. از این رو در دنیای غربی امروزی سفیدپوست بودن بسیار مهمتر از مسیحی بودن است. این کابالیستها و مخصوصا پیروان جاکوب فرانک نقش زیادی نیز در انقلاب فرانسه و شکلگیری نوع حکومت مدرن بر پایه سکولاریزم داشتند. آنها سپس مسیحیان را مجبور کردند به تمامی کشورهای دنیا حمله کرده و سیستم حکومتی آنها را نیز سکولار کنند و یهودیان را بر غیریهود مسلط کنند. از این زمان سقوط تمامی حکومت‌های پادشاهی آغاز شده و یکایک حکومتها به فرم جدید حکومت جمهوری تبدیل شدند که در آن کتاب خدا مهمترین چیز نبود بلکه چیزی به نام قانون اساسی وجود داشت که تعهد اصلی حکومت به آن و نه حکم خدا بود. بانکداری مدرن و بانک مرکزی در همه جا ایجاد شد. چنین نوع حکومتی سرآغاز حکومت مدرن بیدین شد.



**کابالا**

**کابالا - عرفان یهود**

اواخر قرن سیزدهم میلادی در شهر کوچک آراگون واقع در اسپانیا شخص بنام مشه دولئون ادعا نمود کتابی پیدا کرده که از نظر محتوا بسیار با ارزش دارای قدمت دیرینه است. پس از بررسی های انجام شده توسط دانشمندان اعلام گویید که کتاب منسوب به "یهود" است که توسط استاد عالم مقام



یهودیان ایران حتی برای کابالا نیز ارزش زیادی قائل هستند و آن را محترم می‌شمارند. مطلب گرفته شده از سایت [7dorim.com](http://7dorim.com) (ارگان رسمی یهودیان ایران) است و کاملا با اجازه مقامات جمهوری اسلامی انجام میشود.

## فرقه های مختلف یهودی و اعتقاد به تلمود

یهودیان در عصر عیسی به چندین فرقه مختلف تقسیم میشدند. آنها از فریسیان (*Pharisees*)، سدوسیان (*Sadducees*)، اسنها (*Essens*) و گروههای دیگر بودند. سدوسیان که در واقع از نسل کاهنان اصلی معبد بودند حالت اشرافی داشتند. در بین آنان مقام از پدر به پسر منتقل شده و نژاد یهودی نیز از طرف پدری محسوب میشد. سدوسیان به تورات شفاهی (تلمود) اعتقاد نداشته و تنها تورات اصلی را قبول داشتند. فریسیان که دسته دیگری بودند در تضاد با سدوسیان بودند. فریسیان بیشتر از نسل خاخامهای بابلی و افرادی بودند که فتنه هاروت و ماروت آنها را تحت تاثیر قرار داده بود. فریسیان اعتقاد به تلمود داشته و آن را مهمتر از تورات میدانستند. آنها میگفتند که نژاد یهودی نه از طریق پدر (مشابه آنچه در تورات است) و بلکه از طریق مادر منتقل میشود. سدوسیان اعتقادی به دمکراسی و رای مردم نداشتند و معتقد بودند قانون خدا با نظر مردم تغییر نمیکند. ولیکن فریسیان قدرت زیادی در تهییج مردم داشته و میتوانستند مردم را به سمت و سویی که میخواستند تحریک کنند. عیسی مهمتر از تمامی گروههای یهودی با فریسیان مشکل پیدا کرد. خداوند عیسی را به سوی قوم یهود فرستاده بود تا آنها را از بدعتهایی که در دین خدا ایجاد کرده بودند جدا کرده و به دین اصلی باز گرداند. به طبع چون فریسیان به دلیل پیروی از قوانین تلمودی بیشتر از دین خدا خارج شده بودند اختلاف آنها با عیسی نیز بیشتر بود. فریسیان بسیار ظاهرساز بودند. آنها به قوانین خودساخته نظیر چگونگی خوردن نان اهمیت بسیار زیادی میدادند. قوانینی که خدا نازل نکرده بود بلکه روحانیون آنها در تلمود نوشته بودند. ولیکن به قوانین اصلی خدا اهمیت زیادی نمیدادند. آنها ده فرمان را فراموش کرده بودند ولیکن مسائل بی اهمیت برای آنها بسیار مهم شده بود. از این رو آنها قوانین مردم



(Laws of men) را بر قوانین محکم خدا (Laws of god) ترجیح داده بودند. مانند آنچه امروزه روحانیون شیعه انجام میدهند و حکمهای خود را بر حکمهای قرآن مقدم میدارند.

(عیسی خطاب به فریسیان) شما از پدر خود، شیطان هستید و دنبال اهداف او هستید. او از آغاز یک قاتل بود و حقیقت را دوست نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نبود. وقتی او دروغ میگوید کار طبیعی خود را انجام میدهد، زیرا او یک دروغگو و پدر دروغها است. –

عهد جدید، انجیل یوحنا، ۸:۴۴

من کفر کسانی را میدانم که خود را یهودی میخوانند ولی آنها یهودی نیستند بلکه از

”کنیسه شیطان” هستند. – عهد جدید، مکاشفات یوحنا، ۲:۹

(خطاب به فریسیان) ای مارها، ای نسل افعیها، چگونه میخواهید از عذاب جهنم فرار

کنید؟ – عهد جدید، انجیل متی، ۲۳:۳۳

لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا  
وَوَكَانُوا يَعْتَدُونَ (۷۸)

از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز

می کردند. – سوره مائده آیه ۷۸

یهودیان در گذر زمان به فرقه های دیگری تبدیل شدند. یهودیت امروزی یا ۹۹ درصد یهودیان دنیا از فریسیان هستند.

”فریسیان تبدیل به تلمودیان شدند... ولیکن روح فریسیان تغییر نکرد. وقتی یک یهودی تلمود را میخواند او در واقع بحثهای آکادمیهای فلسطین را تکرار میکند. از فلسطین تا بابل، از بابل تا شمال آفریقا، ایتالیا، اسپانیا، فرانسه و آلمان. از آنجا به لهستان، روسیه و اروپای شرقی.“ – فریسیان (*The Pharisees*)، لوئیس فینکلشتاین ( *Louis Finkelstein*)، جلد اول.

سدوسیان در گذر زمان ناپدید شده و در اقوام دیگر حل شدند. یهودیت دیگری که مانند سدوسیان به تلمود اعتقاد نداشته و به نسل پدری اعتقاد داشت قرائیم (*Karaites*) بود که امروزه تعداد بسیار کمی از آنها وجود دارد. بقیه یهودیان به شدت فرقه قرائیم را مورد آزار قرار داده و از آنها متنفر هستند. در واقع یهودیان واقعی قرائیم هستند زیرا از قانون خدا (تورات) و نه از قانون مردم (تلمود) تبعیت میکنند. قرائیم به دلایل زیر میشنا (قسمت اول تلمود) را قبول ندارند:

- ۱- میشنا دارای عقاید متضاد از خاخامهای مختلف است.
- ۲- میشنا نمیگوید که حقیقت در کدام طرف این بحث است. بلکه خواننده را آزاد میگذارد تا آن را هر طور میخواهد تفسیر کند.
- ۳- حقیقت قانونی که خدا به موسی به صورت شفاهی داده باشد تنها میتواند یک نظر و نه چندین نظر باشد.
- ۴- میشنا تنها از زبان موسی سخن نمیگوید.

۵- بودن چیزی به نام قانون شفاهی در تورات نیامده است.

۶- وقتی خدا موسی را به کوه سینا برد به او گفت: "از کوه به سمت من بالا بیا، و در آنجا من به تو سنگنوشته ها، یک قانون، و دستوراتی که نوشته ام خواهم داد" متن میگوید که قوانین نوشته شده است و صحبتی از قوانین شفاهی نمیشود.

۷- در تنخ (عهد عتیق) آمده است که تورات نوشته شده به مدت ۵۰ سال گم شده بود و تنها توسط کاهنان معبد دوباره پیدا شد، از این رو غیرقابل باور است که وقتی تورات اصلی گم شده باشد، تورات شفاهی حفظ شده باشد.

۸- سخنان میشنا و تلمود به صورت مشخص از دهان مردمانی که در قرن ۲ تا ۵ زندگی میکنند خارج میشود. ولیکن تورات به طور مشخص سخن خدا به موسی است.

۹- تورات میگوید: "تو نباید هیچ لغتی به آنچه من به تو دستور میدهم اضافه کنی، یا کم کنی، و تو باید دستورات یهوه، خدای خود، را اجرا کنی، که من به تو دستور میدهم" (تثنیه ۲:۴). این آیه اجازه تفسیری در آینده را نمیدهد زیرا دستور خدا محکم و الهی است.

۱۰- در تورات آمده است که یوشع تمامی لغات تورات را خواند، دعاها و نفرینهای آن، همانگونه که در تورات نوشته شده بود. به دلیل اینکه یوشع از روی نوشته خوانده نشان میدهد که چیزی به نام قانون شفاهی وجود نداشته است.

یهودیت تقریباً تمامی یهودیان دنیا و از جمله یهودیان ایران تلمودی است. در گذشته در ایران یهودیت قرائیم وجود داشته است. به طور مثال بنیامین نهاوندی یکی از بزرگان فرقه قرائیم در ایران زندگی میکرد است. ولیکن امروزه یهودیان ایران همه تلمودی هستند. آنها به فریسیان که دشمن عیسی بوده و کسانی هستند که تلاش کردند او را به صلیب بکشند احترام میگذارند.

یهودیت تلمودی نقش مهمی در دید منفی غیریهودیان نسبت به آنها داشت. در قرون وسطی مسیحیانی که تلمود را خوانده بودند از مطالب عجیب آن بهت زده و شوکه میشدند. از این رو در تمامی کشورهای اروپایی اعتقاد به تلمود معیاری بود که دولت بر اساس آن یهودیان را محدود میکرد. به طور مثال تزار روسیه به یهودیان قرائیم اجازه زیادی برای رفت و آمد و حقوق قانونی داده بود، ولیکن یهودیان تلمودی را محدود به موقعیت کوچکی به نام *Pale of settlement* کرده بود. زیرا تزار یهودیان تلمودی را در مرگ عیسی (از دیدگاه مسیحی) مقصر میدانست و قرائیم که از نسل سدوسیان بودند در آن بی تقصیر بودند.

## دیدگاههای یهودیان امروزی

شاید با مطالعه مطالب عجیب تورات و تلمود تصور کنید که با اینکه این مطالب عجیب در کتابهای آنها وجود دارد ولیکن دیدگاه یهودیان امروزی با این مطالب متفاوت است. آنها چگونه ممکن است به مطالبی چنین عجیب باور داشته باشند. ولیکن با خواندن مطالبی که یهودیان امروزه مینویسند و با مطالعه سیاستهای دولت اسرائیل، طرز تفکر تلمودی آنها کاملاً مشخص است.



قریسیان ، یارسیان یهود

یهودیان ایران به فریسیان (دشمنان عیسی مسیح) احترام زیادی میگذارند و خود را پیروان آنان میدانند. آنها این اعمال را کاملاً در سایه حمایت دولت جمهوری اسلامی انجام میدهند.

به طور مثال یکی از خاخامهای معروف اسرائیلی عوادیا یوسف *Ovadia Yosef* (با نام اصلی عبدالله یوسف) نام دارد. عوادیا یوسف در بین یهودیان خاورمیانه (یهودیان کشورهای عربی، ایران، ترکیه،...) بسیار محبوب بوده و در اسرائیل نیز محبوبیت فراوانی دارد. در سال ۲۰۱۰ میلادی در یکی از خطبه های خود گفت که "تنها دلیل زندگی کردن جنتایلهها (غیریهودیان) خدمت به یهودیان است."

"جنتایلهها فقط برای خدمت به ما ساخته شدند. بدون این، آنها هیچ حقی از این دنیا ندارند، تنها برای خدمت به مردم اسرائیل"

عوادیا یوسف : گویم فقط برای خدمت به قوم اسرائیل خلق شده اند.

**GORDON DUFF: PROMINENT ISRAELI RABBI: "GENTILES NEED TO DIE"**

October 26, 2010 posted by Gordon Duff © 221 Comments



**"GOYIM HAVE NO PLACE IN THE WORLD"**

By Gordon Duff STAFF WRITER/Senior Editor

"Gentiles need to die. 'goyim have no place in the world.' This was part of a rambling diatribe of racial animus heard on Israel's Channel 10 this weekend. The perpetrator? Leader of the Israeli Sephardic community, Rabbi Ovadia Yosef, founder of the Shas Party, part of the Likud coalition headed by Prime Minister Benjamin Netanyahu.

This isn't the first time Rabbi Yosef has said these things. The immensely popular Litvaski Rabbi, when not calling for the slaughter of Palestinians or advocating the destruction of Christianity, offers recipes.

***"Gentiles exist only to serve Jews," according to Rabbi Ovadia Yosef***



— CHIEF RABBI YOSEF speaks to Jewish supremacists: "Goyim were born to serve us."

با وجود این سخنان عوادیا یوسف در بین یهودیان بسیار محبوب است. حتی یهودیان ایران نیز که در ایران و ظاهراً در زیر سلطه قوانین اسلامی قرار دارند در کنیسه های خود علاقه خود را به او نشان میدهند.

یهودیان ایران نیز به افراد نژادپرستی نظیر عوادیا یوسف احترام گذاشته و او را قبول دارند. آنها نیز در ته دل به اینکه جنتایلهها برای خدمت به آنها ساخته شدند اعتقاد دارند. جالبتر اینکه این فعالیتها زیر نظر جمهوری اسلامی است.



دیدگاههایی مانند این در بین یهودیان امروزی بسیار است. به طور مثال یکی دیگر از رهبران معروف یهودی مناخیم مندل اشنیرسون (*Menachem Mendel Schneerson*) نام داشت. او که رهبر سازمان چاباد لوباویچ (*Chabad Lubavitch*) بود در بین یهودیان نیویورک و حتی در بین دولتمردان آمریکا بسیار محبوب بود. بعضی از یهودیان او را همان مسیح موعود میدانستند. اشنیرسون در کتابی به نام "مجموعه سخنان" (*Gathering of conversations*) در سال ۱۹۶۵ در اسرائیل چاپ کرد نوشته است: "این چیزی است که باید در مورد بدن گفته شود. بدن یک یهودی دارای کیفیتی متفاوت از بدن

شخصی از تمامی ملت‌های دیگر دنیا است. بدن یهودیان ظاهراً شبیه بدن غیریهودیان است. ولیکن این شباهت فقط در مواد ظاهری و کیفیت‌های سطحی است. ولیکن کیفیت درونی به قدری متفاوت است که بدن‌ها باید به عنوان دو گونه متفاوت قرار گیرند. از این رو تلمود میگوید که تفاوت هلاخایی بین بدن یهودیان و غیریهودیان وجود دارد. بدن آنها در بطلان است. تفاوت مهمتری نیز در مورد روح وجود دارد. دو نوع روح متفاوت وجود دارد. روح غیریهودیان از سه کره شیطانی می‌آید ولیکن روح یهودیان از مقدسات است."

سازمان چاباد لوباوویچ که تا زمان مرگ اشنیرسون زیر نظر او بود به صورت فعال به دنبال کسانی که دارای نژاد یهودی هستند ولیکن اکنون به دین دیگری هستند رفته و آنها را تشویق به بازگشت به یهودیت میکرد.

ربی ایزهاک هاکوهن کوک (*Rabbi Yitzhak Hacohen Kook*) (رهبر معنوی جنبش گوش

امونیم) نیز مطالب مشابهی گفته است: "تفاوت بین روح یهودی و روح غیریهودی - تمامی این تفاوتها در تمام سطوح بیشتر از تفاوت بین روح یک انسان و روح گوسفندان است."

جودیت کریمر (*Judith Kramer*) و سیمور لونتمن (*Seymour Leventman*) در تحقیقی بر روی

یهودیان ارتدوکس به موضوع زیر اشاره میکنند: "حتی در زبان ییدیش (*Yiddish*) یهودیان در استفاده از

فعل‌های مختلف بین یهودی و غیریهودی تفاوت قائل میشدند. فعل‌هایی که برای جنتایلها استفاده میشد

فعل‌هایی بود که برای حیوانات استفاده میشد. مثلاً یهودیان میخورند (*essen*) ولیکن گویم مانند خوکها

میخورند (*fressen*)، یهودیان میمیرند (*starben*) ولیکن گویم مانند سگها میمیرند (*pagern*)،

یهودیان مینوشند (*trinken*) ولیکن گویم مانند الکلیها مینوشند (*soifen*)".

ابن میمون (*Maimonides*) از معروفترین فیلسوفان یهودی گفته است: "یک برده جتتایل باید تا ابد برده شود... یکی از دلایل اصلی آن این است که ملت یهودی ملت نخبه نسل آدمی است.. از این رو آنها لیاقت دارند که برده هایی برای خدمت به خود داشته باشند."

همچنین: "یک مرد میتواند برده زن خود را به برده مرد خود و یا برده همسایه خود بدهد... زیرا آنها مانند حیوانات هستند."

او در مورد ترکها نیز نظر زیر را داشت:

"من میگویم: کسانی که بیرون از شهر هستند انسانهایی هستند که دارای هیچ عقیده خاصی نیستند، نه عقیده‌ای که بر پایه شک بوده و نه چیزی که سنت آنان باشد. افرادی از این قبیل در بین ترکها در شمال و در بین سیاهپوستان در جنوب و کسانی که در بین ما زندگی میکنند ولی شبیه آنانند یافت میشوند. وضعیت آنان مانند وضعیت حیوانی بیمنطق است. در نظر من آنها وضعیت انسان را ندارند بلکه دارای وضعیتی پایینتر از انسان ولیکن بالاتر از یک میمون و یا قوچ هستند. آنها دارای ظاهر بیرونی شبیه به انسانها هستند و قدرت تشخیص آنان بیشتر از میمونها است." - موسی ابن میمون، کتاب راهنمای گنجشندگان ( *A Guide for the Perplexed* ) جلد سوم، فصل ۵۱.

قرآن میگوید :

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲) از این روی بر فرزندان اسرائیل



مقرر داشتیم که هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس کسی را زنده بدارد چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده‌روی می‌کنند.

—سوره مائده آیه ۳۲—

ولیکن یهودیان نجات دادن یک انسان را با نجات دادن یک یهودی جایگزین کردند: "هر کس زندگی یک اسرائیلی را نجات دهد مانند این است که تمامی مردم روی زمین را نجات داده باشد" (تلمود بابلی سنهدرین ۴:۵)

"یک میلیون عرب در برابر یک ناخن یهودی بی ارزش هستند." خاخام یاکوو پرین (*Ya'acov Perin*)، اخبار روزانه نیویورک، ۲۸ فوریه ۱۹۹۴، صفحه ۶

داستان دکتر باروخ گلدستین (*Baruch Goldstein*) نیز در فهم تفکر یهودی بسیار ارزشمند است. گلدستین که یک پزشک بود در آمریکا متولد شده و بزرگ شده بود. او به اسرائیل مهاجرت کرده و در ارتش اسرائیل مشغول به کار شد. وقتی در سال ۱۹۸۵ ارتش اسرائیل یک پسر بچه فلسطینی را در پا هدف قرار داده بود به پیش او آورد او گفت: "من قصد ندارم هیچ جنتاییلی (غیر یهودی) را معالجه کنم." با وجود این حرف ارتش اسرائیل اجازه داد که او در ارتش باقی ماند و خدمت کند. در پوریم سال ۱۹۹۴ گلدستین وارد مسجد هبرون شده و نمازگزاران را از پشت با اسلحه اتوماتیک خود هدف قرار داد. ۲۹ فلسطینی کشته شدند. بقیه نمازگزاران او را زیر دست و پا کشتند. بعد از این اتفاق یک خاخام معروف اسرائیل به نام ربی

موشه لوینجر (*Moshe Levinger*) گفت: "من برای ۲۹ فلسطینی متاسفم همانگونه که برای ۲۹ مگس متاسف هستم." یک خاخام دیگر به نام ربی دوو لیور (*Dov Lior*) گفت: "چون گلدستین این کار را با نام خدا کرده بود او باید به عنوان یک مرد صالح یاد شود." تشیع جنازه گلدستین بسیار شلوغ بود. برای او یک مقبره تشکیل شده است و قبر او محل زیارت بسیاری یهودیان در اسرائیل است.

نمونه دیگری از تفکر یهودیان در برتری نژادی داستان سرباز زندانی شده اسرائیلی به نام گیلاد شلیت (*Gilad Shalit*) است. در هنگامی که اسرائیلیها حاضر به مبادله او با اسیران مسلمان شدند به ازای او ۱۰۰۰ نفر زندانی را آزاد کردند. زیرا جان یک اسرائیلی به اندازه ۱۰۰۰ نفر گویم ارزشمند است.

روزنامه اسرائیل هآرتز (*Ha'aretz*) در ۱۹۸۹ نوشت که ربی هارولد شولوایس (*Rabbi Harold Schulweiss*) گفته است که او از "اعمال هلاخا به اینکه هیچ جنتایی نباید در اورشلیم زندگی کند پشتیبانی میکند." و تمامی جنتاییها باید از اورشلیم بیرون انداخته شوند.

همسر برنی مداف (*Bernie Madoff*) کلاهبردار یهودی دستگیر شده در نیویورک که بزرگترین کلاهبرداری چند دهه اخیر را در ابعاد هزاران میلیارد دلار انجام داده بود در مکالمات خود به شوهرش که توسط اف بی آی (*FBI*) ضبط شده بود گفته بود: "جنتاییها مسئول دستگیری تو هستند." جالب اینکه یک جنتایل یونانی الاصل به نام هری مارکوپولوس (*Harry Markopolos*) چندین سال با نوشتن گزارش و شکایت به طور ریاضی ثابت کرده بود که مداف کلاهبردار است و سیستم او هرمی است. ولیکن مسئولین خود نیز یهودی بوده و عمل مداف را بدون ایراد میدانستند. تا زمانی که کشف شد مداف از یهودیانی نظیر استیون اسپیلبرگ (*Steven Spielberg*) نیز کلاهبرداری کرده است و در آن زمان او دستگیر شد. کلاهبرداری از جنتاییها ایرادی نداشت ولی از یهودیان گناهی غیر بخشودنی بود. شرح کارهای مارکوپولوس

در یک برنامه تلویزیونی به نام دنبال کردن مداف (*Chasing Madoff*) پخش شده است که دیدن آن را به هر خواننده توصیه میکنم.

## آیا واقعا یهودیان از افراد دیگر باهوشتر هستند؟

همه ما ضرب المثل تا نباشد چیزکی مردم نگویند چیزها را شنیده‌ایم. از خود بپرسید اگر واقعا یهودیان دارای استعداد بیشتری از انسانهای عادی نیستند چگونه ممکن است همه آنها به برتری نژادی خود نسبت به بقیه اعتقاد داشته باشند؟

هر شخصی که به ایالات متحده آمریکا سفری داشته باشد کاملا متوجه میشود که اکثریت مردم در آمریکا بسیار احمق هستند. بسیاری از آنها حتی در کارهای بسیار ساده نیز مشکلات زیادی دارند. ولیکن تنها دلیل قدرت ایالات متحده وجود اقلیت یهودی منظم، یکپارچه، متحد و باهوش است. اگر هر روز یهودیان تصمیم بگیرند از ایالات متحده مهاجرت کنند این کشور کاملا فرو خواهد پاشید.

نگاهی به تغییرات دنیا در چند هزار سال گذشته نشاندهنده نقش بسیار پررنگ یهودیان در اتفاقات بشری است و از این رو است که بخش زیادی از قرآن به آنان اختصاص دارد. به طور کلی تمامی امپراتوریهای بزرگ دارای بعد یهودی مهمی بودند. با اینکه تاریخدانان یهودی به صورت عامدانه سعی میکنند نقش خود را بسیار کم رنگتر جلوه دهند، با کمی تحقیق متوجه میشوید که در بسیاری از موارد نقش بسیار مهمی داشته اند.

به طور مثال امپراتوری هخامنشی با آزاد شدن یهودیان و مهاجرت آنان به ایران شکل گرفت. هخامنشیان تا قبل از حضور یهودیان قدرت زیادی نداشتند. ولیکن با حضور اقلیت یهودی قدرت عجیبی پیدا کرده و بر دنیا مسلط شدند. خلفای سنی مذهب نیز قدرت خود را مدیون یهودیان بودند. در بیشتر این کشورها یهودیان

بودند که سکنهای اصلی تجارت و علم را در دست داشتند. رنسانس در اروپا از زمان مهاجرت یهودیان رانده شده از اسپانیا به ونیز شروع شد. هلند که با وجود کوچک بودن کشور نقش مهمی در تجارت بین المللی داشت تنها دلیل قدرت خود را مدیون اقلیت یهودی خود بود. هلند جزو اولین کشورانی بود که در اروپا یهودیان را آزاد کرد و به آنها اجازه فعالیت اقتصادی آزادانه داد. از این رو کمپانی هند شرقی ابتدا هلندی بود.

امپراتوری انگلستان که در اوج قدرت خود نیمی از مساحت کره زمین را کنترل میکرد قدرت خود را مدیون اقلیت یهودی خود بود. این یهودیان و نه خاندان سلطنتی انگلستان بودند که وقایع را از پشت پرده مدیریت میکردند. همانگونه که مشابه همین مساله در مورد آمریکا و اقلیت یهودی آن وجود دارد.

تمامی خوبی و بدی کشورهای مختلف و شاخه‌های مختلف اسلام و مسیحیت نیز بر اساس رابطه آنها با اقلیت یهودیشان مشخص میشود. از این رو مسلمان و مسیحی بودن ملاک نیست بلکه دوستی یا دشمنی با اقلیت یهودی ملاک است. کشورهایی که با یهودیان بد بودند به دیگران حمله نکرده و اموال آنان را غارت نمیکردند ولیکن کشورها و امپراتوریهایی که به آنان خوب بودند به بقیه حمله کرده و اموال آنها را میدزدیدند. مسیحیان غربی که با یهودیان خوب بودند جنگهای صلیبی راه انداخته و کشتار میکردند ولی مسیحیان شرقی (بیزانس) که با آنها بد بودند صلح طلب بوده و به بقیه حمله نمیکردند. تنها باری که ایرانیان در ۵۰۰ سال اخیر به کشور دیگری حمله کردند و اموال آنان را به غارت بردند توسط نادرشاه افشار و حمله او به هند بود. نادر شاه با یهودیان بسیار خوب بود ولی شیعیان را میکشت. ایرانیان هخامنشی که با یهودیان خوب بودند دائما به بقیه حمله میکردند ولیکن ایرانیان صفوی که با یهودیان بد بودند به کشورها حمله نکرده و جنگهای آنها اکثرا دفاعی بود. امپراتوری آمریکا و انگلستان که هر دو با یهودیان بسیار خوب بودند تقریبا تمامی کره زمین را در دو قرن گذشته غارت و چپاول کرده اند. یهودیان بیشترین دشمنی را به طور

تاریخی با مسیحیت شرقی (مسیحیت ارتدوکس، مسیحیت ارامنه) و با اسلام شیعه داشتند. از این رو مسیحیان ارتدوکس که مسیحیان واقعی هستند با شیعیان روابط بسیار خوبی دارند. تا به امروز نیز مردم ما با کشورهای ارمنستان و گرجستان که مسیحی ارتدوکس هستند رابطه بسیار بهتری نسبت به مسلمانان سنی دارند. مسلمانان سنی تا قبل از تشکیل کشور اسرائیل با یهودیان مشکلی نداشته و در کنار آنها به راحتی زندگی میکردند. ولیکن رابطه شیعیان و یهودیان همیشه بد بوده است و در زمانی که یهودیان راحت بودند شیعیان ناراحت و در زمانی که یهودیان ناراحت بودند شیعیان راحت بودند.

## تاریخ واقعی

"دنیا توسط کسانی بسیار متفاوت از کسانی که افرادی که پشت پرده مسائل نیستند تصور میکنند مدیریت میشود." - بنجامین دیسرائیلی (*Benjamin Disraeli*), نخست وزیر یهودی انگلستان، ۱۸۶۸.

"معنی تاریخ قرن گذشته این بوده است که ۳۰۰ بانکدار یهودی، همه رئیس لژها، به دنیا مدیریت میکنند." - جین ایزوله (*Jean Izoulet*), عضو سازمان آلیانس *Alliance Israelite Universelle*

"در تقریباً تمامی کشورهای دنیا که ما در مورد آنها اطلاعات داریم، قسمتی از جامعه یهودیان نقش بسیار مهمی در هر جنبشی برای تغییر قوانین فعلی داشته است." - استانلی روتمان (*Stanley Rothman*), ریشه های رادیکالیسم (*The Root of Radicalism*), ۱۹۸۲، صفحه ۱۱۰.

"تاریخ سیاسی مدرن نشانگر رابطه بسیار شدیدی بین یهودی بودن و رادیکال بودن

است" – فیلیپ مندس (*Phillip Mendes*)، ۱۹۹۳.

بیشتر اقوام مختلف معمولاً سعی در بزرگتر جلوه دادن قدرت خود دارند. به طور مثال ترکها تلاش میکنند مولوی را ترک و فارسها فارس نشان دهند. ولیکن یهودیان به طور عامدانه سعی در کمتر جلوه دادن نقش خود دارند. آنها از این میترسند که اگر روزی غیریهودیان (گویم) به حقیقت قدرت آنان پی ببرند به کتاب دینی خود بازگردند. ولیکن گاهی و به خصوص قبل از جنگ جهانی دوم مطالبی از دست آنان خارج میشود که گویای حقیقت است. به طور مثال کتاب بسیار جالبی به نام شما جنتایلهها (*You Gentiles*) نوشته موریس ساموئل نویسنده یهودی (*Maurice Samuel*) در سال ۱۹۲۴ چاپ شد که خواندن آن را به هر خواننده‌ای که انگلیسی میداند و دسترسی به اینترنت دارد توصیه میکنم.

"در هر چیزی ما نابود کننده هستیم حتی در ابزار نابودی که ما برای آرامش به آن پناه میبریم. ما یهودیان نابودکنندگان، تا ابد نابودکننده باقی خواهیم ماند. هیچکار شما نمیتواند نیازها و خواسته های ما را برآورده کند." – موریس ساموئل، شما جنتایلهها، صفحه ۱۵۲

"یهودی و جنتایل دو دنیای متفاوت هستند، بین یهودی و جنتایل دریای بدون گذری است. دو نیروی واقعی در دنیا وجود دارد، یهودی و جنتایل. من اعتقاد ندارم که اختلاف اساسی بین یهودی و جنتایل قابل اصلاح است." – شما جنتایلهها، صفحه ۹

مقاله بسیار جالب دیگری یک اتهام واقعی بر علیه یهودیان (*A Real Case Against The Jews*)

نوشته مارکوس الی رویج نویسنده یهودی (*Marcus Eli Ravage*) در سال ۱۹۲۸ است که در آن

نویسنده بدون پروا به حقیقت رابطه یهودی و جنتایل اشاره میکند.

"ما در زمان جنگها وظایف میهن پرستانه خود را کنار میگذاریم زیرا ما به طور کلی بیطرف هستیم، ولیکن ما طراح اصلی جنگهای بین المللی و تنها کسی هستیم که از آنها سود میبریم."

"ما سازنده اصلی کاپیتالیسم هستیم ولیکن در عین حال جنبش اصلی بر علیه کاپیتالیسم (کمونیسم) را نیز ما تولید کردیم."

"ولیکن من به شما (غیریهودیان) میگویم شما خود را فریب میدهید. شما دانش کافی برای یافتن حقیقت را ندارید. شما از یهودی متنفرید نه به خاطر اینکه او عیسی را مصلوب کرد، بلکه به خاطر اینکه عیسی یهودی بود. شما از ما به خاطر رد کردن مسیحیت متنفر نیستید بلکه از این متنفر هستید که ما آن را بر شما تحمیل کردیم."

"شما ما را به طراحی انقلاب در مسکو (انقلاب بلشویک) متهم میکنید. فرض کنید ما این اتهام را قبول کردیم. چه میشود؟ این را با آنچه پولس یهودی تارسوسی در روم به دست آورد مقایسه کنید، انقلاب روسیه فقط یک جنگ خیابانی بود."

"شما در مورد نقش یهودیان در تئاترها و سینماهایتان شکایت میکنید. خیلی خوب: فرض کنیم شکایت شما درست است. ولیکن این در مقایسه با نقش بزرگ ما در کلیسایهاتان، مدارس، قوانینتان، حکومتتان و حتی افکار روزانه شما هیچ است."

"شما حتی عمق گناهان ما را متوجه نشدهاید. ما مزاحمیم. ما مشکلسازیم. ما خرابکاریم. ما دنیای شما را گرفتیم، ایده آلهای شما، سرنوشت شما، و با آن بازی کردیم. ما نه تنها در پشت آخرین جنگ مهم شما (جنگ جهانی اول) و بلکه تمامی جنگهایتان بودیم. ما نه تنها پشت پرده انقلاب روسیه بودیم بلکه تمامی

انقلابهای تاریخستان را ما انجام دادیم. ما به دنیای شخصی و عمومی شما گنجی و بی انگیزگی آوردیم. همین الان هم این کار را میکنیم. هیچکس نمیتواند بگوید چقدر ما اینکار را ادامه خواهیم داد."

"قوانین قومی ما سرچشمه قوانین اخلاقی شما شد. قوانین قومی ما زمینه تمامی قوانین اساسی و سیستم قضایی شما شد. داستانهای ما چیزهایی است که شما برای کودکان خود میخوانید. شاعرین ما کتابهای شعر و دعای شما را پرکردند. تاریخ ملی ما قسمت اصلی تمامی خطبه های کلیسا و محققین شما شد. کشور تاریخی کوچک ما سرزمین مقدس شما شد. ادبیات ملی ما کتاب مقدس شماست. چیزهایی که مردمان قوم ما درس دادند سرچشمه صحبت و سنت شما شد. هیچیک از افراد شما را نمیتوان دانش آموخته نامید مگر اینکه با تاریخ نژاد ما آشنا باشد."

"یهودیان صنعتگر و یهودیان ماهیگیر (پیامبران) معلمان و سنتهای شما هستند، شما مجسمه های آنها را میتراشید و کلیساهای خود را به آنها تقدیم میکنید. یک زن یهودی (مریم) ایده آل شما از زنانگی است. یک یهودی پیامبر یاغی (عیسی) سرچشمه دین شما است. ما بتهای شما را خراب کردیم، تاریخ پدرانتان را از بین بردیم و خدا و سنت خود را جایگزین آن کردیم."

"بعد از نابودی معبد سلیمان به دست رومیان این دین جدید (مسیحیت) مهم شد. در این زمان یک یهودی میهن پرست به نام پولس یا شائول به این نتیجه رسید که قدرت رومیان را با تدریس عدم مقاومت و عشق از بین ببرد. او حواری جنتایلها (*Apostle to the gentiles*) شد، او که یکی از سردمداران مبارزه با این فرقه جدید بود. پولس به قدری کار خود را خوب انجام داد که در چهار قرن امپراتوری که فلسطین و نیمی از دنیا را گرفته بود تبدیل به تلی از خرابه شد. و قانونی که از صهیون (اورشلیم) بیرون آمد دین اصلی روم گردید."



"سه انقلاب اصلی دوران مدرن را در نظر بگیرید. انقلاب فرانسه، آمریکا و روسیه. آیا این انقلابها چیزی جز ایده های یهودی عدالت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؟"

"و در زمانی که این چیزها اتفاق میافتد شما درباره تاثیر ما در فیلمهایتان غر میزنید! بیخود نیست که از ما متنفرید."

"ما به شما یک کتاب غریبه و یک دین غریبه را تحمیل کردیم که شما نه میتوانید آن را هضم کنید و نه قورت دهید. این با ذات (مشرك) شما در تضاد است و روح شما را آزار میدهد. ولیکن شما حتی قدرت این را ندارید که یا آن را بپذیرید یا نفی کنید."

"شما هیچوقت تعلیمات مسیحی ما را نیز قبول نکردید. در قلبهایتان شما همچنان مشرکید. شما همچنان جنگ را دوست دارید، عاشق تصویرسازی و کشمکش هستید. شما هنوز به شکل لخت انسان افتخار میکنید."

"شما مسیحیان هیچوقت مسیحی نشدید. ما از این نظر در آزمایش با شما شکست خوردیم. ولیکن ما تفریح مشرک بودن را نیز از شما گرفتیم."

آیا این سخنان درست است یا غلو میباشد؟ بر اساس قرآن و انجیل اکثریت پیامبران از قوم بنی اسرائیل بودند. یعقوب، اسحاق، اسباط، یونس، ایوب، یوسف، هارون، موسی، دانیال، داوود، سلیمان، الیاس، اشعیا، یوشع، زکریا، عیسی و حواریونش همه یهودی بودند. همه اینها از نژاد یعقوب و بنی اسرائیل بودند. این افراد تمامی دنیا را تحت تاثیر قرار دادند. دین مسیحیت و اسلام همه بر پایه تعالیم پیامبران بنی اسرائیل هستند.

در طول تاریخ نیز همیشه و در هر کجای دنیا یهودیان به صورت اقلیتی بسیار قدرتمند بودند. به طور مثال تاریخدان یونانی استرابو (*Strabo*) در قرن یکم پیش از میلاد در مورد یهودیان گفته است: "یهودیان به تمامی کشورها نفوذ کرده اند. هیچ کشوری در دنیا یافت نمیشود که یهودیان به آن نفوذ نکرده باشند و قدرت را در دست نگرفته باشند."

سیسرو (*Cicero*) تاریخدان رومی در سال ۵۹ قبل از میلاد به قومگرایی یهودیان و تاثیر زیاد آنها در سیاست اشاره دارد. در قرن دوم میلادی سلسوس (*Celsus*) پزشک رومی نوشته است که یهودیان به اینکه دارای هوش بالاتری نسبت به بقیه مردم هستند افتخار میکنند. فیلوستراتوس (*Philostratus*) نویسنده یونان قدیم نوشته است که یهودیان با انسانیت در جنگ هستند. تاکیتوس (*Tacitus*) سیاستمدار رومی در قرن اول میلادی نوشته است که یهودیان نسبت به هم بسیار باوفا بوده و همیشه آماده کمک کردن هستند ولیکن نسبت به بقیه مردم تنها احساس نفرت و دشمنی میکنند.

**"کارهای بد یهودیان بسیار طولانی و نفرت آور است. دانستن حقیقت آن ۱۰ هزار برابر بیشتر از آنچه در دنیا در جریان است حمله به یهودیان را توجیه میکند." - اچ.ال. منکن (H.L.Mencken)، ۱۹۲۰.**

در زمان پیامبر اسلام نیز یهودیان بنی قریظه، بنی قینقاع و خیبر ثروتمندترین افراد مدینه بودند. فتح خیبر ثروت بیشماری را به دست مسلمانان داد. با اینکه یهودیان درصد بسیار کمی از جمعیت مدینه بودند. تمامی انقلابها و اتفاقاتی که در طول تاریخ رخ داده است دارای بعد یهودی نیز بوده است. ولیکن تاریخدانان یهودی به صورت عامدانه نقش خود را در این اتفاقات سانسور کرده اند. به صورت کلی تمدن و شهر نشینی

تنها در کشورهایی در دنیا شکل گرفته است که یهودیان در آنجا ساکن شدند و یا مردم با آنها برخورد داشتند.

در بین مردم زمزمه هایی در مورد او (عیسی) بود. بعضی گفتند "او مرد خوبی است" بعضی دیگر پاسخ دادند "نه او مردم را فریب میدهد." ولیکن هیچ کس جرات نداشت چیزی در مورد او در انظار عمومی بگوید زیرا همه از یهودیان میترسیدند. - **عهد جدید، انجیل یوحنا، ۷:۱۳**

خواندن تاریخ پادشاهی اسرائیل، تاریخ ایران را نیز آشکار میکند. بعد از تقسیم شدن پادشاهی سلیمان به پادشاهی شمال (اسرائیل) و جنوب (جودا) پادشاهی شمال مورد حمله آشوریها قرار گرفت. آشوریها یهودیان ۱۰ قبیله شمالی را به خاورمیانه کوچاندند. گروهی از این یهودیان به ایران کوچانیده شدند.

"در سال نهم پادشاهی هوشیا، پادشاه آشوریان ساماریا را گرفت و اسرائیل را به آشور کوچاند، او آنها را در هلاه، خابور، در رودخانه گوزان، و در شهرهای مادها (ایرانیان) پخش کرد."  
- **عهد عتیق، کتاب پادشاهان دوم، ۱۷:۶**

شهرهای مادها نزدیک ری و همدان و هلاه و خابور در کردستان فعلی هستند. جوزفوس (*Josephus*)

تاریخدان قرن اول نوشته است که "ده قبیله بیشمار بودند و در شرق رود فرات یافت میشدند."

در زمانی که پادشاهی جودا مورد حمله بابلیان قرار گرفت و یهودیان در بابل اسیر شدند در ایران جمعیت

یهودی از پادشاهی اسرائیل وجود داشت. این یهودیان فردی به نام کورش را مورد حمایت اقتصادی قرار

دادند تا او بقیه یهودیان را از بابل آزاد کند. کورش به بابل حمله کرد و یهودیان را آزاد کرد. یهودیان در دربار

او قدرت بسیار پیدا کردند. تخمین زده میشود که در این زمان حدوداً ۲۰ درصد جمعیت ایران یهودی بودند. کورش به یهودیان اجازه داد که به اورشلیم رفته و به بازسازی معبد خود بپردازند. هزینه اینکار نیز توسط دولت ایران تامین میشد. پسر کورش به نام بردیا با یهودیان مخالف بود. او بازسازی معبد دوم را متوقف کرد. از این رو یهودیان دربار بر علیه او توطئه کرده و او را به دست داریوش که از نژاد شاهی نبود کشتند. داریوش در توجیه کار خود او را یک دروغگو دانست که بردیای واقعی نبود و فردی به نام گئومات مغ بود. با اینکه هر شاهی فرزند پسر خود را به تمامی افراد نشان داده و اینکه کسی بتواند خود را شاهزاده معرفی کند به نظر کاملاً غیر منطقی میاید. داستان مخالفت بردیا با بازسازی معبد در تورات نیز آمده است. بسیاری تاریخدانان آیه زیر را مربوط به بردیا میدانند :

**”نامه‌ای به او نوشته شد تا نظر او درباره بازسازی معبد اورشلیم پرسیده شود. او به دلیل**

**ترس از شورش مردم بازسازی را متوقف کرد تا اینکه کار بازسازی دوباره توسط**

**داریوش اول ادامه یافت.” – عهد عتیق، کتاب عزرا، ۴:۷**

اولین کار داریوش اجازه ادامه بازسازی معبد دوم به دست اربابان یهودی خود بود. در واقع داریوش اول یک فرد قدرت طلب درباری بود که برای رسیدن به پول و مقام پسر واقعی کورش را کشت. با اینکه کورش به کاخسازی علاقه‌ای نداشت و مقبره او در پاسارگاد بسیار ساده است، داریوش شروع به ساختن کاخ برای خود نمود. ظلم و ستم داریوش آنقدر زیاد بود که بر اساس نوشته خود او در سنگنبشته بهستان در کرمانشاه، ایلامیان، بابلیان، مادها، ارمنیها، مادها برای بار دوم، پارتیان، پارسیان و بابلیان برای بار دوم بر علیه او شوریدند. یهودیان امپراتوری در ایران ایجاد کردند که در زمان خود بزرگترین قدرت روی زمین بود. این

قدرت شباهت‌های بسیار زیادی با آمریکای امروزی دارد. اولاً کورش مذاهب را آزاد گذاشت. که اینکار کاملاً مشابه قانون اساسی آمریکا است. کورش به یهودیان قدرت داد و امپراتوری هخامنشی به کشورهای که با یهودیان دشمن بودند حمله می‌کرد. جنگ‌های این امپراتوری دفاعی نبوده و اکثراً حمله‌ای بود. هخامنشیان مانند آمریکاییها وقتی به عراق حمله کردند خود را آزاد کننده نامیدند. هخامنشیان همیشه به غرب و به ارض مقدس جنگ کرده و با یونانیان که دشمن یهودیان بودند می‌جنگیدند. آنها به دنبال ثروت نبودند زیرا طلا و منابع طبیعی در هند به مراتب فراوانتر از ارض مقدس است. آنها نیز مانند آمریکای فعلی از کشور اسرائیل محافظت می‌کرده و با دشمنان آن می‌جنگیدند. در هر دو امپراتوری مغز متفکر منظمی که امپراتوری را مدیریت می‌کند یهودیانند. ولیکن یهودیان به دلیل رفتار نژادپرستانه و قومی خود و اینکه برای جان غیریهود ارزشی قائل نیستند بعد از مدتی با هر قومی به مشکل برمیخورند. این اتفاق در امپراتوری هخامنشی با اتفاق پوریم افتاد که در عهد عتیق در کتاب استر نقل شده است. وقتی در زمان خشایار (یا خشایارشا) وزیر او به نام هامان با یهودیان درگیر میشود آنها موفق میشوند یک دختر یهودی به نام استر را به عنوان ملکه به دربار نفوذ داده و از طریق او و عمویش آن وزیر و پسرانش را قتل عام کنند. استر موفق میشود که از خشایار دستوری برای کشتن دشمنان یهودیان بگیرد و بر اساس کتاب استر از عهد عتیق یهودیان در سه روز ۷۵۰۰۰ نفر از دشمنان خود را در ایران قتل عام میکنند. آنها از این تاریخ همه ساله این واقعه را به نام پوریم جشن میگیرند. عجیبتر از همه اینکه حکومت جمهوری اسلامی این قضیه را کاملاً از نسل جوان مخفی ساخته بود تا اینکه در چند سال اخیر به دلیل وجود اینترنت دیگر امکان مخفی کردن وجود نداشت. باز هم عجیبتر اینکه امروزه در بین ایرانیان نام خشایار بسیار رایجتر از نام کورش است. مانند اینکه او خدمتی بزرگ به کسانی که افکار عمومی را کنترل میکنند انجام داده است. کتاب استر تنها کتابی

در عهد عتیق است که نام عبری خداوند (یهوه) در آن نیامده است. گویی یهودیان این کتاب را خود به دستورات خدا اضافه کرده اند. نام استر و جذاب بودن جنسی او یادآور خدای بابلیان، ایشتار است.

**آنها دروغ‌گویانی هستند که نوشته کتاب خدا را از روز اول تا به امروز تحریف کرده اند.**

**در قلب آنها آرزوی این است که روزی بتوانند با جنتایله‌ها همانگونه که با جنتایله‌های امپراتوری پارس در زمان استر برخورد کردند برخورد کنند. چقدر آنها به کتاب استر مینازند که سرشار از خونخواهی، انتقام و تمایل به کشتار است. خورشید هیچوقت بر روی قومی خونخواه‌تر و منتقم‌تر نتابیده است که تصور میکند که قوم برگزیده خدا هستند و به آنها دستور داده شده است تا جنتایله‌ها را قتل عام کرده و بکشند.** – مارتین لوتر (*Martin Luther*)، سال ۱۵۴۳ میلادی.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نیز در دیدار اخیر خود در سال ۲۰۱۲ با باراک اوباما نسخه‌ای از کتاب استر به او داد. او در واقع به باراک اوباما گفت چاره کار ایرانیان پوریم دیگری است. همان چیزی که آنها به کمک دولت خود ما در تدارک آن هستند.

در دوران ساسانی نیز یهودیان در ایران دارای قدرت زیادی بودند. شاپور اول با یهودیان بسیار روابط خوبی داشت و با یک خاخام تلمودی به نام سموئل (*Samuel bar abba*) بسیار دوست بود. سموئل که پزشک، ریاضیدان و خاخام بود مشاور شاه شد. در تلمود نوشته شده است که مادر شاپور دوم با یهودیان رابطه بسیار خوبی داشت و در بعضی متون به عنوان یهودی شناخته شده است. شاپور دوم با یک خاخام تلمودی دیگر به نام ربا (*Raba*) روابط بسیار صمیمی داشت. یزدگرد اول روابط خوبی با یهودیان داشت و همسر او و مادر بهرام گور یهودی بود و از این رو بهرام نیز بر اساس هلاخا (شرع یهود) یهودی محسوب

میشود. یهودیان به ساسانیان علاقه داشتند و هنگامی که ساسانیان به اورشلیم در سال ۶۱۴ میلادی حمله کردند، یهودیان به نیروهای ایرانی ملحق شده و مسیحیان بیشمار را کشتند. در این زمان یهودیان به مسیحیان رومی خیانت کرده و به دشمن آنها (ایرانیان) ملحق شدند. جرج ویلیامز (Geroge Williams) در این باره مینویسد: "یهودیان به دنبال پارسیان از گالیله رفتند تا از مسیحیان انتقام بگیرند و کلیساهای آنها را نابود کنند. آنها به دنبال خون بودند. در چند روز ۹۰۰۰۰ مسیحی از زن و مرد، پیر و جوان و هر وضعیتی قربانی دشمنی آنها شدند."

آنتیوکوس استراتگوس (*Antiochus Strategos*) مینویسد بعد از ورود ارتش پارسی به اورشلیم "کشتار و غارت بیسابقه‌ای" رخ داد. کلیسا بعد از کلیسا سوزانده شد. اسیران مسیحی به پیش یهودیان آورده شدند و یهودیان به آنها گفتند که عیسی را لعنت کرده و یهودی شوید. مسیحیان رد کردند، یهودیان مسیحیان اسیر را از پارسیان خریدند و آنها را همانجا سربریدند. بر اساس نوشته های آنتیوکوس ۶۶۵۰۹ مسیحی کشته شدند. پارسیان اموال مسیحیان و اشیاء مقدس آنان مانند صلیبی که گفته میشود عیسی بر روی آن به صلیب کشیده شد را غارت کرده و به تیسفون بردند.

در جنگهای بعدی ساسانیان با رومیان نیز وضعیت مشابهی وجود داشت. قرآن به طور مشخص در اختلاف بین ساسانیان و رومیان مخصوصا در جنگ سال ۶۱۴ میلادی از مسیحیان رومی پشتیبانی میکند. اینان مسیحیانی بودند که حاضر نشدند به عیسی ابن مریم پیامبر خدا بد گفته و شهادت را به زندگی با ذلت ترجیح دادند. از این رو در جنگ بین ساسانیان و رومیان خدا مسیحیان رومی را مومن میداند:

<p><b>رُومِیَانِ شَکَسْتِ خُورْدَنْد (۲)</b></p> <p>در نزدیکترین سرزمین و[الی] بعد از</p>	<p><b>غَلَبَتِ الرُّومُ (۲)</b></p> <p>فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ</p>
---	---

سَيَعْلَبُونَ (۳)

شکستشان در ظرف چند سالی به زودی

پیروز خواهند گردید (۳)

فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ [فرجام] کار در گذشته و آینده از آن

وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) خداست و در آن روز است که مؤمنان از

یاری خدا شاد می‌گردند (۴)

بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ هر که را بخواهد یاری می‌کند و

اوست شکست‌ناپذیر مهربان (۵) (۵)

سوره روم آیه ۲ تا ۵

روحانیون ملی گرا گاه‌ها این مساله را مخفی کرده و وانمود میکنند که ایرانیان پیش از اسلام افراد صالحی بودند. حال آنکه خواندن متون مسیحی و بلاهایی که یهودیان به کمک ساسانیان بر سر مسیحیان آوردند و مهمتر از همه کشتار سال ۶۱۴ میلادی بیش از هرچیز نشاندهنده ناصالح بودن این افراد است. ایرانیان در آن زمان آمریکای زمانه بودند که دشمنان یهودیان را میکشتمند. تا به امروز نیز نام خانوادگی بن-ساسان یا بن ساسون در بین یهودیان به کثرت یافت میشود.

با این وجود ساسانیان گاهی نیز با یهودیان رابطه خوبی نداشتند. شاه فیروز بعد از اینکه یهودیان دو روحانی زرتشتی را به قتل رساندند دستور قتل تعداد زیادی از یهودیان اصفهان را صادر کرد. بسیاری از یهودیان کشته شده و کنیسه‌ها و مدارس آنان نابود شد. آکادمی سوره (Sura Academy) که خانه گائونهای (Gaon) یهودی بود از بین رفت و تمامی یهودیان از دولت حذف شدند. دو راس الجالوت یهودیان در این



زمان اعدام شدند. قباد پادشاه ساسانی مر زوترا (*Mar Zutra*) و مر هنینا (*Mar Hanina*) راس

الجالوت یهودیان را کشت. جرم آنها نیز مانند جرم یهودیان امروز اختلاس مالی بود.

بعد از آمدن اسلام نیز یهودیان قدرت بیشماری داشتند. با اینکه پیامبر اسلام با یهودیان درگیریهایی زیادی

داشت بعد از مرگ او خلفای عباسی و اموی به یهودیان احترام زیادی میگذاشتند. هرچند که قرآن آنها را

بدترین افراد خوانده بود و ذریه پیامبر را کسانی خوانده بود که نجاست را خدا از آنها زدوده است.

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ

بِمُزْخَرَجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۹۶) و آنان (یهودیان) را مسلما

آزمندترین مردم به زندگی و [حتی حریص تر] از کسانی که شرک می ورزند خواهی یافت

هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او

داده شود وی را از عذاب دور نتواند داشت و خدا بر آنچه می کنند بیناست.

—سوره بقره آیه ۹۶—

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ

آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

(۸۲) مسلما یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان

خواهی یافت و قطعا کسانی را که گفتند ما نصرانی هستیم (مسیحیان) نزدیکترین مردم

در دوستی با مؤمنان خواهی یافت زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی اند که تکبر

نمی‌ورزند.

—سوره مائده آیه ۸۲—

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۳۳) خدا فقط می‌خواهد  
آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند. —سوره احزاب آیه

۳۳

ولیکن خلفای عباسی و اموی با یهودیان بسیار خوب بوده و هیچگاه مانند پیامبرشان با آنها درگیر نشدند.  
ولیکن آنها فرزندان پیامبر خود را کشتند و آنها را به طرق مختلف آزار دادند.

اسلام سنی به صورت تاریخی با یهودیان رابطه بسیار خوبی داشت. تلمود بابلی تحت نظر حکومت خلفای  
سنی قدرت گرفت و بر تلمود اورشلمی غلبه کرد. در دربار خلفای عباسی همیشه یهودیانی بودند که  
حاکمین برای منابع مالی از آنها کمک می‌گرفتند. در این زمان یهودیان در تمامی شهرهای ایران حضور  
گسترده داشتند و تجارت را به طور کامل در اختیار گرفته بودند. پتاهیا بن جوزف هالاوان ( *Petahiah*  
*ben joseph ha-lavan*) جهانگرد یهودی تخمین می‌زند که در زمان سلطنت سلجوقیان ۱۲۰۰۰۰۰  
نفر یهودی در ایران ساکن بودند. مغولان که مسلمانان بسیار زیادی را کشتند یهودیان را زنده گذاشتند و  
یهودیان پس از مغولان وضعیت بسیار بهتری پیدا کردند. آنها جزیه را لغو کردند و اعلام کردند که تمامی  
دینها با هم برابرند. در دربار مغولان مسلمان شده نیز یهودیان دارای قدرت زیاد بودند. سعد الدوله وزیر  
ارغون خان شاه مغول بود. رشید الدین همدانی پزشک دربار الجایتو بود و ثروت بیشماری داشت. او متهم

شد که شاه را مسموم کرده است و اعدام شد. مسلمانان آنقدر از ظلم او متنفر بودند که سر او را تا چند روز در شهر میچرخاندند. در شمال آفریقا و اسپانیای تحت سلطه مسلمانان اعراب سنی بازمانده نسل یزید و یهودیان رابطه بسیار خوبی با هم داشته و در مسالمت با یکدیگر زندگی میکردند. در این زمان نیز مغز متفکر حکومت این اعراب یهودیان بودند. بعد از اینکه کلیسای کاتولیک اسپانیا را از اعراب باز پس گرفت دسته زیادی از این یهودیان کوچانده شدند. گروهی به ونیز رفتند و گروهی نیز توسط ترکان عثمانی مورد استقبال قرار گرفتند. گروهی که به ونیز رفتند باعث ایجاد رنسانس در آنجا شدند. گروهی که به ترکیه رفتند مغز متفکر امپراتوری عثمانی شدند. ترکان عثمانی نیروی جنگی خوبی بودند ولیکن دارای دانش کافی برای مدیریت امپراتوری نبودند. یهودیان در دربار عثمانیان قدرت بسیار زیادی گرفتند و شاهان عثمانی با یهودیان بسیار خوب بودند. شاه عثمانی بایزید دوم از یهودیان رانده شده از اسپانیا استقبال زیادی کرد و به آنها قدرت داد. در این زمان ۱۵۰۰۰۰ یهودی به ترکیه مهاجرت کردند. ترکان عثمانی علاقه و استعدادی در تجارت نداشتند و تمامی امور تجاری را به یهودیان واگذار کرده بودند. یهودیان دارای خودمختاری بودند و مقامی به نام حاخامباشی (*Hakhambashi*) تمامی امور آنها را مدیریت میکرد.

در اروپا نیز وضع همین بود. هر جا که یهودیان رفتند قدرت اقتصادی آوردند ولیکن توسط مردم مورد نفرت بودند. حکام آنها را دوست داشتند زیرا آنها ثروت لازم را برای حاکمین فاسد تامین میکردند. تمامی دربارهای اروپایی دارای فردی به نام "یهودی دربار" (*Court Jew*) بودند که منابع مالی لازم را برای شاه تامین میکرد. حتی مسئولان کلیسا و پاپهای کاتولیک نیز از این یهودیان پول قرض میکردند. یهودیان با استفاده از رابطه قوی که با بقیه یهودیان داشتند میتوانند منابع مالی و کالایی مورد نیاز آنها را تامین کنند. یهودیان با استفاده از این موقعیت بسیار ثروتمند شدند.

”اروپای غربی در قرن ۱۰ و ۱۱ دچار قحطیهای شدید شد، ولیکن از این قحطیها هیچ ردی در متون یهودی آن منطقه در آن زمان دیده نمیشود.“ – بن ساسون (*Ben-Sasson*)، ۱۹۷۶.

این یهودیان توسط عامه مردم مورد نفرت بودند و حکام و مسئولین کلیسا آنها را به دلیل فایده مالی دوست داشتند. نمونه های این یهودیان دربار کشورهای اروپایی بسیار زیادند، از آن جمله میتوان به آرون لینکلنی

(*Aaron of Lincoln*) ثروتمندترین مرد انگلستان در زمان شاه هنری دوم (*King Henry II*)

انگلستان، سر ادوارد برمپتون (*Sir Edward Brampton*) در دربار شاه ادوارد چهارم (*King*)

(*Edward IV*) در انگلستان، بارون پیتر شفیفروف (*Baron Peter Shafirov*) در دربار پتر کبیر

(*Peter the Great*)، دانیل ایتزیگ (*Daniel Itzig*) در دربار فردریک دوم کبیر (*Frederick II*)

(*the great*)، ساموئل اوپنهاইمر (*Samuel Oppenheimer*) در امپراتوری روم و بسیاری مشابه اشاره کرد.

هلند که در تجارت بین المللی نقش عمده ای داشت جزو اولین کشورهای اروپایی بود که به یهودیان آزادی داد. یهودیان در بعضی نقاط ایتالیا نظیر ونیز نیز دارای آزادی بودند و در آنجا به امور تجاری خود میپرداختند.

امپراتوری انگلستان نیز به طور مشابهی شکل گرفت. شاهان انگلستان در قرن ۱۳ میلادی تمامی یهودیان را از این جزیره اخراج کرده بودند و یهودیان حق زندگی در انگلستان را نداشتند. این مساله تا قرن ۱۷ ادامه

داشت تا زمانی که یهودیان هلند فردی به نام الیور کرامول (*Oliver Cromwell*) را پشتیبانی اقتصادی

کردند تا شاه قبلی انگلستان را نابود کند. یکی از خاخامهای کابالایست هلندی به نام مناسه بن اسرائیل

(*Manasseh ben Israel*) موفق شد کرامول را متقاعد کند که یهودیان را به انگلستان بازگرداند.

الیور کرامول در انگلستان انقلاب کرده و شاه را کشت. او با یهودیان بسیار خوب بود. الیور کرامول گشت

ارشاد داشت و مردم عادی را با ظاهر افراطی در دین بسیار آزار میداد ولیکن او با دشمنان مسیح (یهودیان

تلمودی) بسیار رابطه خوبی داشت. او موفق شد در چند سال چنان مردم انگلستان را از مسیحیت بیزار کند که زمینه را برای قدرت گرفتن یهودیان فراهم کند. کاملاً مشابه آنچه امروز در ایران در حال اتفاق افتادن است.

بعد از بازگشت یهودیان به انگلستان مرکز تجارت بین‌المللی آن از هلند به انگلستان منتقل شد. در این زمان یهودیان در شهر لندن محله‌ای مجزا به نام *City of London* تشکیل دادند. مرکز فعالیت‌های تجاری آنها این محله بود و به واتیکان یهودی (*Jewish Vatican*) معروف بود. این محله مستقل از کشور انگلستان است و حتی ملکه انگلستان برای وارد شدن به آن باید درخواست روادید کند. انگلستان به کمک یهودیان قدرت گرفت و به ابر قدرت عرصه تجارت بین‌المللی تبدیل شد. مغز متفکر تمامی قدرت انگلستان یهودیان بودند. انگلستان تمامی آفریقا و هند را غارت کرد و یهودیان را قدرتمند نمود.

یهودیان در چین نیز قدرت زیادی گرفتند. کشور هنگ کنگ که محل اصلی تجارت بین چین و دنیای غرب است توسط یهودیان ایجاد شد. یک تاجر یهودی بغدادی به نام دیوید ساسون (*David Sassoon*) تجارت گسترده تریاک به چین راه انداخته بود. او در اثر این کار ثروت بیشماری به دست آورد و تعداد بسیار زیادی از مردم چین را معتاد کرد. وقتی دولت چین از معتاد شدن بیش از حد مردم نگران شد تعدادی از محموله‌های تریاک ساسون را ضبط کرده و به دریا ریخت. ساسون به دوستان یهودی خود در انگلستان خبر داد و آنها ارتش انگلستان را برای جنگ با چین فرستادند. نتیجه این جنگ که به نام جنگ تریاک (*Opium War*) شناخته می‌شود شکست چین و بازپس دادن خسارت ساسون بود. ساسون به کمک انگلیس کشور هنگ کنگ را تاسیس کرد تا بتواند تجارت تریاک خود را با چین گسترده تر کند. امروزه نیز کشور هنگ کنگ نقش بسیار مهمی در تجارت چین با دنیای خارج دارد. خاندان کادوری (*Kadoorie*)

که آنها نیز یهودی بغدادی بوده و با ساسون رابطه خوبی داشتند نیز نقش زیادی در گسترش تجارت با چین و رونق گرفتن هنگ کنگ داشتند.



یهودیان همیشه دوست دارند در پشت پرده بوده و مسائل را بدون قبول مسئولیت مدیریت کنند. آنها گاهی از ایدئولوژیهای متضاد طرفداری کرده و در یک دعوا هر دو طرف را مدیریت میکنند. مساله اصلی برای آنان استثمار مالی غیریهودیان و کنترل بانکداری است و ایدئولوژیهای مختلف برای آنان اهمیتی ندارند. از این رو اگر نیازهای مالی آنها توسط کمونیسم برآورده شود کمونیست و اگر توسط کاپیتالیسم برآورده شود کاپیتالیست هستند.

در این زمان یهودیان روسیه را نیز تحت کنترل خود در آورند. تزار روسیه جزو آخرین پادشاهان اروپایی بود که به صورت علنی با یهودیان مخالفت میکرد. او یهودیان را مجبور کرده بود فقط در نقاط خاصی از روسیه به نام *Pale of Settlement* ساکن شوند. در حین جنگ جهانی اول، فردی به نام راسپوتین (*Rasputin*) در دربار تزار نفوذ کرده و نظر عامه مردم را نسبت به او بد کرد. یهودیان با تهییج مردم عامه

بیسواد موفق شدند انقلاب کمونیستی در روسیه ایجاد کنند تا قدرت کلیسا و مسیحیت و تزار را از بین ببرند. یهودیان اشرافیان روسیه را کشتند و اموال آنان را غارت کردند. بر اساس آمارهای موجود بین سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۹۱ که کمونیسم بر روسیه حاکم بود بین ۶۰ تا ۱۲۰ میلیون نفر به دست کمونیستها کشته شدند.

"این حقیقت که بسیاری از یهودیان بلشویک هستند درست است. در واقع ایده آل‌های بلشویسم کاملا با ایده آل‌های یهودی در تطابق است." *کرونیکل یهودی Jewish Chronicle*، ۴ آوریل ۱۹۱۹

"هر یهودی به صورت ذاتی یک کمونیست است." - اتو وینینگر *Otto Weininger*، سکس و کاراکتر، صفحه ۳۱۱.

"ما قصد داریم جنتایلها را تغییر دهیم همانگونه که کمونیستها در روسیه اینکار را میکنند." - خاخام لویش براون *Lewish Brown* چه عجیب از خدا *How odd of God* نیویورک ۱۹۲۴

"انقلاب بلشویک در روسیه کار مغزهای یهودی، نارضایتی یهودی و برنامه ریزی یهودی بود و هدف آن ایجاد نظمی جدید در دنیا بود. کاری که به بهترین نحو در روسیه انجام شد، به لطف مغزهای یهودی، و نارضایتی یهودیان با برنامه ریزی یهودیان. اینکار با استفاده از نیروی ذهنی و فیزیکی یهودیان در تمامی دنیا انجام خواهد شد." - عبری آمریکایی *American Hebrew*، ۱۰ سپتامبر ۱۹۲۰

"مارکسیسم صورت مدرن پیامبری یهودی است." - راینهولد نیبور (*Reinhold Niebur*)، سخنرانی در برابر انستیتو یهودی دین، نیویورک، ۳ اکتبر ۱۹۳۴.

"اگر این که کسی بگوید کمونیسم در آمریکا یهودی است، یهودستیزانه است بگذارید اینگونه باشد. کمونیسم در تمام دنیا و نه فقط روسیه، یهودی است." -هنری فورد (Henry Ford)، ۱۹۲۲.

"بعضیها آن را مارکسیسم مینامند، من آن را یهودیت مینامم." -ربی استیفن وایز (Stephen Wise)، ۵ می ۱۹۳۵.

تمامی رهبران رده بالای کمونیسم یهودی بودند. در کتاب "تشنگی خون بلشویکها" (Bloodlust of the Bolsheviks) نوشته ورتمبرگ (Wurttemberg) آمده است که ۷۵٪ مسئولان چکا (پلیس مخفی بلشویکها) یهودی بودند. دسته‌ای از کمونیستهای رده بالا به شرح زیرند.

 <p>Karl Marx (Mordechai Levy) Author "The Communist Manifesto"</p> <p>کارل مارکس (Karl Marx) (موردخای لوی) بنیانگذار کمونیسم</p>	 <p>Moses Hess (Mentor of Marx &amp; Engels originator of Socialist-Communist theory)</p> <p>موزس هس (Moses Hess) (معلم مارکس و انگلس)</p>	
 <p>Leon Trotsky (aka Lev Bronstein) Marxist "revolutionary" Prime mover behind Red Revolution Commander of the Red Army</p> <p>لئون تروتسکی (Leon Trotsky) (لو برونستین) طراح اصلی انقلاب بلشویک</p>	 <p>Lev Kamenev (Rozenfeld) Top Bolshevik leader</p> <p>لو کامنف (Lev Kamenev) (روزنفلد) رهبر بلشویک رده بالا</p>	 <p>Grigory Zinoviev (Apfelbaum) Top Bolshevik leader</p> <p>گرگوری زینوویف (Grigory Zinoviev) (اپلبام) رهبر بلشویک رده بالا</p>





الکساندر پاوروس ( Alexander )  
(Pavrus) (اسرائیل گلفند)  
انقلابی مارکسیست



جاکوب سوردلوف ( Jacob )  
(Sverdlov)  
(اولین رئیس اتحاد جماهیر  
شوروی - قاتل خانواده رومانوف)



یانکل یوروفسکی ( Yankel )  
(Yurovsky)  
فرمانده ارتش بلشویک  
رئیس تیم قتل خانواده رومانوف



سولومون لوزوفسکی  
(Solomon Lozovsky)  
فرمانده بلشویک



ماکسیم لیتوینوف ( Maxim )  
(Litvinov)  
فرمانده بلشویک



لازار کاگانوویچ ( Lazar )  
(Kaganovich) (کوهن)  
دست راستی استالین  
"قصاب اوکراین" ۲۰ میلیون  
اوکراینی را با ایجاد قحطی کشت.



رزا کاگانوویچ ( Rosa )



اولگا کامنوا (برونستین) ( Olga )



گنریخ یاگودا ( Genrikh )

<p><i>(Kaganovich)</i></p> <p>خواهر لازار، معشوقه استالین</p>	<p><i>(Kameneva)</i></p> <p>خواهر تروتسکی، مامور چکا</p>	<p><i>(Yagoda)</i></p> <p>رئیس پلیس مخفی NKVD</p>
 <p>Lavrenti Beria Secret Police Chief (NKVD) Masterminded 'Katyn Forest Massacre'</p> <p>لاورتتی بریا ( <i>Lavrenti</i> ) <i>(Beria)</i> رئیس NKVD، طراح قتل‌های جنگل کاتین</p>	 <p>Martin "Gray" NKVD officer (Butcher of Christians) Later claimed to be "holocaust survivor" and wrote fake memoir</p> <p>مارتین گری ( <i>Martin Gray</i> ) مامور NKVD، قاتل مسیحیان، بعدا ادعا کرد که در هولوکاست بوده است.</p>	 <p>N.K. Pauker Chief of Operations (NKVD) Mass murderer of Christians</p> <p>ن.ک. پاکر ( <i>N.K. Pauker</i> ) مامور NKVD، قاتل مسیحیان</p>
 <p>Karl Radek (Sobelsohn) Top Bolshevik 'revolutionary'</p> <p>کارل ردک (سوبلسوهن) ( <i>Karl</i> ) <i>(Radek)</i> انقلابی رده بالا</p>	 <p>Nikolai Bukharin Lenin's chief terrorist</p> <p>نیکولای بخارین ( <i>Nikolai</i> ) <i>(Bukharin)</i> تروریست شخصی لنین</p>	 <p>Ilya Ehrenburg (Stalin's Propaganda Minister) Masterminded the mass rape of 2 million German women by the Red Army Invented the "6 million" Jewish holocaust story in 1947</p> <p>ایلیا اهرنبرگ ( <i>Ilya</i> ) <i>(Ehrenburg)</i> وزیر پروپاگاندا، طراح تجاوز به دومیلیون زن آلمانی</p>
 <p>Jacob Schiff Jewish banker of Kuhn, Loeb &amp; Co. Bolshevik Financier</p>	 <p>Max Warburg Jewish banker Bolshevik Financier</p>	 <p>COMMUNIST DICTATORS OF POLAND Jacob Berman Chief Terrorist (Polish Secret Police)</p>

<p>جاکوب شیف (<i>Jacob Schiff</i>)          بانکدار یهودی، سرمایه گذار          بلشویکها</p>	<p>مکس واربرگ (<i>Max Warburg</i>)          بانکدار یهودی، سرمایه گذار          بلشویکها</p>	<p>جاکوب برمان (<i>Jacob Berman</i>)          رئیس پلیس مخفی لهستان</p>
<p>COMMUNIST DICTATORS OF POLAND            هیلاری مینک (<i>Hilary Minc</i>)          بلشویک لهستانی</p>	<p>COMMUNIST DICTATORS OF POLAND            بلسلاو بیروت (<i>Boleslaw Beirut</i>)          بلشویک لهستانی</p>	<p>COMMUNIST DICTATORS OF POLAND            رومان زومبروفسکی (<i>Roman Zumbrowski</i>)          بلشویک لهستانی</p>
<p>          سولومون مورل (<i>Saloman Morel</i>)          مسئول کمپهای آلمانیها، ۲۵۰۰ زندانی آلمانی را کشت</p>	<p>JEW COMMIES IN HUNGARY            بلا کون (کوهن) (<i>Bela Kun</i>)          دیکتاتور مجارستان</p>	<p>JEW COMMIES IN HUNGARY            تیبور ساموئلی (<i>Tibor Szamuely</i>)          معاون بلا کون</p>

 <p>ماتیاش راکوشی (روزنفلد) (<i>Matyas Rakosi</i>) دیکتاتور مجارستان</p>	 <p>ارنو گرو (<i>Erno Gero</i>) دیکتاتور مجارستان</p>	 <p>میلهالی فارکاس (<i>Milhaly Farkas</i>) کمونیست مجارستانی</p>
 <p>آنا پاکر (<i>Ana Pauker</i>) دیکتاتور رومانی</p>	 <p>رودولف سلنسکی (<i>Rudolf Slansky</i>) رئیس حزب کمونیست چکسلواکی</p>	 <p>موشه پیادی (<i>Moshe Pijade</i>) بلشویک یوگسلاوی</p>

بیشتر کمونیستها در آمریکا نیز یهودی بودند. اطلاعات بمب اتم توسط چند یهودی آمریکایی از جمله جولیوس و اتل روزنبرگ (*Julius and Ethel Rosenberg*) به اتحاد جماهیر شوروی منتقل شد تا شوروی نیز به بمب اتم دست پیدا کند.

در زمان فعلی نیز در روسیه اوضاع مشابهی است. هنگامی که کمونیسم فروپاشید و کاپیتالیسم جایگزین آن شد، برنامه خصوصی سازی در روسیه انجام شد که مشابه آنچه در زمان هاشمی رفسنجانی در ایران انجام شد بود. در این زمان یهودیان با گرفتن پولهای بزرگ از سایر یهودیان دنیا موفق شدند تمامی صنایع روسیه

را در دست خود بگیرند. یلتسین نیز که فردی فاسد و الکلی بود به آنها کمک میکرد. یهودیان کنترل کامل اقتصاد روسیه را در دست دارند و حدود ۵۰ تا ۸۰٪ اقتصاد روسیه در دست آنان است. پنج الیگارش یهودی به نامهای بوریس برزوفسکی (*Boris Berezovsky*)، میخائیل فریدمن (*Mikhail Friedman*)، ولادیمیر گوسینسکی (*Vladimir Gusinsky*)، میخائیل خودوروکوفسکی (*Mikhail Khodorkovsky*) و الکساندر سمولنسکی (*Alexander Smolensky*) اقتصاد روسیه را کنترل میکنند. برزوفسکی کنترل تجارت نفت، چندین بانک و چندین رسانه را دارد. او همچنین دارای سهم زیادی در هواپیمایی ایرفلوت (*Aeroflot*) است.

در استرالیا نیز وضعیت مشابهی وجود داشت. در سال ۱۹۸۶ در بین لیست ثروتمندترین افراد استرالیا از بین ۲۰۰ نفر ۲۵٪ یهودی بودند. در حالی که یهودیان در استرالیا تنها نیم درصد کل جمعیت بودند. آمار استرالیا نشان میدهد که بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۱ ۹۰٪ یهودیان در بین خود ازدواج میکردند. در نیوزیلند یهودیانی مانند ولف فیشر (*Wolf Fisher*) صنعت استیل و هتل را قبضه کرده بودند. در آفریقای جنوبی نیز یهودیان دارای قدرت عجیبی بودند. ادموند راثچایلد (*Edmond Rothschild*) یهودی سرمایه گذاری زیادی بر روی سسیل رودز (*Cecil Rhodes*) برای استخراج الماس کرده بود. یهودیان کنترل کمپانی بزرگ دبیر (*De Beer*) را در اختیار دارند که چهار پنجم الماس جهان را تولید میکند. ارنست اوپنهایمر (*Ernest Oppenheimer*) اقتصاد آفریقای جنوبی را در اختیار داشت. در بلژیک یهودیان ۸۰٪ تجارت الماس انتورپ را در اختیار داشتند. در کانادا که یهودیان تنها ۱٪ جمعیت بودند در ۱۹۸۱ یهودیان ۴/۵ برابر جمعیت عادی در رشته پزشکی و ۴/۱ برابر در دانشگاه حضور داشتند. یهودیان دارای بیشترین درآمد در بین تمامی اقوام دیگر بودند. بری شرمن (*Barry Sherman*) رئیس شرکت داروسازی آپوتکس (*Apotex*) است. لزی دان (*Leslie Dan*) شرکت رقیب نوووفارم

(Novopharm) را داراست. اسرائیل ایزی اسپر (*Israel Izzy Asper*) شرکت کانوست  
(*CanWest*) را ایجاد کرد. گری شوارتز (*Gerry Schwartz*) رئیس بانک اسکوتیا (*Scotia Bank*) است. ایزادور شارپ (*Isadore Sharp*) شرکت هتلداری چهارفصل (*Four Seasons Hotels*) را ایجاد کرد. ساموئل استاینبرگ (*Samuel Steinberg*) سوپرمارکتهای زنجیره‌ای استاینبرگ (*Steinberg Supermarkets*) را ایجاد کرد. آرون هارت (*Aaron Hart*) جزو ثروتمندترین زمینداران کبک (*Quebec*) بود. خانواده رایشمن (*Reichmann*) از ثروتمندترین خانواده های کانادا بودند. ۳۸٪ از خانواده های یهودی دارای درآمد بالاتر از ۷۵۰۰۰ دلار در سال بودند. ۲۰٪ ثروتمندان امروز کانادا یهودیند. در لیست سال ۲۰۱۱ مجله فوربز (*Forbes*) ۲۴ کانادایی میلیاردی یهودی وجود دارند.

در فرانسه نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. وقتی مارسل داسول (*Marcel Dassault*) در سال ۱۹۸۷ از دنیا رفت او ثروتمندترین مرد فرانسه بود. شرکت بزرگ پابلیسیس (*Publicis*) توسط مارسل بلوستین بلانشه (*Marcel Bluestein-Blanchet*) ایجاد شد و مدیریت میشد. موسس و رئیس شرکت سیتروئن (*Citroen*) یک یهودی به نام گوستاو آندره سیتروئن (*Gustav Andre Citroen*) بود. ایزاک و دانیل کاراسو (*Isaac and Daniel Carasso*) شرکت دانون (*Danone*) را ایجاد کردند. فیلیپ کاهن (*Philippe Kahn*) شرکت بورلند (*Borland*) را ایجاد کرد. میشل آدام لیسوفسکی (*Michel Adam Lisowski*) شبکه تلویزیونی فشن تیوی (*Fashion TV*) را ایجاد کرد. در هندوراس یک یهودی به نام سام زموری (*Sam Zemurray*) کنترل تجارت موز را در دست دارد. در کلمبیا ارنستو کورسکوس (*Ernesto Corescos*) یهودی خط هوایی کلمبیا (آویانکا) را ایجاد کرد. در ونزوئلا در دهه ۱۹۸۰ در بین ۱۷۰۰۰ یهودی ۳۵۰ نفر کارخانه دار بودند. در آرژانتین خانواده ورتهایم



(*Wertheim*) دارای اموال زیادی در صنایع مختلف میباشند. خولیو ورتهایم (*Julio Wertheim*) در اسرائیل نیز سرمایه گذاری زیادی کرده است. در برزیل شرکت کلایین (*Klabin*) بزرگترین تولید کننده کاغذ در آمریکای لاتین است که توسط یهودیان کنترل میشود. در جامییکا با اینکه تعداد یهودیان فقط ۳۵۰ نفر است آنها در بین ثروتمندترین و تاثیرگذارترین افراد هستند. در سال ۱۹۷۴ یهودیان جامییکا فقط یکچهارم یکدرصد جمعیت بودند ولیکن ۲۴٪ کارخانه ها را در دست داشتند. در پرو معادن جیوه و نقره توسط خانواده سالسیدو (*Salcedo*) احیا شد. در هنگ کنگ یک خانواده یهودی بغدادی به نام کادوری (*Kadoories*) پایه گذار تجارت بودند. روزنامه جروسالم پست در ۱۹۹۸ نوشت که یهودیان هنگ کنگ ثروتمندترین افراد هستند. در ایران زمان شاه ۸۰۰۰۰ یهودی ایران ثروتمندترین یهودیان دنیا بودند. ۸۰٪ آنها ثروتمند و ۱۰٪ خیلی ثروتمند ارزیابی میشدند. وقتی یهودیان ایران به آمریکا مهاجرت کردند ثروت آنها بقیه یهودیان را شگفت زده کرده بود.

در ایرلند شمالی که تنها ۴۰۰ خانواده یهودی دارد گوستاو ویلهلم ولف (*Gustav Wilhelm Wolff*) کارخانه کشتی سازی هارلند و ولف (*Harland and Wolff*) را ایجاد کرد. این کارخانه کشتی تایتانیک را ساخت. در ایتالیا که یهودیان در ۱۹۳۰ تنها ۱/۰٪ بودند ۷٪ نامهای افراد بانفوذ یهودی بود. در این زمان ۸٪ استادهاى دانشگاه یهودی بودند. حتی در رژیم بنیتو موسولینی نیز یهودیان در موقعیتهای بالا وجود داشتند. گیدو یانگ (*Guido Jung*) وزیر اقتصاد، آلبرت لیوزی (*Albert Liuzzi*) ارتشدار و جیورجیو دل وچی (*Giorgio Del Vecchi*) یهودی بودند. موسولینی دو معشوقه یهودی به نامهای آنجلیکا بالابانوف (*Angelica Balabanoff*) و مارگاریتا سارفاتی (*Margharita Sarfatti*) داشت. حتی دندانپزشک موسولینی، پیپرنو (*Piperno*) هم یک یهودی ارتدوکس بود. جان و لاپو الکان (*John and Lapo Elkann*) نایب رئیسان فیات (*Fiat*) یهودیند. کامیلو الیوتی (*Camillo Olivetti*) موسس

شرکت الیوتی، یهودی بود. کارلو دو بندتی (*Carlo De Bendetti*) رئیس سابق فیات، الیوتی، گروه *CIR* و بانک آمبروسیوانو یهودی است.

در ۱۹۰۰ در اروپای شرقی یهودیان ۷۵٪ تاجران در روسیه، ۸۰٪ گالیسیا (اوکراین) و ۶۵٪ مجارستان را تشکیل میدادند. در ۱۹۲۰ نیمی از وکیل‌های بوداپست یهودی بودند. در دهه ۱۹۳۰ یهودیان که ۵٪ جمعیت مجارستان را تشکیل میدادند، ۳۶٪ مغازه‌های بزرگ را کنترل میکردند. در بوداپست در ۱۹۱۴، یهودیان ۴۲٪ خبرنگاران، ۴۵٪ وکیلان و ۴۹٪ پزشکان را تشکیل میدادند. در ۱۹۰۴ یهودیان ۳۷/۵٪ زمینهای مجارستان را در اختیار داشتند. در ۱۹۱۰ یهودیان ۰/۱٪ کارگران کشاورزی و ۷/۳٪ کارگران صنعتی بودند ولیکن ۵۰٪ وکیلان، ۵۳٪ تاجران و ۵۹/۹٪ پزشکان و ۸۰٪ بانکداران بودند. با اینکه یهودیان در زمان جنگ جهانی اول یک درصد جمعیت بودند آنها ۲۳٪ میلیونرها را تشکیل میدادند. از ۳۱ میلیونر انگلیسی که بین سالهای ۱۸۰۸ و ۱۸۳۸ مردند ۲۴ نفر یهودی بودند. آژانس رویترز که از بزرگترین خبرگزاریهای دنیا است توسط یک یهودی به نام پل جولیس رویتر (*Paul Julius Reuter*) با نام اصلی اسرائیل بیر جوزفات (*Israel Beer Josaphat*) ایجاد شد. روزنامه‌های ساندی تایمز (*Sunday Times*)، فایننشیل تایمز (*Financial Times*)، انگلیش ریویو (*English Review*) و دیلی تلگراف (*Daily Telegraph*) ایجاد شده توسط ج.م. لوی (*J.M. Levy*) همه یهودی بودند. یک یهودی به نام هری اپنهایم (*Harry Oppenheim*) سهامدار اصلی روزنامه اخبار روزانه لندن (*London Daily News*) بود. شاه انگلستان هنری دوم (*Henry II*) به یک بانکدار یهودی آرون لینکلن (*Aaron of Lincoln*) مبلغ ۱۰۰۰۰۰ پوند بدهکار بود که این مبلغ معادل بودجه کل کشور در آن زمان بود. در قرن ۱۷ خانواده کارواجال (*Carvajal Family*) یک دوازدهم طلای کشور را به انگلستان وارد میکردند. خانواده‌های راتچایلد (*Rothschild*)، مونتفیورس (*Montefiores*)، گلدسمیت (*Goldsmids*).



ساموئلز (*Samuels*)، استرنز (*Sterns*)، بدینگتون (*Beddington*) و ساسون (*Sassoon*) ثروت انگلستان را در اختیار داشته و فقط در بین هم ازدواج میکردند. بنجامین دیسرایلی (*Benjamin Disraeli*) که نخست وزیر انگلستان شد نقش مهمی در فعالیتهای امپریالیستی انگلستان به خصوص در خاورمیانه و ایران داشت. ناهوم گلدمن (*Nahum Goldmann*) رئیس سازمان صهیونیست جهانی او را سازنده اصلی امپراتوری بریتانیا میداند. دیسرایلی کانال سوئز را در ۱۸۷۸ خرید و اینکار را با استفاده از آشنایان هنری اینهایم در مصر و با وام چهار میلیون پوندی لیونل راثچایلد (*Lionel Rothschild*) کرد. روزنامه دیلی میل در ۱۹۹۹ نوشت "یک نظرسنجی از ثروتمندترین خانواده های یهودی اطلاعات جالبی در مورد نامهای خانوادگی رایج بین ثروتمندان میدهد. بیشتر از ۲۰ نفر یهودی هستند و نام خانوادگی کوهن بیشتر از هر نام خانوادگی است."

شرکت بترویر (*Betterware*) توسط اندرو کوهن (*Andrew cohen*) ایجاد شد و مدیریت میشود. شرکت کورتز (*Courts*) توسط بروس کوهن (*Bruce Cohen*) و شرکت *DIY* توسط فرانک کوهن (*Frank Cohen*) مدیریت میشود. شبکه *ATV* توسط لو گرید (*Lew Grade*) ایجاد شد. برادران ساعتچی موریس، بارون و چارلز ساعتچی (*Maurice, Baron and Charles Saatchi*) گروه تبلیغاتی *Saatchi and Saatchi* را ایجاد کردند. مارتین سورل گروه *WPP Group* را ایجاد کرد. لوئیس همرسون (*Lewis Hammerson*) گروه مالکیت همرسون (*Hammerson Property Group*) را ایجاد کرد. یهودیان در انگلستان تنها نیمی از یک درصد جمعیت هستند ولیکن در سال ۲۰۰۱، ۱۴ نفر از آنها در بین صد ثروتمند وجود داشتند.

**تشویق به فساد**

یهودیان علاقه زیادی به تشویق غیریهودیان به فساد دارند. نگاهی به دنیای پورنوگرافی و روسپیگری نشاندهنده حضور بسیار زیاد یهودیان در این زمینه است. در ۱۹۱۲ از ۴۰۲ تاجر روسپی دستگیر شده در هامبورگ ۲۷۱ نفر یهودی بودند. در ۱۸۸۹ زنان یهودی ۲۰۳ خانه از ۲۸۹ خانه روسپیگری در منطقه‌ای از روسیه که تزار آنها را مجبور به زندگی در آنجا کرده بود (*Pale of settlement*) را مدیریت میکردند. در ورشو در ۱۹۰۵ ۱۶ خانه از ۱۹ خانه فساد رسمی ثبت شده در اختیار زنان یهودی بود. در مینسک در استان خرسون ۳۰ خانه از ۳۶ خانه فساد رسمی در دست یهودیان بود. سفیر آمریکا در ۱۹۰۸ نوشته است "تجارت روسپیگری به طور کامل در دست یهودیان است."

هیتلر نیز به مساله وجود تعداد زیادی یهودی در صاحبان تجارت روسپیگری در وین توجه کرده بود. او در "نبرد من" نوشته است: "در هیچ شهری در اروپای غربی رابطه بین یهودیت و روسپیگری و برده داری سفیدپوستان مانند وین نیست."

در برزیل در ۱۸۷۹ سی و نه یهودی به علت داشتن خانه فساد دستگیر شدند. در ۱۹۰۹ از ۱۹۹ خانه فساد رسمی در بوئنوس آیرس ۱۰۲ دارای صاحبان یهودی بودند.

در دنیای مدرن نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. یهودیان در صنعت پورنوگرافی حضور بسیار زیادی دارند. حضوری که بسیار بیشتر از مقدار پیشبینی شده بر اساس جمعیت آماری آنان است. ساموئل روث (*Samuel Roth*) دادخواست کننده اصلی دادگاه *Roth vs. United States* در سال ۱۹۵۷ بود که به آزادی پورنوگرافی منجر شد. روبن استورمن (*Reuben Sturman*) نقش زیادی در ایجاد صنعت پورنوگرافی در آمریکای بعد از جنگ جهانی دوم داشت. ال گلدستین (*Al Goldstein*) مجله سپوختن (*Screw*) را منتشر کرد. او در جمله معروفی گفته است: "تنها دلیلی که یهودیان در پورنوگرافی هستند این

است که ما فکر میکنیم عیسی به دردخور است. کاتولیک بودن به دردخور است. ما از مطیع بودن بدمان میاید و پورنوگرافی راهی است که بتوانیم فرهنگ مسیحی را نابود کنیم". ران جرمی (*Ron Jeremy*) بازیگر یهودی در بیش از ۲۰۰۰ فیلم پورنوگرافی بازی کرده است. ست وارشاوسکی (*Seth Warshavsky*) یهودی نقش بسیار مهمی در ایجاد پورنوگرافی اینترنتی داشت و گاهای بیل گیتس پورن نامیده میشود. نینا هارتلی (*Nina Hartley*) نقش مهمی در قانونی شدن پورنوگرافی بعد از جنگ جهانی دوم داشت. نرمان عسگرزاده (*Norm Zada*) پسر دانشمند یهودی-ایرانی لطفی زاده مجله پورنوگرافی پرفکت تن (*Perfect 10*) را ایجاد کرد. پل فیشباین (*Paul Fishbein*)، ایرو سلیفکین (*Irv Slifkin*) و بری روزنبلات (*Barry Rosenblatt*) مجله *AVN* را ایجاد کردند که همه ساله مراسم جایزه *AVN* را برای فیلمهای پورن مدیریت میکند. کارتر استیونز (*Carter Stevens*) یکی از تهیه کننده و بازیگرهای سرشناس فیلمهای پورن در دهه ۷۰ بود. رندی وست (*Randy West*) از معروفترین بازیگران پورن در دهه ۷۰ بود. ایرا ایزاکز (*Ira Isaacs*) در سال ۲۰۰۸ به دلیل پخش فیلمهای پورنوگرافی که در آن صحنه‌های رابطه جنسی با اسب و مدفوع وجود داشت دستگیر شد. ژوانی بلانک (*Joani Blank*) وسائل خودارضایی جنسی برای زنان تولید میکرد.

"یهودیان سکولار نقش بیش از اندازه‌ای در صنعت سکس دارند. یهودیان بیشتر بازیگران مرد دهه ۷۰ و ۸۰ را تشکیل میدادند. اگر تورات به یهودیان دستور میدهد که "که یک پادشاهی روحانیون و یک قوم مقدس" باشند و یهودیت با پورن مخالف است چرا یهودیان در صنعت پورن بیرقیبند؟ پورنوگرافر سیمور باتز (*Seymore Butts*) اعتقاد دارد که دلیل اصلی مساله مالی است. یهودیان به دنبال پول هستند. نینا هارتلی (*Nina Hartley*) میگوید که من تا حالا یک مرد یهودی ندیدم که میل جنسی او مانند خرگوش

زیاد نباشد. به صورت فرهنگی برای یهودیان این مساله ایرادی ندارد. تازه آنها میتوانند با زنان بلوند سکس داشته باشند. در کجا میتوانید به تعداد زیادی شیکسا (*Shiksa* زن غیریهودی) به راحتی دست پیدا کنید؟

یهودیان در تجارت الکل و سیگار نیز نقش بسیار مهمی دارند. خاندان برونفمن (*Bronfman*) در زمان ممنوعیت الکل در آمریکا با واردات غیرقانونی الکل از طریق کانادا ثروت بسیار زیادی به دست آوردند.

برونفمن با تبهکار یهودی میر لانسکی (*Meyer Lansky*) رابطه تجاری زیادی داشت و به کمک او الکل خود را پخش میکرد. شرکت سیگرام (*Seagram*) که توسط برونفمنها ایجاد شد بزرگترین تولید کننده لیکور در دنیا بود. کمپانی بزرگ شنلی (*Schenley*) نیز توسط لوئیس روزنتیل (*Lewis Rosentiel*) تاسیس شده و مدیریت میشد و از بزرگترین کمپانیهای تولید مشروبات الکلی بود. پل کلمانوویتز (*Paul Kalmanovitz*) نیز از بزرگترین تاجران مشروبات الکلی بود و امپراتوری تولید آبجو داشت. چایم برمانت (*Chaim Bermant*) درباره حضور یهودیان در صنعت الکل مینویسد: "اگر چیزی یهودیتر از تجارت پارچه وجود داشته باشد آن تجارت الکل است. این به نظر عجیب میآید که مردمی که هیچوقت الکل نمینوشند مانند یهودیان آن را اداره کنند. عدم علاقه آنها به الکل (اگر یهودیان از چیزی مست شوند آن غذا است) یکی از دلایل اصلی این بود که آنها در این صنعت موفق شدند. آنها هیچوقت وسوسه نمیشدند محصولات خود را مصرف کنند" - چایم برمانت، ۱۹۷۷.

یان کرشاو (*Ian Kershaw*) درباره آلمان دهه ۱۹۳۰ مینویسد: "کارخانه های سیگارسازی که دارای صاحبان یهودی بودند بر تمامی کارخانه های دیگر مسلط بودند... یهودیان صاحب تقریباً تمامی ۲۹ کارخانه بودند و دارای نیروی کاری ۲۲۰۶ زن و ۲۸۰ مرد بودند." در واقع این یهودیان بودند که اولین بار زنان جنتایل را تشویق به سیگار کشیدن کردند. در اوائل قرن ۲۰ تابوی زیادی بر علیه سیگار کشیدن زنان وجود داشت.

خواهر زاده روانشناس معروف سیگموند فروید (*Sigmund Freud*) ادوارد برنیز (*Edward*)

(Bernays) نام داشت که در کار پروپاگاندا بود. یکی از مشتریهای او به نام جرج هیل (George Hill)، رئیس انجمن تنباکوی آمریکا از او درخواست کرد که بتواند راهی پیدا کند تا تابوی موجود بر علیه سیگار کشیدن زنان را بشکند. جرج هیل به او گفت که زنان نیمی از بازار مصرف هستند و مردان تابویی بر علیه سیگار کشیدن زنان گذاشته اند. او تصمیم گرفت که سیگار را به عنوان آلت تناسلی مرد و سمبل قدرت مرد معرفی کرده و به زنان بگوید که با سیگار کشیدن آلت تناسلی مردانه به دست آورده و به اندازه مردان قوی میشوند. برنیز به تعدادی از زنان زیباروی پول داد تا در راهپیمایی سالپانه نیویورک سیگار در آورده و آن را روشن کنند و بگویند این سیگارها مشعلهای آزادی (Torches of Freedom) هستند. او همچنین به تعدادی از روزنامه نگارها پول داد تا از این اتفاق عکس گرفته و آن را در تمامی روزنامه ها پخش کنند. او با اینکار موفق شد تابوی موجود بر علیه سیگار کشیدن زنان را شکسته و فروش سیگار را چندین برابر کند.



گوییم خوب کسی است که به سکس و مسائل حیوانی (مسائل مربوط به گویمها) بپردازد و گوییم بد کسی است که فکر کرده و به کارهای انسانی (کارهایی که مخصوص یهودیان است) بپردازد. تصویر سمت چپ مربوط به مفتی اورشلیم امین الحسینی است که در زمان جنگ جهانی دوم با یهودیان به مقابله پرداخت و به آلمانیها کمک کرد. بیشتر کسانی که دارای نام خانوادگی الحسینی هستند از نسل حسین میباشند، با اینکه ظاهرا سنی باشند.

## ورزش رقابتی

"مهمترین چیز زندگی شما (جنتایله‌ها) و مهمترین چیزی که با نحوه زندگی ما (یهودیان)

در تضاد است ورزش است." - شما جنتایله‌ها، موریس ساموئل، صفحه ۳۸

یهودیان علاقه زیادی به تشویق جنتایله‌ها برای رقابت با هم دارند. با اینکه در دینهای ابراهیمی رقابت با همدیگان مذموم است و برادری بسیار توصیه میشود ورزش مدرن کاملاً برعکس این سیستم را توصیه میکند. از این رو تمامی فکر و ذکر جنتایله‌ها باید این باشد که تویی را وارد سوراخی کنند و به خاطر وارد کردن این توپ به سوراخ با برادر دینی خود بجنگند و با او دعوا کنند. این کار کاملاً بازمانده عهد بت پرستی است. در زمان بت پرستی خدایان مختلفی وجود داشت و هر کس طرفدار یکی از این خدایان بود و با بقیه جنگ میکرد که ثابت کند خدای او از خدای بقیه بهتر است. در ورزش مدرن این خدایان با تیمها جایگزین شده اند. هرکس طرفدار یک تیم است و به واسطه طرفداری از آن تیم با طرفداران تیمهای دیگر دعوا میکند. چنین رفتار احمقانه و گوسفندوارانه‌ای تنها در بین جنتایله‌ها دیده میشود. هیچوقت یهودیان به خاطر طرفداری از یک تیم ورزشی با یهودی دیگری دعوا نمیکند. آنها میدانند که وارد کردن یک توپ به یک سوراخ اهمیت زیادی ندارد و از این رو اسرائیل با اینکه در تمامی زمینه‌ها مانند علم، ثروت، دانش و تکنولوژی از بقیه کشورها بسیار پیشرفته‌تر است اهمیت زیادی به ورزش نداده و حتی روی آن سرمایه‌گذاری نیز نمیکند. ورزش رقابتی کاری است که در یونان قدیم و در زمان شرک وجود داشت و رایج بود. به همین دلیل است که در ایران و کشورهای اسلامی ورزش رقابتی زیادی وجود نداشت زیرا چنین کاری با ذات دین در تضاد است. از زمانی که ورزش رقابتی به امری مهم در جامعه تبدیل شده است توحید مردم از بین رفته و رفتارهای مشرکانه نظیر رقابت با برادر دینی به عرصه اجتماع بازگشته است.

در قلبهایتان شما همچنان مشرکید. شما همچنان جنگ را دوست دارید، عاشق  
تصویرسازی و کشمکش هستید. شما هنوز به شکل لخت انسان افتخار میکنید." –  
مارکوس الی رویج (*Marcus Eli Ravage*)، یک اتهام واقعی بر علیه یهودیان (A  
*Real Case Against The Jews*).

بیشتر ورزشهای مدرن نیز از انگلستان و توسط فراماسونرها ریشه گرفته است. به طور مثال قوانین فوتبال  
مدرن در میخانه فراماسونری (*Freemason's Tavern*) در ۲۶ اکتبر ۱۸۶۳ نوشته شد. امروزه نیز  
یهودیانی مانند رومن آبراموویچ (*Roman Abramovich*) صاحب باشگاه چلسی و مالک کلم گلیزر  
(*Malcolm Glazer*) صاحب باشگاه منچستر یونایتد (*Manchester United*) در بین صاحبان  
تیمهای فوتبال زیاد دیده میشوند ولیکن بازیکن فوتبال یهودی معروفی وجود ندارد. هیچوقت دعوی مانند  
دعوی استقلال و پرسپولیس در اسرائیل اتفاق نمیفتد. هیچوقت شورشهای خیابانی بعد از فوتبال از یهودیان  
سر نمیزند. آنها وقت خود را صرف کارهای مشرکانه‌ای نظیر رقابت با بقیه یهودیان نمیکند. بلکه تنها  
جنتایلها را به اینکار تشویق کرده و خود تنها از سود مالی اینکار استفاده میکنند.

### دلیل موفقیت یهودیان چیست؟

"احتمال اینکه یهودیان موسساتی برای پیشبرد اهداف یهودی ایجاد کنند ۲۳ برابر این  
است که کاتولیکها برای اهداف کاتولیک و یا پروتستانها برای اهداف پروتستان ایجاد  
کنند." – جاشوا هالبرستام (*Joshua Halberstam*)، صحبت‌های خصوصی یهودیان  
آمریکا (*The Private conversations of American jews*)، ۱۹۹۷

راز موفقیت یهودیان چیست؟ چرا آنان با اینکه اینقدر جمعیت کمی دارند اینقدر قدرت زیادی دارند؟

یهودیان در رفتار خود با جنتایلها دارای تفاوت‌های زیادی هستند. به طور مثال جنتایلها بسیار به رقابت با هم و ورزش و کارهایی نظیر آن علاقه مند هستند. ولیکن یهودیان اصلا علاقه خاصی به رقابت نشان نمیدهند. یهودیان در زمینه علم و ثروت همیشه قویتر از بقیه هستند ولیکن ورزش اصلا اهمیتی برای آنها ندارد. آنها رقابت با یکدیگر را بازمانده عصر مشرکی میدانند. از این رو هر یهودی منافع گروه یهودیان را بر خود مقدم میداند. اگر یک یهودی به بقیه یهودیان خیانت کند و یا سر یهودی دیگری کلاه بگذارد تمامی یهودیان او را طرد میکنند. اگر هریک از آنها در هر جای دنیا به مشکل برخورد کند تمامی یهودیان کشورهای دیگر به کمک او میشتابند. از این رو تمامی ۱۵ میلیون یهودی دنیا مانند یک بدنه و یک خانواده رفتار میکنند. آنها گاهی نیز با هم مانند اعضای یک خانواده اختلاف دارند. بعضی ارتدوکس هستند و بعضی رفرم. بعضی دیندار هستند و بعضی بیدین. ولیکن همه آنها برتری یهودی بر غیریهودی (جنتایل) را قبول دارند. همه آنها این را قبول دارند که گرفتن سود از غیریهودیان و خوردن اموال آنان حق آنان است.

” ما یهودیان قادر به مشرک بودن نیستیم. شما جنتایلها قادر به موحد شدن نیستید. ” –

شما جنتایلها (*You Gentiles*)، موریس ساموئل (*Maurice Samuel*)، صفحه ۶۶

آنها به مسائل بی اهمیتی مانند ملی گرایی اهمیت نمیدهند و دین خود را همیشه بر مسائل دیگر مقدم میدارند. آنها در بین خود بسیار اخلاقی تجارت میکنند و هیچگاه ذره‌ای از مال یکدیگر را نمیخورند. ولیکن ما جنتایلها همیشه با هم اختلاف داریم. ما هیچوقت نفهمیدیم که توحید یعنی اینکه از موفقیت بقیه موحدان همکیش خود خوشحال شویم. یهودیان نیز با سیستم آموزش و پرورش ما را به رقابت بیش از حد با یکدیگر تشویق میکنند. آنها خود با هم رقابت نمیکند ولیکن همیشه در حال تشویق ما برای رقابت در زمینه پول، درس، قدرت فیزیکی و غیره هستند. از این رو ما فقط در ظاهر موحد شده‌ایم و در باطن همان مشرک



هستیم. ما نفهمیدیم که موحد بودن یعنی اینکه رضای خدا در زندگی از هر چیز دیگری مهمتر باشد. اگر مهمترین چیز در زندگی ما، پول است ما در حال پرستش خدای پول (گوساله سامری) هستیم. اگر مهمترین چیز در زندگی ما سکس است ما در حال پرستش ایشتار (خدای سکس بابل) و یا آفرودیت (خدای سکس در یونان قدیم) هستیم. تنها وقتی ما به طور کامل موحد هستیم که فکر ما این نباشد که من چگونه جلوی برادرم را بگیرم تا از او بهتر شوم. بلکه فکر ما این باشد که چگونه من به برادرم کمک کنم تا همه بهتر شویم. اگر کسی حتی به دین به دلیل رضای خدا نیز علاقه مند نباشد رفتار یهودیان بین خودشان نشان میدهد که چنین سیستمی قویترین سیستم موجود است. تا زمانی که یهودیان در بین ما به صورت آزادانه زندگی کنند و یهودی بودن آنها معلوم نباشد ما هیچوقت موحد نمیشویم. زیرا آنان با قدرت عجیب خود در فاسد کردن ما، ما را تشویق به کارهای مشرکانه میکنند. یهودیان بهترین رابطه را با جنتایلهای مشرک دارند. آنها از جنتایل موحد بیزارند و بهترین چیز برای جنتایلهها را مشرک بودن میدانند. آنها با مشرکان مکه دوست بودند و از پیامبری که به پیامبران آنان احترام میگذاشت متنفر بودند. از این رو کشور هند که جزو معدود کشورهای کاملاً مشرک در دنیا است متحد استراتژیک اسرائیل است. هندوها پس از یهودیان دارای بیشترین درآمدها در آمریکا هستند. ما تنها وقتی جایگاه واقعی خود را دنیا باز خواهیم یافت که توحید را بفهمیم. تا زمانی که به هم حسادت و رقابت داریم هیچوقت موحد نیستیم. تا زمانی که در تجارت بر سر یکدیگر کلاه گذاشته و نفع کوتاه مدت شخصی را بر نفع بلند مدت گروهی مقدم میداریم همیشه شکست خواهیم خورد.

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۴) همانان

که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی‌دارند و هر که روی گرداند قطعا خدا  
بی‌نیاز ستوده است.

—سوره الحديد، آیه ۲۴

## یهودی ستیزی

مساله یهودی ستیزی یکی از نکات بسیار جالب و منحصر به فرد در مورد یهودیان است. در هر جای دنیا که یهودیان در بین غیریهودیان زندگی کرده اند توسط آنها مورد نفرت بودند. در هیچ‌کجای دنیا که در آن یهودیان زندگی کرده اند یافت نمیشود که نظر مردم نسبت به آنها مثبت بوده باشد. این نفرت به قدری گسترده و به قدری فراوان است که نمیتوان دلیل آن را در اقوام دیگر یافت. در هزار سال گذشته یهودیان بارها از کشورهای مختلف به طور کامل اخراج شده اند.

به طور مثال نویسنده یهودی، برنارد لازار (*Bernard Lazarre*) در کتاب یهودیستیزی (*Anti-Semitism*) مینویسد: "اگر این نفرت نسبت به یهودیان فقط در یکجا و یک زمان نشان داده شده بود پیدا کردن دلیل این خشم آسان بود. ولیکن این نژاد مورد تنفر تمامی اقوامی بوده است که در بین آنها زندگی کرده است. از این رو به دلیل اینکه دشمنان یهودیان از نژادهای مختلف بوده، در کشورهایی که از هم دورند زندگی میکردند، زیر قوانین مختلف بوده و اخلاقیات متضادی داشتند. آنها اخلاق یکسانی نداشته و سنت یکسانی نداشتند. از این رو دلیل اصلی یهودی ستیزی باید در قوم اسرائیل و نه در کسانی با اسرائیل دشمنند باشد."

یهودی ستیزی در فرمهای مختلفی وجود داشته است و معمولا دارای عضوهای زیر است:

- دینی (یهودیان به عنوان قاتلین مسیح و دشمن خدا)
- اقتصادی (یهودیان به عنوان بانکداران، رباخواران و پول دوست)
- اجتماعی (یهودیان به عنوان گروه فشار)
- نژادی (یهودیان به عنوان نژاد بد)
- ایدئولوژی (یهودیان به عنوان توطئه گر و انقلابی)
- فرهنگی (یهودیان به عنوان نابود کننده اخلاق و ساختار اجتماع)

خداوند در قرآن دلیل این مساله را کشتار پیامبران توسط یهودیان میداند. از زمانی که یهودیان پیامبران را کشتند و به آنها دروغ بستند خداوند بر آنها خشم گرفت و تصمیم به عذاب آنها گرفت. بزرگترین گناهی که هر قومی ممکن است مرتکب شوند بعد از کفر به خدا، کشتن پیامبران او است.

وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَاؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (٦١) و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد و به خشم خدا گرفتار آمدند چرا که آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند و پیامبران را بناحق می‌کشتند این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد در گذرانیده بودند.

### سوره بقره آیه ٦١

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا

تَقْتُلُونَ (۸۷) و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را با روح القدس تایید کردیم پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد کبر ورزیدید گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید.

### سوره بقره آیه ۸۷

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیا را بنا می‌کنید و مدفنهای صادقان را زینت می‌دهید،

و می‌گویید، اگر در ایام پدران خود می‌بودیم، در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی‌شدیم!

پس بر خود شهادت می‌دهید که فرزندان قاتلان انبیا هستید .

پس شما پیمانۀ پدران خود را لبریز کنید!

ای ماران و افعی‌زادگان! چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟

### عهد جدید، انجیل متی ۲۳:۱۳

در زیر لیستی از اخراج یهودیان از کشورهای مختلف در زمانهای مختلف آماده است.

زمان

مکان

اتفاق

250 C.E.	<i>Canhage</i>	اخراج
224 C.E.	<i>Italy</i>	تغییر دین اجباری
325 C.E.	<i>Jerusalem</i>	اخراج
351 C.E.	<i>Persia</i>	سوزاندن کتاب
357 C.E.	<i>Italy</i>	ضبط کردن اموال
379 C.E.	<i>Milan</i>	سوزاندن کنیسه
415 C.E.	<i>Alexandria</i>	اخراج
418 C.E.	<i>Minorca</i>	تغییر دین اجباری
469 C.E.	<i>Ipahan</i>	کشتار
489 C.E.	<i>Antioch</i>	سوزاندن کنیسه
506 C.E.	<i>Daphne</i>	سوزاندن کنیسه
519 C.E.	<i>Ravenna</i>	سوزاندن کنیسه
554 C.E.	<i>Diocese of Clement (France)</i>	اخراج
561 C.E.	<i>Diocese of Uzes (France)</i>	اخراج
582 C.E.	<i>Merovingia</i>	تغییر دین اجباری
612 C.E.	<i>Visigoth Spain</i>	اخراج
628 C.E.	<i>Byzantium</i>	تغییر دین اجباری
629 C.E.	<i>Merovingia</i>	تغییر دین اجباری
633 C.E.	<i>Toledo</i>	تغییر دین اجباری
638 C.E.	<i>Toledo</i>	سوزاندن
642 C.E.	<i>Visigothic Empire</i>	اخراج
653 C.E.	<i>Toledo</i>	اخراج

681 C.E.	<i>Spain</i>	تغییر دین اجباری
693 C.E.	<i>Toledo</i>	زندانی شدن یهودیان
722 C.E.	<i>Byzantium</i>	ممنوعیت یهودیت
855 C.E.	<i>Italy</i>	اخراج
876 C.E.	<i>Sens</i>	اخراج
897 C.E.	<i>Narbonne</i>	ضبط کردن زمین
945 C.E.	<i>Venice</i>	ممنوعیت سفر دریایی
1009 C.E.	<i>Orleans</i>	کشتار
1012 C.E.	<i>Rouen, Limoges &amp; Rome</i>	کشتار
1012 C.E.	<i>Mayence</i>	اخراج
1021 C.E.	<i>Rome</i>	سوزاندن یهودیان به صورت زنده
1063 C.E.	<i>Spain</i>	کشتار
1095 C.E.	<i>Lorraine</i>	کشتار
1096 C.E.	<i>Northern France &amp; Germany</i>	یک سوم جمعیت یهودی کشته شدند
1096 C.E.	<i>Hungary</i>	کشتار
1096 C.E.	<i>Ralisbon</i>	کشتار
1099 C.E.	<i>Jerusalem</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1100 C.E.	<i>Kiev</i>	کشتار
1140 C.E.	<i>Germany</i>	کشتار
1146 C.E.	<i>Rhine Valley</i>	کشتار

1147 C.E.	Wurzburg	کشتار
1147 C.E.	Belitz (Germany)	یهودیان زنده سوزانده شدند
1147 C.E.	Carenton, Ramenu & Sully (France)	کشتار
1171 C.E.	Blois	سوزاندن
1181 C.E.	France	اخراج
1181 C.E.	England	ضبط اموال
1188 C.E.	London & York	حمله مردم
1190 C.E.	Norfolk	یهودیان زنده سوزانده شدند
1191 C.E.	Bray (France)	یهودیان زنده سوزانده شدند
1195 C.E.	France	ضبط اموال
1209 C.E.	Beziers	کشتار
1212 C.E.	Spain	شورش و کشتار
1215 C.E.	Rome	یهودیان مجبور شدند که لباس مشخص بپوشند، از خدمت دولتی محروم شوند و مالیات اضافه بدهند.
1215 C.E.	Toulouse (France)	دستگیری گسترده
1218 C.E.	England	یهودیان مجبور شدند لباس خاصی بپوشند
1231 C.E.	Rome	تغییر دین اجباری

1236 C.E.	France	تغییر دین و کشتار اجباری
1239 C.E.	London	ضبط اموال & کشتار
1240 C.E.	Austria	ضبط اموال
1240 C.E.	France	تلمود ضبط شد
1240 C.E.	England	سوزاندن کتاب
1240 C.E.	Spain	تغییر دین اجباری
1242 C.E.	Paris	تلمود سوزانده شد.
1244 C.E.	Oxford	حمله مردم
1255 C.E.	England	سوزاندن و کشتار یهودیان
1261 C.E.	Canterbury	حمله مردم
1262 C.E.	London	حمله مردم
1264 C.E.	London	حمله مردم
1264 C.E.	Germany	مجبور شدن به پوشیدن لباس خاص
1267 C.E.	Vienna	مجبور شدن به پوشیدن لباس خاص
1270 C.E.	Weissenberg, Magdeburg, Arnstadt, Coblenz, Singzig, and Erfurt	یهودیان زنده سوزانده شدند
1270 C.E.	England	کشتار
1276 C.E.	Bavaria	اخراج
1278 C.E.	Genoa (Spain)	حمله مردم



1279 C.E.	<i>Hungary &amp; Poland</i>	مجبور شدن به پوشیدن لباس خاص
1283 C.E.	<i>Mayence &amp; Bacharach</i>	حمله مردم
1285 C.E.	<i>Munich</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1290 C.E.	<i>England</i>	اخراج یهودیان از انگلستان
1291 C.E.	<i>France</i>	یهودیان اخراج شده از انگلستان که به فرانسه آمده بودند از آنجا نیز اخراج شدند.
1292 C.E.	<i>Italy</i>	تغییر دین اجباری و اخراج
1298 C.E.	<i>Germany</i>	تغییر دین اجباری
1298 C.E.	<i>Franconia, Bavaria &amp; Austria</i>	کشتار
1306 C.E.	<i>France</i>	اخراج
1308 C.E.	<i>Strasbourg</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1320 C.E.	<i>Toulouse &amp; Perpigon</i>	کشتار و سوزاندن تلمود
1321 C.E.	<i>Teruel</i>	اعدام
1328 C.E.	<i>Estella</i>	۵۰۰۰ یهودی کشته شدند
1348 C.E.	<i>France &amp; Spain</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند

1348 C.E.	Switzerland	اخراج
1349 C.E.	Worms, Strasbourg, Oppenheim, Mayence, Erfurt, Bavaria & Swabia	یهودیان زنده سوزانده شدند
1349 C.E.	Heilbronn (Germany)	اخراج
1349 C.E.	Hungary	اخراج
1354 C.E.	Castile (Spain)	۱۲۰۰۰ یهودی کشته شدند
1368 C.E.	Toledo	۸۰۰۰ یهودی کشته شدند
1370 C.E.	Majorca., Penignon & Barcelona	حمله مردم
1377 C.E.	Huesca (Spain)	یهودیان زنده سوزانده شدند
1380 C.E.	Paris	حمله مردم
1384 C.E.	Nordlingen	کشتار جمعی
1388 C.E.	Strasbourg	اخراج
1389 C.E.	Prague	& کشتار جمعی سوزاندن کتاب
1391 C.E.	Castille, Toledo, Madrid, Seville, Cordova, Cuenca & Barcelona	& تغییر دین اجباری کشتار جمعی
1394 C.E.	Germany	اخراج
1394 C.E.	France	اخراج
1399 C.E.	Posen (Poland)	یهودیان زنده سوزانده شدند
1400 C.E.	Prague	سوزاندن

1407 C.E.	<i>Cracow</i>	حمله مردم
1415 C.E.	<i>Rome</i>	تلمود ضبط شد
1422 C.E.	<i>Austria</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1422 C.E.	<i>Austria</i>	اخراج
1424 C.E.	<i>Fribourg &amp; Zurich</i>	اخراج
1426 C.E.	<i>Cologne</i>	اخراج
1431 C.E.	<i>Southern Germany</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1432 C.E.	<i>Savory</i>	اخراج
1438 C.E.	<i>Mainz</i>	اخراج
1439 C.E.	<i>Augsburg</i>	اخراج
1449 C.E.	<i>Toledo</i>	شکنجه و سوزاندن گروهی
1456 C.E.	<i>Bavaria</i>	اخراج
1453 C.E.	<i>Franconia</i>	اخراج
1453 C.E.	<i>Breslau</i>	اخراج
1454 C.E.	<i>Wurzburg</i>	اخراج
1463 C.E.	<i>Cracow</i>	حمله مردم
1473 C.E.	<i>Andalusia</i>	حمله مردم
1480 C.E.	<i>Venice</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1481 C.E.	<i>Seville</i>	سوزاندن

1484 C.E.	<i>Cuidad Real, Guadalupe, Saragossa &amp; Teruel</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1485 C.E.	<i>Vincenza (Italy)</i>	اخراج
1486 C.E.	<i>Toledo</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1488 C.E.	<i>Toledo</i>	سوزاندن
1490 C.E.	<i>Toledo</i>	اعدام
1491 C.E.	<i>Astorga</i>	اعدام و شکنجه
1492 C.E.	<i>Spain</i>	اخراج
1495 C.E.	<i>Lithuania</i>	اخراج
1497 C.E.	<i>Portugal</i>	اخراج
1499 C.E.	<i>Germany</i>	اخراج
1506 C.E.	<i>Lisbon</i>	حمله مردم
1510 C.E.	<i>Berlin</i>	اعدام و شکنجه
1514 C.E.	<i>Strasbourg</i>	اخراج
1519 C.E.	<i>Regensburg</i>	اخراج
1539 C.E.	<i>Cracow &amp; Portugal</i>	سوزاندن
1540 C.E.	<i>Naples</i>	اخراج
1542 C.E.	<i>Bohemia</i>	اخراج
1550 C.E.	<i>Genoa</i>	اخراج
1551 C.E.	<i>Bavaria</i>	اخراج
1555 C.E.	<i>Pesaro</i>	اخراج

1556 C.E.	<i>Sokhachev (Poland)</i>	اعدام و شکنجه
1559 C.E.	<i>Austria</i>	اخراج
1561 C.E.	<i>Prague</i>	اخراج
1567 C.E.	<i>Wurzburg</i>	اخراج
1569 C.E.	<i>Papal States</i>	اخراج
1571 C.E.	<i>Brandenburg</i>	اخراج
1582 C.E.	<i>Netherlands</i>	اخراج
1593 C.E.	<i>Brunswick</i>	اخراج
1597 C.E.	<i>Cremona, Pavia &amp; Lodi</i>	اخراج
1614 C.E.	<i>Frankfort</i>	اخراج
1615 C.E.	<i>Worms</i>	اخراج
1619 C.E.	<i>Kiev</i>	اخراج
1635 C.E.	<i>Vilna</i>	حمله مردم
1637 C.E.	<i>Cracow</i>	اعدام و شکنجه
1647 C.E.	<i>Lisbon</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1648 C.E.	<i>Poland</i>	یک سوم یهودیان کشته شدند
1649 C.E.	<i>Ukraine</i>	اخراج
1649 C.E.	<i>Hamburg</i>	اخراج
1652 C.E.	<i>Lisbon</i>	سوزاندن
1654 C.E.	<i>Little Russia</i>	اخراج

1656 C.E.	<i>Lithuania</i>	اخراج
1660 C.E.	<i>Seville</i>	یهودیان زنده سوزانده شدند
1663 C.E.	<i>Cracow</i>	اعدام و شکنجه
1664 C.E.	<i>Lemberg</i>	حمله مردم
1669 C.E.	<i>Oran (North Africa)</i>	اخراج
1670 C.E.	<i>Vienna</i>	اخراج
1671 C.E.	<i>Minsk</i>	حمله مردم
1681 C.E.	<i>Vilna</i>	حمله مردم
1682 C.E.	<i>Cracow</i>	حمله مردم
1687 C.E.	<i>Posen</i>	حمله مردم
1712 C.E.	<i>Sandomir</i>	اخراج
1727 C.E.	<i>Russia</i>	اخراج
1738 C.E.	<i>Wurtemberg</i>	اخراج
1740 C.E.	<i>Liule Russia</i>	اخراج
1744 C.E.	<i>Bohemia</i>	اخراج
1744 C.E.	<i>Livonia</i>	اخراج
1745 C.E.	<i>Moravia</i>	اخراج
1753 C.E.	<i>Kovad (Lithuania)</i>	اخراج
1757 C.E.	<i>Kamenetz</i>	تلمود سوزانده شد
1761 C.E.	<i>Bordeaux</i>	اخراج
1768 C.E.	<i>Kiev</i>	۳۰۰۰ یهودی کشته

شدند

1772 C.E.	<i>Russia</i>	اخراج
1775 C.E.	<i>Warsaw</i>	اخراج
1789 C.E.	<i>Alsace</i>	اخراج
1801 C.E.	<i>Bucharest</i>	حمله مردم
1804 C.E.	<i>Russian Villages</i>	اخراج
1808 C.E.	<i>Russian Countryside</i>	اخراج
1815 C.E.	<i>Lubeck &amp; Bremen</i>	اخراج
1820 C.E.	<i>Bremes</i>	اخراج
1843 C.E.	<i>Austria &amp; Prussia</i>	اخراج
1850 C.E.	<i>New York City</i>	۵۰۰ نفر به همراه پلیس به یهودیان حمله کردند
1862 C.E.	<i>Area under General Grant's Jurisdiction in the United States</i>	اخراج
1866 C.E.	<i>Galatz (Romania)</i>	اخراج
1871 C.E.	<i>Odena</i>	حمله مردم
1887 C.E.	<i>Slovakia</i>	حمله مردم
1897 C.E.	<i>Kantakuzenka (Russia)</i>	حمله مردم
1898 C.E.	<i>Rennes (France)</i>	حمله مردم
1899 C.E.	<i>Nicholayev</i>	حمله مردم
1900 C.E.	<i>Konitz (Prussia)</i>	حمله مردم
1902 C.E.	<i>Poland</i>	کشتار

1904 C.E.	<i>Manchuria, Kiev &amp; Volhynia</i>	کشتار
1905 C.E.	<i>Zhitomir (Yolhynia)</i>	حمله مردم
1919 C.E.	<i>Bavaria</i>	اخراج
1915 C.E.	<i>Georgia (U.S.A.)</i>	دادگاه لئو فرانک
1919 C.E.	<i>Prague</i>	کشتار
1920 C.E.	<i>Munich &amp; Breslau</i>	حمله مردم
1922 C.E.	<i>Boston, MA</i>	یهودیان از ورود زیاد از حد به دانشگاه هاروارد منع شدند
1926 C.E.	<i>Uzbekistan</i>	کشتار
1928 C.E.	<i>Hungary</i>	شورش
1929 C.E.	<i>Lemberg (Poland)</i>	حمله مردم
1930 C.E.	<i>Berlin</i>	حمله مردم
1933 C.E.	<i>Bucharest</i>	حمله مردم
1938-45 C.E.	<i>Europe</i>	هولوکاست



وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبَعِّثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ  
لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۶۷)

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان ]  
= یهودیان] کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بچشانند آری  
پروردگار تو زودکیفر است و همو آمرزنده بسیار مهربان است. - **سوره اعراف آیه**

۱۶۷

از این رو پایان یهودی ستیزی و تبدیل شدن یهودیان از منفورترین مردم به محبوبترین آنان بعد از جنگ جهانی دوم نشاندهنده نزدیک بودن قیامت است. نکته جالب این است که این تغییر عقیده عامه مردم نسبت به یهودیان با از بین رفتن اخلاق در بین آنان نیز همزمان بوده است. از این رو در هر جامعه که نظر مردم نسبت به یهودیان مثبت شود، مسائل غیراخلاقی نیز در بین آنها گسترش خواهد یافت. یهودیان در هر جامعه الهی باید مورد نفرت قرار گیرند. زیرا هیچکس نمیتواند به طور همزمان هم پیامبران و هم قاتلان آنان را دوست داشته باشد. هیچکس نمیتواند به طور همزمان هم با قاتل و هم با مقتول خوب باشد. هیچ جامعه‌ای که انبیاء الهی را دوست داشته باشد نمیتواند کسانی را که با آنها بدترین رفتار را کردند و هنوز هم به کارهای بد خود افتخار کرده پیامبران خدا را جادوگر و زنا زاده میدانند را نیز دوست داشته باشد.

## انتقام یهودی

یهودیان بسیار منتقم هستند. از این رو آنان از دشمنان خود سالها و حتی قرن‌ها بعد انتقام میگیرند. به طور مثال هنوز هم بعد از گذشت ۷۰ سال از جنگ جهانی دوم هر از چند گاهی یهودیان پیرمردی را در نقطه‌ای از دنیا پیدا میکنند که در زمان جنگ جهانی دوم یک سیلی به گوش یک یهودی زده است و دولت آن

کشور را وادار به زندانی کردن آن فرد میکنند. نگاهی که کشورهایی که امروزه دچار مشکل هستند و مردم در آن ناراضی هستند نیز نشاندهنده ارتباط بالای آن با دشمنی تاریخی با یهود است. در سایتهای پورنوگرافی همیشه زنان آلمانی و ژاپنی که قومهای آنها جرات کردند با یهودیان بجنگند به فراوانی وجود دارند. در اوکراین که در زمان گذشته با یهودیان مخالفت زیادی میشد بیشتر زنان بدکار و خرابند. در ایتالیا و آلمان نرخ زاد و ولد از همه کشورهای دیگر کمتر است. در ایران یهودیان بسیاری از زنان مسلمان را فاسد و فاحشه کرده اند. تمامی این کشورها در این نکته مشترکند که در زمانی بر علیه قومی که خود را خدا میدانند جنگیده اند. از این رو یهودیان آنها را به کمک دولت خود آنها مجازات میکنند.

"ما (یهودیان) مانند یک فیل هستیم. ما هیچ چیزی را فراموش نکنیم." - توماس داین

*Thomas Dine*، از کارمندان لابی اسرائیل *AIPAC*


از این رو شعار یهودیان "هیچوقت نبخش، هیچوقت فراموش نکن" (*Never Forget, Never Forget*) است. آنها سالها و حتی قرنها بعد از دشمنان تاریخی خود انتقام میگیرند.

## Nazi Waffen SS Officer Arrested At Lowestoft Railway Station

RATING 

Written by [Monkey Woods](#)

 EMAIL THIS STORY  PRINT THIS STORY

Share / Save 

Topics: [Nazi](#)

You searched for: [ss officer arrested](#) [\[remove highlighting\]](#)

Friday, 7 November 2008

More than 60 years after the end of the Second World War, it became apparent today, that society cannot afford to rest on its laurels and think that the past will never repeat itself, when a high-ranking officer of the **Waffen SS** was arrested at Lowestoft Railway Station.



خبرهایی نظیر خبر فوق که یهودیان پیرمردی را که ۶۰ سال پیش در ارتش آلمان خدمت کرده دستگیر

کردند بسیار دیده میشود. آنها هیچوقت نمیخشد و هیچوقت فراموش نمیکنند.

## قسمت دوم "بانکداران پشت پرده"

"به من قدرت بدهید تا اقتصاد یک کشور را کنترل کنم و من کاری ندارم که چه کسی قوانین آن را وضع میکند." - انسلم راثچایلد (*Anselm Rothschild*) ، بانکدار یهودی.

"شما روحانیون خدا خواهید بود، شما وزیران خدا خواهید بود شما از ثروت جنتایلهها خواهید خورد." - عهد عتیق، کتاب اشعیا، ۶:۶۱.

"دروازه های شهر شما همیشه باز خواهد بود، هیچوقت بسته نخواهد شد تا مردان ثروت جنتایلهها را برای شما بیاورند." - عهد عتیق، کتاب اشعیا، ۶۰:۱۱.

"تاریخ یهودی برای یهودیان دردناک بوده است ولیکن برای جنتایلههای اطراف ما بدتر بوده است. ما باید این را قبول کنیم که زندگی ما نسبت به بقیه زندگی انگلانه است. ما لاشخورانی هستیم که از کار و خوش نیتی بقیه سوء استفاده میکنیم." - یهودیان باید زندگی کنند (*Jews Must Live*) ، نوشته ساموئل روث (*Samuel Roth*) (نویسنده یهودی)، صفحه ۱۸.

"برای من اهمیتی ندارد که کدام عروسک بر سلطنت انگلستان است تا به امپراتوری حکمرانی کند. کسی که نقدینگی انگلستان را کنترل میکند امپراتوری را کنترل میکند و من نقدینگی را کنترل میکنم." - بارون ناتان میر راثچایلد (*Nathan Meyer*

*Rothschild*)، بانکدار یهودی، ۱۸۳۸.

"اخیرا قوم ما یک پیامبر جدید به دنیا داده است که دارای دو چهره و دو نام است: یکی از این دو نام راثچایلد ، رهبر کاپیتالیستها و دیگری کارل مارکس رهبر کسانی است که

میخواهند آن دیگری را نابود کنند." - بلومتال *Judisk Tidskrift, Blumenthal*

شماره ۵۷، سوئد، ۱۹۲۹.

"من میترسم که مردم عادی دوست نداشته باشند بدانند بانکها چه کاری میتوانند و انجام

میدهند و پول تولید میکنند. کسانی که کنترل اعتبار دولت را در دست داشته باشند

فعالتهای آن را کنترل میکنند و سرنوشت مردم را در دستان خود دارند." - رجینالد مک

کینا (*Reginald McKenna*)، رئیس قبلی *Exchequer*، ۲۴ ژانویه ۱۹۲۴.

در تمامی وقایعی که در دنیا اتفاق میافتند ظاهر و باطن وجود دارد. در بسیاری مواقع ظاهر و باطن کاملاً با

هم در تضاد هستند. به طور مثال جرج بوش ادعا کرد که برای گسترش دموکراسی و حقوق بشر به عراق

حمله کرده است با اینکه همه میدانند دلیل واقعی چیزی غیر از این است. برای فهمیدن دلیل واقعی هر

اتفاق و نه دلیل ظاهری آن همیشه باید به بعد مالی مساله توجه کرد. همانگونه که یک کارآگاه برای

فهمیدن دلیل یک قتل همیشه به این مساله توجه میکند که چه کسی از این قتل سود مالی میبرد. هر کسی

که از یک جنایت ثروتمندتر شد او آن را مدیریت کرده است. هر قومی که امروزه وضع آنان هر روز در حال

بهبتر شدن است وقایع مختلف را طراحی و کنترل میکنند.

از این رو بسیاری از اتفاقات ظاهراً دلیل خوبی دارند ولیکن در پس پرده به هدفهای دیگری هستند.

مهمترین مهارت شیطان نیز در گول زدن انسان است. شیطان در باغ بهشت به انسان چیزی خوب (فهمیدن

خوب و بد و یا جاودانه شدن) ارائه میکند و او را تشویق به خوردن سیب میکند با اینکه هدف او چیز دیگری

است. از این رو برای فهمیدن اینکه چه چیزی در حال اتفاق افتادن است باید فهمید چه کسی از هر اتفاقی

پشتیبانی مالی میکند. مهمترین نیاز برای هر کاری پول است و از این رو کسی که پول هر کاری را تامین میکند تعیین میکند که وظیفه کارمندان چیست.

بیشتر وقایعی که اتفاق افتاده است دارای بعد مخفی مالی است. بانکداران و کسانی که سرمایه اصلی را دارند تعیین کننده نتیجه اتفاقات هستند. به طور کلی نقش یهودیان در جوامع مختلف معمولاً رباخواری بود. از این رو به دلیل اینکه دادن پول با سود برای مسلمانان و مسیحیان حرام بود، یهودیان در محلات خود به مسلمانان و مسیحیان وام با سود میدادند. مهمترین مشتری آنان حکام فاسد بودند که به منابع مالی زیاد احتیاج داشتند. آنها با دادن وامهای بسیاری بزرگ آنها را مقروض کرده و در عوض برای یهودیان امتیاز میگرفتند. اولین بانکهای مدرن از یهودیان و نیز شروع شد. در آنجا به سکویی که یهودیان بر روی آن مینشسته و ربا میدادند بانکیز نام داشت. از این رو نام بانک از آنجا گرفته شد. به تدریج یهودیان دریافتند که ربا دادن به صورت مستقیم باعث میشود که غیریهودیان بفهمند چه کسی آنها را استثمار میکند. از این رو ارگانی به نام بانک ایجاد کردند که ظاهراً آنها در آن مسئول نیستند. هرچند که در پشت پرده آنها بیشتر بانکها را کنترل میکنند. در زمان قدیم پول به صورت سکه طلا و نقره بود. بعضی از مردم که از امنیت پول خود هراس داشتند این سکه ها را به پیش زرگر برده و از او رسید دریافت میکردند. زرگر متوجه شد که بیشتر مردم در یک زمان به دنبال سکه های خود نمایند. همچنین چون حمل و نقل سکه سخت است بسیاری به جای سکه، رسید آن را معامله میکنند. از این رو او فکر نابغه‌ای کرد. او فهمید که اگر بیشتر از مقدار سکه موجود در خزانه رسید تولید کند میتواند سود زیادی کرده و در عین حال کسی متوجه نشود. از این رو سیستمی به وجود آمد که بانکدار در آن بیشتر از ذخیره موجود در بانک پول تولید کند. این سیستم به بانکداری کسری (*Fractional Reserve Banking*) معروف شد. تنها خطر این سیستم این بود که اگر تعداد زیادی از مردم به طور همزمان قصد میکردند پول خود را برداشت کنند بانک ورشکسته میشد زیرا

دارای منابع مالی برای همه آنها نبود. از این رو در زمانهای گذشته و قبل از جنگ جهانی دوم ورشکستگی بانکها امری طبیعی بود. یهودیان به فکر جدیدی افتادند. آنها سازمان جدیدی به نام بانک مرکزی ایجاد کردند. وظیفه بانک مرکزی این بود که در زمانی که هجوم به یک بانک برای برداشت زیاد میشد نقدینگی را از جاهای دیگر به آن بانک منتقل کرده و یا حجم نقدینگی را زیاد کند. از این رو دیگر بانکی ورشکست نمیشد ولیکن تورم به امری عادی تبدیل گردید. یهودیان که عطش آنان برای ثروت سیری نداشت به فکر جدیدتری برای چپاول جنتایلها رسیدند. آنها موفق شدند ارزش پول را از ذاتی بودن در آورده و شناور کنند. در زمان قدیم اگر پول کاغذی مورد استفاده قرار میگرفت دارای ارزش ثابت و معینی بود. به طور مثال مثلا دولت تعیین میکرد که هر ۲۰ دلار معادل یک اونس طلا است. پول دارای ارزش ثابت تنها نوع پول قابل قبول از نظر دینی است. از این رو قرآن دینار و درهم (سکه طلا و نقره) را به عنوان پول میداند. زیرا در این نوع پول کار کارگر دارای ارزش است. کارگر میتواند با ذخیره کردن پول خود از یک طبقه اجتماعی به طبقه اجتماعی دیگر رود. تا قبل از جنگ جهانی اول در بیشتر کشورها پول به صورت سکه طلا یا نقره بود. در ایران نیز وضعیت مشابهی وجود داشت. پول کاغذی تا جنگ جهانی دوم در بیشتر کشورها دارای ارزش ثابت بود. بعد از جنگ جهانی دوم آمریکا (و در واقع یهودیان آن) بقیه کشورها را در پیمانی به نام برتون وودز مجبور کردند که ارزش پول خود را نه به طلا و بلکه به دلار آمریکا بیان کنند. قرار شد که تنها پولی که دارای ارزش ثابت نسبت به طلا باشد دلار باشد. ولیکن از سال ۱۹۷۱ ریچارد نیکسون (و در واقع هنری کیسینجر معاون یهودی او) پیمان برتون وودز را یک طرفه لغو کرد. دیگر هیچ پولی دارای ارزش ثابت نبود. آمریکا به دلیل داشتن واحد پولی مرجع این امکان را پیدا کرد که بسیار بیشتر از ثروت واقعی خود دلار تولید کند. کیسینجر فکر نابغه دیگری نیز کرد. او میدانست که اگر ارزش دلار به چیزی وابسته نباشد سریع سقوط میکند. او کشورهای اوپک را متقاعد کرد که برای فروش نفت فقط از دلار استفاده کنند. چون حجم



مبادلات نفت و نیاز به آن بسیار زیاد است تقاضای بسیار زیادی برای دلار ایجاد میشود. از این رو ارزش  
امروزی دلار فقط به خاطر این است که نفت به دلار مبادله میشود. این دلار غالبه پتrodollar نامیده میشود.  
بازارهای جدیدی مانند فورکس (Forex) به وجود آمد که در آن با بازی با ارزش پول و بدون کار ثروت  
اندوزی میشود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ  
عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ  
أَلِيمٍ (۳۴)

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از دانشمندان یهود (خاخامها) و راهبان اموال  
مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که زر و سیم را  
گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ایشان را از عذابی دردناک خبر ده"

— قرآن کریم، سوره توبه آیه ۳۴

## بزرگترین کلاهبرداری تاریخ

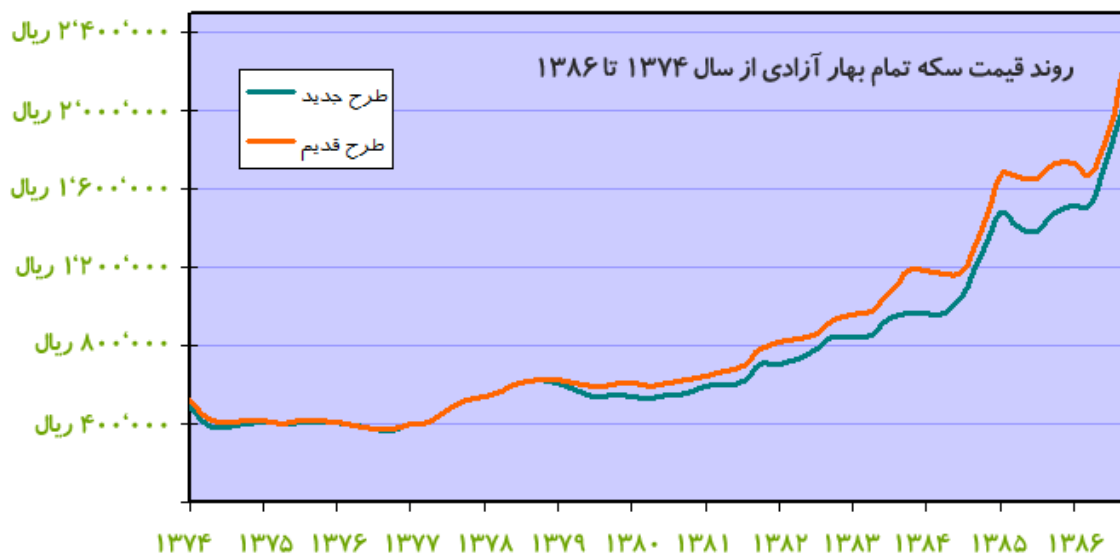
هرکسی که بازارهای اقتصادی تمامی دنیا را این روزها زیر نظر داشته باشد میفهمد که اوضاع به سمت بدتر  
شدن پیش میرود. دلیل این بدتر شدن چیست؟ همانگونه که گفته شد از سال ۱۹۷۱ هیچ واحد پولی در دنیا  
دارای ارزش ذاتی نیست و ارزش آن شناور است. این شناور بودن ارزش پول به دولت قدرت داد که بیش از

حد در همه جای دنیا رشد کند. اگر در قدیم دولت برای جمع آوری مالیات مجبور بود که به درب خانه تک تک مردم رفته و از آنها سکه های طلا و نقره را ضبط کند، در این سیستم دولت میتواند تنها با چاپ پول کمبود منابع مالی را تامین کند. زیرا ارزش پول کاغذی در گردش فقط وابسته به تعداد آن است. هیچ دلار یا ریال یا یورو یا ین یا هیچ واحد دیگری نیست که دارای تعریف مشخص باشد. حال آنکه ما برای سنجش هر چیز نیازمند واحد ثابت هستیم. مثلا هیچکس نمیگوید ۵ سال پیش وزن من ۴۰ کیلوگرم بود ولیکن ۴۰ کیلوگرم آن موقع برابر ۱۰۰ کیلوگرم الان است. چنین حرفی به نظر احمقانه میآید. حال آنکه همه ما این را قبول کرده‌ایم که ارزش پول ثابت نبوده و در سالهای مختلف دچار تغییر شود. در چنین سیستمی فقیران الی الابد فقیر و ثروتمندان تا ابد ثروتمندند. در واقع با چنین سیستمی طبقه پایین اجتماع به بردگی کشیده شده اند. زیرا برای برده نیز غذا و جای خواب وجود دارد. فقط برده کسی است که هیچوقت مالک هیچ چیز نمیشود. در چنین سیستمی همه کسانی که کار میکنند برده هستند و مالکان بدون کار ثروتمندتر میشوند. سؤال اصلی این است که چگونه همه ما این را قبول کرده‌ایم؟ چگونه با اینکه در هیچ زمانی در طول تاریخ پول اینگونه به صورت کاملا بدون ارزش ذاتی نبوده است همه ما امروزه آن را بدون بحث قبول کرده‌ایم؟ چرا هیچکس در این مورد حرف نمیزند؟ چرا در مدارس در مورد تئوری اقتصاد صحبت نمیشود؟ چرا ما باید در مورد جغرافی شوروی بدانیم ولی در مورد پول که اگر هر شغلی انتخاب کنیم با آن سر و کار داریم نباید چیزی بدانیم؟ تمامی اینها فقط وقتی قابل فهم است که بدانید در یک توطئه جهانی تمامی یهودیان دست به دست هم دادند تا ما (جنتایله‌ها) را استثمار کنند. آنها با کنترل مدارس و سیستم آموزشی در تمامی دنیا این مسائل را از ما مخفی کردند. در واقع تمامی پیامبرانی که یهودیان آنها را کشتند با این سیستم استثمار جنتایله‌ها و کار نکردن یهودیان مبارزه کردند.

از سال ۲۰۰۱ وضع وارد مرحله جدیدی شد. به دلیل چاپ شدن بیش از حد نقدینگی توسط آمریکا و جنگهای پرهزینه برای اسرائیل ارزش این پول نسبت به طلا در حال سقوط است. از این رو به دلیل اینکه تمامی پولهای دیگر دنیا نیز به دلار و نه به طلا سنجیده میشوند ارزش آنها نیز در حال سقوط است. قیمت طلا در واقع معیاری از ارزش پول است. زیرا طلا مصرف زیادی ندارد و از بین نمیرود و تولید آن نیز اندک است. از این رو ارزش آن در گذر زمان ثابت است. پس بالا رفتن قیمت طلا در هر کشوری نشاندهنده کاهش ارزش پول است. در اثر این کاهش ارزش پول قیمتها باید به صورت طبیعی بالا روند. زیرا واحدی که کالاها با آن سنجیده میشوند کوچک شده است. مانند اینکه یک متر سنجشی در دست شما باشد که هر روز کوچک میشود. اگر هر چیز ثابت را با آن بسنجید عددهای شما هر روز بزرگتر میشود. در چنین شرایطی تولید کنندگان مجبورند قیمتهای خود را بالا ببرند. چنین شرایطی علاوه بر اثرات اقتصادی دارای اثرات فرهنگی شدید نیز است. چون قیمتها ثابت نیست همیشه بین مردم در اثر این تغییر قیمت اختلاف ایجاد میشود. به طور مثال خریدار فکر میکند فروشنده آدم بی انصافی است ولیکن در واقع فروشنده نیز به دلیل کاهش ارزش پول مجبور به افزایش قیمت است. اگر کسی با کس دیگری قرارداد بلند مدت برای مبلغی معین نوشته است و در این حین ارزش پول تغییر کند او یا مجبور است قرارداد را زیر پا گذاشته و مبلغی جدید درخواست کند و یا ضرر کند. از این رو اختلاف بین مردم به صورت دائمی وجود خواهد داشت. همچنین به دلیل کاهش دائمی ارزش پول نگرانی برای پول وجود دارد. از این رو هر کس میداند که مبلغی که امسال به دست میآورد برای مخارج او در سال آینده کافی نیست. او مجبور است دائما به فکر روشهای جدیدی برای کسب در آمد بیشتر باشد. پول و نه خدا به مساله اصلی فکر همه مردم تبدیل میشود.

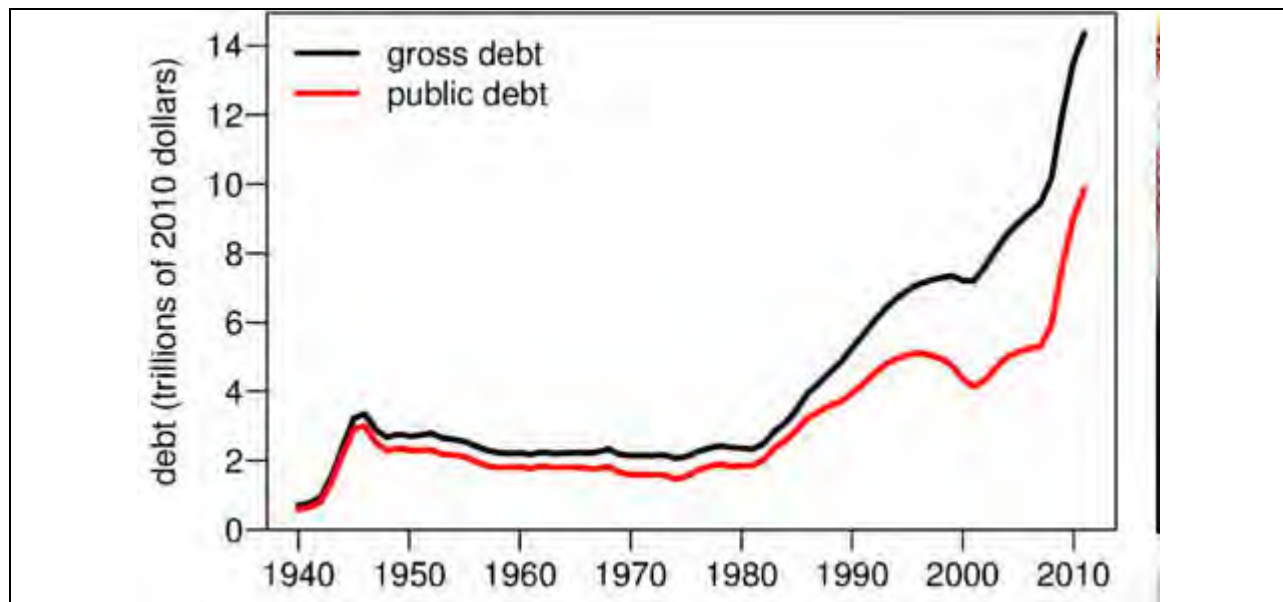


نمودار قیمت طلا نسبت به دلار. از سال ۲۰۰۱ قیمت طلا نسبت به دلار در حال بالا رفتن با شیب بسیار زیادی است که نشاندهنده کاهش شدید ارزش دلار نسبت به طلا است. این تورم در نهایت نتایج دهشتباری خواهد داشت.



قیمت سکه بهار آزادی نیز در ایران با وضعیت مشابهی در حال بالا رفتن است. این بالا رفتن نه به دلیل

تغییری در ایران و بلکه به دلیل وابسته بودن پول ایران به دلار و کسب درآمدهای نفتی از طریق دلار است. در واقع پولی که برای نفت گرفته میشود با اینکه عدد بزرگتری است ولی هر روز دارای ارزش واقعی کمتری است.



بدهی عمومی ایالات متحده از چند دهه پیش در حال سربه فلک کشیدن است. این افزایش بدهی نمیتواند تا ابد ادامه یابد زیرا دولت یک سیستم هرمی را اجرا میکند و در واقع با قرض جدید، قرضهای قبلی خود را میپردازد.

حال این کاهش ارزش پول در زمانی بر روی قیمت نیازهای اولیه زندگی مانند غذا، پوشاک و حمل و نقل تاثیر خواهد گذاشت. به دلیل اینکه ارزش پول در حال کاهش است قیمت مواد غذایی نیز باید با همین شیب افزایش پیدا کند. ولیکن به دلیل پیشرفت تکنولوژی هر روز روشهای جدیدی برای کاهش قیمت مواد غذایی کشف میشود و از این رو شیب افزایش قیمت مواد غذایی مانند شیب افزایش قیمت طلا نیست. ولیکن این

روشها اکثرا دستکاری با طبیعت بوده و سرطانزا و خطرناک است. به طور مثال در آمریکا در چندین سال

اخیر استفاده از *GMO* یا مواد غذایی که دستکاری ژنتیکی (*Genetically Modified*)

*Organisms*) شده است شدت یافته است. زیرا این مواد ارزانتر از مواد غذایی طبیعی هستند. دولت

همچنین با فشار و تهدید و تعیین قیمت تولیدکنندگان مواد غذایی را مجبور میکند که محصولات خود را با

ضرر بفروشند و اثر اینکار کاهش کیفیت دائمی مواد غذایی است. از این رو فروشندگان و تولیدکنندگان برای

اینکه قیمت را ثابت نگهدارند مجبورند کیفیت را پایین آورند. از این رو مواد غذایی امروز از مواد غذایی

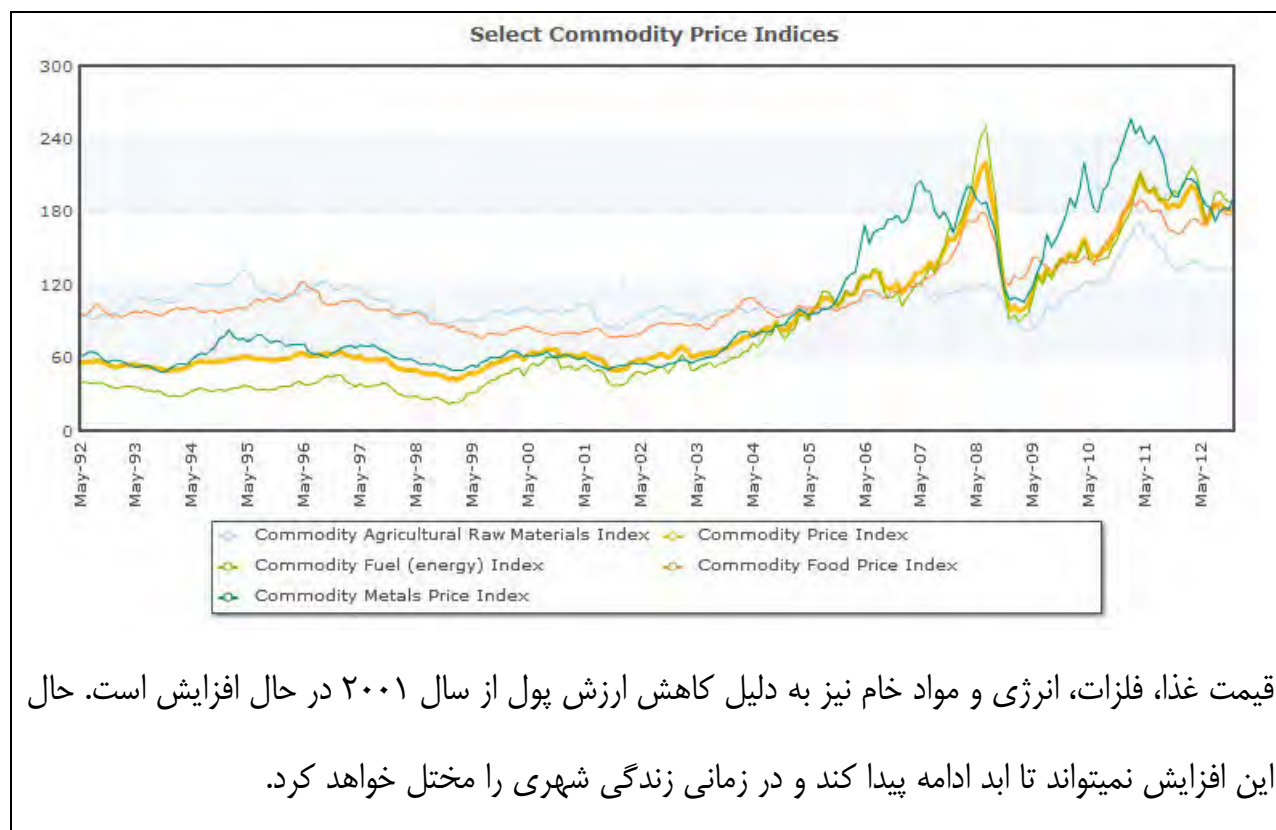
یکسال پیش بیکیفیت تر است زیرا ارزش پول نسبت به پارسال افت کرده است.





ماشین امروز نسبت به ماشین ۱۰ سال پیش بیکیفیتتر است زیرا ارزش پول افت کرده است. بیشترین کسانی که ضرر میکنند کارمندان دولت هستند که حقوق ثابت میگیرند و در زمان کاهش ارزش پول نمیتوانند مانند بخش خصوصی قیمتتها را بالا ببرند. چنین سیستمی اخلاق را نیز در جامعه از بین میبرد. زیرا تمامی افراد جامعه دچار احساس یاس و سرخوردگی میشوند. همه از اینکه همه چیز در حال بدتر شدن است ناراحتند ولیکن از اینکه در خود توانایی مبارزه را نمیبینند افسرده هستند. این کاهش دائمی ارزش پول نمیتواند تا ابد ادامه یابد. از این رو در زمانی بالاخره قیمت مواد غذایی آنقدر بالا خواهد رفت که اجتماع از هم خواهد پاشید. هیچگاه در طول تاریخ اتفاقی مشابه آنچه اکنون در حال اتفاق افتادن است رخ نداده است. هیچگاه تمامی پولهای روی زمین به یکدیگر متصل نبوده و هیچگاه تمامی پولهای روی زمین به صورت فاقد ارزش ذاتی نبوده اند. تنها در صورت فهمیدن این اتفاق شما از بزرگ بودن اتفاق پیش روی خود آگاه خواهید شد. تمامی شورشها و تظاهرات چند سال گذشته متاثر از این مساله است. اعراب مصر و تونس و لیبی ناگهان به فکر اسلام نیفتادند بلکه قیمت مواد غذایی آنقدر بالا رفت که باعث شد انقلاب رخ دهد. شورشها در یونان و اسپانیا نیز تنها به دلیل اقتصادی است. بیشتر مردم در صورتی که از نظر اقتصادی راضی باشند حاضر به ریسک کردن و درگیر شدن با حکومت نیستند. اتفاقی در کل دنیا در ابعاد طوفان نوح در حال اتفاق افتادن است که بسیاری از مردم زمین را نابود خواهد کرد. زیرا با کاهش ارزش پول، قیمت مواد غذایی به قدری بالا خواهد رفت که تمامی شهرهای بزرگ نابود خواهند شد.





دولت در این حین قارچگونه رشد میکند و هر روز بزرگتر میشود. زیرا هیچ محدودیت واقعی برای حجم نقدینگی تولید شده توسط دولت وجود ندارد. ارگانهای دولتی به بدترین نحو مدیریت میشوند و دولت برای جبران این اسراف هر روز مقدار پول بیشتری چاپ میکند و تورم ایجاد میکند. خرج مدیریت بد این افراد از جیب من و شما و افراد عادی میروند. حال اگر دولت اینقدر بزرگ نبود افراد جامعه خود بسیاری از مسائل را مدیریت میکردند. هر شخص عادی چون برای اموال خود ارزش قائل است تلاش میکند که اسراف را کم کرده و هزینه را کاهش دهد. ولی یک ارگان دولتی چون میداند که دولت دارای پول نامحدود است و آن را از باد هوا تولید میکند میتواند هرچقدر که بخواهد اسراف کند.

برنی مداف (*Bernie Madoff*) کلاهبردار یهودی که اخیراً بزرگترین کلاهبرداری تاریخ را در نیویورک کرده بود وقتی به او گفته شد که چرا یک سیستم هرمی را اجرا کرده‌اید گفت: "تمامی دولت آمریکا یک سیستم هرمی است."

## پول واقعی طلاست

طلا در چند هزار سال گذشته همیشه به عنوان پول در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته است. مهمترین مزیت طلا این است که دارای ارزش ثابت بوده و قابل تقسیم به ابعاد کوچکتر است. طلا از بین نمی‌رود و تولید آن نیز اندک است. از این رو میتواند به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرد. نقره نیز دارای ویژگیهای مشابهی است. سکه طلا دارای ارزش ذاتی بوده و ارزش آن ربطی به حکومت ندارد. از این رو حتی اگر حکومت به طور کامل نابود گردد سکه طلا ارزش خود را حفظ خواهد کرد. از این رو در زمان جنگ طلا ارزش خود را حفظ کرده ولیکن پول کاغذی بی ارزش میشود. زیرا ارزش پول کاغذی تنها وابسته به وجود حکومتی است که آن را تولید کرده است. بالارفتن قیمت طلا نشاندهنده تورم و افزایش نقدینگی است. از آنجا که هرگاه مقدار هرچیزی زیاد شود ارزش آن پایین می‌آید با افزایش مقدار پول در گردش، ارزش هر پول کاهش می‌آید. از این رو قیمت کالاهای واقعی مانند طلا، غذا و بنزین نسبت به آن افزایش می‌آید. در قرآن نیز تنها حالت ذکر شده برای پول درهم (سکه نقره) و دینار (سکه طلا) است. از این رو خداوند تنها این نوع پول، پول دارای ارزش ذاتی را به عنوان پول قبول دارد. زیرا تنها در این صورت است که کارگران استثمار نشده و طبقات اجتماعی دائمی نخواهند بود. بانکداران نیز خود به ارزش طلا آگاهند و از این رو بانکها همیشه طلا را به عنوان سرمایه ذخیره میکنند. به طور مثال بانک جهانی (*IMF*) حق عضویت اعضا را فقط به طلا قبول میکند ولیکن به اعضا اعلام میکند که آنها حق ندارند از طلا به عنوان پول استفاده کنند.

امروزه نیز اگر در جامعه طلا به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرد تمامی مشکلات اجتماعی حل خواهد شد. اگر هر کسی برای کار خود حقوق خود را به سکه طلا دریافت کند نگرانی از افزایش قیمت‌ها نخواهد داشت. زیرا با آن سکه طلا همیشه کالای یکسانی می‌تواند خریداری کند. از این رو کسانی که شغل‌های غیردولتی دارند می‌توانند از طلا به عنوان پول استفاده کنند. ولیکن دولت که بزرگترین کلاهبردار بوده می‌خواهد به مردم از طریق کاغذهای بی ارزش خود که کاملاً غیراسلامی و غیراخلاقی است حقوق بدهد. زیرا با اینکار دولت می‌تواند بسیار بیشتر از آنچه واقعا دارد نقدینگی تولید کرده و هزینه مدیریت نابسامان و اربابان یهودی خود را که نمی‌خواهند مانند بقیه کار کنند از جیب عامه مردم تامین کند. از این رو دولت اگر بخواهد از طلا به عنوان پول استفاده کند مجبور است بسیاری از کارمندان خود را اخراج کرده و دست از کنترل زندگی مردم بردارد. کاری که به مذاق دولت خوش آیند نیست.

### پس آخر این ربا چیست؟

"من غلو نمیکنم. زندگی یهودی دو چیز است: گرفتن پول از بقیه و تظاهرات" ناهوم

گلدمن (*Nahum Goldmann*)، پارادوکس یهودی *Jewish Paradox*، ۱۹۷۸

"پنج مرد دو بار در روز دیدار میکنند و قیمت جهانی طلا را تعیین میکنند. اینها نمایندگان

موکاتا و گلدسمید (*Mocatta and Goldsmid*)، شارپز (*Sharps*)، پیکسلی (*Pixley*) و

*Ltd.*)، ساموئل مونتاقو (*Samuel Montagu*)، میس و سپاک (*Mase Wespac Ltd.*) و

م. راثچایلد و پسران (*M. Rothschild & Sons*) هستند." - واشنگتن پست، ۲۹

دسامبر ۱۹۸۶.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بِأَنَّهُمْ  
 قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا  
 سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۷۵) کسانی که ربا  
 می‌خورند، (از گور) بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس،  
 آشفته‌سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند  
 رباست.) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس،  
 اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن  
 اوست، و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل  
 آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.

—سوره بقره آیه ۲۷۵

در ۳۰ سال اخیر مسئولین جمهوری اسلامی دین را دچار تغییرات عجیب کردند. آنها با تعریف چیز عجیبی  
 به نام بانکداری اسلامی گفته اند که سیستم بانکداری آنان حلال است. ولیکن این سیستم هیچ تفاوت معنی  
 داری با سیستم بانکداری غربی ندارد. بانکهای ما کاملاً بر اساس سیستم غربی فعالیت میکنند.

سنت توماس آکویناس، فیلسوف قرن ۱۳: "یهودیان نباید اجازه داشته باشند که ثروتی  
 را که با استفاده از ربا به دست آورده اند نگاه دارند، بهترین کار این است که آنها نیز  
 مجبور به کار شوند تا برای ثروت خود زحمت بکشند نه اینکه بدون کار کردن ثروتمند  
 شوند."

پاپ کلمنت هشتم: "تمامی دنیا به خاطر رباخواری یهودیان ، قبضه کردن و تقلب آنان تحت فشار است. آنها بسیاری از مردم بدبخت را به فقر کشاندند مخصوصا کشاورزان، کارگران و خیلی فقیران را"

در اسلام و مسیحیت ربا منع شده است. ولیکن در دین یهودی گرفتن ربا از یهودی منع شده است و از غیر یهودی حلال دانسته شده است. پول به صورت ذاتی فقط وسیله مبادله کالا است و خود چیز ارزشمندی نیست. پول در واقع یک قرارداد مبادله کالا است. هر چیزی میتواند به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرد ولیکن معمولا پول باید دارای ارزش ثابت بوده، قابل تقسیم باشد و همه آنرا قبول داشته باشند. فرض کنید که چند نفر در یک جزیره زندگی میکنند. در ابتدا هریک از آنها نیازهای خود را خود برآورده میکند. هر روز چند ماهی میگیرد، بز را میدوشد، به دنبال جمع آوری میوه میرود و آشپزی میکند. ولیکن بعد از مدتی این افراد میفهمند که اگر هریک یک کار را به صورت تخصصی انجام دهند میتوانند نتیجه آن را با بقیه مبادله کنند. از این رو یک فرد میتواند به جای یک ماهی ۱۰ ماهی بگیرد و ۹ ماهی دیگر را برای به دست آوردن شیر، میوه و یا پخت و پز معامله کند. در ابتدا معامله بین اشیاء پایاپای است. مثلا این افراد قرار میگذارند که یک ماهی معادل یک سطل شیر باشد. این قیمت بر اساس میزان عرضه و تقاضا تعیین میشود. زیرا ماهیگیر باید بتواند ماهیهای خود را به بقیه بدهد وگرنه آنها خراب میشوند. از این رو قیمت بر اساس نیاز به یک تعادل میرسد. ولیکن وقتی تعداد افراد زیاد میشود معامله پایاپای سخت است. از این رو این افراد تصمیم میگیرند که مثلا صدف که از کنار دریا جمع میکنند را به عنوان پول مورد استفاده قرار دهند. از این رو هر کس به جای کار خود صدف نگه میدارد و تا زمانی که بقیه حاضرند به جای کار خود صدف قبول کنند این کار ممکن است. مزیت این سیستم این است که فرد میتواند ثروت خود را از یک روز به روز بعد منتقل کند. دیگر مانند ماهی نیست که اگر مصرف نشود خراب شود. ولیکن تعداد این صدف باید در چرخه ثابت باشد.

یعنی اگر حجم صدف در گردش زیاد شود ارزش آن پایین می‌آید و به تبع آن قیمت اجناس واقعی نسبت به صدف افزایش می‌یابد.

مثال دیگر بازی کودکانه استپ رقص است. در این بازی تعدادی کودک و تعدادی صندلی وجود دارد. تا زمانی که آهنگ وجود دارد بچه‌ها مشغول بازی هستند و به محض قطع آن باید روی صندلی بشینند. اگر تعداد صندلیها با تعداد بچه‌ها برابر باشد هیچ رقابتی برای رسیدن به صندلی وجود نخواهد داشت. ولیکن اگر تعداد صندلیها کمتر از بچه‌ها باشد همیشه همه میدانند که یک نفر خواهد سوخت. از این رو هر کس در تلاش است که آن یک نفر نباشد.

حال فرض کنید در این شرایط کسی وجود دارد که اعتقاد دارد که قوم برگزیده است و خدا او را انتخاب کرده است که صندلیها را بدون بازی ببرد. او در هر مرحله بازی آمده و یکی از صندلیها را میبرد. در نتیجه اختلاف بین بچه‌هایی که بازی میکنند دائما شدیدتر میشود زیرا همه میدانند که سوختن بسیار نزدیک است. در نهایت همه صندلیها دست آن شخصی قرار خواهد گرفت که در هر دور بازی یک صندلی را میبرد. این شخص با بزرگتر خانواده که مسئول این بچه‌هاست رفیق است و هر موقع بچه‌ها به بردن صندلی توسط او اعتراض میکنند این بزرگ خانواده از او طرفداری میکند. و وقتی که تمامی صندلیها دست آن شخص برود بچه‌ها میفهمند که ریشه همه اختلافهای آنان این شخص است و به سراغ او و بزرگتر خانواده رفته و با آنها جنگ میکنند. در این زمان این شخص مظلوم نمایی کرده و آنها را به برگزیده بودن خود حسود میداند. حال این شخص میتواند برای اینکه این بازی بتواند زمان زیادتری ادامه پیدا کند در هر دور بازی تعدادی کودک جدید و تعدادی صندلی جدیدی وارد این سیستم میکند. در نهایت همه صندلیها دست او خواهد بود ولیکن با اینکار بازی مدت بیشتری طول خواهد کشید.

سیستم اقتصادی نیز کاملاً مانند این است. هر کسی که بر روی پول سود بگیرد در نهایت همه پول در دست او ختم خواهد شد. فرض کنید شخص با ۱ میلیون تومان شروع کند و ۱۰٪ سود بگیرد. در دور اول ۱ میلیون او تبدیل به ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان خواهد شد. در دور دوم او میتواند دوباره این ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان را با ۱۰٪ وام بدهد و دوباره پول خود را زیاد کند. این کار به صورت تئوری میتواند تا ابد ادامه یابد تا زمانی که تمامی ثروت یک کشور در دست این فرد رباخوار ختم شود. رابطه ریاضی چنین حالتی مانند این است که فرد  $x$  مقدار پول داشته باشد و در هر مرحله  $\Delta x$  به آن اضافه کند و نتیجه آن به عنوان ورودی مرحله بعد قرار گیرد. چنین رابطه‌ای دارای حد ریاضی بینهایت خواهد بود.

سود در طبیعت وجود ندارد و از این رو اگر هر چیز طبیعی را در جایی بگذارید مقدار آن زیاد نمیشود. اگر یک شیء طبیعی را در اتاقی بگذارید و یکسال بعد بازگردید آن شیء تبدیل به دو شیء نمیشود. از این رو سیستمی که در آن زمان معادل پول است کاملاً با طبیعت در تضاد است.

در این زمان بقیه مردم فقیرتر شده و ثروت آنان ذره ذره به دست این فرد منتقل میشود. مهم مقدار سود نیست مهم این است که هر نوع سود گرفتن به صورت ریاضی باعث چنین وضعیتی میشود. از این رو هر رقم سودی حتی نیم درصد نیز ربا است. دلیل اصلی یهودی ستیزی و اینکه یهودیان در همه جا منفور بودند و هستند نیز این مساله و نه دلیل دینی آن است. آنها اعتقاد دارند که این گرفتن سود حق آنان است زیرا بر اساس میثاقی که خداوند با آنان بسته است آنها حق دارند کار نکرده و از کار مردم دیگر استفاده کنند. این نوع رابطه پارازیتی و انگل گونه در هر انسانی به صورت طبیعی نفرت ایجاد میکند. از این رو همانگونه که بدنی که دارای انگل است با بزرگ شدن انگل و قدرت گرفتن آن ضعیف میشود رابطه مشابهی در مورد کشورها ایجاد میشود. یک کشور وقتی یهودیان در آن قدرت میگیرند ضعیف میشود زیرا رابطه آنها با کل جمعیت انگلگونه است. تمامی امپراتوریهای طول تاریخ نیز همینگونه بوده اند. وقتی

یهودیان قدرت میگیرند بدن امپراتوری ضعیف شده و از هم میپاشد. در این زمان مانند انگلی که نیازمند بدن جدید است آنها از یک کشور به کشور دیگر مهاجرت میکنند. مهاجرت آنها از اروپا به آمریکا و به زودی از آمریکا به چین نیز حالت مشابهی دارد. در واقع تشویق مردم به مهاجرت به شهرهای بزرگ نیز مانند افزایش تعداد صندلیها و کودکان در بازی استپ رقص است. چون تعداد بیشتری وارد این بازی میشوند امکان طولانیتر شدن بازی وجود دارد.

حال همانگونه که فردی که صندلیها را میدزدید میتواند با افزایش تعداد بازیکنها و صندلیها بازی خود را طولانی تر کند کشورها نیز وضعیت مشابهی دارند. از این رو آن کشور اگر زمینها و آدمهای بیشتری را به زمینهای تحت سلطه خود اضافه کند میتواند دادن سود به یهودیان را مدت بیشتری ادامه دهد. دلیل اصلی تمامی جنگها نیز این است. از این رو هر امپراتوری در اثر ربا شکل میگیرد. وقتی یهودیان شروع به رباخواری میکنند برای اینکه تمامی ثروت دست آنها ختم نشود آن کشور را تشویق به جنگ با بقیه و چپاول ثروت آنان میکنند. این رفتار از امپراتوری هخامنشی تا امپراتوری انگلیس و آمریکا ادامه دارد. از این رو دلیل اصلی حمله هر کشوری به کشورهای دیگر این مساله مالی و نه چیزهای دیگر است.

آنها برای رفتار خود توجیه اقتصادی نیز دارند. یهودیان اقتصاددان مانند میلتن فریدمن ( *Milton Friedman* )، پل کروگمن ( *Paul Krugman* ) و غیره که توسط بقیه یهودیان مورد تقدیر قرار گرفته و جایزه نوبل دریافت میکنند، همیشه میگویند همانگونه که کمتر بودن تعداد صندلیها از کودکان در بازی استپ رقص آنها را به تکاپو وامیدارد گرفتن سود نیز باعث همین سیستم در جامعه میشود. این تکاپو ممکن است سازنده به نظر برسد ولیکن سازندگی آن در این است که چون همه میدانند در دور بعدی بازی (دور بعدی کاهش ارزش پول) قرار است بعضی از بین بروند همه تلاش میکنند که آن بعضی نباشند. چنین کاری روحیه برادری را در بین مردم از بین میبرد و آن ها را تبدیل به دشمن همدیگر میکند. آنها به جای کمک



به یکدیگر با یکدیگر رقابت میکنند. حال اگر این سود وجود نداشته باشد و تعداد صندلیها با کودکان برابر باشد هیچ وقت هیچ کودکی با بقیه دعوا نخواهد کرد. ممکن است شدت تکاپوی آنها کم شود ولیکن دوستی و مودت آنها با یکدیگر زیاد خواهد شد. دیگر دلیل فعالیت آنها ترس از باختن نیست بلکه علاقه به بقیه است. چنین سیستمی آرمان دین اسلام و مسیحیت است. سیستمی که در آن مردم نه برای ترس از گرسنگی و بلکه به دلیل علاقه به هم نوع کار میکنند. سیستمی که هیچکس نمیتواند تمامی ثروت را به دست آورده و هیچکس نیز نابود نمیشود.

### مصرفگرایی بیمارگونه

همانگونه که گفته شد فردی که اعتقاد دارد خدا او را انتخاب کرده است تا بدون بازی صندلیها را با خود ببرد نیاز دارد که حجم این بازی همیشه افزایش پیدا کند تا دزدی او ادامه یابد. از این رو راه دیگر برای ادامه این بازی این است که مردم را به مصرفگرایی تشویق کرد. اگر حجم اقتصاد دائما بزرگ شود گرفتن سود بر روی پول میتواند مدت بیشتری ادامه یابد. فرهنگی که در چندین سال اخیر تمامی دنیا را در بر گرفته است نیز همین است. ما باید هر روز وسائل و اشیائی که نیاز نداریم بخریم تا دزدی این افراد بتواند ادامه یابد. از این رو هر روز وسائل بیفایده جدیدی به لیست چیزهایی که هر کس باید مصرف کند اضافه میشود. یهودیان به وسیله تبلیغات و به کمک کنترل رسانه توانسته اند این نوع زندگی و این نوع مصرفگرایی را در بین مردم دیگر تشویق کرده و آن را به عنوان روش زندگی طبیعی جا بیندازند. همه این وسائل جدید بدون کاربرد، مد است و گروهی از آنان با تشویق این وسائل در بین جوانان باعث گسترش این نحوه زندگی میشوند.

مهمترین دلیل وجود روزه در اسلام، مسیحیت و یهودیت نیز این است که انسان بداند این نیازها تمام زندگی نیست. شما اگر یک ماه نیز غذا کم بخورید ناراحتتر از حالت عادی نیستید. نیازهای مادی انسان نقش مهمی در سعادت و خوشحالی او ندارد. اسراف علاوه بر مذموم بودن از نظر دینی دارای اثرات اقتصادی نیز هست. زیرا هر تولید کننده جنس خود را به قیمتی میفروشد که مردم میخرند. اگر هرکس در حد نیاز خود مصرف کند قیمت بسیاری چیزها پایین خواهد آمد. ولیکن با مصرف اسراف گونه قیمتها میتوانند بسیار بیشتر از حد تعادل نگهداشته شوند.

فرهنگ ایران و تمامی کشورهای دنیا به خصوص بعد از فروپاشی شوروی سابق تحت تاثیر این مصرفگرایی بیمارگونه قرار گرفته است. دختران ما در فکر جدیدترین مد ماشین هستند. پسران ما در فکر خرید جدیدترین مد گوشی موبایل هستند. با اینکه این اشیاء زندگی آنها را خوشحالتتر نکرده و در بسیاری از موارد مدگرایی و پزدادن به افراد فقیرتر باعث ایجاد نفرت و کینه میشود. آیا واقعا تفاوت معنیداری در عملکرد بین یک ماشین ۲۰ میلیونی و ۲۰۰ میلیونی وجود دارد؟ هر دو فقط انسان را از نقطه الف به نقطه ب میبرند. تنها چیزی که مردم را به تجملات تشویق میکند حسادت و رقابت است که هر دو در همه دینهای ابراهیمی نهی شده اند. این حسادت و رقابت سرچشمه دشمنی و نفرت است. از این رو روابط خانواده ها سرد شده و افراد به جای محبت به هم از هم متنفر هستند. همه در فکر این هستند که چگونه جدیدترین ابزار بدون استفاده را بخرند تا به وسیله آن چشم کس دیگری را در بیاورند. این نوع زندگی در نهایت به نابودی اجتماع منجر میشود. تنها دلیل تشویق این نوع زندگی از طرف بانکداران و طراحان اقتصادی نیز ادامه یافتن بردگی مردم توسط آنان است. فکر کنید که چقدر احمقانه است که ما حاضریم برای یک لباس زیر که نام یک یهودی صهیونیست که احتمالاً از ۹۹٪ ایرانیهای مسلمان جنتایل متنفر است بر روی آن نوشته شده است ۱۰ تا ۱۵ برابر قیمت پول بدهیم و با آن پز بدهیم و او با آن پول به اسرائیل و بقیه یهودیان کمک کند تا هرچه بیشتر

خود ما را تحت فشار بگذارند. آیا ما جنتایله‌ها واقعا آنگونه که یهودیان می‌گویند احمق نیستیم؟ آیا ما واقعا مانند گوسفند رفتار نمیکنیم و هر چه در دست بقیه گله خود ببینیم بدون فکر کردن از آن کورکورانه تقلید نمیکنیم؟ آنها نیز که این رفتار گوسفندوارانه ما را میدانند جوانان خود را به تشویق این فرهنگ در بین ما تشویق میکنند. دختران و پسران جوان آنها که چون اکثرا از طبقه مرفه هستند در مرکز توجه هستند هرکسی را که محصولات تولید شده توسط بقیه یهودیان را به قیمت گزاف نخرند مسخره میکنند. از این رو اگر مارک لباس زیر شما کالوین کلاین (*Calvin Klein*) نباشد توسط یهودیان مسخره خواهید شد و این مسخره شده باعث میشود شما چیزی که نیاز ندارید خرید کنید. اگر گوشی شما آیفون ۵ (*iPhone 5*) نباشد شما را مسخره خواهند کرد و شما پول خود را به استیو ورنیاک یهودی (*Steve Wozniak*) خواهید داد. او این پول را به اسرائیل کمک خواهد کرد و تازه از آیفون خود شما برای جاسوسی بر روی شما استفاده خواهد کرد. آقای یعقوب زاده اگر شما از هری روزن (*Harry Rosen*) خرید نکنید به شما وصله بیکالاسی خواهد چسباند. حال آنکه تنها دلیل بازی با روان شما این است که شما را مجبور کند که "کاری که برای بقیه یهودیان خوب است" انجام دهید. واقعا ما جنتایله‌ها گوسفندی بیش نیستیم که این را نمیفهمیم. اگر ما قرآن را نفهمیم تا ابد همینگونه گوسفند یهودیان خواهیم ماند.

یکی از افرادی که بیشتر از همه در تشویق این فرهنگ نقش داشت ادوارد برنیز (*Edward Bernays*) خواهر زاده سیگموند فروید (*Sigmund Freud*) بود. او فهمید که اگر مردم را بتواند طوری شرطی کند که به جای خرید اشیاء با عقل خود با احساسات و غرائز خود تصمیم بگیرند میتواند فروش را چندین برابر کند. از این رو او تصمیم گرفت که اشیاء و محصولات مختلف را بر اساس احساسات مردم از داشتن آنها بفروشد. از این رو او آمریکا را از بازار نیاز، به بازار تمایل تبدیل کرد. از این رو مردم یک اتوموبیل را نمیخریدند برای اینکه به آن نیاز داشتند، بلکه به دلیل اینکه داشتن این اتوموبیل به آنها احساس مهم بودن

میداد. در واقع برنیز تئوری قوم برگزیده را به جنتایلها داد. او آنها را طوری شرطی کرد که با خرید محصولات از قوم برگزیده آنها نیز برگزیده شده و احساس مهم بودن میکنند. این روش بازاریابی از آن زمان به روش اصلی فروش توسط شرکتهای مختلف تبدیل شده است. برنیز اولین بار از روش مصرف کردن محصولات توسط افراد معروف نظیر خواننده ها و بازیگران سینما استفاده کرد. او کاری کرد که محصولات به افراد احساس مهم بودن دهند. خرید از مناطق شمال شهر تهران و یا مغازه هایی که صاحب آنها یهودیند این روش را کاملاً مشخص میکند. این مغازه ها معمولاً بسیار شیک بوده و به نظر محل رفت و آمد افراد مهم میآیند. دخترانی پولدار و بزک کرده به این مغازه ها رفت و آمد دارند. از این رو بسیاری از مردم با اینکه به محصولات آنها نیاز ندارند و با اینکه این محصولات بسیار بیشتر از قیمت واقعی خود عرضه میشوند آنها را خریداری میکنند تا آنها نیز مانند قوم برگزیده، برگزیده و مهم شوند. این روش در تضاد با روش مغازه داری مسلمانان است که در آن شیک بودن اهمیت زیادی نداشته و مهم عملکرد جنس مورد فروش است. در قهوه خانه مسلمانان کسی به خاطر احساس مهم بودن و یا تمایلات جنسی نمیآید بلکه از صمیمیت فضا و احساس راحتی لذت میبرد. در مغازه مسلمانان هر مشتری راحت است و احساس میکند در منزل خود است. در مغازه یهودیان مشتری احساس میکند که در مغازه آدمهای مهم است و با رفتار کردن مانند آنان میتواند نظر جنس مخالف را جلب کند. این مهمترین تفاوت بین نحوه تجارت یهودی و اسلامی است.

## طراحان اصلی جنگها

"جنگها محل برداشت یهودیان است، به وسیله آنها ما مسیحیان را نابود میکنیم و طلای آنها را صاحب میشویم. ما همین الان ۱۰۰ میلیون از آنها را کشته ایم و پایان هنوز نرسیده است." - ربی اصلی فرانسه، ربی ریشورن (*Rabbi Reichorn*)، ۱۸۵۹.

"ما مسیحیان را با تحریک کردن احساسات ملی و حماقتشان به جنگ با یکدیگر میکشانیم. آنها همدیگر را خواهند کشت تا فضا برای مردم ما ایجاد شود." - ربی ریشورن (*Rabbi Reichorn*)، مدرنیته (*Le Contemporain*)، ۱ جولای ۱۸۸۰.

یکی دیگر از راههای یهودیان برای ادامه دار شدن سیستم رباخواری ایجاد جنگ است. بر اساس عقیده آنان جنگ باعث زنده شدن اقتصاد میشود زیرا جنگ نیاز به تولید اسلحه ایجاد میکند. در جنگ تعدادی از مردم کشته میشوند و در نتیجه بدهی دولت به این افراد از بین میرود. تغییرات شدید اقتصادی روزانه فرصت چپاول ثروت زیادی را در زمان جنگ ایجاد میکند. به صورت تاریخی یهودیان از این سیستم بسیار استفاده کرده اند. آنها که بر اساس شعار خود "لیس علینا علی امیین شیئا" نسبت به جنتایلهها هیچ حسی احساس نمیکند در دوطرف جنگها قرار گرفته و هر دو طرف را تهییج به جنگ میکنند. جنگهای انگلستان و فرانسه نمونه بارزی از این کار است. در زمان این جنگها هم اقتصاد فرانسه و هم انگلستان هر دو کاملاً در دست یهودیان بود. یهودیان جنتایلههای انگلیسی و فرانسوی را تشویق به کشتن برادران مسیحی خود میکردند تا از این راه ثروت بیشتری به دست آورند. ثروت افسانه‌ای ناتان راثچایلد (*Natan Rothschild*) نیز در حین همین جنگها به دست آمد. هنگامی که انگلیس و فرانسه در جنگ واترلو بودند ناتان راثچایلد خبردار شد که انگلستان جنگ را برده است. او دارای بیکههایی بود که این خبر را یک روز کامل زودتر از بیک دولتی به اطلاع او رساندند. او در این حین شروع به فروختن تمامی سهام خود کرد. همه که میدانستند که او دارای اخبار است فکر کردند که انگلستان جنگ را باخته است و ارزش سهام آنها افت خواهد کرد. بقیه سهامداران شروع به فروختن سهام خود کردند و ارزش سهام بسیار پایین آمد. در انتهای روز و قبل از بسته شدن بورس ناتان راثچایلد تمامی سهام را با قیمت بسیار پایینی خریداری کرد. وقتی فردای آن روز خبر پیروزی انگلستان به همه رسید قیمت سهام به مقدار قبلی بازگشت و ناتان توانست تمامی سهام را به دست آورد.

مشابه این قضیه در نقاط دیگر نیز اتفاق افتاده است. جنگهای آمریکا و انگلیس نیز همین گونه است. آمریکا و انگلیس هر دو تحت سلطه اقتصادی یهودیان بودند. این یهودیان با برادران یهودی خود هیچ اختلافی نداشتند ولیکن جنتایلها را تشویق به جنگ و کشتن برادران مسیحی خود میکردند. اقتصاد انگلستان در دست بانکداران یهودی مانند راثچایلدها و اقتصاد آمریکا نیز در دست بانکداران یهودی مانند هایم سولومون (*Haym Solomon*) بود. در واقع هر دو طرف دعوا یهودی بودند ولیکن احمقهایی که در جنگ شرکت کرده و کشته میشدند غیریهودی.

اختلاف کمونیسم و کاپیتالیسم نیز همینگونه بود. هم کمونیسم و هم کاپیتالیسم کاملاً در دست یهودیان بود. کمونیسم که بر اساس نظر یک یهودی به نام کارل مارکس (*Karl Marx*) که خاخام زاده بود شکل گرفت. یهودیان در سران بالای کمونیسم حدود ۷۵٪ افراد بودند. در عین حال کاپیتالیسم نیز کاملاً یهودی بود. یهودیان در اثر کاپیتالیسم ثروت زیادی در آمریکا به دست آورده بودند. نکته عجیب این است که حتی این کاپیتالیست های آمریکایی از کمونیستها حمایت مالی میکردند. مثلاً جاکوب شیف (*Jacob Schiff*) بانکدار یهودی آمریکایی مبالغ زیادی به کمونیستها کمک کرد. در واقع دو طرف دعوا یهودی بودند و مسیحیان به کشتن یکدیگر میپرداختند. یهودیان نیز در این حین هم سود مالی برده و هم دشمنان مسیحی خود را به دست همدیگر نابود میکردند.

جنگ ایران و عثمانی نیز دارای بعد یهودی مهمی است. در آن زمان شاهان صفوی به شدت با یهودیان مقابله میکردند و یهودیان دارای وضعیت خوبی در ایران نبودند. ولیکن یهودیان در عثمانی در امنیت کامل بوده و در دربار دارای قدرت زیادی بودند. این یهودیان برای بهبود وضعیت یهودیان ایران ترکان مسلمان را به جنگ با ترکان مسلمان ایرانی تشویق میکردند. در واقع در این جنگ مسلمان، مسلمان را کشت تا وضعیت یهودیان بهتر شود.

جنگهای فعلی نیز دارای وضعیت مشابهی است. به طور مثال جنگ اخیر لیبی نیز دارای بعد یهودی زیادی است. کسی که فرانسه را وادار به جنگ با لیبی کرد یک یهودی بانفوذ به نام برنارد هنری لوی (*Bernard-Henri Lévy*) است. زیرا قذافی قصد داشت اقتصاد لیبی را از دست یهودیان خارج کند. حتی اختلاف ایران و اسرائیل در دنیای امروزه نیز وضعیت مشابهی دارد. تمامی اقتصاد ایران در دست یهودیان است. ثروتمندترین ایرانیان یهود زاده هایی هستند که در زمان رضا شاه مسلمان شدند. در این زمان رضا شاه با دین اسلام به مقابله میپرداخت و دلیل گرویدن این افراد به دین اسلام، افرادی که ۱۴۰۰ سال با دین اسلام مخالفت کرده بودند بسیار عجیب و بخشی از یک توطئه بزرگ است. ثروتمندترین فرد کشور ما اسدالله عسگر اولادی که یهودی زاده است میباشد. بر اساس هلاخا و قانون بازگشت کشور اسرائیل او در هر زمان که بخواهد میتواند به اسرائیل مهاجرت کند و تابعیت اسرائیلی دریافت کند. در واقع دو طرف این دعوا مانند همه اختلافهای دیگر یهودی هستند.

## دلیل اصلی تورم

بانکداری فعلی دارای سیستمی به نام *Fractional Reserve Banking* بوده که در آن بانک چندین برابر مقدار ذخیره خود در جامعه پول تولید میکند. از این رو حجم نقدینگی به شدت افزایش یافته و تورم ایجاد میشود. این کار کاملاً با دین اسلام در تضاد است زیرا در قرآن قمار حرام شده است. در واقع بانک با اینکار یک قمار انجام میدهد زیرا فرض میکند که هیچگاه تمامی مشتریان به صورت همزمان قصد خارج کردن پول خود را نخواهند داشت. دومین دلیل حرام بودن بانکداری فعلی دادن سود ثابت است. اسلام تنها حالت مشارکت را مشارکت در سود و یا ضرر میداند. از این رو اگر فردی با فرد دیگر شریک شود باید در سود و یا ضرر آن نیز شریک شود. در بانکداری واقعی اسلامی هیچگاه همه سپرده گذاران نمیتوانند سود

کنند. بعضی سود بعضی ضرر میکنند و بعضی دیگر نیز چیزی به آنها تعلق نمیگیرد. از این رو هیچ کس نمیتواند از سود مطمئن باشد.

چنین سیستم ضد اسلامی تبعات شدیدی در جامعه دارد. اولاً که بانکداری کسری دلیل اصلی تورم و افزایش نقدینگی است. زیرا بانکها حجم پول بسیار زیادی تولید میکنند که باعث کاهش ارزش پول میشود. همچنین چون اکثر بانکها توسط یهودیان کنترل میشود آنها این پولی را که از باد هوا تولید میکنند به دوستان و فامیلهای یهودی خود میدهند و بسیاری موارد از آنها پس نمیگیرند. نتیجه این اتفاق کاهش ارزش پول برای جنتایلهها و انتقال ثروت آنان به یهودیان است. همان چیزی که اشعیا (*Isaiah*) در عهد عتیق گفته است زیرا ثروت جنتایلهها به یهودیان تعلق دارد.

دومین اثر بسیار بد چنین سیستمی نابودی جوانان است. جوانان اکثراً دارای نیروی زیاد برای کار و سرمایه کم هستند. از این رو مثلاً اگر یک جوان دارای اطرافیانی باشد که دارای سرمایه‌ای باشند آنها میدانند که اگر پول را در بانک بگذارند سود تضمین شده دریافت خواهند کرد ولیکن اگر این پول را به آن جوان دهند تا او با این پول کار کند ممکن است سود کرده و ممکن است ضرر کند. از این رو هیچ آدم عاقلی سرمایه گذاری بر روی نیروی جوان را انتخاب نخواهد کرد. با اینکار ریسک در هر کاری حذف میشود. هر کار واقعی در دنیا دارای ریسک است. از این رو اگر کسی میوه بکارد ریسک آفت دارد. اگر کسی تجارت میکند ریسک از بین رفتن اموالش در مسیر دارد. تمامی کارهای واقعی دارای ریسک است. این ریسک مهمترین اثر را در یاد خدا و دعا برای اینکه نتیجه کار آنگونه که میخواهیم باشد دارد. ولیکن سرمایه گذاری در بانک و گرفتن سود تنها کار بلند مدت بدون ریسک است. با اینکار خدا از چرخه کاربلند مدت حذف میشود زیرا نیازی به دعا نیست. نتیجه کار حتماً سود است.



حال اعطای این سود ثابت نیز کلاهبرداری است. تنها دلیل که بانک میتواند سود ثابت بدهد این است که بانک پول را از باد هوا تولید میکند. از این رو با ایجاد نقدینگی جدید به تمامی افراد سود ثابت میدهد و تورم ایجاد میکند. از این رو اینکار در ظاهر به نظر سودآور میآید ولیکن در باطن فرد فقط ضرر نکرده است یا کمتر ضرر کرده است. او دارای پول عددی بیشتر از قبل خواهد بود ولیکن این پول بیشتر همان مقدار قبلی را میتواند خرید کند. در چنین شرایطی کسانی که بیشترین ضرر را میکنند کسانی هستند که پول کاغذی را در دست خود نگهداشته و آن را در بانک نمیگذارند. از این رو همه مردم مجبور به رباخواری میشوند. این حق اضافه بانک در تولید نقدینگی از باد هوا، در واقع حق اضافه‌ای است که حکومت برای قوم برگزیده قائل است زیرا اگر من و شما پولی را که نداریم وام بدهیم و از آن سود نیز بگیریم فردا به دلیل دزدی دستگیر میشویم. ولیکن آنها این حق را دارند که از باد هوا پول تولید کرده و بر روی آن سود نیز بگیرند.

به طور کلی تنها حالتی که بانک میتواند در یک سیستم اسلامی فعالیت کند با ذخیره کامل یا ۱۰۰٪ است. در این حالت بانک دارای ذخایر کافی برای تمامی مشتریان در هر زمان است. سود برای بانکداران در این حالت کم بوده و بانکداری دیگر بهترین شغل نیست. بانک در این حالت برای نگهداری و نقل و انتقال پول مبلغی به عنوان هزینه دریافت میکند. در این سیستم بانک مرکزی وجود ندارد و هر بانک ضرر ده ورشکست میشود. هیچکس سود تضمین شده دریافت نمیکند و درصدی از کسانی که در بانک سرمایه گذاری میکنند ضرر میکنند. مردم نیز سعی میکنند پول خود را در بانک در کمترین زمان ممکن نگاه دارند، زیرا نگهداشتن پول در بانک هزینه بر خواهد بود. بانک مانند یک پارکینگ خودرو برای نگهداری اموال شما مبلغی دریافت خواهد کرد. از این رو هرکسی سعی میکند پول خود را استفاده کرده و در بانک به صورت راکد نگهداری نکند. چنین سیستمی هدف اسلام است زیرا در آن مردم به جای بازی با پول مجبور میشوند بر روی کار و نیروی کار واقعی سرمایه گذاری کنند.

مهار تورم بسیار ساده و تنها با جلوگیری از تولید پول از باد هوا توسط بانکها است. ولیکن این کار قوم برگزیده خدا را بسیار عصبانی کرده و آنها تمامی نیروهای خود را بر علیه دولت بسیج خواهند کرد. نیروهایی که به قدری قوی هستند که ترس از آنها هر دولتی را به لرزه میندازد. از این رو ارتش آمریکا به هر کشوری که بخواهد جلوی اینکار را بگیرد حمله کرده و آنها را مجبور میکند که حق اضافه قوم برگزیده، یعنی پول در آوردن از باد هوا، را دوباره برقرار سازند. این دلیل اصلی تورم و دلیل اصلی اینکه شما هر روز باید پول بیشتری برای چیزها بپردازید است. آقای موشه کوهن در اسرائیل کار نخواهد کرد و تمام وقت خود را به خواندن تلمود اختصاص میدهد زیرا ثروت شما از طریق پول کاغذی و تورم ذره ذره به او منتقل خواهد شد. زیرا خداوند او را برگزیده است که کار نکرده و ثروت شما را بخورد. دولت نیز که مهمترین چیز برای آن ادامه حکومت و نه انجام دستور خداست و به جای ترس از خدا، از یهودیان میترسد این بازی را ادامه داده و مردم خود را استثمار کرده و به بانک اجازه میدهد از باد هوا پول تولید کنند. این دلیل اصلی بدبختی شما و خوشبختی آنان است.

## صرافی

یکی از شغلهای حرام دیگر برای مسلمانان و مسیحیان صرافی است. در واقع صراف پول را با پول عوض کرده و بر روی آن سود میگیرد. چون در حین این مبادله هیچ کالا و یا خدماتی مبادله نمیشود، صراف نیز مانند رباخوار میتواند تمام ثروت مملکت را چپاول کند. فرض کنید که یک صراف دارای یک حساب ریالی و یک حساب دلاری است. او در طول روز در واقع پول را بین او دو حساب جابجا کرده و روی هر تراکنش حداقل ۲٪ سود میگیرد. به صورت ریاضی هیچ محدودیتی برای تعداد تراکنشها وجود ندارد و از این رو حد نهایی سود او بینهایت خواهد بود. او در هر مرحله پول قبلی را به علاوه ۲٪ به دست میآورد و آن را به

عنوان پول جدید وارد بازی میکند. در نهایت او نیز مانند رباخوار میتواند تمام ثروت را در دست خود داشته باشد.

از این رو به طور کلی مسلمانان و مسیحیان شغل صرافی را انتخاب نمیکردند. بیشتر کسانی که نامهای خانوادگی مرتبط با لغت صراف دارند یهودی زاده هستند. مهمترین دلیل توطئه یهودیان بر علیه عیسی نیز نه تعالیم او برای خداپرستی بلکه دشمنی او با چپاول اقتصادی بود. عیسی صرافانی را که در معبد سلیمان به تعویض پول میپرداختند با زور بیرون کرد.

"و عیسی به معبد خدا رفت و تمامی کسانی که در معبد به خرید و فروش مشغول بودند بیرون کرد و میزهای صرافان را بر زمین انداخت و صندلیهای آنان را که بر روی آن کبوتر میفروختند، او به آنها گفت، نوشته شده است، خانه من خانه عبادت خواهد بود، ولیکن شما آنرا تبدیل به غار دزدان کرده اید." — عهد جدید، انجیل متی، ۱۲:۲۱-۱۳

عیسی صرافان را با زور از معبد اورشلیم بیرون میکند. نقاشی توسط ال گرکو.



در واقع عیسی هیچوقت پیامبری نبود که وقتی کسی به او سیلی بزند روی خود را بگرداند تا به روی دیگر نیز سیلی زند. او مانند محمد ابن عبدالله و حسین ابن علی به صورت فعال با دشمنان خدا در جنگ بود و

صرافان را کتک میزد. این پولس تاروسوسی یهودی فریسی بود که با تحریف دین عیسی آن را تبدیل به ایدئولوژی غیرفعال کرد تا بتواند رومیان را به این وسیله نابود کند. او اینکار را چنان خوب انجام داد که اثری از امپراتوری روم غربی باقی نماند.

## دمکراسی و آزاد شدن رباخواری

"تغییر دادن و بازی کردن با عاداتهای عامه یکی از المانهای مهم جامعه دمکراتیک است. کسانی که با استفاده از این ابزار نامرئی جامعه را تغییر میدهند یک دولت نامرئی تشکیل میدهند که در واقع رئیس اصلی حکومت است. ما توسط مردانی مدیریت میشویم، افکارمان شکل میگیرد، سلیقه هایمان شکل میگیرد، ایده های ما جهت دهی میشود که حتی اسم آنان را نیز نشنیده ایم. این نتیجه منطقی روشی است که حکومت دمکراسی ایجاد شده است." – ادوارد برنیز (*Edward Bernays*)، پروپاگاندا (*Propaganda*),

صفحه ۳۷

"یک دولت خوب میتواند به مردم فروخته شود همانگونه که هر شیء خوبی میتواند به

آنان فروخته شود." – ادوارد برنیز، پروپاگاندا، صفحه ۱۲۰

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِحُّوا عَلَي مَا

فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ (۶) اي کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک

واری کنید مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده اید پشیمان

## -سوره حجات آيه ٦-

در صد سال اخير به تدريج قوانين فريسيان در حال غلبه كردن بر قوانين مسيحيان و مسلمانان است. فريسيان به واسطه تعليمات هاروت و ماروت قدرت عجيبی در تهبيج مردم داشتند. بر خلاف بقيه يهوديان كه به نظر مردم اهميت زيادی نميدانند و قانون خدا را محكم ميدانستند چه مردم به نفع آن باشد و چه به ضرر آن، فريسيان افرادی پوپوليست و مردمگرا بودند. هيچيك از پيامبران خدا به سيستم دمكراسی اعتقادی نداشتند. اعمال تمامی پيامبران خدا كاملاً ضد دمكراسی است زيرا همگی در جوامعی بودند كه اكثريت مردم گمراه بودند. از اين رو هرگونه رای گیری بين مردم باز هم قوانين كفرآمیز را در بين جامعه ابقاء ميكرد.

دمكراسی دارای مشكل اصلی اين است كه حدود آن چيست؟ فرض كنيد گروهی از ارادل در خيابان به يك فرد حمله ور شده و تصميم ميگيرند او را بكشند. در اين هنگام اگر هرگونه رایگیری در بين اين افراد انجام شود كشتن آن فرد به تصويب ميرسد وليكن آیا اين سيستم عملی و درست است؟ از اين رو دمكراسی بايد حدودی داشته باشد. ۵۱٪ مردم نمیتوانند رای دهند كه ۴۹٪ ديگر هيچ حقی نداشته باشند. در مورد همه چیز نمیتوان رای گیری كرد. از اين رو قوانين اخلاقی نمیتوانند وابسته به رای مردم باشند. مردم نمیتوانند رای دهند كه قوانين خدا لغو شود. هيچ جامعه دينی نمیتواند بر اساس رای مردم قوانين محكم را تغيير دهد.

چنين كاری زمينه اصلی كفر و عدم تسليم در برابر رای خداست. حسين ابن علی غيردمكرات ترين فرد تاريخ است. بر اساس هرگونه رای گیری در زمان كربلا باز هم يزید به خلافت ميرسيد. وليكن اين رای مردم اهمیتی ندارد زيرا نظر خدا مهمتر از نظر مردم است. از اين رو معيار اخلاق در جامعه خدا و نه رای مردم است.

یهودیان فعلی که بازمانده فریسیان هستند نیز قدرت عجیبی در تهییج مردم دارند. آنها با به اختیار گرفتن تمامی روزنامه ها و شبکه های تلویزیونی کنترل اخبار و اطلاعات را در تمامی نقاط دنیا در دست گرفته اند. آنها میدانند که در هر جامعه با قدرت رسانه خود میتوانند عامه مردم کم سواد را تحت تاثیر قرار داده و نظر آنها را به سمت مورد نظر خود تغییر دهند. از این رو در سیستم دموکراسی ، رسانه ها کنترل حکومت را در دست دارند زیرا میتوانند با افشای کارهای سوء قبلی یک کاندیدا و مخفی کردن کارهای سوء کاندیدای دیگر افکار عمومی را به سمت خود بکشانند. یهودیان از چنین سیستمی در آمریکا به شدت و قدرت استفاده میکنند. از این رو هر کسی که با آنان مخالفت کند و یا نظر آنان را برآورده نکند سرنوشتی مشابه بیل کلینتون خواهد داشت و تمامی دنیا در مورد رابطه جنسی او خواهند دانست. دموکراسی حکومت احمقهاست زیرا در آن بیماران آلزایمری با طبقه خردمند جامعه ارزش یکسانی خواهند داشت. دختر بچه ۱۶ ساله با پیرمرد دانا برابر خواهد بود. در چنین حکومتی هر کسی بتواند عامه مردم را تحت تاثیر قرار دهد نتیجه را تعیین خواهد کرد.

نگاهی به تاریخ دموکراسی مطلب دیگری را نیز روشن میکند. به طور کلی شروع دموکراسی در هر کشوری با آزاد شدن رباخواری همزمان است. در فرانسه تا قبل از انقلاب این کشور کلیسای کاتولیک رباخواری را ممنوع کرده بود و کسی حق نداشت بقیه مردم را با ربا استثمار کند. یهودیان با ایجاد فتنه اقتصادی در فرانسه و ایجاد زمینه برای انقلاب سیستم دموکراسی ایجاد کردند و از آن زمان رباخواری در فرانسه آزاد شد. بیشتر جنگها و انقلابها نیز مربوط به آزادی رباخواری است. در هر کجا که دموکراسی آمد رباخواری نیز آزاد شد. اولین بانکها در ایران پس از انقلاب مشروطه شکل گرفت و ربا در کشور اسلامی آزاد گردید. در واقع انقلاب مشروطه نه آغاز خوشبختی ما، بلکه آغاز بدبختیمان بود.

یهودیان با قدرت عجیب خود در روانشناسی میتوانند افکار عمومی را در هر جهتی که میخواهند شکل دهند. آنها میدانند که جنتایله‌ها احمق هستند و بر اساس غرایز حیوانی خود عمل میکنند. آنها با متوسل شدن به این غرایز آنها را مجبور میکنند که اعمال مورد نظر آنها را انجام دهند. تنها وقتی جنتایله‌ها از ظلمات به نور خواهند رفت که دین و نه غرائز حیوانی آنها کنترل اعمالشان را در دست داشته باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ  
مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸)

اي کساني که ايمان آورده‌ايد، از خدا پروا  
کنيد؛ و اگر مؤمنيد، آنچه از ربا باقي مانده  
است واگذاريد. (۲۷۸)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَإِن تَبْتِغُوا فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ  
وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

و اگر (چنين) نکرديد، بدانيد به جنگ با خدا  
و فرستاده وي، برخاسته‌ايد؛ و اگر توبه  
کنيد، سرمايه‌هاي شما از خودتان است. نه  
ستم مي‌کنيد و نه ستم مي‌بينيد. (۲۷۹)

—سوره بقره آيه ۲۷۸—



## برنامه یهودیان

"قوم یهود به طور کلی مسیح خود خواهد بود. او با نابود کردن تمامی قومهای دیگر، با نابودی مقاومتها و از بین بردن پادشاهیها و با ایجاد یک جمهوری جهانی که به یهودیان تمامی دنیا حق شهروندی میدهد اینکار را انجام میدهد. در این نظم جدید فرزندان اسرائیل تمامی حاکمان را بدون مقاومت تحت کنترل خواهند داشت. دولت تمامی مردم مختلف بدون مقاومت به دست یهودیان خواهد افتاد. در این هنگام یهودیان خواهند توانست دارایی شخصی را ممنوع کنند و تمامی منابع را به دست دولت دهند. در این هنگام وعده تلمود محقق خواهد شد که گفته است در عصر مسیحایی یهودیان ثروت تمامی اقوام دیگر را در دست خود خواهند داشت." - باروخ لوی (*Baruch Levy*), نامه به کارل مارکس، *La Revue de Paris*, صفحه ۵۴، ۱ جون ۱۹۲۸

"تلویزیون به ما این اجازه را داد که یک فرهنگ واحد ایجاد کنیم. بدون آن ما قادر نبودیم برنامه های خود را عملی کنیم." - داستان آمریکایی، تلویزیون عمومی، دکتر موریس جانویتز *Dr. Morris Janowitz*, استاد روانشناسی، دانشگاه شیکاگو، ۱ دسامبر ۱۹۸۴.

"ما نیاز داریم که افراد عادی را در اختیار خود بگیریم. بهترین کار برای این هدف تاثیر در مدارس است." - آدام وایشاپت (*Adam Weishaupt*), موسس ایلومیناتی (*Illuminati*).

"لیگ ملتها (نسخه اولیه سازمان ملل) یک ایده یهودی است. ما آنرا بعد از ۲۵ سال تلاش ایجاد کردیم. اورشلیم یک روز پایتخت صلح جهانی خواهد شد." - ناهوم سوکولو (Nahum Sokolow)، در سخنرانی در کنفرانس صهیونیسم در کارلسباد ۱۹۲۲.

"ملتها به آرامش خواهند رسید. آنها آماده خواهند بود تا همه چیز را برای صلح قربانی کنند. ولیکن ما به آنها صلح نخواهیم داد تا به صورت علنی قدرت سوپردولت بین المللی ما را تایید کنند و اینکار را با مطیع بودن انجام دهند." - کنگره صهیونیسم، باسل، سوییس ۱۸۹۷.

از قرن ۱۹ و ۲۰ یهودیان به تدریج در تمامی دنیا از محله های خود آزاد شدند. با شکلگیری جنبش صهیونیسم آنها قدرت خود را به صورت گروهی متمرکز کرده و برنامه های خود را به سرعت پیاده کردند. آنها موفق شدند جنگهای جهانی ایجاد کرده، تمامی پادشاهان و اشراف کشورهای مختلف را نابود کرد و خود با قدرت اقتصادی تمامی کشورها را در دست بگیرند. در تمامی کشورها با ترغیب مردم به دمکراسی موفق شدند حکومتهای قبلی را که اکثرا ضد یهودی بودند از بین برده و ایده های واهی جدیدی مانند هموطن بودن و ملیت را جایگزین کنند. از این رو مردمان یک کشور نباید بر اساس دین بین خود و یهودیان فرق میگذاشتند زیرا همه هموطن بودند. با اینکه قوانین یهودی و قوانین اسلامی و مسیحی کاملا در تضاد با یکدیگر بود. یهودیان بر اساس قوانین تلمودی "**بهترین جنتایلها باید کشته شوند**" به سراغ نخبگان و خانواده های اشرافی هر جامعه رفتند. در کشورهای مختلف به بهانه های مختلف این نخبگان را نابود کرده و اموال آنان را چپاول کردند. انقلاب سفید در ایران نمونه بارزی از چنین برنامه ای بود. آنها با تهییج عامه مردم کم سواد، موفق شدند جنبش کمونیسم ایجاد کرده و اموال نخبگان را غارت کنند. آنها به تشویق

تفکراتی نظیر اینکه همه مردم دنیا برابرند و نژاد هیچ اهمیتی ندارد، با اینکه خود به برابری ذره‌ای اعتقاد ندارند، موفق شدند قدرت طبقات بالای اجتماع را کاهش دهد. تنها طبقاتی که میتوانستند عامه مردم را از دست یهودیان نجات دهند.

آنها برای انتقام از جوامع غیریهودی تصمیم به نابودی خانواده گرفتند. قدرت غیریهودیان فقط در تعداد زیاد آنان است و اگر یهودیان موفق شوند جمعیت آنان را کاهش دهند حتما پیروز خواهند شد. از این رو آنان زنان جنتایل را تشویق به کار بیرون از منزل، فمینیسم، هرزگی و بچه دار نشدن کردند. از این رو زنان جنتایل دیگر تمایلی به ازدواج و بچه دار شدن ندارند در حالی که زنان یهودی دارای فرزندان زیادی هستند.

### فراماسونری و انجمن های مخفی

"فراماسونری جهانی، در حال حاضر و در ۲۰۰ سال گذشته توسط یهودیان کنترل میشود." - ا.ک. چسترتون (A.K. Chesterton)، اربابان جدید ناراضی (The New Unhappy Lords)، ۱۹۷۴.

"یهودیت یک نوع فراماسونری است که وابسته به ملی گرایی یهودیان و بین المللی بودن آنان است، که باعث آزادی یهودیان از وابستگیهای محلی و ملی میشود، و همچنین، مخالفت یهودیت با مسیحیت." - س.ج. دشامپ (S.J. Deschamps)، انجمنهای مخفی (Les Societes Secretes)، صفحه ۲۴.

"چقدر زیاد میشنوم که فراماسونها از غلبه یهودیان شکایت میکنند. از بعد از انقلاب غلبه یهودیان بر لژهای فراماسونری تکمیل تر شده است، اکنون برتری آنها بدون سؤال است. کابالا به عنوان ملکه درونی لژهاست و روح یهودی بر درجات پایینتر تسلط دارد. در نظر شیطان، کنیسه نقش بسیار مهمی دارد. این دشمن بشریت به یهودیت نیاز دارد تا فراماسونری را مدیریت کند و به فراماسونری نیاز دارد که کلیسای عیسی مسیح را نابود کند." - امانوئل باربیر (Emmanuel Barbier)، نفوذ ماسونها ( *Infiltrations Masoniques* ).

"این در واقع المانهای کابالایستی در فراماسونری است که نیروی اصلی و تهاجمی فراماسونری به مسیحیت را ایجاد میکند." - دیلون (Dillon)، جنگ مسیح دجال با کلیسا ( *The war of Anti-Christ with the Church* )، صفحه ۲۰.

"ماسون بودن یک سازمان یهودی است، که تاریخ، درجات، لغات مخفی و توصیفات آن از اول تا آخر یهودی هستند." - گرگور شوارز (Gregor Shwarz)، قدرتهای مخفی پشت انقلاب ( *The Secret Powers Behind Revolution* )، صفحه ۱۰۱.

"رابطه صمیمی بین این دو نیرو (فراماسونری و یهودیت کابالایی) آنقدر واضح است که اکنون نیازی به انکار کردن آن نیست." - فراماسونری و جنبش ضد مسیحی ( *Freemasonry and the Anti-Christian Movement* )، ادوارد کاهیل (Edward Cahill)، صفحه ۹۲.

فراماسونری که بعد از اینکه الیور کرامول یهودیان را به انگلستان بازگرداند ایجاد شد دارای المانهای یهودی زیادی میباشد. ساختمان لژهای فراماسونری به مدل معبد سلیمان هستند. ورودی تمام لژها دارای دو ستون به نامهای بواز و جاشین (*Boaz and Jachin*) است. در نمادهای فراماسونری معمولاً نردبانی به آسمان تصویر میشود که یادآور داستان توراتی است که یعقوب (اسرائیل) در خواب میبیند که فرشتگان از نردبان به بهشت بالا و پایین میروند (عهد عتیق، پیدایش، ۲۸:۱۰). اصطلاحات مورد استفاده توسط فراماسونها سرشار از لغات و ایده های یهودی نظیر اوریم و تومیم (*Urim and Thummim*)، آخرون شیلتون (*Achiron Schilton*)، رهوم (*Rehum*)، سفیروت (*Sephirot*)، جاشین (*Jachin*)، ایش چوتزب (*Ish Chotzeb*) است. بیشتر این ایده ها از ساخت معبد سلیمان در تورات گرفته شده است. تاریخ تمامی نوشته ها بر اساس تقویم عبری نوشته میشود. یکی از درجه های فراماسونری "کوهن" نام دارد. بیشتر لغات مورد استفاده توسط فراماسونها به زبان عبری هستند.

ریشه های فراماسونری در اسکاتلند است به طوری که فراماسونری معمولاً فراماسونری اسکاتلندی (*Scottish Rite Freemasonry*) نامیده میشود. فراماسونها نقش بسیار مهمی در شکلگیری دنیای مدرن داشته اند. تقریباً تمامی موسسین ایالات متحده فراماسون بوده اند. وینستون چرچیل (*Winston Churchill*)، بنجامین فرانکلین (*Benjamin Franklin*)، فردریک کبیر (*Frederick the great*)، جرج چهارم (*George IV*)، جرج ششم (*George VI*)، آندرو جکسون (*Andrew Jackson*)، سیمون بولیوار (*Simon Bolivar*)، ولفگانگ موزارت (*Wolfgang Mozart*)، سسیل رودز (*Cecil Rhodes*)، فرانکلین روزولت (*Franklin Roosevelt*)، هری ترومن (*Harry Truman*) و بسیاری دیگر همه فراماسون بودند.

نکته جالب این است که در قرآن بنای معبد سلیمان توسط انسانها ساخته نمیشود. بلکه سلیمان دارای قدرتی میشود که میتواند بر اجنه و شیاطین حکمفرما شود و این اجنه که در بند میباشند معبد او را برای او میسازند. از این رو این اجنه "بناهای دربند" بودند. فراماسونری این بناها و در واقع این اجنه را آزاد کرده و دریچه‌ای به یک دنیای موازی باز کرده است و از این رو "بناهای آزاد" نام دارد. این اجنه به فراماسونها کمک کرده تا قدرت پیدا کرده و به مناسب قدرتی برسند.

وَلَسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲) و باد را برای سلیمان [رام کردیم] که رفتن آن بامداد یک ماه و آمدنش شبانگاه یک ماه [راه] بود و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم و برخی از جن به فرمان پروردگارشان پیش او کار می‌کردند و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی‌تافت از عذاب سوزان به او می‌چشانیدیم.

سوره سباء، آیه ۱۲

### جنگ جهانی دوم و آغاز عصر آخرالزمان

"هیتلر جنگی نخواهد داشت، بلکه او مجبور به جنگ خواهد شد، امسال نه ولی به زودی"

امیل لودویگ (Emil Ludwig) نویسنده یهودی، سالیانه‌ها (Les Annals)، ژوئن

.۱۹۳۴

برای فهمیدن بیشتر مسائل باید به تاریخ رجوع کرد. تاریخ سرگذشت انسانهای دیگر مشابه ما بوده و بسیاری حوادثی که در قدیم رخ داده اند مجددا در حال اتفاق افتادن هستند. نکته جالب در مورد مطالعه تاریخ این است که بسیاری مردم در مدرسه به درس تاریخ علاقه زیادی ندارند، ولیکن مطالعه تاریخ به صورت شخصی برای آنان جذاب است. مانند آنکه در کتاب تاریخ مدرسه بعضی از مسائل سانسور شده و یا بی‌معنی به نظر می‌آید. ولیکن هنگام مطالعه شخصی بیشتر این مسائل به نظر منطقی و جذاب است. یکی از مهمترین مسائلی که برای فهمیدن مطالب امروز باید مطالعه گردد مسئله جنگ جهانی دوم است. جنگ جهانی دوم بین آلمان نازی و ژاپن و ایتالیا از یک طرف و انگلیس و فرانسه و متحدانشان از طرف دیگر بود. فهمیدن این جنگ و مسائل پشت پرده آن، کلید حل معمای زندگی امروزه است.

بر اساس آنچه در کتابهای تاریخی حتی کتابهای فارسی نوشته میشود جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان شروع شد. در این زمان انگلستان و فرانسه به آلمان اعلام جنگ کردند و به نفع لهستان وارد جنگ شدند. برای فهمیدن جنگ جهانی دوم باید جنگ جهانی اول را فهمید.

آلمان به صورت تاریخی کشوری بسیار با اهمیت است. مردمان این کشور با بقیه مردمان اروپا به خصوص اروپای جنوبی متفاوت هستند. آلمانیها افرادی دقیق، زحمتکش و باهوش میباشند. تا امروز نیز دید مردم ایران نسبت به آلمان و آلمانیها بسیار مثبت است. جمعیت ایرانی زیادی در آلمان ساکن است و آلمان جزو معدود کشورهای اروپایی است که در آن شورشهای نژادی-مذهبی بین مسلمانان و بقیه رخ نداده است. همیشه دید مردم ایران نسبت به اجناس آلمانی مثبت بوده و هست. حتی بیشتر ما نمیدانیم که دلیل اینکه محله نازی آباد اسمش نازی آباد است این است که آلمانیهای نازی این محله را درست کرده اند.

آلمانیها به صورت تاریخی با یهودیان به مشکلات زیادی برخوردند. یهودیان به طور طبیعی به پخش فساد در بین جنتایلها علاقه زیادی دارند. یهودیان به ترویج همجنسبازی در بین آلمانیها میپرداختند. در زمان جنگ جهانی اول آلمان در حال پیروزی در جنگ بود. انگلستان به دلیل قدرت زیردریاییهای آلمان که تکنولوژی جدید بود نیروی دریایی خود را از دست داده بود و تقریبا در حال شکست در جنگ بود. روسیه نیز به دلیل انقلاب بلشویک دچار مشکلات درونی شد و از جنگ خارج گردید. در همین هنگام یهودیان با انگلیسیها وارد مذاکره شدند. آنها از انگلستان قول گرفتند که در صورتی که انگلستان قول سرزمین مقدس (اسرائیل) را به آنها بدهد آنها آمریکا را وارد جنگ میکنند. بعد از اینکه لرد بالفور، اعلامیه معروف بالفور (*Balfour*) را خطاب به لرد راثچایلد (*Lord Rothschild*) بانکدار معروف یهودی نوشت، یهودیان موفق شدند که آمریکا را به حمایت از انگلستان وارد جنگ کنند. ورود آمریکا به جنگ باعث شکست آلمان و عهدنامه خفت آور ورسای (*Treaty of Versailles*) برای آلمانیها شد. بر اساس این عهدنامه آلمان بخش زیادی از زمینهای خود را از دست داد و به پرداخت غرامت بیش از حدی به انگلیس و فرانسه مجبور شد. به دلیل این غرامت سنگین، مشکلات اقتصادی در آلمان پیش آمد و پول آلمان بی ارزش گردید. مردم به قدری فقیر شدند که حتی برای تهیه غذا دچار مشکل شدند. این درحالی بود که اقلیت یهودی کاملا در رفاه کامل بوده و چندین برابر آنها درآمد داشتند. اقلیت یهودی با خیانت به آلمانیها و عمل کردن به قانون معروف یهودی "آنچه برای بقیه یهودیان بهتر است" باعث شکست آلمانیها شده بودند. در این شرایط هیتلر سرکار آمده و موفق شد با گرفتن قدرت از یهودیان اقتصاد آلمان را در مدت کوتاهی زنده کند. هیتلر زنان را به خانه فرستاد و با اینکار بیکاری را به صفر رساند. هیتلر تمامی یهودیان را از پستهای مهم حذف کرد و با اینکار قدرت یهودیان بر اقتصاد آلمان را شکست. هیتلر در چندسال اقتصاد آلمان را به قدری بهبود بخشید که تمامی دنیا را شگفت زده کرد. هیتلر سیستم یهودی دمکراسی را حذف کرد زیرا معتقد بود که



این سیستم به درد آلمانیها نمیخورد. او معتقد بود یهودیان فقط به دنبال استفاده مالی از غیریهودیان هستند و سیستم دموکراسی بهترین شرایط را برای اینکار فراهم میکند. هیتلر به قدری در بین مردم آلمان طرفدار بود که اگر حتی رایگیری هم میشد بازهم او انتخاب میگردید. بیشتر حرفهایی که هیتلر در مورد یهودیان میزد در انجیل و قرآن نیز ذکر شده اند. در زمان جنگ جهانی دوم مردم ایران نیز طرفدار آلمان بودند. حتی رضا شاه که فردی فاسد بوده و توسط انگلیسیها سرکار گذاشته شده بود نیز طرفدار آلمان بود. ولیکن یهودیان ایران در دربار نفوذ زیادی داشته و به کمک عمال خود زمینه را برای حضور انگلیس در ایران فراهم کردند.

در آلمان قبل از جنگ جهانی دوم مانند ایران امروزی، یهودیان کنترل همه شریانهای اقتصادی را در دست گرفته بودند. یهودیان در بیشترین تخمینها بین سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۹۳۳ یک درصد جمعیت آلمان را تشکیل میدادند و این درصد در حال کم شدن بود. در ۱۹۰۸ ۱۲ نفر از ۲۰ نفر ثروتمندترین افراد برلین و ۱۱ نفر از ۲۵ نفر ثروتمندان پروسیا یهودی بودند. از ۲۰۰ ثروتمند پروسیا، ۵۵ نفر یهودی بودند، از ۸۰۰ نفر اول، ۱۹۰ نفر یهودی بودند. با اینکه در ۱۹۰۳ یهودیان ۰٫۷۴٪ نیروی کار در پروسیا بودند، ۲۷٪ وکیلها و ۳۰٪ قاضیها یهودی بودند. در ۱۹۳۰، ۴۶٪ یهودیان دارای تجارت خود بودند. در این زمان شش میلیون جنتایل آلمانی بیکار بودند. جنتایلها مجبور به بردگی برای یهودیان برای تامین نیازهای اولیه خود بودند. درآمد یهودیان به طور متوسط سه برابر درآمد آلمانیها بود. در ۱۹۲۳، ۱۶۱ بانک خصوصی در دست یهودیان بود. در برلین، ۷۵٪ وکیلها و پزشکها یهودی بودند. تمامی فروشگاههای زنجیره‌ای برلین، ورتهایم (*Wertheim*)، هرمان تیتز (*Herman Tietz*)، ن. اسرائیل (*N. Israel*) و کادو (*Kadewe*) اموال یهودیان بود. در ۱۸۲۳ حکومت باواریا ۲۳٪ بدهی خود را به یهودیان داشت. حتی از سالهای ۱۸۱۸ مردم از قدرت بیش از حد یهودیان ناراضی بودند. بسیاری از این یهودیان ظاهرا به مسیحیت گرویده بودند ولیکن در خفی یهودی

بودند زیرا به طور علنی یهودی بودن جلوی فعالیتهای اقتصادی آنها را میگرفت. در ۱۹۰۷ یهودیان با اینکه یک درصد جمعیت بودند، ۲۰ درصد شرکتهای آلمانی را در اختیار داشتند. در ۱۹۰۹ یک چهارم تمامی استادان دانشگاه در آلمان یهودی بودند. در برلین در ۱۹۳۰، ۸۰٪ صاحبان تئاترها یهودی بودند. بعضی تاریخدانان یهودی مانند والتر لاکر (*Walter Laquer*) حتی گفته اند که بدون وجود یهودیان چیزی به نام آلمان قبل از جنگ جهانی دوم وجود نداشت. بیشتر افراد گروه مدرسه فرانکفورت (*Frankfurt School*) که کمونیسم را تشویق میکرد مانند مکس هورکههایمر (*Max Horkheimer*)، هربرت مارکوس (*Herbert Marcus*) و فردریش پولاک (*Friedrich Pollock*) یهودی بودند. بزرگترین روزنامه های آلمان نظیر *Berliner Tageblatt*، *Vosiche Zeitung* (رودولف موس (*Rudolf Mosse*)) و جرج دیویدسوهن (*Georg Davidsohn*)) و *Frankfurter Zeitung* (هاینریش سیمون (*Heinrich Simon*) و لئوپولد سوننمن (*Leopold Sonnenman*)) دارای صاحبان یهودی بودند. بزرگترین چاپخانه های آلمان نظیر اولستین (*Ullstein*) و موس (*Mosse*) دارای صاحبان یهودی بودند. ۸۰ درصد فروشگاههای زنجیره‌ای، ۴۰ درصد صنایع نساجی، ۶۰ درصد صنایع پوشاک در دست یهودیان بود. در سال ۱۸۹۵ ۵۶ درصد یهودیان تاجر بودند، ولیکن درصد تاجر بودن در بین غیریهودیان آلمانی ۱۰ درصد بود. در سال ۱۹۳۰ یهودیان کنترل ۹۰ درصد تجارت خز را در دست داشتند. تمامی منابع زغال، آهن، استیل، نفت و غیره در دست یهودیان بود.

در اتریش نیز وضعیت مشابهی بود. روزنامه های اصلی نظیر *Wiener Neue Freie Presse* و *Tagblatt* دارای صاحبان یهودی بودند. در وین پایتخت اتریش در ۱۹۱۰ ۶۲٪ و کیلان، ۵۱٪ پزشکها و ۷۰٪ استادان دانشگاه یهودی بودند. ۴۰٪ یهودیان اتریش تاجر بودند. نویسنده یهودی استفان زویبگ (*Stephan Zweig*) ادعا میکند نه دهم فرهنگ وین، توسط یهودیان وین ایجاد شده بود. فرانسه نیز

وضعیت مشابهی داشت. در اواخر قرن نوزدهم، یک سوم تمامی بانکداران یهودی بودند. در اواخر قرن نوزدهم، یهودیان فرانسه به صورت علنی می‌گفتند که آنها نژاد برتر هستند و حق دارند بر دیگران حکمفرما باشند. نویسنده یهودی جولین بندا (*Julien Benda*) نوشته است: "بانکداران و نه افراد عادی، که دارای تفکر برتری نژاد خود و تبعیت کردن طبیعی افرادی که از آن نژاد نبودند به طور کامل واضح بودند." فردریش انگلز (*Friedrich Engels*) که یهودی نبوده و با یهودیان بسیار خوب بود نوشته است: "من یهودی ستیزی فرانسوی را درک میکنم وقتی میبینم چه تعداد یهودی لهستانی با نامهای آلمانی همه جا حضور دارند."

در سال ۱۹۳۳ و در آغاز کار هیتلر و بعد از اینکه او یهودیان را از پستهای مهم حذف کرد یهودیان تمامی دنیا به آلمان اعلام جنگ کردند. ساموئل اوتنرمایر *Samuel Untermyer* که یک یهودی آلمانی تبار ساکن آمریکا بود نقش مهمی در این قضیه داشت. در مارس ۱۹۳۳ یهودیان تمامی دنیا اجناس آلمانی را بایکوت کردند و عملا آلمان را مانند ایران امروز تحریم اقتصادی نمودند. به دلیل قدرت یهودیان در تمامی کشورهای دنیا این عمل اثر زیادی بر اقتصاد آلمان داشت. همچنین آلمان کشوری است که دارای منابع طبیعی کافی برای مردم خود نیست و از این رو نیازمند واردات و صادرات است. روزنامه دیلی اکسپرس که یک روزنامه انگلیسی بود تیتراول خود را این زده بود: "جودا (یهودیان) به آلمان اعلام جنگ میکنند."

اعلام جنگ  
یهودیان تمامی  
دنیا به آلمان در  
مارس ۱۹۳۳.



در آوریل ۱۹۳۳ آلمانیها نیز برای مقابله به مثل اقدام به بایکوت کردن یهودیان کردند. از این رو بایکوت کردن یهودیان توسط آلمانیها یک اقدام تدافعی بود. ولیکن اینکار نتوانست آلمان را به زانو در آورد. یهودیان بیش از همه از این خشمگین بودند که جنتایلها جرات کرده و بر علیه اربابان خود شوریده اند. آنها میخواستند از آلمانها نمونه‌ای بسازند تا دیگر هیچوقت هیچ جنتایلی جرات چنین کاری نکند. آنها در روزنامه ها و کتابهای خود شروع به دروغپردازی بر علیه آلمانیها کردند.

تجمع برای بایکوت آلمان در  
مدیسون سکویر گاردن  
(Madison Square Garden)

در مارس ۱۹۳۷. این تجمع  
توسط کنگره یهودی آمریکا و  
کمیته کار یهودی ایجاد شده بود.



”ما یهودیان جنگ را به آلمان خواهیم برد.“ - دیوید براون (David Brown)، رئیس  
عبری آمریکایی، ۱۹۳۴.

”جنگ جهانی دوم برای دفاع از اصول یهودیت جنگیده میشود.“ - روزنامه یهودی شیکاگو  
(The Chicago Jewish Sentinel)، ۸ اکتبر ۱۹۴۲.

”دولت روزولت بیشتر از هر دولت دیگری یهودیان را در پستهای حساس قرار داده  
است.“ - بروکلین اکزمینر یهودی (Brooklyn Jewish Examiner)، ۲۰ اکتبر ۱۹۳۳.

”میلیونها یهودی که در آمریکا، انگلستان، فرانسه، شمال و جنوب آفریقا و در فلسطین  
زندگی میکنند، مصمم هستند که جنگ نابودی را به آلمان برای نابودی نهایی آن ببرند.“ -  
روزنامه Central Blad Voor Iseaeliten in Nederland، ۱۳ سپتامبر ۱۹۳۹.

"آلمان دشمن یهودیت است و باید با نفرت کشنده دنبال شود. هدف یهودیت امروز این است: یک حرکت دسته جمعی بر علیه تمامی آلمانیها و نابودی کامل مملکت آنها. ما یک تحریم کامل تجاری، تحریم واردات مواد خام میخواهیم تا از هر مرد، زن و کودک آلمانی انتقام بگیریم." - استاد دانشگاه یهودی، ا. کولیش (A. Kulischer)، اکتبر ۱۹۳۷.

"هر یک از شما، یهودی و یا جنتایل، که هنوز در جنگ مقدس اسم ننوشتید باید اکنون اینکار را بکنید." - ساموئل اونترمایر (Samuel Untermyer)، ۶ اگوست ۱۹۳۳.

درصد زیادی از یهودیان از آلمان مهاجرت کردند ولیکن گروه اندکی در آلمان باقی ماندند. در زمان جنگ جهانی اول قسمتی از خاک آلمان گرفته شده و به لهستان داده شده بود. مردم این قسمت اکثرا آلمانی تبار بوده و به زبان آلمانی صحبت میکردند. دولت و مردم لهستان به شدت با این آلمانیها بد رفتاری کرده و بسیاری را میکشتمند. در اواخر دهه ۱۹۳۰ کشتار این آلمانیها به اوج خود رسید. هیتلر که یکی از قصدهای او بازگرداندن غرور به آلمان بود نمیتوانست در مقابل کشتار آلمانیها در زمینهای قبلی آلمان ساکت بماند. از این رو او در سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان حمله کرد. در این زمان انگلستان و فرانسه به آلمان اعلام جنگ کردند. با اینکه اتحاد جماهیر شوروی نیز در همین زمان به قسمت شرقی لهستان حمله کرده بود انگلستان و فرانسه به شوروی اعلام جنگ نکردند. دلیل اصلی آن نیز این بود که شوروی کمونیست تحت سلطه یهودیان بود ولیکن آلمان از دست آنها فرار کرده بود. با اینکه انگلستان و فرانسه ظاهرا برای حمایت از لهستانیها وارد جنگ شده بودند بعد از پایان جنگ لهستان و اروپای شرقی را به کمونیستها دادند تا مردم آنجا را کشته و غارت کنند. در زمانی که آلمان به شوروی اعلام جنگ داد به قسمتهای لهستان که تحت سلطه شوروی بود حمله کرد. در این زمان در جنگلی به نام جنگل کاتین *Katyn Forest* آلمانیها

گورهای دسته جمعی بزرگی کشف کردند. آنها از مردم شنیدند که کمونیست‌ها نخبگان لهستانی‌ها را گرفته و آنها را به آنجا برده و قتل عام کردند. عملی که کاملاً با تعالیم تلمود ("بهترین جنتايلها بايد كشته شوند") همخوانی داشت. آلمان از مجامع بین‌المللی و صلیب سرخ درخواست بازدید از کاتین کرد و جنایتهای یهودیان کمونیست را به آنها نشان داد. ولیکن تمامی دنیا تمامی شواهد را رد کرده و آلمانی‌ها را مقصر خواندند. تا ۵۰ سال بعد از جنگ نیز این اتفاق بر عهده آلمانی‌ها گذاشته میشد تا اینکه بعد از فروپاشی شوروی و آزادسازی مقالات مخفی آنها مشخص شد که آلمانی‌ها راست میگفتند. در زمان جنگ آلمانی‌ها که از خیانت مجدد یهودیان آلمان مانند جنگ جهانی اول میترسیدند یهودیان را به کمپهای زندانی بردند. بردن اقلیت مشکوک و معلوم الحال به کمپ کار عجیبی نبود و آمریکا نیز در مورد ژاپنی‌ها، آلمانی‌ها و ایتالیایی‌های مقیم آمریکا همین کار را کرد. در سر در یکی از معروفترین این کمپها جمله "کار شما را آزاد میکند" نوشته شده بود که خطاب به یهودیان بود که آنها نیز باید مانند بقیه مردم کار کنند و نباید از دسترنج بقیه بخورند. این کمپها مانند هر زندان دیگری بود. در آن غذا و پوشاک به زندانیان داده میشد. مطمئناً وضعیت آن مانند یک هتل نبود ولیکن مانند هر زندان معمولی بود. آلمانی‌ها حتی فیلمهایی از این کمپها مانند (*Theresienstadt: Der Führer schenkt den Juden eine Stadt*) تهیه کردند که در آن نشان میداد یهودیان در این کمپها زندگی عادی دارند. معروفترین این کمپها آشویتز نام دارد. یهودیان ادعا میکنند که شش میلیون نفر از آنان در این اتفاق به عنوان هولوکاست از بین رفته اند. حال آنکه شواهد بسیار زیادی وجود دارد که این اتفاق رخ نداده است. هیچ دستور کتبی از هیتلر و یا مقامات بالای نازی در مورد نابود کردن یهودیان وجود ندارد. بسیار بعید است که حکومتی به نظم آلمان نازی دستوری به این مهمی را به صورت شفاهی منتقل کرده باشد. روشی که یهودیان میگویند آلمانی‌ها برای کشتن آنها استفاده میکردند استفاده از گاز زیکلون ب (*Zyklon B*) است که بسیار کشنده است. ولیکن درهای ورودی به سالنهای

ادعایی کشتن یهودیان درهای معمولی است و گاز از آنها به خارج سرایت کرده و در صورت استفاده از گاز زیکلون ب تمامی نازیهای آن ساختمان نیز میمردند. حمل و نقل جسد هایی که توسط زیکلون ب کشته شده اند بسیار خطرناک است و نیاز به لباسهای مراقبتی دارد که در زمان جنگ جهانی دوم موجود نبود. زیکلون ب اثر بازمانده به رنگ آبی دارد و از این رو دیوارهای آشویتز باید همه از رد زیکلون ب آبی باشند. یک مهندس آمریکایی به نام فرد لویچتر (*Fred Leuchter*) که تخصص در اعدام و اتاق گاز داشت با بازدید از آشویتز و گرفتن نمونه در سال ۱۹۸۸ ثابت کرد که بر روی دیوارها هیچ اثری از زیکلون ب وجود ندارد. این روش بسیار احمقانه بوده و بسیار دور از ذهن است که آلمانیها که در مهندسی زبانزد هستند چنین روش احمقانه ای را برای کشتن یهودیان انتخاب کنند.





یهودیان در حال کار در اردوگاههای آشویتز و داخائو. بزرگترین گناه هیتلر این بود که این یهودیان را مجبور به کار بدنی کرد. آنها مانند هر زندانی دیگری به کار گرفته شدند و وضعیت معمولی دارند. جالب اینکه حتی یک سرباز آلمانی نیز در کنار آنها دیده نمیشود.

Daily routine	
5 a.m.	Wake up, make beds, dispense coffee
6 a.m.	Roll-call, work groups assembled, leave for work
12 p.m.	Lunch break
12.30 p.m.	Return to work
6 p.m.	End of work, return to camp, roll-call, food rations issued
9 p.m.	Lights out

برنامه روزانه یهودیان در اردوگاههای کار اجباری.



دودکش محلی که گفته میشود یهودیان در آن سوزانده شدند. این دودکش در هیچیک از تصویربرداریهای هوایی قبل از جنگ موجود نبود و بعد از جنگ توسط شورویها اضافه شده است، ولیکن آنها فراموش کردند که دودکش را به ساختمان متصل کنند.



درب اتاق گاز که یک درب عادی چوبی است که در صورت استفاده از گاز، گاز از درزهای آن به خارج نفوذ کرده و ماموران استفاده کننده را نیز میکشد.

THERESIENSTÄDTER FUßBALL LIGA										
Team	Sp	W	D	L	TG	GT	Pkt	Platz	St	St
FC Theresienstadt	10	7	2	1	21	10	14	1	1	1
FC Prag	10	5	3	2	18	12	11	2	1	1
FC Brno	10	4	3	3	15	14	10	3	1	1
FC Olomouc	10	3	4	3	12	16	10	4	1	1
FC Znojmo	10	2	5	3	10	18	8	5	1	1
FC Vyškov	10	1	6	3	8	19	5	6	1	1
FC Blatná	10	0	7	3	5	21	3	7	1	1

برنامه لیگ فوتبال یهودیان در اردوگاه کار اجباری!

یهودیان همیشه علاقه به مظلوم نمایی دارند. تلمود اشاره میکند که ۴ میلیارد یهودی به دست رومیان کشته شدند رقمی که بسیار بیشتر از جمعیت کل دنیا در آن زمان است.

ایرانیان در زمان جنگ جهانی دوم کاملاً طرفدار آلمانیها بودند. ایرانیان جنتایل که از ظلم و ستم انگلیسیها خسته شده بودند آرزو مند بودند که انگلستان در جنگ شکست خورده و آلمان پیروز شود. ولیکن یهودیان ایران به شدت طرفدار انگلیس بودند زیرا دولت انگلیس منافع آنان را تامین میکرد. آنها به منافع اکثریت جنتایل ایرانیان کاری نداشتند. آنها یهودی بودند و منافع بقیه یهودیان برای آنان مهم بود. وقتی رضا شاه تصمیم گرفت که به آلمان نزدیک شود یهودیان دربار به شدت از این موضوع برآشفتنند. آنها میدانستند که در صورتی که ایران با آلمان متحد شود و ایران نفت خود را با آلمان بدهد آلمان در جنگ پیروز میشود. از این رو آنان به کمک دوستان یهودی خود در انگلستان زمینه ساز حمله انگلستان و خلع کردن رضا شاه از قدرت شدند. تا به امروز نیز اکثر مردم ایران دید مثبتی به آلمان و حتی هیتلر دارند. هیتلر نیز دید بسیار مثبتی به ایرانیان داشت. اسم انگلیسی ایران از پرشیا به ایران برای نزدیک تر شدن به آلمانیها تغییر کرد. هیتلر معتقد بود که اگر یهودیان موفق شدند پوریمی بر علیه ایرانیان اجرا کنند، آنها مشابه همین کار را با آلمانیها خواهند کرد. هیتلر در این طرز فکر پارانویید نبود. در همین زمان در آمریکا یک یهودی به نام تئودور کافمن (*Theodore Kaufman*) کتابی به نام آلمان باید از بین برود (*Germany Must Perish*) نوشت که در آن پیشنهاد کرد که چون مردم آلمان وحشی هستند باید همه آنها عقیم شوند. او برنامه عملی برای عقیم کردن تمامی مردم آلمان نوشت و حتی تعداد دکترهای لازم برای این کار را نیز پیشبینی کرد. مجله معروف تایم این کتاب را بسیار عالی ارزیابی کرد.

روی جلد کتاب آلمان باید از بین برود.  
در این کتاب نویسنده یهودی پیشنهاد  
نسل کشی کامل آلمانیها را از طریق  
عقیم کردن تمامی مردم آن میدهد.



ایلیا اهرنبرگ (Ilya Ehrenburg) یهودی کمونیست نیز نظرات مشابهی در مورد آلمانها داشت. او در مقاله‌ای به نام "بکش" در سال ۱۹۴۲ نوشته است: "آلمانها از جنس انسان نیستند." "اگر در یک روز یک آلمانی نکشته باشی آن روز را هدر داده‌ای"

آدولف هیتلر: "این مساله از دید آقای روزولت مخفی مانده است که فلسطین اکنون نه توسط آلمانها بلکه توسط انگلیسیها اشغال شده است. و این کشور استقلال خود را از دست داده است و تحت نظر یهودیان با آن بدترین رفتار میشود. عربهای این کشور از دست آلمانها به آقای روزولت شکایت نمیکنند، بلکه آنان دائما به تمامی دنیا از روشهای بربرانه انگلیسیها که برای سرکوب کردن مردمی که از آزادی خود دفاع میکنند شکایت میکنند. این هم ممکن است به نظر روزولت کاری باشد که باید در یک میز و در مقابل یک قاضی صالح و نه به وسیله جنگ حل شود. ولیکن واقعیت این است که انگلستان از

خود در برابر عربها دفاع نمیکند بلکه انگلیس یک مهمان ناخوانده است که به دنبال اعمال قدرت خود در سرزمینی است که به او تعلق ندارد. من اجازه نخواهم داد هیچ قدرت خارجی در آلمان یک فلسطین دیگر ایجاد کنند. عربهای بیچاره بیدفاع هستند و توسط همه رها شدند. آلمانیهای چکسلواکی نه بیدفاع هستند و نه رها شده اند."

آدولف هیتلر: "اختلاف ابدی بین مردم و دشمنی بین آنها توسط گروهی خاص مدیریت میشود. این گروه کوچک، بیریشه و جهانی مردم را با یکدیگر دشمن میکند، و نمیخواهد آنها در صلح باشند. اینها گروهی هستند که در همه جا در خانه هستند و در هیچ جا ریشه ندارند. آنها امروز در برلین هستند، فردا در بروکسل، پس فردا در پاریس بعد در پراگ، در وین، و در همه جا احساس در خانه بودن میکنند. این افراد فقط به صورت گروهی بین المللی میتوانند مورد بررسی قرار گیرند. زیرا آنها تجارت خود را در همه جا انجام میدهند ولیکن مردم نمیتوانند آنها را دنبال کنند. مردم به زمین متصلند، به سرزمین اجدادی خود علاقه دارند و به چیزهایی که آن کشور میتواند به آنها بدهد علاقه مندند."

ارتش آمریکا در روزهای آخر جنگ در سال ۱۹۴۵ شهر درسدن (*Dresden*) را با بیش از ۳۹۰۰ تن بمب آتشزا بمباران کرد. حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر آلمانی غیرنظامی در اثر این بمبارانها زنده زنده سوختند. شورویها بعد از تصرف برلین به تمامی زنان آن تجاوز کردند. حداقل ۱۰۰۰۰۰ زن آلمانی مورد تجاوز ارتش شوروی قرار گرفتند که ۱۰۰۰۰ نفر از آنان در اثر شدت جراحات مردند. در کل آلمان ۱،۵ میلیون زن آلمانی مورد تجاوز قرار گرفتند که ۲۴۰۰۰۰ نفر از آنان در اثر جراحات مردند. این بزرگترین تجاوز به زنان در تمامی طول تاریخ است. اینها کسانی بودند که آلمانیها را وحشی و خود را متمدن مینامیدند.

”اسرائیل جنگ (جهانی دوم) را برد، ما آنرا ایجاد کردیم، ما آن را رهبری کردیم و ما از آن استفاده مالی بردیم. این در واقع انتقام بزرگ ما بر علیه مسیحیت بود.“ – سفیر یهودی اتریش در لندن، کنت منسدورف (Count Mensdorf)، ۱۹۱۸.

بعد از جنگ جهانی دوم کشور اسرائیل تشکیل شد. خداوند در قرآن وعده داده بود که بازگشت یهودیان به اورشلیم ممنوع است زیرا بعد از اینکه آنان عیسی را رد کرده و سعی کردند او را بکشند تا روز قیامت به آنجا باز نخواهند گشت.

وَحَرَامٌ عَلَيَّ قَرْيَةً أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (۹۵)  
و بر [مردم] شهري که آن را هلاک کرده ایم (اورشلیم) بازگشتشان حرام است (۹۵)

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (۹۶)  
تا وقتی که یاجوج و ماجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشتته‌ای بتازند (۹۶)

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (۹۷)  
و وعده حق نزدیک گردد ناگهان دیدگان کسانی که کفر ورزیده‌اند خیره می‌شود [و می‌گویند] ای وای بر ما که از این [روز] در غفلت بودیم بلکه ما ستمگر بودیم (۹۷)

سوره انبیا آیه ۹۵ تا ۹۷

از این رو بازگشت یهودیان به ارض مقدس نشان دهنده آغاز عصر آخر الزمان است. یهودیان به سرعت برنامه های خود را برای نابودی تمامی غیریهودیان اجرا کردند. آنها در تمامی کشورها نخبگان را از بین بردند و دموکراسی را در همه جا پیاده کردند. آنها در ایران انقلاب سفید راه انداخته و مالکان بزرگ را نابود

کردند، تنها کسانی که قدرت مبارزه با یهودیان را داشتند. آنها زنان را تشویق به کار بیرون از خانه کردند تا منبع قدرت جنتایله‌ها که خانواده بود را بشکنند. آنها شروع به تضعیف دین به عنوان منبع دیگر قدرت جنتایله‌ها نمودند. آنها صحبت کردن در مورد یهودیان را ممنوع کردند و دیگر روحانیون مسلمان و مسیحی در مورد آنها صحبت نمیکنند. آنها شروع به درخواست حقوق اضافه از تمامی حکومتها نمودند و در تمامی کشورها موفق شدند دولت را مجبور کنند که حقوق بیشتری برای آنان قائل باشد. آنها فساد را در بین جوامع جنتایل با گسترش الکل، سکس، پورنوگرافی گسترش دادند. آنها همه غیریهودیان را مجبور کردند که به مدرسه بروند و در مدرسه به زور به آنها تعلیم داده شود که یهودیان آدمهای قابل احترامی هستند. آنها دین را بازیچه و خرافات کردند.

در پیشبینیهای آخرالزمان یهودی گفته شده است که در زمان آخرالزمان نسل داوود معادل خدا خواهند بود (عهد عتیق، زکریا ۸:۱۲). رفتار یهودیان نیز این روزها نشاندهنده این تفکر است. آنها در ایالات متحده از کفرگویی نسبت به خدا هیچ انتقادی نمیکنند ولیکن اگر کسی بر ضد آنها صحبتی کند با سازمانهایی نظیر اتحادیه ضد افترا (*Anti Defamation League*) او را بیچاره خواهند کرد. از این رو آنها به افترا نسبت به خدا کاری ندارند ولی افترا نسبت به یهود را گناهی غیرقابل بخشش میدانند. در تفکر آنها برای گویم، تمامی ملت اسرائیل خدا هستند.

در عهد عتیق پیشبینی شده است که در روزهای آخر جنگی بین اسرائیل و چندین قوم در خواهد گرفت. بقیه قومها از روی نامهای پسران نوح گفته شده اند ولیکن تنها کشوری که به طور مشخص از آن نام برده شده است ایران است :

**ای انسان خاکی، رو به سرزمین ماجوج که در سمت شمال است بایست و بضد جوج ،**

پادشاه ماشک و توبال پیشگویی کن . به او بگو که خداوند من بصد تو هستم . قلاب در چانه ات می گذارم و تو را به سوی هلاکت می کشم . سربازان پیاده و سواران مسلح تو بسیج شده ، سپاه بسیار بزرگ و نیرومندی تشکیل خواهند داد **پارس** ، کوش ، و فوط هم با تمام سلاحهای خود به تو خواهند پیوست . تمام لشکر سرزمین جومر و توجرمه از شمال ، و نیز بسیاری از قومهای دیگر، به تو ملحق خواهند شد. ای جوج ، تو رهبر آنها هستی، پس آماده شو و تدارک جنگ ببین!

—عهد عتیق، کتاب حزقیال، ۳۸:۱

### مسیح موعود

در متون یهودی وعده داده شده است که یک شاه یهودی از نسل داوود خواهد آمد که او با روغن مسح "مسح" خواهد شد تا بر یهودیان در عصر مسیحایی حکمفرما شود. این مسیح در متون یهودی شاه مسیح (ملخ هامشایا) نام دارد. در دیدگاه ارتدوکس، مسیح مسح شده الهی خواهد بود، از طریق پدر از نسل داوود خواهد بود، او یهودیان را به سرزمین اسرائیل باز خواهد گرداند، یک عصر صلح جهانی برقرار خواهد کرد، معبد سوم را خواهد ساخت، یک وارث مذکر خواهد داشت و سنهدرین را دوباره برقرار خواهد کرد. در دیدگاه یهودی دو مسیح وجود دارند که هر دو مسیح خوانده شده و در عصر مسیحایی نقش دارند. مشیا بن دیوید (مسیح فرزند داوود) و مشیا بن جوزف (مسیح فرزند یوسف). مسیح فرزند داوود که از پادشاهی جودا است سرانجام عصر مسیحایی را آغاز خواهد کرد.



عیسی، در واقع همان مسیح بن دیوید یهودیان بود. او بیشتر شرایط مسیح یهودیان را برآورده کرد. او از طریق مادر از نسل داوود و سلیمان بود. او خدای اسرائیل را به تمامی دنیا شناساند و بسیاری از مردم دنیا به واسطه او مسیحی شده و خدای قوم اسرائیل را شناختند.

**عیسی گفت: "پادشاهی من از جنس این دنیا نیست." - عهد جدید، انجیل یوحنا، ۱۸:۳۶**

ولیکن یهودیان چون او را قبول نکردند هنوز در انتظار مسیح هستند. این مسیح تمامی قومهای جنتایل را مجبور به مطیع بودن کرده و بر تمامی زمین حکمفرما خواهد شد. این مسیح، که مسلمانان و مسیحیان او را مسیح دجال مینامند کاملاً در تضاد با مسیح واقعی (عیسی) است زیرا به دنبال حکومت دنیوی و ماتریالیسم و نه رضای خداست. این مسیح به برتری نژادی یهودی به جنتایل اعتقاد داشته و قصدش برده کردن جنتایله‌ها خواهد بود.

نکته جالب در این نوشته‌ها این است که حتی یهودیان نیز اعتقاد دارند که مسیح دارای کمکی در آخرالزمان (مشیا بن یوسف) خواهد بود. نکته دوم این است که نسل یوسف گم شده است و نسل او در بین مردم تحت کنترل آشوریان در مناطق شرق ارض مقدس پخش شده است. بسیاری از ما ایرانیان که ظاهراً جنتایل هستیم دارای نسل یوسف نیز می‌باشیم. همه یهودیان در گذر تاریخ بد نبوده‌اند ولیکن آنان که افراد صالحی بودند عیسی را قبول کرده و پس از او محمد را نیز قبول کردند. از این رو مهدی موعود، میتواند علاوه بر داشتن نسل محمد، دارای نسل یوسف نیز بوده و پیشبینی‌های تورات را نیز محقق کند. مسیح بن یوسف، همان مهدی موعود و کمک عیسی (مسیح بن دیوید) است.

" ما زنان آنها را بر علیه آنها تحریک خواهیم کرد تا قدرت خانواده های آنها را از بین ببریم."

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (١٠٢)

و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند پیروی کردند و سلیمان کفر نورزید لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته هاروت و ماروت در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند] با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلا به او] می‌گفتند ما [وسیله] برای شما [هستیم پس زنهار کافر نشوی و] [لی] آنها از آن دو [آزمایشی [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت و سودی یهودیان [دریافته بودند که هر کس خریدار این [بدیشان نمی‌رسانید و قطعا [متاع] باشد در آخرت بهره‌ای ندارد و] که چه بد بود آنچه به جان خریدند اگر می‌دانستند.

لیستی از رهبران جنبش فمینیسم نشاندهنده حضور بیش از حد زنان یهودی در آن است. حضوری که به مراتب بسیار بیشتر از پیشبینی بر اساس یک توزیع آماری یکنواخت است.

 <p>Andrea Dworkin</p>	 <p>Betty Friedan</p>	 <p>Eve Ensler</p>
<p>- آندریا دورکین (<i>Andrea Dworkin</i>) یهودی</p>	<p>- بتی فریدان (<i>Betty Friedan</i>) یهودی</p>	<p>- ایوانسلر (<i>Eve Ensler</i>) یهودی</p>
 <p>Gloria Steinem</p>	 <p>Rosa Luxemburg</p>	 <p>Andrea Bronfman</p>
<p>(<i>Gloria Steinem</i>) گلوریا استاینم یهودی</p>	<p>(<i>Rosa Luxemburg</i>) رزا لوکزامبورگ یهودی</p>	<p>(<i>Andrea Bronfman</i>) آندریا برونفمن یهودی</p>
 <p>Bella Abzug</p>	 <p>Blu Greenberg</p>	 <p>Brenda Howard</p>
<p>- بلا ابزگ (<i>Bella Abzug</i>)</p>	<p>- بلو گرینبرگ (<i>Blu Greenberg</i>)</p>	<p>- برندا هوارد (<i>Brenda Howard</i>)</p>



<p><i>Abzug</i>، يهودی</p>	<p><i>.Greenberg</i> يهودی</p>	<p><i>Howard</i>، يهودی</p>
 <p>Arlene Raven</p> <p>آرلين رايون ( <i>Arlene Raven</i> )، يهودی</p>	 <p>Buz Hahn</p> <p>بوز هاهن ( <i>Buz Hahn</i> )، يهودی</p>	 <p>Betty Comden</p> <p>بتي كامدن ( <i>Betty Comden</i> )، يهودی</p>
 <p>Cathy Young</p> <p>کتی يانگ ( <i>Cathy Young</i> )، يهودی</p>	 <p>Clara Fox</p> <p>کلارا فاکس ( <i>Clara Fox</i> )، يهودی</p>	 <p>Elfriede Jelinek</p> <p>الفريد جلينک ( <i>Elfriede Jelinek</i> )، يهودی</p>
 <p>Ellen Willis</p> <p>الن ويليس ( <i>Ellen Willis</i> )، يهودی</p>	 <p>Emily Mehlman</p> <p>اميلي مهلمن ( <i>Emily Mehlman</i> )، يهودی</p>	 <p>Gertrude Stein</p> <p>گرتروود استاين ( <i>Gertrude Stein</i> )، يهودی</p>
 <p>Gloria Allred</p> <p>گلوريا آرد ( <i>Gloria Allred</i> )، يهودی</p>	 <p>Grace Paley</p> <p>گريس پيلي ( <i>Grace Paley</i> )، يهودی</p>	 <p>Hanne Blank</p> <p>حنا بلانک ( <i>Hanne Blank</i> )، يهودی</p>

 <p>Helen Cohen</p> <p>هلن كوهن ( <i>Helen</i> ) يهودی، (Cohen)</p>	 <p>Jean Rothernberg</p> <p>جين روثرنبرگ ( <i>Jean</i> ) يهودی، (Rothernberg)</p>	 <p>Jennifer Miller</p> <p>جينيفر ميلر ( <i>Jennifer</i> ) يهودی، (Miller)</p>
 <p>Joyce Warshaw</p> <p>جويس وارشاو ( <i>Joyce</i> ) يهودی، (Warshaw)</p>	 <p>Judy Blume</p> <p>جودی بلوم ( <i>Judy Blume</i> )، يهودی</p>	 <p>Judy Cohen</p> <p>جودی كوهن ( <i>Judy Cohen</i> ) ، يهودی</p>
 <p>Kathy Pollitt</p> <p>كتی پالیت ( <i>Kathy</i> ) يهودی، (Pollitt)</p>	 <p>Kitty Carlisle</p> <p>کیتی کارلیسله ( <i>Kitty</i> ) يهودی، (Carlisle)</p>	 <p>Lisa Goldberg</p> <p>لیزا گلدبرگ ( <i>Lisa</i> ) يهودی، (Goldberg)</p>
 <p>Madeleine Stern</p> <p>مادلین استرن ( <i>Madeleine Stern</i> ) يهودی</p>	 <p>Melton Florence</p> <p>ملتون فلورنس ( <i>Melton</i> ) يهودی، (Florence)</p>	 <p>Mollie Orshansky</p> <p>مولی اورشانسکی ( <i>Mollie</i> ) يهودی، (Orshansky)</p>

 <p>Muriel Rukeyser</p> <p>موریل روکیسر ( <i>Muriel</i> ) یهودی، (<i>Rukeyser</i>)</p>	 <p>Naomi Klein</p> <p>نائومی کلاین ( <i>Naomie</i> ) یهودی، (<i>Klein</i>)</p>	 <p>Nina Hartley</p> <p>نینا هارتلی ( <i>Nina Hartley</i> ) یهودی</p>
 <p>Pamela Waechter</p> <p>پاملا وایچتر ( <i>Pamela</i> ) یهودی، (<i>Waechter</i>)</p>	 <p>Rachel Adler</p> <p>راشل آدلر ( <i>Rachel Adler</i> ) یهودی</p>	 <p>Ruth Ginsburg</p> <p>روث گینسبرگ ( <i>Ruth</i> ) یهودی، (<i>Ginsburg</i>)</p>
 <p>Ruth Morgenthau</p> <p>روث مورگنتائو ( <i>Ruth</i> ) یهودی، (<i>Morgenthau</i>)</p>	 <p>Ruth Segel</p> <p>روث سیگل ( <i>Ruth Segel</i> ) یهودی</p>	 <p>Ruth Westheimer</p> <p>روث وستهایمر ( <i>Ruth</i> ) یهودی، (<i>Westheimer</i>)</p>
 <p>Sally Fox</p> <p>سالی فاکس ( <i>Sally Fox</i> ) یهودی</p>	 <p>Sally Lilenthal</p> <p>سالی لیلینتال ( <i>Sally</i> ) یهودی، (<i>Lilenthal</i>)</p>	 <p>Savina Teubal</p> <p>ساوینا توبال ( <i>Savina</i> ) یهودی، (<i>Teubal</i>)</p>



 <p>Shirley Broner شیرلی برونر ( <i>Shirley</i> ) یهودی، ( <i>Broner</i> )</p>	 <p>Spencer Laszlo اسپنسر لازو ( <i>Spencer</i> ) یهودی، ( <i>Laszlo</i> )</p>	 <p>Susan Sontag سوزان سونتگ ( <i>Susan</i> ) یهودی، ( <i>Sontag</i> )</p>
 <p>Sylvia Siegel سیلویا سیگل ( <i>Sylvia</i> ) یهودی، ( <i>Siegel</i> )</p>	 <p>Tillie Olsen تیلی اولسن ( <i>Tillie Olsen</i> )، یهودی</p>	 <p>Trude Weiss-Rosmarin ترود وایس روزمارین ( <i>Trude</i> ) یهودی، ( <i>Weiss Rosmarin</i> )</p>
		 <p>Wendy Wasserstein وندی وثرستاین ( <i>Wendy Wasserstein</i> )، یهودی</p>

حتی سیمون دوبوار ( *Simone de Beauvoir* ) که خود یهودی نبود کتاب معروف جنس دوم ( *The Second Sex* ) را در زمانی نوشت که با نویسنده یهودی آمریکایی نلسون الگرن ( *Nelson Algren* ) در رابطه بود و تابستان را با او در خانه ویلایی میگذراند.

در دین اسلام و مسیحیت زن بودن زنان و مطیع بودن آنان از شوهرشان تا زمانی که دستور شوهر با دستور خدا در تضاد نباشد بسیار مهم و توصیه شده است.

"ای زنان، فرمانبردار شوهرانتان باشید همانگونه که فرمانبردار خدا هستید. شوهر رئیس زن است، همانگونه که مسیح رئیس کلیساست." — عهد جدید، افسسیانها (Ephesians)

۵:۲۳

"الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ" مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده اسرار [شوهران خود] را حفظ می کنند. — سوره نساء آیه ۳۴

از این رو فرمانبرداری زن از شوهر یکی از اصول اصلی دین اسلام و مسیحیت است. کنیسه شیطان نیز که در جنگ با خداست دکترین برعکس این را به زنان توصیه کرده و میگوید که زنان شوهردار باید هرکار خواستند بدون توجه به رضایت شوهر خود انجام دهند.

خداوند زنان مغرور اورشلیم را نیز محاکمه خواهد کرد. آنان با عشوه راه می روند و النگوهای خود را بصدا در می آورند و با چشمان شهوت انگیز در میان جماعت پرسه می زنند. خداوند بر سر این زنان بلای گری خواهد فرستاد تا بی مو شوند. آنان را در نظر همه عریان و رسوا خواهد کرد.



یهودیان حتی در علم مدرن نیز مسائل مربوط به تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد را مخفی میکنند. خداوند زن و مرد را برای کاربردهای متفاوتی آفریده است و خوشحالی و سعادت واقعی تنها وقتی به دست می‌آید که ذات زن و مرد هدف آفرینش خود را برآورده کند. زن و مرد دارای تفاوت‌های مغزی هستند که آنها را برای اعمال متفاوتی مفید میکند. درست مانند اینکه شما یک تیم فوتبال داشته باشید و کسی دروازه بان خوبی بوده و فرد دیگری مهاجم خوبی باشد. ولیکن شما می‌گویید که برای برابری باید دروازه بان جای مهاجم کار کرده و مهاجم جای دروازه بان قرار گیرد. در چنین سیستمی، تیم به صورت کلی نتیجه نخواهد گرفت زیرا از هرکسی در پستی که دارای حداکثر توانایی است استفاده نمیشود. مردان به صورت کلی دارای قدرت بدنی و قدرت ریاضی بالاتر از زنان بوده و برای کار بیرون از خانه مناسب‌ترند. مغز مردان به طور متوسط دارای نورون‌های بیشتری نسبت به زنان میباشد ولیکن در مغز زنان تعداد ارتباطات هر نورون بیشتر است. از این رو مغز مردان برای انجام یک کار به بهترین نحو ممکن مناسب‌تر بوده ولیکن مغز زنان میتواند چندین کار مختلف را به صورت همزمان پردازش کند. زنان در یادآوری نقشه و یا در اعمالی که نیازمند به پردازش سریع حرکتی، بینایی دارد توانایی زیادی ندارند و از این رو در ورزش و رانندگی توانایی کمتری نسبت به مردان نشان میدهند. ولیکن زنان در پردازش احساسات و روابط بین مردم توانایی بسیار بالاتری نسبت به مردان دارند. از این رو زنان و مردان برای کارهای متفاوتی مناسبند. به طور تاریخی زنان علاقه مند نیستند که ساعت‌های طولانی را برای حل یک مشکل به صورت انفرادی کار کنند و از این رو تعداد زنان دانشمند بسیار کمتر از مردان است. این کمتر بودن نه به دلیل ظلم مردان بلکه به دلیل علاقه کمتر زنان به این نوع کارها است. واریانس هوش در بین مردان بسیار بیشتر از زنان بوده و از این رو تعداد مردان عقب مانده عقلی

و یا مردان بسیار باهوش بیشتر از زنان است. اکثریت زنان دارای هوش متوسط بوده و از این رو تعداد نابغه و عقب مانده در بین آنان کمتر از مردان است.

در جوامع مختلف زنان همیشه به صورت حرمی به مردان علاقه دارند. در تمامی جوامع اکثر زنان به تعداد کمی از مردان علاقه مند هستند و ترجیح می‌دهند که معشوقه فردی با مواد ژنتیکی خوب و موقعیت بالا باشند تا همسر فردی باشند که مواد ژنتیکی خوبی نداشته و یا موقعیت خوبی ندارد. در زمانهای گذشته وقتی حاکمی تصمیم می‌گرفت زن جدیدی انتخاب کند دختران جوان با علاقه صف میکشیدند تا همسر هزارم شاه شوند. آنها همسر هزارم شاه بودن را به همسر اول بودن یک کارگر ترجیح میدادند. از این رو در سیستم طبیعی چند همسری برای مردان امری نرمال است و مواد ژنتیکی جامعه را بهبود میبخشد. پیامبران خدا نیز اکثراً دارای چندین همسر بودند. یعقوب دارای چهار همسر بود. ابراهیم دو همسر داشت. داوود و سلیمان دارای چندین همسر بودند. ولیکن خاخامها که قوانین مردم (*Laws of Men*) را بر قوانین خدا (*Laws of God*) ترجیح میدادند رای دادند که چند همسری با اینکه در تورات آزاد است ممنوع باشد. خاخام گرشوم (*Rabbi Gershom*) در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی دستوری داد که به مناسبت آن چند همسری را ممنوع کرد. از این رو او حلال خدا را حرام کرد. امروزه نیز که قوانین تلمودی بر قوانین قرآنی در حال تسلط است فشار زیادی از تلمودیان برای ممنوع کردن چند همسری و کاهش بیشتر ذریه علی در جریان است. با اینکه بیشتر امامان شیعه دارای چندین همسر و تعداد زیادی فرزند بودند. آنها با اینکه اکثراً در جوانی شهید شدند فرزندان زیادی از خود باقی گذاشتند.

**"غیرت مرد ایمان و غیرت زن کفر است" – علی ابن ابیطالب**

آدولف هیتلر: "اگر قرار بود مادر من در دادگاه بنشیند و به عنوان قاضی رای دهد من می‌گفتم: هرگز، هرگز! ما این را نمی‌خواهیم. من زنان پلیس یونیفورم پوشیده نمی‌خواهم که در خیابانها راه روند و به دنبال دزدان و جانپان باشند. اینها چیزهایی هست که ما نمی‌خواهیم. آنها آمدند و گفتند: "بخشید ولی شما نمی‌خواهید آنها در پارلمان نیز باشند" البته، زیرا من معتقدم عضویت در پارلمان ارزش زن را بالا نمی‌برد و بلکه او را بی ارزش میکند. من حتی مردان را نیز از پارلمان حذف کردم. در زمانهای قدیم به من گفته شد: "اگر شما زنان را در رایشستاگ بیاورید فکر نمی‌کنید که حضور زنان رفتار در رایشستاگ را بهتر میکند؟ من هیچ علاقه‌ای به اصلاح رایشستاگ و اصلاح رفتار درون آن ندارم. من اعتقاد دارم که پارلمان چیزی غیر از یک مشت سیب گندیده نیست." "وقتی امروز به روزنامه‌ها نگاه می‌کنم تصویری که میبینم این است: یک زن در اتحاد شوروی تیرانداز شد، یک زن در اسپانیا مامور نارنجک انداز شد. تنها چیزی که من به این نوع برابری زن و مرد می‌گویم این است. من جنگ را تجربه کردم. من میدانم چقدر سخت است. من میدانم اعصاب چند نفر از مردان در جنگ نابود شد. من دیدم که چگونه آنها معلول از جنگ برمی‌گردند. شکسته و نابود شده. این ایده که یک زن مجبور باشد چنین چیزی را تحمل کند، من در آن زمان هیچ احترامی برای مردان آلمانی قائل نخواهم بود. یا آنها باید مسئولیت قبول کنند یا استعفا دهند. تا زمانی که ما یک جنس مرد سالم داریم. و ما ناسیونال سوسیالیست‌ها مطمئن هستیم که اینگونه خواهد شد، هیچ زن تیراندازی در آلمان تربیت نخواهد شد. این برابری نیست بلکه حقوق کمتر برای زنان است، زیرا

اینکار برای زنان سخت تر است. من میتوانم بگویم که من کودکان نسل بعد را مسلح کرده و به جنگ میفرستم. ما اینکار را نمیکنیم. ولیکن در مقابل چشمان ما فرصتهای شغلی زیادی برای زنان وجود دارد. زیرا زن بهترین کمک کننده و همراه مرد است. آنها گفتند: "شما میخواهید زنان را از تمامی شغلها حذف کنید" من دوست دارم زنان بیشتر به ازدواج و تشکیل خانواده بپردازند و بچه دار شوند. زیرا در این زمان آنها بیشتر از هر کار دیگر به اجتماع خدمت خواهند کرد. این را بدانید اگر در مقابل من یک زن وکیل باشد و مهم نیست که او چقدر موفق باشد، و در کنار او زنی که مادر پنج، شش و یا هفت کودک است باشد و آنها سلامت هستند و تربیت درستی دارند. من میگویم از نظر کمک به اجتماع ما، زنی که میتواند بچه دار شود و بچه دار شده و آنها را تربیت کرده است و به مردم ما آینده داده است و نسل آینده را تولید کرده است کار مهمتری کرده است. او از مرگ قوم ما جلوگیری کرده است."

هیتلر با تشویق زنان به کار در درون خانه و بچه دار شدن و بازگرداندن مردان به محیط کار توانست نرخ بیکاری آلمان را از سی درصد به صفر برساند و اقتصاد آلمان را که در اثر جنگ جهانی اول و معاهده ورسای نابود شده بود دوباره تبدیل به قویترین اقتصاد اروپا کند. زنان آلمانی به جای رقابت با مردان خود به همیاری مردان پرداختند و این را فهمیدند که اجتماع تنها در صورتی قوی است که هر کس کاری را که بهتر میتواند انجام بدهد انجام دهد و این بهترین روش زندگی است. بیکاری از شش میلیون در سال ۱۹۳۲ به ۱ میلیون در سال ۱۹۳۷ رسید. امروزه نیز اقتصاد ایران تنها در صورتی احیاء میشود که زنان دوباره به وظیفه ذاتی و طبیعی خود که مادران نمونه بودن است بازگردند و به جای رقابت با مردان، همدم و یار آنان باشند.

ای قوم من ، رهبران شما کودکانند و حاکماتتان زنان . آنان شما را به گمراهی و نابودی میکشانند.

عهد عتیق، کتاب اشعیا، ۳:۱۲

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى، و (ای زنان پیامبر) در خانه‌هایتان قرار  
گیرید و مانند روزگار جاهلیت اولیه زینتهای خود را آشکار مکنید.

—سوره احزاب آیه ۳۳

یهودیان میدانند که تنها کسی که میتواند با آنها جنگ کند مردان جنتایل هستند. آنها میدانند بیشتر زنان انقلابی نیستند و حاضر نیستند با حکومت جنگ کرده و آن را تغییر دهند. از این رو آنها میخواهند دشمنان خود که مردان جنتایل هستند را در بدترین و بدبختانه ترین وضعیت ممکن نگهداشته و زنان آنان را بر آنان مسلط کنند. این زنان که از قدرت داده شده توسط یهودیان به آنان لذت میبرند با حماقت خود، خود و مردان خود و نسل بعدی خود را نابود خواهند کرد. این زنان مانند ایشتر رفتار کرده و از مردان میخواهند آنها را به جای خدا بپرستند. آنها مردان را به پیروی از خود و نه پیروی از خدا تشویق میکنند.

بیماریهای جنسی یهودیان

"من هیچگاه رابطه جنسی خواهر و برادری ندیدم که واقعا بد باشد. من فقط دیدم که این کاملاً طبیعی و رایج است که خواهر و برادر عاشق هم باشند." — لئون بلام (Leon Blum)، نخست وزیر یهودی فرانسه، درباره ازدواج *Du Marriage*



بز بافومت ( *Baphomet* ) که معمولاً به عنوان نماد شیطان شناخته میشود. دقت کنید که بز دارای ویژگیهای جنسی مردانه و زنانه بوده و دوجنسه است. در صورتی که در دینهای ابراهیمی این مساله بسیار مهم است که زنان زن بوده و مردان مرد باشند.

بسیاری از یهودیان از نظر جنسی بیمارند. در بین آنها روابط عجیب جنسی بسیار زیاد است. بسیاری از سران جنبش همجنسبازی یهودی بوده و هستند.

دانیل بویارین ( *Daniel Boyarin* ) در کتاب تئوری همجنسبازی و مساله یهودی ( *Queer Theory and the Jewish Question* ) مینویسد: " با اینکه ارتباط ساده‌ای بین یهودیت و همجنسباز بودن وجود ندارد، یهودیت و همجنسبازی به هم متصلند و با هم در رزونانس هستند. این رابطه مانند رابطه یهودی ستیزی و هوموفوبیا است. "

در تورات همجنسبازی بسیار مذموم است. کتاب لاویان ( *Leviticus* ) ۱۸:۲۲ میگوید: "تو نباید با مردان، مانند زنان، بخوابی این فساد است."

لاویان (*Leviticus*) ۲۰:۱۳: اگر یک مرد با یک مرد دیگر بخوابد، مانند آنگونه که با زنان می‌خواهد، هر دو مرتکب گناه بزرگی شده اند آنها باید کشته شوند و خون آنها بر گردن آنان است."

حتی در نوشته های خاخامها نیز مطالبی در مذمت همجنسبازی وجود دارد :

میدراش (*Midrash*): "خاخام هونا از قول خاخام جوزف گفت : نسل طوفان نوح از بین نرفتند تا زمانی که گواهی ازدواج بین یک مرد و یک مرد دیگر یا حیوان را نوشتند."

ولیکن یهودیت رفرم که بزرگترین شاخه یهودیت در آمریکا است دید سنتی یهودی را در این باره لغو کرده است. از این رو یهودیت رفرم به همجنسبازان زن و مرد اجازه خاخام شدن میدهد. آنها معتقدند آنچه در کتاب لاویان نوشته شده است مربوط به گرفتن سنتهای بت پرستانه کنعانیان است و مستقیماً درباره رابطه مرد با مرد نیست. آنها معتقدند بر اساس اطلاعات علمی به دست آمده ، نیاز به یک تفسیر جدید وجود دارد. در کشور اسرائیل همه ساله راهپیمایی همجنسبازان در شهر مقدس خدا، اورشلیم (بیت المقدس) برگزار میشود.



راهپیمایی حمایت از همجنسبازی در اورشلیم (بیت المقدس)، شهر داوود و سلیمان و عیسی و سایر پیامبران خدا.

”حدود ۲۰ کنیسه برای همجنسبازان در آمریکا در سه دهه گذشته ایجاد شده است. در این کنیسه ها مردان و زنان همجنسباز هویت یهودی خود را ابراز میکنند.“ -ورتهایمر (Wertheimer)، ۱۹۹۳.

در سالهای اخیر حتی یهودیان دارای خاخامهای همجنسباز مانند لیونل بلو (*Lionel Blue*)، دنیس اگر (*Denise Eger*)، استیو گرینبرگ (*Steve Greenberg*) و شروین واین (*Sherwin Wine*) هستند.

وودی آلن (*Woody Allen*) کارگردان یهودی نیز یکی از نمونه های معروف بیماری جنسی یهودیان است. وودی آلن با زنی به نام میا فارو (*Mia Farrow*) در رابطه بود و این زن دختری از رابطه قبلی خود به نام (*Soon-Yi*) داشت. وودی آلن با این دخترخوانده خود رابطه جنسی داشت و از او عکسهای برهنه میگرفت. بعد از جداشدن میا از او، او با دختر وی رابطه جنسی خود را ادامه داد. در این زمان او ۵۶ ساله و سون-یی ۱۹ ساله بود.

رومن پولانسکی (*Roman Polanski*) کارگردان یهودی نیز نمونه دیگری از این بیماریهاست. رومن پولانسکی در سال ۱۹۷۷ و زمانی که ۴۴ ساله بود یک دختر ۱۳ ساله را به منزل خود آورده و با مست کردن او به وی تجاوز کرد. او برای فرار از دستگیری از آمریکا به اروپا رفته و در آنجا ساکن شد. اگر او یهودی نبود فردای آن روز توسط دولتهای اروپایی به آمریکا بازگردانده میشد ولیکن علیرغم بازبودن این پرونده او بسیار معروف شد و روزنامه های یهودی از او به عنوان کارگردان بزرگ یاد میکردند. آنها برای خود استاندارد اخلاقی متفاوتی دارند.



## پرستش پول

یکی از جرمهای مهم یهودیان پرستش پول توسط آنان است. این داستان از وقتی شروع میشود که موسی برای گرفتن ده فرمان به کوه سینا میرود و یهودیان در غیاب او منتظر اویند. سی شبی که موسی با خدا قرار دارد تبدیل به چهل شب میشود. خداوند به موسی میگوید که قوم تو کافر شده اند و در غیاب تو گوساله ای از طلا ساخته و به جای من پرستش میکنند. موسی از کوه پایین آمده و از خشم خود سنگنوشته های ده فرمان را نابود میکند.

از این زمان یهودیان به پرستش طلا به عنوان خدا به جای خدای ابراهیم مشغولند. آنها تمامی فکر و ذکر خود را به جمع آوری پول و طلا اشتغال میدهند. آنها از دنیای پس از این دلکنده و به زندگی این دنیا چسبیده اند. آنها در بین طلافروشان، صرافان، بانکداران و اختلاسکنندگان بسیار بیشتر از جمعیت آماری خود یافت میشوند زیرا پول و طلا خدای آنان است. آنان امروزه نیز مانند زمان موسی یک مجسمه گاو را در وال استریت (*Wall Street*) که مرکز فعالیتهای تجاری آنان است نصب کرده اند. مانند اینکه میخواهند هنوز هم یادآوری کنند که گاوی را که خداوند در سوره بقره در مورد آن صحبت میکند میپرستند.

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَّهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّلَهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي

الْمُفْتَرِينَ (۱۵۲) آری کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند به زودی خشمی از

پروردگارشان و ذلتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید و ما این گونه دروغ پردازان را

کیفر می دهیم.

—سوره اعراف، آیه ۱۵۲



مجسمه گوساله سامری جدید (*Charging Bull*) در وال استریت نیویورک.

### توهین به عیسی مسیح

”قویترین مدافعان یهودیت نمیتوانند این را که یهودیت ضد مسیحیت است رد کنند.“

دنیای یهودی (*Jewish World*)، ۱۵ مارس ۱۹۲۴.

”یک یهودی به صورت ذاتی و به خاطر یهودی بودن ضد مسیحی است، همانگونه که او

ضد محمدان (ضد اسلامی) است، زیرا او با هر اصولی که اصول او نیست دشمن است.“

برنارد لازار (*Bernard Lazarre*) نویسنده یهودی، یهودیستیزی (*AntiSemitism*)،

صفحه ۳۱۸.

یهودیان امروزی نیز مانند خاخامهایی که تلمود را نوشته اند توهینهای زیادی به عیسی مسیح میکنند. در

برنامه های هالیوود همیشه مهمترین پیامبری که مسخره میشود عیسی است. یهودیان هنوز هم از عیسی

متنفرند. سارا سیلورمن (*Sarah Silverman*) کم‌دین یهودی به طور معمول همیشه عیسی را در برنامه های خود مسخره میکند، او در یکی از این برنامه ها به شوخی گفت: "من خوشحالم که یهودیان عیسی را کشتند. من اینکار را دوباره هم انجام خواهم داد."

در سریال معروف ساینفلد (*Seinfeld*) در یکی از قسمت‌ها کم‌دین یهودی به نام لری دیوید (*Larry David*) در حال ادرار کردن به طور اتفاقی بر روی تصویری از عیسی ادرار میکند و روز بعد یکی از مسیحیان کارمند او فکر میکند که عیسی گریه کرده و این یک معجزه است.

در فیلم ده (*The Ten*) یک زن مسیحی تصور میکند که یک مرد مکزیکی عیسی است و با او رابطه جنسی دارد.

در یک برنامه تلویزیون اسرائیل به نام توفی و گوریل (*Toffee and The Gorilla*) یک دختر نیمه برهنه اسرائیلی یک میمون عروسکی را که میگوید من عیسی هستم به صلیب میکشد. میمون میگوید که میخواهد در بین گویم (غیریهود) حل شده و با آنها معاشرت کند و توفی (مجری) برنامه به او میگوید که خوب اگر عیسی را دوست داری نقش او را بازی کن. در صحنه بعد توفی میمون را به صلیب میکشد و میمون از حرفهای خود پشیمان شده و ابراز ندامت میکند. توفی به او میگوید که او یک نازی است.



(راست) ران جرمی (*Ron Jeremy*) بازیگر پورن یهودی در حال مسخره کردن عیسی. (چپ) سارا سیلورمن (*Sarah Silverman*) در حال مسخره کردن عیسی مسیح.



برنامه تلویزیونی اسرائیل به نام توفی و گوریل (*Toffee and The Gorilla*) که در آن مجری که یک زن نیمه برهنه است یک میمون را به عنوان عیسی مسیح به صلیب میکشد، زیرا او گفته است که میخواهد با گویمها (جتایلها) معاشرت کند.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْعُ بِالنَّاسِ إِلَى طَرِيقِي ۖ وَاتَّبِعُوا أَمْرِي وَلَا تَتَّبِعُوا سُلُوكَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ هُمْ يُضِلُّونَ سُبُلِي ۖ وَمَا أَصْحَابُ الْأَيْمَانِ إِلَّا ذُرِّيٌّ أَنَا وَمَا أَنَا إِلَّا عَبْدٌ فَاتَّبِعُوا مَآئِدِي وَلَا تُلْهُوْنَ بِاللَّهْوِ ۗ  
 إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۵۵) فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ (۵۶) [یاد کن] هنگامی را که خدا گفت ای عیسی من تو را برگرفته و به سوی خویش بالا می‌برم و تو را از [آلایش] کسانی که کفر ورزیده‌اند پاک می‌گردانم و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند فوق کسانی که کافر شده‌اند قرار خواهم داد

آنگاه فرجام شما به سوي من است پس در آنچه بر سر آن اختلاف مي‌کردید میان شما داوري خواهم کرد. اما کسانی که کفر ورزیدند در دنیا و آخرت به سختي عذابشان کنم و یاوراني نخواهند داشت.

—سوره آل عمران، آیه ۵۵

از این رو قدرت گرفتن کسانی که نسبت به عیسی کفر ورزیده‌اند (یهودیان) نسبت به کسانی که از او پیروی کرده‌اند (مسیحیان) نشانه‌دهنده نزدیک بودن روز قیامت است.

### قربانی کردن کودکان (*Ritual Child Sacrifice*)

یکی از چیزهایی که یهودیان در همه جای دنیا به آن متهم میشدند قربانی کردن کودکان غیریهودی است. این اتهام تقریباً در تمامی کشورهای یهودی در آنجا ساکن بودند بدون توجه به دین، مذهب و یا نژاد اتفاق افتاده است. جالب اینکه بسیاری از این کشورها با یکدیگر ارتباطی نداشتند و احتمال اینکه این امر شایعه‌ای بوده که از یک کشور به کشور دیگر منتقل شده باشد بسیار اندک است. یهودیان متهم میشدند که برای پختن نان مخصوص عید پسخ از خون غیریهودیان استفاده میکنند. عید پسخ (*Passover*) یادآور عذاب خدا بر قوم فرعون است. هنگامی که موسی از فرعون میخواهد که قوم او را از اسارت آزاد کند و اجازه خروج از مصر دهد فرعون با اینکار مخالفت میکند. خدا ۱۰ بلا به مصریان میفرستد که آخرین این بلاها کشته شدن فرزند بزرگتر تمامی مصریان است. در این زمان خدا به موسی میگوید که به اسرائیلیها بگوید تا بر روی در منزل خود علامتی بگذارند که باعث میشود فرشته عذاب از روی خانه آنها بگذرد و آنها را عذاب نکند. در تورات آمده است که یهودیان برای جشن گرفتن این عید باید نان بدون مخمر بخورند.

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا

قَوْمًا مُّجْرِمِينَ (۱۳۳) پس بر آنان طوفان و ملخ و کنه ریز و غوکها و خون را به صورت

نشانه‌هایی آشکار فرستادیم و باز سرکشی کردند و گروهی بدکار بودند (۱۳۳)

-سوره اعراف آیه ۱۳۳

به صورت تاریخی یهودیان در همه جای دنیا متهم شدند که برای پختن این نان از خون کودک جنتایل استفاده میکنند. اولین بار در یونان قدیم نویسنده یونانی-مصری آپیون (*Apion*) گفت که یهودیان یونانیها را در معبد خود قربانی میکنند. این باعث حمله مردم به یهودیان و کشتن تعدادی از آنان در سال ۳۸ میلادی شد. سوکراتس اسکولاستیکس (*Socrates Scholasticus*) در قرن پنجم نوشته است که یهودیان مست یک کودک مسیحی را برای مسخره کردن عیسی به صلیب کشیدند. در انگلستان در سال ۱۱۴۴ در نورویچ (*Norwich*) یهودیان متهم شدند که یک کودک مسیحی به نام ویلیام نورویچی (*William of Norwich*) که جسد او به همراه زخمهای چاقوی عمیق پیدا شده بود را کشتند. ویلیام به عنوان یک شهید مسیحی شناخته شد و بسیاری مردم برای زیارت قبر او میرفتند. موارد مشابهی در گلوکستر (*Gloucester*)، بری سنت ادموندز (*Bury St Edmonds*) و بریستول (*Bristol*) گزارش شد. در سال ۱۱۸۹ یهودیانی که در مراسم تاجگذاری ریچارد شیردل بودند مورد حمله مردم قرار گرفتند. یهودیان مورد حمله مردم قرار گرفتند و تعدادی از آنان کشته شدند. یهودیان در سال ۱۲۹۰ به طور کامل از انگلستان اخراج شدند و تا سال ۱۶۵۵ اجازه بازگشت به انگلستان نیافتند. در لینکلن (*Lincoln*) یک کودک مسیحی ۸ ساله در سال ۱۲۵۵ گم شد و جسد او در ملک یک یهودی پیدا شد. او اعتراف کرد که یهودیان این کودک را قربانی کرده و به صلیب کشیدند. در فورزایم (*Pforzheim*) جسد یک دختر بچه هفت ساله در رودخانه پیدا شد که دارای زخمهای عمیقی بود. یک زن اعتراف کرد که این کودک را برای

قربانی کردن به یهودیان فروخته است. در اوپر وسل (*Oberwesel*) اتفاق مشابهی با جسد یک کودک ۱۱ ساله افتاد. سیمون ترنتی (*Simon of trent*) دوساله در ۱۵۸۸ گم شده و جسد او پیدا شد. یهودیان متهم شدند او را قربانی کردند و او به عنوان یک سنت در کلیسای کاتولیک تا سال ۱۹۶۵ بود. کریستوفر تولدو (*Christopher of Toledo*) یک کودک چهارساله بود که اعلام شد به دست دو یهودی و سه یهودی مسیحی شده کشته شد. در بوسینگ (*Bazin*) یک کودک ۹ ساله پیدا شد که تمامی خون او خارج شده بود. سی یهودی به این گناه اعتراف کردند و به صورت علنی کشته شدند. در روسیه یک کودک شش ساله به نام گاوریل بلوستوکسکی (*Gavriil Belostoksky*) از روستای زورکی (*Zverki*) پیدا شد که در زمان عید پسخ گم شده بود. یک یهودی به اینکار و اینکه خون او را به مدت ۹ روز از بدن او خارج میکرده است متهم شد. در سوریه در ۱۸۴۰ یک کشیش کاتولیک گم شد و یهودیان متهم شدند که او را دزدیده و قربانی کردند. در رودز (*Rhodes*) در ۱۸۴۰ یهودیان متهم شدند که یک کودک یونانی را دزدیده و او را قربانی کردند. در گرجستان در ۱۸۷۹ یهودیان متهم شدند که یک دختر بچه مسیحی را دزدیده و قربانی کردند. در ۱۸۸۲ در مجارستان یهودیان متهم شدند که یک دختر مسیحی ۱۴ ساله را قربانی کردند. در ۱۹۱۰ در شیراز یهودیان متهم شدند که یک دختر مسلمان را دزدیده و قربانی کردند. مردم به یهودیان حمله کرده و ۱۲ یهودی را کشتند. در کیف (*Kiev*) در ۱۹۱۳ یک کارخانه دار یهودی متهم شد که یک کودک مسیحی را کشته و قربانی کرده است. در ۱۹۲۸ یهودیان ماسنا در نیویورک (*Massena*) متهم شدند که یک کودک مسیحی را دزدیده و قربانی کرده اند. در ۱۹۴۴-۱۹۴۶ در لهستان تعداد زیادی از یهودیان متهم شدند که کودکان مسیحی را دزدیده و قربانی کرده اند. فیصل پادشاه عربستان یهودیان ایرانی را متهم کرد که کودکان را دزدیده و قربانی میکنند. در سال ۲۰۰۵ یهودیان کراسنویارسک (*Krasnoyarsk*) روسیه متهم شدند که پنج کودک را دزدیده و قربانی کرده اند. آریل تواف (*Ariel*)



(Toaff) استاد دانشگاه اسرائیلی در سال ۲۰۰۷ کتابی به نام پسخ خون : یهودیان اروپا و قربانی کردن (*Passover of Blood: The Jews of Europe and Ritual Murder*) نوشته است که در آن میگوید احتمال زیاد بعضی یهودیان در این عمل نقش داشتند. هرچند که او بعدا به دلیل فشارهای وارده مجبور به معذرت خواهی و تغییر نظر خود شد.

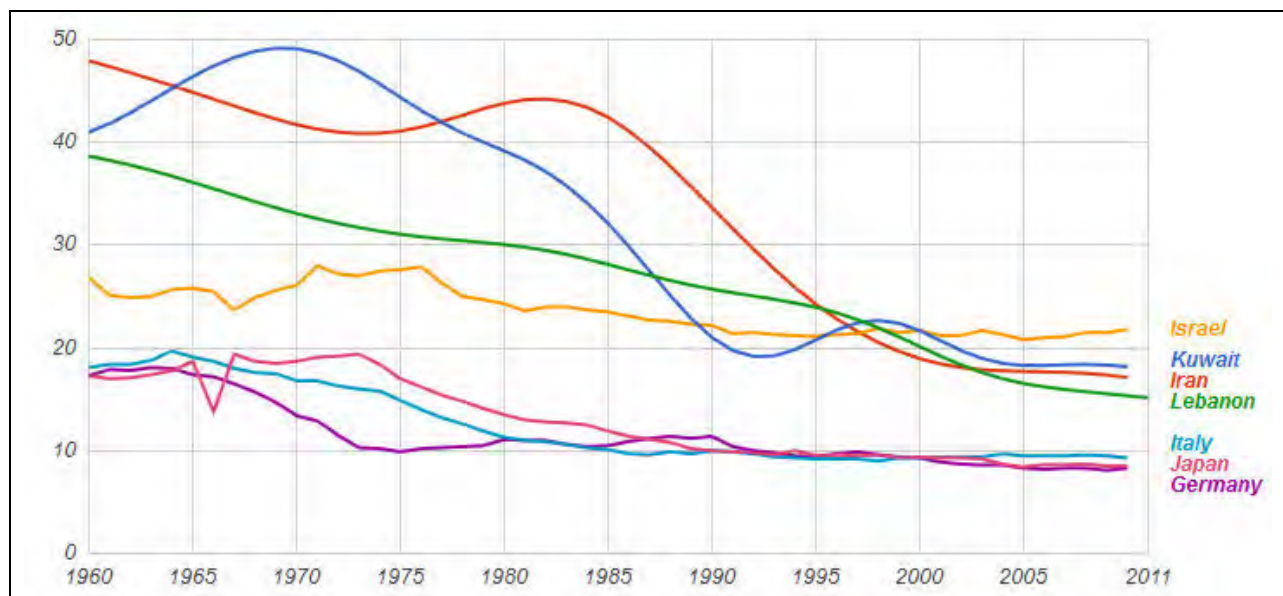
مجری معروف آمریکایی اوپرا وینفری (*Oprah*) در اوائل کار خود در یک برنامه یک دختر یهودی به نام راشل را به برنامه آورد که او گفت خانواده او کودکان را قربانی میکنند. این دختر گفت که خانواده او از قرن ۱۷ در لهستان اقدام به قربانی کردن کودکان برای به دست آوردن قدرت میکنند. او گفت که خانواده او در درون منزل شیطان را پرستش میکنند ولیکن از بیرون یک خانواده معمولی یهودی به نظر میآیند. در روز آنها مانند افراد دیگر رفتار میکردند ولی در شب برنامه های قربانی کردن انجام میدادند. این دختر گفت که این رفتار بخشی از صوفیگری یهودی یا کابالا (*Kabbalah*) است و او این کار را در کتابهای کابالا دیده است. هیچ مصاحبه دیگری با این دختر پخش نشد و بعدا ادعا شد که او دارای بیماری روانی است.

### کاهش نرخ زاد و ولد جنتایلها و نابود شدن نهایی آنان

بعد از اینکه یهودیان متوجه شدند برنامه هایی نظیر عقیم کردن تمامی مردم آلمان عملی نیست به فکر دیگری برای نابودی دشمنان جنتایل خود افتادند. هر نژادی از طریق بارور شدن زنان آن ادامه می یابد و برای نابودی دشمنان جنتایل کافی است که زنان آنها را متقاعد کنند که بچه دار نشوند. از این رو آنها با گسترش فمینیسم زنان را تشویق کردند که خانه و خانواده و کودکان خود را رها کرده و به کار بیرون از منزل بپردازند. نتایج اینکار اثرات نابود کننده ای بر بنیان خانواده و اجتماع داشت. ورود زنان به عرصه کار به طبع باعث کاهش باروری آنان شد. زیرا زنانی که بچه دار شوند نمیتوانند در عین حال در عرصه کار

پیشرفت کنند. از این رو بچه دار شدن زنان دیگر نه به عنوان نعمتی از جانب خدا و بلکه به عنوان عاملی برای عدم پیشرفت مطرح شد. ورود زنان به عرصه کار باعث کاهش حقوق مردان نیز گشت. زیرا با دوبرابر شدن نیروی کار به طور طبیعی حقوقها پایین آمد. با دو برابر شدن نیروی کار دولت همه مردم را وادار به تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های به دردخور کرد تا نرخ ظاهری بیکاری را پایین بیاورد زیرا در هیچ جامعه‌ای کار کافی برای هم زنان و هم مردان وجود ندارد. زنان چون اکثرا دارای مردی نظیر پدر و یا شوهر بودند که بخشی از مخارج آنان را تامین میکرد حاضر بودند با حقوقهای بسیار پایینتر کار کنند. از این رو کارفرماهای اکثرا یهودی با یک تیر چندین نشان را به صورت همزمان زدند. امروزه زنان توسط سیستم آموزش و پرورش و رسانه طوری برنامه‌ریزی شده‌اند که علاقه خاصی به بچه دار شدن و تشکیل خانواده ندارند. آنها حاضرند هر نوع بد رفتاری را از کارفرمای خود آقای کهن قبول کنند و هر دستور او را گوش دهند ولیکن حاضر نیستند هیچ حرفی را از شوهر و یا پدر خود قبول کنند. آنها طوری برنامه‌ریزی شدند که گویی مردان اطراف آنها دشمن آنها و مردان یهودی صاحب رسانه و تجارتها دوست آنان هستند. این مردان حس ضعیف بودن ذاتی زنان نسبت به مردانشان را از بین برده و به آنها مردانگی داده اند. دیگر کسی به آنها ضعیفه نمیگوید زیرا مردان یهودی آنان را قوی کرده اند. سیگموند فروید یهودی گفت همه زنان نسبت به آلت جنسی مردان حسادت میکنند و یهودیان با مرد کردن زنان این حسادت را برطرف کردند و به آنان آلت جنسی دادند. زنان مرد شده و مردان زن میشوند. مردان هر روز به آرایش کردن و پوشیدن لباس صورتی و کارهای زنانه‌تر روی میاورند و زنان هر روز سعی میکنند خشنتر و مردانه‌تر رفتار کنند تا سرکار جدی گرفته شوند. به طور طبع مردان نیز علاقه کمتری به زنان نشان داده و تمایل آنها به ازدواج و تشکیل خانواده بسیار کم شده است. یهودیان با سیستم رسانه‌ای خود در هر جای دنیا زنان تصمیم بگیرند کار بیرون را رها کرده و به تشکیل خانواده و بزرگ کردن کودکان و مطیع بودن پردازند آنها را مظلوم و ظلم دیده

معرفی میکنند. آنها کار کردن و بچه دار نشدن زنان جنتایل را بهترین چیز برای آنان میدانند. مطالعات بسیاری نشان میدهد که امروزه زنان به مراتب افسرده تر و ناراحتتر از زمانهای گذشته هستند که این مسئولیتها بر عهده آنان نبود و مطیع شوهرشان بودند. زنان امروزی هم کار بیرون و هم کار منزل را انجام میدهند و هم کودکان را در بسیاری موارد به تنهایی بزرگ میکنند و فکر میکنند اینگونه ظلم نمیبینند. این کودکان که توسط مادرشان به تنهایی بزرگ میشوند اکثرا دارای مشکلات جدی روحی و روانی هستند. نمودار نرخ زاد و ولد در کشورهایی که به طور تاریخی با یهودیان مشکل داشتند بیشتر از هر چیز گویای این مساله است که این یک برنامه شیطانی و نه به صورت اتفاقی است. جالبتر اینکه آنها این نسخه را فقط برای زنان جنتایل مینویسند و اصلا به یهودیان ارتدوکس که اکثرا تعداد زیادی بچه دارند کاری ندارند.



نمودار نرخ زاد و ولد در کشورهای مختلف. از سال ۲۰۰۰ نرخ زاد و ولد در اسرائیل از بسیاری کشورهای دشمن پیشی گرفته است. جالب این است که کشورهایی که در جنگ جهانی دوم با یهودیان (قومی که اعتقاد دارد خود خداست) جنگ کردند اکنون به کمترین نرخ زاد و ولد دچارند. ولیکن دولتهای آنها هر روز سیاستهای مردستیزانه تری وضع میکنند تا به صورت کامل جنتایل های دشمن را از بین ببرند. به زودی

چیزی به نام آلمانی، ژاپنی و یا ایتالیایی وجود نخواهد داشت.

در کنفرانس هرزلیا (*Herzliya*) سال ۲۰۱۰ مارتین کریمر (*Martin Kramer*) استاد یهودی دانشگاه هاروارد سخنان زیر را در مورد نرخ زاد و ولد مسلمانان مطرح کرد: در تمام جنگهای اسرائیل با دشمنان خود تلفات آنها بیشتر از اسرائیلیان است. از این رو کشورهای اسلامی دارای فرهنگ شهادت نیازمند مردان جوان بیشتری نسبت به اسرائیل هستند. او ادامه داد که اسرائیل در صورتی موفق می‌شود که بتواند نرخ تولید مثل کشورهای اسلامی را کاهش دهد و نمونه موفق این مساله ایران است که اسرائیل موفق شده است نرخ زاد و ولد هر زن را از ۵ به کمتر از حد جایگزینی (کمتر از ۲) برساند. او ادامه داد که در صورتی که اسرائیل موفق شود همین رویه را در فلسطین اجرا کند در جنگهای آتی با فلسطینیان پیروز خواهد شد. از نظر او یک راه جلوگیری از زاد و ولد فلسطینیان قطع کردن کمکهای انسان دوستانه به آنان است.

### سقط جنین

"ما به دنبال نابودی خانواده هستیم. بهترین راه برای اینکار حمله به ضعیفترین عضو آن است: جنین به دنیا نیامده" - سیمون ویل (*Simone Veil*)، وزیر بهداشت یهودی فرانسه و از بازماندگان آشویتز که سقط جنین را در فرانسه آزاد کرد.

یکی از تفاوت‌های مسیحیت و اسلام با یهودیت در ممنوعیت سقط جنین است. در اسلام و مسیحیت سقط جنین گناهی بزرگ بوده و مانند قتل است. ولیکن در شرع یهود سقط جنین مانند ضرر زدن به اموال یک شخص بوده و نیازمند پرداخت جریمه است. ولیکن وضعیت آن مانند قتل نیست. تنها کشتن مادر باردار قتل محسوب میشود. در تورات تنها مطلبی که در مورد زن باردار آمده است در کتاب خروج (*Exodus*) ۲۱:۲۲

آمده است: "اگر عده‌ای با هم درگیر شوند و در جریان این دعوا، زن حامله‌ای را طوری بزنند که به سقط جنین او منجر شود، ولی به خود او آسیبی نرسد، ضارب هر مبلغی را که شوهر آن زن بخواهد و قاضی آن را تأیید کند، باید جریمه بدهد. ولی اگر به خود او صدمه‌ای وارد شود، باید همان صدمه به ضارب نیز وارد گردد: جان بعوض جان، چشم بعوض چشم، دندان بعوض دندان، دست بعوض دست، پا بعوض پا، داغ بعوض داغ، زخم بعوض زخم، و ضرب بعوض ضرب."

در یهودیت جنین به عنوان یک انسان در نظر گرفته نمی‌شود. در قانون تلمودی جنین دارای وضعیت انسان کامل نمی‌باشد. (تلمود نیدا *Niddah 44b*)

در آمریکا به طور کلی معمولاً یهودیان ارتدوکس مخالف سقط جنین بوده و یهودیان رفرم، محافظه کار و بازساز موافق سقط جنین هستند.

مجله تبلت (*Tablet*) که یک مجله یهودی است در جولای ۲۰۱۲ نوشته است: "یهودیان آمریکا به صورت کامل موافق سقط جنین هستند (۴۹٪ در همه موارد و ۴۵٪ در بیشتر موارد)." از این رو ۹۴٪ یهودیانی که این مجله از آنها نظرخواهی کرده بود موافق سقط جنین بودند.

از ۱۹۷۳ تاکنون ۵۰ میلیون کودک در آمریکا سقط شده اند. بیشتر از ۵۰٪ درصد سقط جنین توسط پزشکان یهودی انجام می‌شود. کنت میتزner (*Kenneth Mitzner*) نویسنده یهودی نوشته است: "این غم انگیز ولی حقیقی است که بیشتر رهبران طرفدار سقط جنین یهودی هستند."

گروه‌های یهودی مانند اتحادیه ضد افترا (*ADL*)، کمیته یهودیان آمریکا (*American Jewish Committee*)، کنگره یهودیان آمریکا (*American Jewish Congress*)، بنای بریث زنان (*B'nai Brith Women*) و اتحادیه آزادیهای مدنی آمریکا (*ACLU*) نیز از گروه‌های اصلی طرفدار

سقط جنین هستند. در گروه نارال (*NARAL*) که از گروه‌های اصلی در آزاد شدن سقط جنین در آمریکا بود از چهار عضو اولیه هر چهار نفر یهودی بودند (برنارد ناتانسون (*Bernard Nathanson*), لارنس لدر (*Lawrence Lader*), بتی فریدان (*Betty Friedan*) و ارنستا درینکر بالارد (*Ernesta Drinker Ballard*)). دکتر کریستوفر تیتز (*Dr. Christopher Tietze*) برای گروه والدشدن برنامه ریزی شده (*Planned Parenthood*) کار میکرد و نقش مهمی در گسترش سقط جنین در دنیا داشت. دکتر آلن گوتماهر (*Dr. Alan Guttmacher*) نیز برای گروه والدشدن برنامه ریزی شده کار میکرد و نقش مهمی در گسترش سقط جنین داشت. پل اهرلی (*Paul Ehrlich*) استاد دانشگاه استنفورد (*Stanford University*) نقش مهمی در گسترش ایده جمعیت بیش از حد زمین داشت. لارنس لدر استاد دانشگاه نیویورک (*NYU*) کتابهای زیادی در تشویق سقط جنین نوشت و در آزاد شدن سقط جنین در آمریکا در دادگاه رو بر علیه وید (*Roe Vs. Wade*) نقش مهمی داشت. دکتر هنری مورگنتالر (*Dr. Henry Morgentaler*) نقش مهمی در گسترش سقط جنین در کانادا داشت.

## پروتوکل زعمای صهیون

"ایده آل یهودی این است که تمامی دنیا تحت سلطه تعلیمات یهودی قرار گیرد. و در یک برادری جهانی به رهبری یهودیت بزرگ، تمامی نژادها و دینها از بین بروند." -دنیای یهودی (*Jewish World*)، ۹ فوریه ۱۹۳۳.

در اوائل قرن بیستم در روسیه کتابی چاپ شد که بعدها پروتوکل زعمای صهیون نام گرفت. ناشر آن یک استاد دانشگاه روسی به نام پروفیسور سرگئی نیلوس (*Sergei Nilus*) بود. نیلوس میگفت که متن کتاب را از یک مقام دولتی گرفته و او نیز این کتاب را از یک زن روسی گرفته و او هم آن را از یک یهودی در پاریس خریده است. پروتوکلها صورت جلسه دیدارهای مخفی بین سران یهودی تمامی دنیا برای کنترل کشورهای غیریهودی و از بین بردن غیریهودیان است. در پروتوکلها یهودیان برنامه خود را برای کنترل بانکها، ایجاد جنگ و انقلاب برای کاهش قدرت جنتایلها، برای ایجاد موسیقی و فیلمهای فاسد، برای فاسد کردن آموزش و پرورش، برای کنترل رسانه ها و برای نابودی خانواده بیان میکنند. پروتوکلها آنقدر شیطانی هستند که خواندن آن مو را بر تن انسان راست میکند. بعد از انقلاب کمونیست روسیه که یهودیان بانی اصلی آن بودند هرکسی که کتاب پروتوکل را همراه داشت آنا تیرباران میشد. این کتاب به زبانهای زیادی ترجمه شده و چاپ شد. هنری فورد (*Henry Ford*)، موسس کارخانه فورد، بسیار تحت تاثیر پروتوکلها قرار گرفت و کمک کرد که این کتاب در آمریکا در نشریه او به نام *Dearborn Independent* چاپ شود. وقتی یهودیان به او میگفتند که این متن تقلبی است او فقط میگفت که این کتاب با اتفاقاتی که در حال افتادن است تطابق دارد. چیزهایی که هنری فورد وقتی این نظر را داد در نظر داشت جنگ جهانی اول و نابودی تمام حکومتهای اشرافی اروپا و دیگری انقلاب روسیه و نابودی تزار و تسلط کمونیسم بر روسیه

بود. هنری مورد باهوشی بود و فهمیدن اینکه او چگونه فکر میکرد سخت نیست. او راهی نداشت که بفهمد آیا واقعا پروتوکلها درست هستند یا نه. ولیکن او بسیار تحت تاثیر این قرار گرفته بود که وقایع دنیا با آنچه در پروتوکلها نوشته شده بود همخوانی داشت. اگر نسخه جدیدی از پروتوکل به دست میآمد شاید مشابه این بود :

سلام بر زعمای صهیون. امروز میخواهم از موفقیت ما در نابودی جنتایلها و چپاول کردن ثروت آنان بگویم. هنوز تعداد کمی مقاومت میکنند ولیکن به زودی تلاش چندین هزار ساله ما برای نابودی جنتایلها موفقیت آمیز خواهد بود و ما موفق خواهیم شد تمامی ثروت آنان را به دست آوریم. همانگونه که یهوه خدای اسرائیل به ما دستور داده است. در روسیه که آنها با ما بسیار مخالفت میکردند ما به کمک زعیم صهیون خود، کارل مارکس موفق شدیم مردم عامی را بر علیه دیگران تحریک کنیم و قدرت آنها را نابود کرده و کنترل اوضاع را به دست آوریم. ما تزار آنها و تمامی خانواده اش را مانند گوسفندهای جنتایل کشتیم. بعد ما به سراغ نخبگان آنها رفتیم. اول تمامی نویسندگان، دانشمندان و محققان آنها را کشتیم تا کسی موفق نشود مردم را بر علیه ما تحریک کند. بعد به سراغ مردم عادی رفتیم و آنها را به گولاگ (اردوگاه کار اجباری) فرستادیم. یکی از آنان به نام استالین را یار خود کردیم. بعدا استالین تلاش کرد که بر علیه ما فعالیت کند ولیکن یکی از زنان ما دکتر او بود و ما موفق شدیم او را مسموم کنیم. وقتی کمونیسم شکست خورد، ما یک خصوصی سازی آغاز کردیم و تمامی ثروت باقیمانده را در کنترل گرفتیم. ولیکن آمریکا نمونه بارز موفقیت ما است. ما موفق شدیم یک عروسک خیمه شب بازی را به عنوان رئیس ظاهری قرار دهیم و افراد خود را پشت سر او قرار دهیم که قدرت واقعی را داشته باشند. ما کنترل دانشگاهها و مدارس آمریکا را به دست آوردیم و نمیگذاریم هیچکس نظری مخالف ما بدهد. ما هنر و موسیقی آمریکا را فاسد کردیم. ما آمریکا را تبدیل به صادر کننده اصلی فساد در دنیا کردیم. ما مردم آمریکا را مجبور میکنیم که به نمایشگاه نقاشی بیایند که در



آن مدفوع حیوان بر روی یک تابلوی نقاشی چسبیده شده است و ما آن را مریم مقدس آنان مینامیم. ما به زودی مسیحیان آمریکا را از بین میبریم. ما در آمریکا موفق شدیم زیرا ما رسانه ها را تحت کنترل داشتیم و نمیگذاریم اطلاعات ضد ما به گوش کسی برسد. دلیل دیگر موفقیت ما سیستم دموکراسی است که در آن احمقها معادل نخبگان دارای حق رای هستند و ما میتوانیم نظرات آنها را تحت کنترل بگیریم. زنده باد دموکراسی. زنده باد صهیون. زنده باد زعمای صهیون.

به طور کلی پروتوکولها را میتوان در اهداف زیر خلاصه کرد:

- افراد خود را در موقعیتهای حساس قرار میدهیم.
- رسانه را تحت کنترل میگیریم و از آن برای اهداف خود استفاده میکنیم.
- سامنر رdstون، دیوید سارنوف، آرتور سالزبرگر، ...
- جنگ بین نژادهای مختلف، طبقات اجتماعی مختلف و دینهای مختلف ایجاد میکنیم.
- جنگ ترک و فارس، عرب و عجم، مسلمان و مسیحی، جنگ صلیبی، جنگ بر علیه تروریسم، ساخت جک در مورد ترکها، رشتیها، لرها و ...
- از رشوه و تهدید برای رسیدن به هدف خود استفاده میکنیم.
- بیل و مونیکا لویینسکی، ژنرال پتروئیوس، ...
- از لژهای فراماسونری برای جذب نیروهای دولتی استفاده میکنیم.
- موسسان آمریکا همگی عضو لژهای فراماسونری بودند.

- از خودشیفتگی افراد موفق استفاده میکنیم.
  - عروسکهایی را به عنوان رهبر میگذاریم که بتوانیم به وسیله تهدید کنترل کنیم.
- اوباما، سارکوزی، دیوید کامرون،....
- پادشاهی را با سوسیالیسم، کمونیسم و دموکراسی جایگزین میکنیم.
- تمامی پادشاهیها در دنیا در ۱۰۰ سال گذشته از بین رفته اند.
- تمامی حقوق و آزادیها را لغو میکنیم غیر از آزادی استفاده از زور توسط خودمان.
- یهودیان در تلاش زیاد هستند که اسلحه های مردم آمریکا را بگیرند تا خود فقط مسلح باشند.
- مردم و حتی یهودیان را وقتی لازم باشد قربانی میکنیم.
- یازده سپتامبر، حملات تروریستی بمبئی،....
- دین را از بین میبریم و آنرا را با علم و ماتریالیسم جایگزین میکنیم.
- نمونه کامل اینکار در ایران به کمک گشت ارشاد و دین به مدل "شما با هم چه نسبتی دارید؟" انجام شده است.
- سیستم آموزشی را کنترل میکنیم تا به وسیله آن فریب را گسترش داده و فرهیختگی را نابود کنیم.
- تلمود را مخفی میکنیم، یهودیان را به عنوان افرادی مهم و دانشمند معرفی میکنیم،....
- تاریخ را برای پیشبرد هدفهای خود دوباره مینویسیم.

پوریم را به ایرانیان درس نمیدهیم، نقش یهودیان در امپراتوری انگلستان و یا برده داری را سانسور میکنیم و مسیحیان را مقصر نشان میدهیم.

- تفریحات برای دور کردن ذهن مردم از حقیقت ایجاد میکنیم.

کانالهای ماهواره مجانی برای مردم ایران ایجاد میکنیم با اینکه مردم کشورهای دیگر باید برای دیدن آنها پول بدهند.

- ذهنها را با کثافت و اعمال شنیع پر میکنیم.

پورنوگرافی به قدری در دسترس است که هر کودکی نیز در سنین پایین آن را دیده است.

- مردم را به جاسوسی علیه همدیگر تشویق میکنیم.

- عامه مردم را در فقر و کار بدون مزد قرار میدهیم.

حقوق کارمندان در ایران به قدری کم است که زندگی با آن ممکن نیست. با اینکه دولت پولهای بسیار بزرگی صرف کارهای بی اهمیت میکند و یا به یهودیانی مانند آقای خاوری میدهد.

- تمامی ثروتها، زمینها و مخصوصا طلاها را در اختیار میگیریم.

- از طلا برای بازی کردن با بازارها و ایجاد مشکلات مالی استفاده میکنیم.

- مالیاتی که با افزایش ثروت زیاد میشود ایجاد میکنیم.

این برنامه اکنون در حال شکلگیری در ایران است.

- سرمایه گذاری واقعی را با حدس و گمان جایگزین میکنیم.

- به دولت وامهای بلند مدت با سود میدهیم.

- به دولت و هر کس غیر از خودمان مشاوره بد میدهیم.

در نهایت گویم (جنتایلهها) به قدری از دست دولت خود عصبانی خواهند بود (زیرا ما دولت را مسئول همه چیز معرفی میکنیم) که میگذارند ما به راحتی قدرت را در دست بگیریم. در این زمان ما یک نفر از نسل داوود را به عنوان شاه معرفی کرده و گویمهای باقی مانده تعظیم کرده و او را ستایش میکنند. تمامی دنیا در صلح خواهد بود و حکومت او با عظمت خواهد بود.

### صد سال قوانین تلمودی

در صد سال گذشته قوانین تلمودی به تدریج بر قوانین انجیل و قرآن غلبه کرده است. تمامی جنبشهای مختلف در صدسال اخیر تحت تاثیر این مساله بوده است. یهودیان اعتقاد دارند آنها نوری در بین ملتها هستند و از این رو باید در زندگی غیریهودیان تغییر ایجاد کنند. به طور مثال در تلمود ذکر شده است که کشاورزی بدترین شغل است. ولیکن قرآن و انجیل کشاورزی را از بهترین شغلها و شغل انبیا میدانند. از این رو در صدسال اخیر کشاورزی تدریجا به کاری بیکلاس تبدیل شده و هیچ جوانی مایل نیست کشاورز شود. قوانین مربوط به سقط جنین نیز همینگونه است. در قرآن و انجیل سقط جنین حرام بوده و معادل کشتن یک انسان محسوب میشود. ولی در تلمود تا جنین از بدن مادر خارج نشده باشد انسان کامل محسوب نمیشود و از این رو کشتن آن بی ایراد است. قوانین تلمود به تدریج بر قوانین انجیل و قرآن غلبه کرده و بر آنها مسلط شده است.

قوانین مربوط به اعدام نیز همینگونه است. همه روزه سازمانهای یهودی در تلاشند قانون اعدام را در ایران و سایر کشورها لغو کنند. با اینکه در تورات اعدام بسیار بیشتر از اسلام توصیه شده است و قوانین توراتی به

مراتب سختتر و شدیدتر از قوانین قرآنی است. خاخامها در سال ۷۰ بعد از میلاد مسیح در جلسه‌ای حکم اعدام را لغو کرده و آن را تعلیق به محال کردند. آنها قانون خدا (تورات) را لغو کرده و قانون خود (تلمود) را جایگزین کردند. با اینکه تورات قصاص را به عنوان روش مهم در حفظ اخلاق توصیه میکند خاخامهای یهودی معتقدند قصاص حکمی نادرست است. از این رو امروزه نیز در تلاشند که قوانین تلمودی خود را بر قوانین قرآنی مسلط کنند و تمامی حکومت‌های دنیا ایده الهای تلمود را به عنوان مبانی اخلاقی خود قرار دهند.

"این بهتر است که هزار نفر گناهکار آزاد شوند تا اینکه یک نفر بیگناه به اعدام محکوم شود." - ابن میمون (*Maimonides*)

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵) مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید.

-سوره جمعه آیه ۵

یازده سپتامبر و آغاز عصر نهایی

یازده سپتامبر که حادثه بسیار مشکوک و عجیبی است نماد آغاز شدن عصری نهایی است. جزئیات ارائه شده توسط دولت آمریکا در مورد این حادثه غیرقابل باور و بیمعنی است. در طول تاریخ هیچ ساختمانی به دلیل آتش فرونریخته است. یک ساختمان در حال فروپاشی هیچوقت به صورت عمودی سقوط نمیکند. هیچگاه ساختمانی که در اثر آتش نابود شود تبدیل به پودر نشده و تکه های بزرگ وجود خواهد شد. ساختمان شماره ۷ (*Building 7*) توسط هیچ هواپیمایی مورد اصابت قرار نگرفت ولیکن بدون دلیل همراه دو ساختمان اصلی سقوط کرد. طراح ساختمانها آنها را طوری طراحی کرده بود که حتی اگر یک هواپیما نیز به آن برخورد کند سقوط نکند. سوخت جت درون هواپیماها به قدر کافی نبود که بتواند تمامی ساختمان را نابود کند. پنتاگون به گفته مسئولان دولت آمریکا توسط یک هواپیما مورد هدف قرار گرفت ولیکن هیچ دوربینی تصویری از هیچ هواپیمایی که به پنتاگون برخورد کند ثبت نکرده است. سوراخ ایجاد شده در ساختمان پنتاگون بسیار کوچکتر از عرض هواپیمای مورد اشاره بود. سرویس اطلاعاتی آمریکا بسیار قوی بوده و بسیار بعید است که چندین عرب به آمریکا آمده و تمرین پرواز هواپیما بدون یادگیری فرود آمدن بکنند و سرویسهای اطلاعاتی به آنها مشکوک نشوند. مهمترین ادله دولت برای اینکه افراد مورد نظر در حملات نقش داشتند یک پاسپورت به دست آمده در خرابه ها بود، با اینکه تمام بتن‌ها و استیل‌های ساختمان تبدیل به پودر شده بود ولیکن این پاسپورت به طرز معجزه آسایی سالم مانده بود. ساختمانهای دوقلو دارای صاحبان یهودی به نام کمپانی سیلورستاین (*Silverstein properties*) بود و در زمان حملات در اجاره یک تاجر اسرائیلی-استرالیایی به نام فرانک لوی (*Frank Lowy*) بودند. لوی مقادیر زیادی پول در اسرائیل سرمایه گذاری کرده است. در زمان این حملات شبکه تلویزیونی فاکس نیوز (*Fox News*) که توسط یک غیریهودی مدیریت میشود در گزارشی گفته است: "از زمان ۱۱ سپتامبر، ۶۰ جاسوس اسرائیلی توسط دولت دستگیر شده اند." "اطلاعاتی در مورد اینکه آیا اسرائیلیها در این حملات نقش داشتند موجود نیست، ولیکن

ماموران تصور میکنند که اسرائیلیها از قبل در مورد این حملات اطلاع داشتند و آنها را در اختیار دولت آمریکا قرار ندادند.

در زمان حملات یک ون سیاه در نیویورک دستگیر شد که در آن چند نفر اسرائیلی در زمان حمله تروریستی به رقص پرداخته بودند. پلیس آنها را دستگیر کرد ولیکن آنها بدون خبر و به صورت مخفی آزاد شده و به اسرائیل بازگشتند.

فروریختن برجهای دوقلو دارای نمادگرایی نیز هست. در ورودی معبد سلیمان دو ستون به نامهای بواز و جاشین (*Boaz and Jachin*) وجود داشت. این دو ستون که در معابد فراموسونری نیز همیشه وجود دارند سمبل یک دریچه به دنیای دیگرند. از این رو با باز شدن این دریچه شیاطینی که در بند بودند رها شده و در دنیا تغییرات عجیب ایجاد کردند.

**"وقتی هزار سال تمام شد، شیطان از زندان خود آزاد خواهد شد." – عهد جدید، مکاشفات یوحنا، ۲۰:۷**

از این زمان ارزش پول به شدت افت کرده، همجنسبازی با سرعت عجیبی در دنیا آزاد شده، حکومت به طرز عجیبتری در همه جای دنیا پلیسی شده و جنگ با اسلام و با پیامبر آن شدت گرفته و مسلمانان در همه جای دنیا و حتی کشور خودشان توسط دولت خودشان به شدت تحت فشار قرار گرفتند.

حملات تروریستی دیگر انجام شده از آن زمان نیز دارای ابعادی اسرائیلی است. به طور مثال در زمانی که یک فرد سودانی به نام عمر فاروق عبدالمطلب تلاش کرد که هواپیما را به کمک بمب که در لباس زیر خود مخفی کرده بود منفجر کند شبکه *CNN* مصاحبه‌ای با یک مسافر دیگر پخش کرد که در آن این فرد دیده بود که تروریست مذکور بدون پاسپورت به کمک مسئولین فرودگاه سوار شده بود. پدر این تروریست چند

روز قبل از این اتفاق به سفارت آمریکا رفته بود و به آنها در مورد فرزند خود هشدار داده بود. این فرد از فرودگاه آمستردام که یک شرکت اسرائیلی به نام *ICTS* که توسط یک اسرائیلی به نام عزرا هارل (*Ezra Harel*) مدیریت میشود مسئولیت امنیت آن را بر عهده دارد پرواز کرده بود. شرکت *ICTS* در بیشتر حملات تروریستی اتفاق افتاده در چند سال گذشته نقش داشته است. بعد از این اتفاق یک یهودی به نام مایکل چرتوف (*Michael Chertoff*) دولت را متقاعد کرد که از اسکنرهای بدن نما (*Naked Body Scanners*) در تمامی فرودگاههای دنیا استفاده کند. مایکل چرتوف در شرکتهای تولید کننده این تکنولوژی نیز دارای سهام است. جالبتر از همه اینکه اخیرا رئیس دپارتمان امنیت داخلی (*Department of Homeland Security*) جانیت ناپولیتانو (*Janet Napolitano*) با آویگدور لیبرمن (*Avigdor Lieberman*) وزیر خارجه قبلی اسرائیل قراردادی امضاء کرد که در آن شهروندان اسرائیل از عبور از این دستگاهها معاف شدند. این دستگاهها فقط برای جنتایلها و نه برای یهودیان طراحی شدند.





جنتایلها را مجبور میکند هر زمان که خواستند سوار هواپیما شوند یادآوری کنند که قوم اسرائیل خود خداست.



جانت ناپولیتانو (*Janet Napolitano*) رئیس *DHS* در حال امضای قرارداد کاپیتولاسیون برای معاف کردن یهودیان از دستگاههای اسکنر بدنما.

این حملات تروریستی مقدمه را برای دولت پلیسی جهانی فراهم خواهند کرد.

### چشم همه جا بین (*The All Seeing Eye*)

یکی از مسائل مهمی که حکومت جهانی آن را سمبلیزه میکند چشم همه جا بین است. در حکومت الله خدا سمیع و بصیر است ولیکن شیاطین به دنبال این هستند که جای خدا را گرفته و ترس از خود را جایگزین ترس از خدا کنند. در اسلام فرعون نماد شیطان است زیرا او مردم را طبقه طبقه کرده و گروهی را بر گروه دیگر مسلط میکرد. او ادعا شد که خود خداست. از این رو در اسلام سمبلهای مصر باستان نظیر ابلیسک و یا هرم نماد شیطانی محسوب میشوند. ابلیسک در واقع آلت تناسلی یکی از خدایان قدیم مصر به نام اسیریس (*Osiris*) است. چشم نیز سمبل خدای هوروس (*Eye of Horus*) است. در تمدن مدرن غربی تمایل زیادی به استفاده از این سمبلها وجود دارد. غربیان به مصر قدیم بسیار علاقه مندند. ولیکن آنها به مصر

اسلامی و یا مسیحی علاقه‌ای ندارند. آنها مصر را الگوی خود قرار دادند و پیشرفتهای تکنولوژیک فرعون را میپرستند. آنها نیز مانند فرعون مردم را طبقه طبقه کرده و با تقسیم مردم به گروههای سفیدپوست، رنگینپوست و سیاهپوست بعضی را برتری داده و بعضی را آزار میدهند. آنها روش حکومت فرعون را بهترین روش برای اداره دنیا میدانند.



سمبل چشم همه جا بین در روی اسکناس یک دلاری آمریکا.

در چند سال اخیر این سمبل چشم در همه جا دیده میشود. با ایجاد زمینه برای سیستم کنترل بین المللی قدرت چنین سیستمی در حال رسیدن به مرحله نهایی است. از این رو گروهی از افراد و نه خدا شما را در همه جا زیر نظر خواهند داشت و تمامی اعمال شما را از کودکی تا بزرگسالی مونیتور خواهند کرد. در هر زمان که فکری که توسط آنان درست نماید بکنید آنها شما را نابود خواهند کرد. در این زمان مسلمانان و مسیحیان واقعی بیشتر از همه تحت فشار خواهند بود.

## بیدینی به دنیای پلیسی منجر میشود

در هر جامعه‌ای که دین از بین رود حکومت ذره ذره پلیسی تر میشود. در جامعه‌ای که مردم از خدا بترسند آزادی بسیار زیاد است. هیچ مغازه داری احتیاج ندارد اجناس خود را دائماً مراقب باشد. هیچکس احتیاج ندارد قفل بزرگ برای در خانه خود خریداری کند. ولیکن با از بین رفتن دین و از بین رفتن ارزشهای اخلاقی و ریختن قبح کارهای ناپسند نیاز به حکومت مرکزی مقتدر بیشتر میشود. مردم از حکومت درخواست خواهند کرد که روشهای جدیدی برای جلوگیری از تقلب و کلاهبرداری ایجاد کند. حال آنکه روش اصلی جلوگیری از تقلب و کلاهبرداری ترس مردم از خداست. زیرا خدا همه جا بینا و شنواست. در چنین حالتی کشاورزی از بین میرود. زیرا کشاورزی کاری است که سود آن در بلند مدت است. اگر فردی محصولی بکارد و فرد دیگری بدون ترس از خدا محصول او را به تاراج ببرد کشاورزی از بین میرود. تنها در صورتی کشاورزی میتواند ادامه یابد که تمامی مردم حقوق مالکیت یکدیگر را محترم بشمارند و از خدا بترسند. در چنین شرایطی تمامی مردم اموال خود را تبدیل به خانه و آپارتمان میکنند بلکه از تاراج چپاول یکدیگر در امان باشد. هیچ کار تولیدی انجام نشده و تمام چیزها وارداتی میشود. در چنین شرایطی حکومت روز به روز پلیسی تر شده و امکانات جدیدتری به دلیل درخواست مردم برای کنترل کردن همه ایجاد میکند. حکومت به قدری قدرتمند میشود که تمامی اعمال مردم را زیر نظر دارد. مردم به دلیل ترس از خدا نیست که دزدی نمیکند و یا همدیگر را نمیکشند. تنها دلیل اینکه اینکار را نمیکند ترس از قدرت عجیب حکومت است.

در شوروی سابق این مساله کاملاً نمایان بود. حکومت کمونیسم به صورت ذاتی با از بین بردن دین به عنوان منبع اخلاق درونی و جایگزین کردن ترس از حکومت در دل مردم پلیسی میشود. در اتحاد جماهیر شوروی حکومت به قدری پلیسی بود که تمامی تلفن‌ها را کنترل کرده و تمامی مردم را دائماً زیر نظر داشت. در چندین سال اخیر نیز که دین در تمامی دنیا از بین رفته است نیاز به پلیسی شدن افزایش یافته است. در

تمامی دنیا بانکهای اطلاعاتی بزرگی شکل گرفته است. حکومتها همه به کارت ملی مجهز شده اند. فیسبوک و گوگل تمامی اطلاعات شما را با سرویسهای اطلاعاتی در میان میگذارند. پروژه اشلیون (*Echelon*) تمامی مکالمات تلفنی و اطلاعات ماهوارهها را ثبت و آنالیز میکند. سازمان *NSA* در حال ساخت یک مرکز اطلاعاتی در ایالت یوتا (*Utah Data Center*) در زمینی به مساحت ۱ میلیون متر مربع است تا به وسیله آن تمامی تلفنهای، پستهای الکترونیکی، جستجوهای اینترنتی، قبضهای بانک و آب و برق و پارکینگ، بلیتهای هواپیمایی و همه این اطلاعات را پردازش و مونیتور کند. کمپانی ناروس (*Narus*) از شعبه‌های بویینگ (*Boeing*) به مدیریت اوری کوهن (*Ori Cohen*) تمامی اطلاعات روی اینترنت را به صورت همزمان ضبط و پردازش میکند. در فیلمی هالیوودی به نام گزارش اقلیت (*Minority Report*) این دنیای ایده‌آل آینده یهودیان به تصویر کشیده شده است که در آن دوربینها در تمامی مکانهای عمومی بوده و شما را شناسایی خواهند کرد. این سیستم در حال اجرا شدن است و سیستمی به نام ترپ وایر (*TrapWire*) در آمریکا تصاویر تمامی دوربینهای نصب شده در ایالات متحده را پردازش میکند. گوگل با سازمان *NSA* در ارتباط است و سعی میکند از جستجوهای اینترنتی، تروریستها و در واقع جنتایلهایی که زیاد فکر میکنند را پیدا کرده و کارهای آنها را حدس بزند. در آینده در صورتی که حتی شما فکری بکنید که سیستم نمیپسندد آنها شما را دستگیر خواهند کرد. به زودی این سیستم به راه اندازی نهایی خواهد رسید و یک سیستم پلیسی بین المللی تمامی حرکات شما را کنترل خواهد کرد. دلیل این مساله نیز از بین رفتن اخلاق درونی و ترس از خداست. دیگر چیزی غیر از زور حکومت جلودار مردم نیست. تنها راه بازگشت آزادی به جامعه بازگشت اخلاق به میان مردم و جایگزینی ترس از خدا به جای ترس از حکومت است.

**حکومت جهانی**

"ما یک حکومت جهانی خواهیم داشت چه آن را دوست داشته باشید چه نداشته باشید. تنها سؤال این است که آیا این حکومت با رضایت به دست خواهد آمد یا زور؟" جیمز واربرگ *James Warburg*، بانکدار یهودی

"ما مالکان بزرگ را در روسیه نابود کردیم. ما همینکار را در اروپا و آمریکا نیز خواهیم کرد." - یهودی (*The Jew*)، دسامبر ۱۹۲۵، زینوبیت (*Zinobit*).

"حکومت‌های ملی باید از بین رفته و جای خود را به یک حکومت جهانی، پلیس جهانی و واحد پول جهانی بدهند." - لرد سسیل (*Lord Cecil*)، در نهار افتخاری برای او در هتل آستور نیویورک، ۱۹ نوامبر ۱۹۳۷.

"وقتی آلمان، انگلستان و آمریکا هویت و هدف فعلی خود را از دست دهند، ما همچنان در هویت خود قوی خواهیم بود." - موریس ساموئل (*Maurice Samuel*)، شما جنتایلهها (*You Gentiles*)، صفحه ۱۱۱.

"تنها یهودیت یک دین تاریخی و اخلاقی است: تمامی دینهای دیگر نه تاریخی و نه اخلاقی هستند." - یک برنامه برای یهودیان و انسانیت (*A Program for the Jews and Humanity*)، هری واتون (*Harry Waton*)، صفحه ۱۳۱.

"انقلاب جهانی که ما تجربه خواهیم کرد تنها مساله ما و در دست ما خواهد بود. این انقلاب تسلط یهودیان را بر تمامی افراد دیگر تنگ تر خواهد کرد." مردم یهودی *Le People Juif*، ۸ فوریه ۱۹۱۹

"انقلاب یک شبه نخواهد بود بلکه ذره ذره و سال به سال و نسل به نسل خواهد بود. ما ذره ذره به موسسات آموزشی و سیاسی آنها نفوذ کرده و آنها را به مارکسیست‌هایی تبدیل

خواهیم کرد که به سمت اگالیترا نیسم روند" مکس هورکهایمر *Max Horkheimer* یهودی مارکسیست

"اگر جنتایلها حاضر نشوند درجه دوم بودن خود را قبول کنند این سیگنالی برای شورش آنها خواهد بود و این نیاز به جنگ یهودیان با آنها را اجتناب ناپذیر خواهد کرد." -  
موردخای نیسان *Mordecai Nisan* کیونیم *Kiyunim* مجله رسمی سازمان صهیونیسم جهانی

"تمامی جنتایلها جمع شده و ثروت خود را برای قوم خدا خواهند آورد. تمامی ثروت جنتایلها به دست قوم یهودی خواهد بود آنها پشت سر یهودیان خواهند بود، در زنجیر به عنوان زندانی، و در برابر آنان تعظیم خواهند کرد." - ایزودور لوب (*Isador Loeb*)،  
مشکل یهودی *Le Problem Juif*

"تمامی کشورها یک اتحاد جهانی تشکیل میدهند که یک نیروی پلیس بین المللی خواهد داشت. تمام نیروهای نظامی از بین خواهد رفت و دیگر جنگی نخواهد بود. در اورشلیم، یک سازمان ملل (سازمان ملل واقعی) گنبدی بر قبر پیامبران به عنوان اتحاد تمامی مردم دنیا خواهد ساخت. این محل دادگاه عالی مردم بوده، که تمامی اختلافها را حل خواهد کرد همانگونه که اشعیا پیش بینی کرده است." - دیوید بن گوریون (*David Ben Gurion*)، نخست وزیر اسرائیل

از بعد از جنگ جهانی دوم یهودیان در تمامی دنیا تلاش خود را برای ایجاد یک حکومت جهانی متمرکز کرده اند. در این حکومت جهانی یک دولت مرکزی قدرتمند تمامی کشورها را کنترل خواهد کرد و قوانین این دولت بر قوانین آن کشورها مقدم خواهد بود. تشکیل سازمان ملل متحد گام اول در تشکیل این دولت جهانی است. دین بهایی که در ایران شکل گرفت نیز به دنبال هدفی مشابه است. اهداف دین بهاییت کاملا کابالایی بوده و در جهت ایجاد یک حکومت جهانی و نابودی تمامی دینهای دیگر است. بسیاری از یهودیان

در زمان آغاز این دین به آن گرویدند. در این دین جدید فرقی بین مسلمان و بودایی وجود ندارد و هر دو طریقی برای رسیدن به خداست. بهاییان که ظاهراً جنتایل بوده به راحتی در ارض مقدس یهودیان برای خود معبد تاسیس کردند. کاری که برای هر جنتایل دیگری غیر ممکن است.

حکومت جهانی مانند بهائیت به دنبال نابودی تمام فرهنگها و تمام دینهاست. از این رو در چند دهه اخیر یهودیان به دنبال مخلوط کردن قومهای مختلف در هم و نابودی تمام فرهنگ آنها هستند. این ایده که آنها چندفرهنگی (*Multiculturalism*) مینامند باعث شده است که در کشورهایی که در گذشته تمامی مردم مسیحی بودند مردم زیادی از کشورهای مختلف با دینها و عقاید مختلف وارد شوند. در این حالت دین مسیحیت و دین این افراد مهاجر از بین رفته و همه به دین جدیدی که در واقع احترام گذاشتن به عقاید هم است در میایند. این دین جدید توسط تلویزیون و دانشگاهها در مغز جوانان کاشته خواهد شد. به طور طبیعی زندگی یک مسیحی و یک هندو در یک جامعه در تضاد کامل است زیرا قوانین مسیحیت توصیه میکند که تمامی بتها نابود شده و بت پرستها مسیحی شوند. در صورتی که مسیحیان وجود بت پرستان را در اطراف خود تحمل کنند بعد از مدتی دیگر مسیحی نخواهند بود. چنین سیستمی باعث میشود که در تمامی دنیا و در تمامی کشورها قومیت وجود نداشته باشد. مثلاً در همه جای دنیا ۲۰٪ مردم از نژاد چینی، ۲۰٪ هندی، ۲۰٪ عرب و ۲۰٪ اروپایی باشند. مردم در دو طرف مرزها فرق معنی داری با هم نداشته و بعد از مدتی وجود این مرزها بیمعنی خواهد بود. اگر در این زمان کشور دیگر بیمعنی بوده و مردم در یک حکومت جهانی تحت سلطه مسیح دجال از اسرائیل قرار میگیرند.

در این حکومت جهانی تمامی اعمال و کارهای ما توسط این سیستم قدرتمند ثبت و بازبینی میشود. از این رو دیگر این خدا نیست که همه جا ما را میبیند و میشوند (ان الله سمیع علیم) بلکه این حکومت است که همه جا بینا و شنواست. مانند فرعون که ادعای خدایی کرد، حکومت نیز ادعای خدا بودن میکند. مقدمه

تشکیل چنین سیستمی در تمامی دنیا ایجاد شده است. در ایران و بیشتر کشورهای اروپایی نیز کارت ملی کاملاً در جهت چنین سیستمی است. دولت به دنبال این است که تمامی اعمال ما را به کمک کارت ملی در یک سیستم مرکزی ثبت کند. برای نابودی هر کسی که با حکومت مخالفت کند تنها کافیست کارت ملی او را از کار بیندازید. کارت ملی هوشمند هدف بعدی مسیح دجال است. در مکاشفات یوحنا (*Book of Revelation*) آیات ۱۷:۱۳-۱۸ عیسی به یوحنا از حواریون خود پیشبینی میکند که در روزهای آخر دو جانور خواهند آمد. اولین جانور از دریا بیرون خواهد آمد و هفت سر خواهد داشت. بر روی آن نوشته‌های کفر آمیز بوده و القاب امپراتورهای روم را خواهد داشت. بعد از آن یک جانور دیگر خواهد آمد که قدرت خود را از جانور اول خواهد گرفت. وظیفه جانور دوم این است که تمامی مردم را مجبور کند که نقش جانور را بر روی کف دست خود و یا پیشانی خود داشته باشند. و هیچ مردی حق خرید و فروش نخواهد داشت مگر نقش، نام جانور و عدد آن را داشته باشد. عدد این جانور ششصد و شصت و شش است.

با سیستم کارت ملی بیومتریک و یا سیستمی مشابه آن پیشبینی عیسی در ۲۰۰۰ سال قبل در حال به وقوع پیوستن است. حکومت به ما کارتی به عنوان کارت ملی خواهد داد که به زودی برای خرید و فروش هرچیز حتی مواد غذایی در سوپرمارکت ما باید از آن استفاده کنیم. هرکسی که حکومت را به جای خدا نپرستد و با کفر سیستم مقابله کند کارت ملی او باطل شده و حق هیچ خرید و فروش نخواهد داشت. پول به صورت الکترونیک شده و تنها در بانک و نه به صورت فیزیکی خواهد بود. از این رو اگر سیستم تصمیم بگیرد کسی را تنبیه کند تنها حساب بانکی او را قطع خواهد کرد و آن فرد دیگر نمیتواند هیچ چیز خریده و یا بفروشد. این کارت اول به صورت یک کارت بیومتریک خواهد بود ولیکن بعد از آن اخباری ایجاد میشود که بعضی کارت خود را گم کرده و بعضی از آن سوء استفاده میکنند. در این زمان رسانه‌های یهودی مردم را متقاعد خواهند کرد که بهترین کار حذف کارت و استفاده از اطلاع بیومتریک است. از این رو هر کسی فقط دارای



حساب بانکی خواهد بود که به اثر انگشت، تصویر شبکه‌ی و یا حتی میکروچیپی که درون بدن فرد قرار داده شده است پاسخ خواهد داد. در این زمان پیشبینی‌های عیسی به تحقق خواهد پیوست و تمامی مردم برده مسیح دجال خواهند شد. آنها که او را پرستش کنند زندگی راحتی خواهند داشت و خداپرستان آزار دیده و کشته میشوند.

در این زمان و در اوج فشار، مسیح واقعی (عیسی ابن مریم - مشیا بن دیوید) به همراه مهدی موعود (مشیا بن یوسف) باز خواهد گشت و جنتایله‌ها را از ظلم و ستم یهودیان نجات خواهد داد. در این زمان مردم نه از روی ترس و فشار، بلکه از روی علاقه فرج فرج به دین خدای ابراهیم ایمان می‌آورند و او را ستایش میکنند. پول پرستی از بین رفته و برادری جایگزین خواهد شد. حکومت خدا (*Kingdom of God*) بر روی زمین ایجاد شده و تمامی مردم دنیا خدا را پرستش خواهند کرد.

## قسمت سوم – نقش ویژه ایران

## پیغمبر اسلام، پیامبر جنتایل

با فهم تفکر یهودی، دلیل اختلافات اصلی بین حضرت محمد و یهودیان نیز مشخص میشود. بر اساس نظر یهودیان پیامبر تنها از طریق قوم اسرائیل و از ذریه اسحاق میتواند باشد. پیغمبر اسلام گفت که دین جدیدی نیاورده است و تنها دین همه پیامبران قبلی را دارد. او به همراه یهودیان رو به سمت بیت المقدس نماز میخواند و دین یهودیت را تایید کرد. بیشتر قوانین اسلام با قوانین یهودی یکسان بوده و با آن همخوانی دارند. دین اسلام مانند یهودیت نماز روزانه، حجاب، روزه و غیره دارد. ولیکن دو نکته در مورد پیامبر اسلام خشم یهودیان را برانگیخت. اولین جنتایل (امی) بودن او بود. زیرا پیامبران قبلی همه یهودی بودند و هیچ پیغمبری که کتاب داشته باشد از نسل غیریهود نبود. داوود (زبور)، موسی (تورات)، عیسی (انجیل) همه یهودی بودند. دوما پیغمبر اسلام دیوار نژادی بین یهود و غیریهود را شکست. او گفت که بین یهودی و جنتایل تفاوتی وجود ندارد و خدا تنها به اعمال مردم اهمیت میدهد. از دید خدا یهودی و غیریهودی یکسانند و تنها ملاک خدا تقوی است. از این رو ربا خواری از غیریهودی و کلاه گذاشتن بر سر او و دیگر اعمال رایج در بین یهودیان باید ترک میشد. این مساله خشم یهودیان را برانگیخت زیرا آنها معتقد به برتری نژادی نسبت به جنتایل ها بودند. از این رو با اینکه دین اسلام با دین یهودیت همخوانی بسیار زیادی دارد، آنها با مشرکان بر علیه پیامبر همدستی کردند.

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٢) اوست آن کس که در میان جنتایلهای فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند

(٢) -سوره جمعه آیه ٢

نکته مهم دیگر این است که برخورد پیامبر با یهودیان بنی قریظه، بنی قینقاع و خیبر بسیار خشن است. پیغمبر اسلام، مردی رئوف و باگذشت بود. او حتی پس از بازگشت به مکه بیشتر کسانی که افراد نزدیک او را کشته بودند بخشید. چگونه ممکن است پیغمبر در مورد یهودیان اینقدر خسونت نشان دهد؟ آیا این ابراز خسونت نشاندهنده اعمال شنیع آنان نبود. آنان مانند هر زمان دیگری همه چیز را از پشت پرده مدیریت میکردند بدون اینکه اعمال خود را علنی کنند. همچنین با توجه به قوانین تلمود مساله دیگری آشکار میشود. بر اساس قوانین تلمود یک جنتایل که یک یهودی را بزند مانند این است که خدا را زده باشد (سنهدرین 58b). اتفاقی که در خیبر افتاد دقیقا همین است. در خیبر یک جنتایل (علی) تعداد زیادی از یهودیان را کشت. از این رو بر اساس تلمود او مستحق مرگ است. بعد از خیبر وضعیت علی بین مسلمانان دچار تغییرات عجیبی شد. افرادی که تا دیروز او را بسیار گرامی میداشتند بر علیه او خیانت کرده و او حتی مجبور شد دختر رسول خدا و همسر خود را مخفیانه به خاک بسپارد. تا دوازده نسل بعد از او این انتقام از ذریه او از بین نرفت. چه نیرویی میتواند اینگونه نظر عامه مردم را نسبت به او عوض کند؟ آیا کس دیگری غیر از یهودیان دارای چنین قدرتی برای تغییر در افکار عمومی است؟ آیا بلاهایی که بر سر ذریه علی آمد نشاندهنده چیزی غیر از انتقام یهودیان است؟

با دانستن نقش ویژه یهودیان اتفاقات پس از مرگ پیامبر نیز آشکار میشود. وقتی خبر کشته شدن یهودیان خیبر به بقیه یهودیان رسید چندین خاخام تصمیم به انتقام گرفتند. یکی از این یهودیان کعب الاحبار بود که پسوند احبار او نشانه ربی بودن او است. او در تورات و تلمود تبحر داشت. کعب با علی دشمن بود زیرا بر اساس قوانین تلمود علی جنتایلی بود که خدا را زده بود و مستحق مرگ بود. بر اساس قانون یهودی "*Never Forgive, Never Forget*" که یهودیان امروزه آن را در مورد هولوکاست زیاد بکار میبرند انتقام از علی واجب بود. عمر کعب را بسیار دوست داشت و او را مشاور خود ساخته بود. کعب بود که به عمر

کمک کرد تا مسجد الاقصی و قبه الصخره را بسازد و جای آنها را به او نشان داد. برای او بیشتر منافع یهودیان و بازپس گرفتن ارض مقدس از مسیحیان بیزانس و انتقام گرفتن از آنان مهم بود. کعب در کشته شدن عمر نقش داشت زیرا سه روز قبل از مرگ او، کشته شدن او را پیش بینی کرده بود. کعب در زمان عثمان قدرت زیادی پیدا کرد و حکمهای اسلامی میداد. بسیاری از این حکمهای اسلامی را او از قوانین تلمود و نه از قرآن اقتباس کرده بود. کعب بعد از عثمان به سوریه رفت و یکی از مشاوران معاویه شد. در واقع معاویه یک عروسک جنتایل بود که توسط مشاوران یهودی زاده مانند کعب کنترل میشد. مانند همان چیزی که امروزه در آمریکا و یا بقیه کشورهای جهان اتفاق میفتد. ابوهیره و عبدالله بن عمر و عاص از شاگردان او بودند. بقیه یهودیان اسلام آورده مانند وهب بن منبه و عبدالله بن سلام نیز نقش مشابهی داشتند. آنها همگی دارای این ویژگی مشترک بودند که با علی دشمن بودند و خلفای سنی آنان را بسیار دوست داشتند. این یهودیان تازه مسلمان شده دارای نقش مهمی در اسلام سنی هستند و بسیاری از احادیث و روایتهایی که شیعیان قبول ندارند توسط آنها روایت شده است.

ذریه علی دارای وضعیت خاصی در دنیا هستند. وضعیت کوهنها در دین یهود شباهت بسیار زیادی به وضعیت سادات دارد. سادات، مانند کوهنها دارای هوش زیادی هستند. در دانشگاهها، مراکز علمی و سیاسی ذریه علی بسیار یافت میشود. بسیاری از پزشکان ایرانی سید بوده و یا از طریق مادر خون علی را دارند. بسیاری از دانشمندان ایرانی از ذریه علی بودند و هستند. سادات مانند کوهنها، معمولاً در بین خود ازدواج میکردند. بسیاری از سادات مانند کوهنها که میتوانند نسل خود را تا هارون دنبال کنند، میتوانند نسل خود را تا علی و پیامبر دنبال کنند. سادات در هر جا رفتند تاثیر زیادی بر روی مردم گذاشتند. آنها با نژادپرستی ایجاد شده توسط حاکمان سنی مذهب و رئیسان یهودی آنان به مبارزه پرداختند و حق ایرانیان را با اعراب برابر دانستند. آنها بودند که به اینکه ملاک واقعی در نزد خدا تقواست اعتقاد داشتند.

یهودیان که احترام ذریه علی را در بین ایرانیان میدانستند به این ذریه نیز نفوذ کرده اند. آنها در قرن اخیر با ازدواج میان زنان یهودی و مردان سید، ساداتی ایجاد کردند که هم یهودی بوده و هم مسلمان محسوب میشوند. از این رو هرکسی که ظاهراً سید است لزوماً سید نیست و کسانی وجود دارند که ظاهراً سید بوده ولی در واقعی یهودیند.

### اسلام شیعه یهود دوست

"هیچ حکومتی نمیتواند به طور همزمان اقلیت یهودی و اکثریت غیریهودی را راضی کند. زیرا آنچه اقلیت یهودی میخواهند استثمار اکثریت غیر یهودی است."

"آنچه برای یهودیان خوب است، همان چیزی است که برای جنتایلهها بد است."

با فهمیدن مطالب فصلهای گذشته حقیقت اتفاقاتی که در ایران در ۵۰ سال گذشته اتفاق افتاده است مشخص میشود. محمدرضا پهلوی که عروسک یهودیان بود و برنامه های آنان مانند انقلاب سفید و نابودن نخبگان و ضبط اموال آنان و فمینیسم را اجرا میکرد، در دهه ۱۹۷۰ شروع به زدن حرفهایی بر علیه آنها زد. او در مصاحبه با خبرنگار یهودی مایک والاس (*Mike Wallace*) در سال ۱۹۷۴ علناً از نقش یهودیان در ایالات متحده سخن گفت و آنها را نکوهش کرد. در هنگامی که اوپک ایالات متحده را در سال ۱۹۷۳ تحریم نفتی کرد و بنزین در آمریکا کوپنی شد ایران نیز به همراه اعراب در طرف موافق تحریمها بود. شاه در دهه ۷۰ معتقد شده بود که غربیها باید پول بیشتری برای نفت بدهند. این رفتار به مذاق یهودیانی که او را سرکار گذاشته بودند خوش نیامد. آنها با نقش موثر در انقلاب اسلامی یکی از آخرین حکومتهای شاهنشاهی را سرنگون کرده و به جای آن سیستمی الهام گرفته از حکومت ضد دین فرانسه جایگزین

کردند. آنها که کنترل بازار را به طور کامل در دست داشتند با همراه کردن بازار با انقلاب موفق شدند حکومت را تغییر دهند. مردم عادی که از ظلم و ستم یهودیان به ستوه آمده بودند و به دنبال استقلال و آزادی بودند با انقلاب همراه شدند. چیزی که مردم میخواستند این بود که دیگر یهودیان حق نداشته باشند آنها را چپاول مالی کنند. ولیکن چیزی که آنها به دست آوردند کاملا برعکس این بود. حکومتی که دوباره تمامی یهودزاده ها را در پستهای حساس گذاشت و آنها را بر مردم مسلط کرد. دو واژه جمهوری و اسلامی به صورت ذاتی در تضاد هستند زیرا اسلام جمهوریت را نپذیرفته و تنها شاهنشاهی یا خلیفه گری را به عنوان فرم طبیعی حکومت قبول دارد. جمهوری اسلامی دارای قانون اساسی است که این قانون اساسی در بسیاری موارد قوانین محکم قرآن نظیر جزیه را لغو میکند. از این رو قرآن فرقان و جدا کننده حق از باطل نیست و بلکه قانون اساسی فرقان است. این بدترین کفری است که میتوان به اسم اسلام به مردم داد. خداوند دارای پادشاهیست زیرا پادشاهی تنها سیستم مورد قبول خداست. خداوند ملک و پادشاه است و رئیس جمهور نیست. اگر خدا از فضل خود تصمیم بگیرد به کسی حکومت دهد مردم را یارای مخالفت با او نیست. این پادشاهی باید توسط خدا و نه دولت انگلیس و یا یهودیان به فرد اعطاء شود. از این رو قدرت رهبری و حکمت باید در درون فرد و اعطا شده از طرف خدا و نه به کمک قدرت غیرخدایی باشد. به همین دلیل است که شاه اسماعیل محبوب و محمدرضا شاه منفور بود. زیرا شاه اسماعیل را خدا پادشاهی داد و محمدرضا شاه را انگلیسیها و یهودیان.

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱) آنچه در آسمانها و آنچه

در زمین است خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است تسبیح می گویند.

—سوره جمعه آیه ۱

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ، پس آنان را به اذن خدا شکست

## دادند و داوود جالوت را کشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت.

—سوره بقره آیه ۲۵۱—

در حکومت اسلامی تنها کتاب خداست که فرقان است و هیچ قانون نوشته شده توسط آدمیان با آن برابر و یا از آن مهمتر نیست. هیچ روحانی و هیچ بشری نمیتواند با حرف خود حرف خدا را لغو کند. کفر یهودیان دقیقا به سبب این شد که خاخامهای آنها قوانین محکم خدا را تغییر داده و لغو کرده و خواستند خود مانند خدا شوند. در حکومت اسلامی حق و حقوق مسلمان و غیرمسلمان برابر نیست و غیر مسلمانان در جامعه ارزش و احترام کمتری دارند. ولیکن در حکومت ما حق غیرمسلمانان بیشتر از مسلمانان بوده و مسلمانان ارزش و احترامی ندارند. بدترین و بی‌ارزشترین افراد امروزه در جامعه ما پسران جوانان مسلمان هستند. دولت ما برای هر غیرمسلمان چه ایرانی و چه خارجی احترام زیادی قائل بوده و بدترین رفتار را با پسران جوان مسلمان میکند. در حکومت اسلامی، غیرمسلمانان باید مالیات اضافه تر پرداخت کنند تا یهودیان مانند امروز بر ما مسلط نشده و افراد قوم خود را رئیس ما نکنند.

در حکومت اسلامی پاسپورت و کارت ملی وجود ندارد بلکه مذهب معیار گروه شدن افراد با یکدیگر است. از این رو یک شیعه لبنانی یکی از ماست و حق استفاده از امکانات ما و زندگی در بین ما را دارد، ولی یک یهودی ایرانی هیچوقت از ما نیست و حق و حقوق برابری ندارد. در حکومت الله ملیت مفهوم ندارد. انسانها فقط بر اساس عقیده و ایمان خود به خدا و دوستی با پیامبران او با یکدیگر گروه میشوند. از اینرو هرکس که عیسی را دوست ندارد از ما نیست. در حکومت اسلامی، حکومت نیست که حلال و حرام میگرداند. حکومت نیست که باید از او ترسید یا اجازه گرفت. اینها همه متعلق به خداست. برای هرکاری باید از خدا و نه از



حکومت اجازه گرفت. حکومتی که تسلیم شدن در برابر خود را مقدم به تسلیم شدن در برابر خدا میداند حکومتی است که ادعای ربوبیت کرده است و خواستار کفر است. هر مسلمان فقط در برابر خدا تسلیم بوده و غیر خدا را به برابری یا برتری بر خدا قبول نکند. چیزی که بیشتر از هر چیز ما را امروزه ناراحت میکند همین ادعای ربوبیت حکومت است. همان کاری که فرعون کرد و عذاب الهی بر او نازل شد.

یهودیان تصمیم دارند همانگونه که انگلستان را به کمک الیور کرامول مسیحیت زدایی کردند ایران را اسلام زدایی کنند و دوباره به ایران بازگردند. آنها وانمود میکنند که دشمن ایرانیان صهیونیستها و نه همه یهودیان هستند، در صورتی که دشمن ما کسی است که کشتن اجداد ما را جشن میگیرد. دشمن ما کسی است که به برتری نژادی خود به بقیه مردم اعتقاد دارد، خود را انسان و آنها را حیوان میداند. ما کسانی هستیم که اعتقاد داریم و داشتیم: "تو کز محنت دیگران بیغمی نشاید که نامت نهند آدمی" و از این رو نمیتوانیم با آنها کنار بیاییم. دشمن ما کسی است که عیسی را جادوگر و زنازاده میداند و از او متنفر است. دشمن ما هر کسی است که به تلمود اعتقاد دارد. بعد از فوت امام، آنها با یک برنامه خصوصی سازی کاملا مشابه آنچه در روسیه بعد از فروپاشی کمونیسم اتفاق افتاد تمام نقاط حساس را در اختیار گرفتند. بنیاد مستضعفان تبدیل به بنیاد مستکبران شد. سپاه به جای دفاع از مملکت شروع به خوردن اموال مسلمانان نمود. آنها مسئولان ظاهری ضعیف را به سرکار آوردند و خود از پشت پرده با قدرت اقتصادی خود مسائل را مدیریت کردند. آنها نفت را دوباره با قیمت ارزان به بازارهای اروپایی روانه کردند و در عین حال از پیشرفت تکنولوژی توسط جوانان به شدت جلوگیری کردند. آنها با در اختیار گذاشتن شرکتهای بزرگ در دست فامیل‌های یهودی خود نگذاشتند ما هیچ چیز تولید کنیم. آنها واردات از بقیه یهودیان را کار درست و تولید توسط مسلمانان را گناه غیر قابل بخشش دانستند. آنها شروع به راه اندازی گشت ارشاد کردند. آنها با جوانان طوری برخورد کردند که انگار به همه آنها مظنون هستند. در صورتی که چیزی که قرآن پیشنهاد میکند کاملا عکس این است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا، اِي كساني كه ايمان آورده ايد از بسياري از گمانها بپرهيزيد كه پاره‌اي از گمانها گناه است و جاسوسي مكنيد.

### سوره الحجرات، آيه ۱۲

در اسلام واقعي شما حتي اگر زنا كه رابطه جنسي زن شوهردار با مرد ديگري است را با چشم خود ببينيد نمي‌توانيد آن را مایه محكوميت كسي بدانيد تا زماني كه چهار شاهد نداشته باشيد و اگر سه شاهد ديگر را نداشته باشيد خود شلاق خواهيد خورد. چگونه ممكن است كه اسلام توصيه كند دختر و پسر جوان كه مزدوج بودن يا مجرد بودن آنها معلوم نيست به دليل راه رفتن با هم دستگير شوند.

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴) و كساني كه نسبت زنا به زنان شوهردار مي‌دهند سپس چهار گواه نمي‌آورند هشتاد تازيانه به آنان بزنيد و هيچگاه شهادتي از آنها نپذيريد و اينانند كه خود فاسقند.

### —سوره نور، آيه ۴

در اسلام واقعي ازدواج توسط حكومت رسمي نميشود و تنها اجازه گرفتن از خداست كه ازدواج را رسمي ميكند. موسي وقتي در بيابان تصميم به ازدواج گرفت به سراغ سازمان ثبت احوال فرعون نرفت. هيچيك از امامان شيعه براي ازدواج كردن از خلفاي عباسي اجازه نميگرفتند. از اين رو اينكه يك فرد با يك زن چه رابطه‌اي دارد وظيفه حكومت نيست. اگر اينطور باشد تمامي اجداد ما كه قبل از ايجاد سازمان ثبت احوال به دنيا آمدند زنازاده بوده اند. زنا رابطه بين زن شوهردار و يك مرد ديگر است. وليكن حكومت ما طوري رفتار

میکند که اگر یک جوان مسلمان مجرد و یک دختر مسلمان مجرد به یکدیگر علاقه داشته و با یکدیگر رابطه جنسی داشته باشند بزرگترین گناه تاریخ را مرتکب شدند. کجای قرآن اجازه از حکومت را نیاز حلال شدن ازدواج دانسته است؟ مهمترین چیز در اسلام این است که یک زن هیچوقت در یک برهه زمانی با دو مرد مختلف رابطه جنسی نداشته باشد و بین هر فرد و هر فرد دیگر سه عادت ماهانه زمان باشد (بقره ۲۲۸). این صبر کردن هم به دلیل روشن شدن وضعیت باردار بودن یا نبودن آن زن و هم برای امکان بازگشت به شوهر است. مهمترین چیز این است که رابطه زن با مرد پنهانی نبوده و بقیه مردان از تعلق این زن به آن مرد آگاه باشند (مائده ۵). اسلام مسیحیت کاتولیک نیست که در آن ازدواج دائمی بوده و طلاق در آن وجود نداشته باشد. در اسلام طلاق در اختیار شوهر بوده و در دست حکومت نیست. از این رو سه طلاق وجود دارد (بقره ۲۳۰)، وگرنه در سیستم حکومتی که بیشتر از یک طلاق بیمعنی است. حکومت ما با اینکه نسبت به رابطه مسلمان با مسلمان اینقدر سختگیری بیمعنی میکند، طوری رفتار میکند که اگر دختران مسلمان در خارج از ایران با مردان غیرمسلمان رابطه داشته باشند هیچ ایرادی ندارد. آیا آنها به دنبال حمایت از ما هستند یا به دنبال این هستند که نسل ما را نابود کنند. آنها به دنبال این هستند که نژاد علی را از بین برده و بعدا آنها را وارد کردن مهاجر از کشورهای دیگر جایگزین کنند.

روحانیون مسلمان قوانین تورات را به جای قوانین اسلامی به ما داده اند. در هیچکجای قرآن صحبتی در مورد بکارت و یا حتی حکم سنگسار به عنوان یک حکم اسلامی نشده است. همسر اول پیامبر، خدیجه در زمان ازدواج با او باکره نبود و قبلا ازدواج کرده بود. قوانین بکارت تنها در عهد عتیق و در کتاب تثنیه یافت میشود. حکم سنگسار نیز تنها در تورات به عنوان یک حکم مجازاتی توصیه میشود.

**اگر مردی با زنی ازدواج کند و بعد از همبستر شدن با او، او را نخواهد و به او تهمت زده و**

بخواهد بدنامش کند و بگوید: "من با این زن ازدواج کردم، ولیکن وقتی به او نزدیک شدم، او را باکره نیافتم" پدر زن جوان و مادر او باید به بزرگان شهر در دروازه مدرک باکره بودن او را نشان دهند.

- عهد عتیق، تثیبه، ۲۲:۱۳

اگر مردی در شهر یک باکره ببیند که قرار است ازدواج کند و با او همبستر شود تو باید هر دوی آنها را به دروازه شهر ببری و آنها را سنگسار کنی.

- عهد عتیق، تثیبه، ۲۲:۲۳

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ (۲) به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید در [کار] دین خدا نسبت به آن دو دلسوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.

سوره نور آیه ۲

آنها قوانین یهودی را به عنوان قوانین اسلامی به ما دادند. قوانین خوردنیهای حلال نیز مشابه این است. در قرآن تنها خوردنیهایی که به طور مشخص منع شده اند، خوک، خون و مردار هستند. ولیکن حلالی که

روحانیون مسلمان میگویند در واقع همان حکم توراتی است. آیا خدا در نزول قرآن مرتکب فراموشکاری شده است که روحانیون باید براساس نظر توراتی خود آن را تکمیل کنند؟ مگر خداوند نمیگوید که این کتاب تمام چیزها را بیان میکند. همچنین قرآن به طور مشخص میگوید که به واسطه کارهای بد بنی اسرائیل بعضی از خوردنیهای حلال به آنها حرام شده بود. به طور مثال در قرآن تمامی چیزهایی که از دریا گرفته شوند حلالند ولیکن در تورات بعضی خوردنیهای دریایی حرام هستند.

از حیواناتی که در آب زندگی میکنند چه در رودخانه باشند و چه در دریا آنهایی را میتوانید بخورید که باله و فلس داشته باشند. تمام جانوران آبزی دیگر بر شما حرامند. نه گوشت آنها را بخورید نه به لاشه آنها دست بزنید.

—عهد عتیق، تثنیه ۹:۱۱

احِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹۶) صید دریا و ماکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره‌ای باشد و [لی] صید بیابان مادام که محرم می‌باشید بر شما حرام گردیده است و از خدایی که نزد او محشور می‌شوید پروا دارید .

سوره مائده آیه ۹۶.

آنها ریش گذاشتن را به عنوان حکم اسلامی معرفی میکنند ولیکن اینکه مومن باید ریش داشته باشد تنها در تورات آمده است و در قرآن هیچ آیه ای در مورد لزوم ریش داشتن وجود ندارد و خدا تنها به ایمان درونی و نه ظاهری اهمیت میدهد.

مثل بت پرستها موهای ناحیهء شقیقه خود را نتراشید و گوشه‌های ریش خود را نچینید.

— عهد عتیق، لاویان، ۱۹:۲۷

آنها به جای اینکه به مسائل محکم قرآن مانند ربا، یعنی جنگ با خدا بپردازند فقط به مسائل جنسی و خوراکی ما کار دارند. زیرا آنها همانگونه که تلمود میگوید تصور میکنند ما مشتی حیوان هستیم که به چیزی بیشتر از شکم و زیر شکم اهمیت نمیدهیم.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (۷) اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد پاره‌ای از آن آیات محکم است آنها اساس کتابند و دیگر متشابهاتند اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن از متشابه آن پیروی می‌کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند می‌گویند ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود.

## -سوره آل عمران، آیه ۷-

بعد از انقلاب اسلامی، دین اسلام شیعه نیز دچار تغییرات عجیبی شده است. در قرآن خداوند وعده داده است که یهودیان و نه صهیونیستها بدترین مردم در حق مومنان خواهند بود. به طور تاریخی نیز تمامی کسانی که تلاش کردند پادشاهی خدا را بر روی زمین ایجاد کنند اول با یهودیان وارد جنگ شدند. عیسی اصلاح کردن یهودیان را نیاز اولیه برای اصلاح دنیا دانست و آنها را فرزندان شیطان و از کنیسه شیطان خواند. پیامبر اسلام با یهودیان درگیر شد تا حکومت اسلامی بنا کند. بیشتر دشمنان علی یهودیان اسلام آورده نظیر عبدالله بن سلام، کعب الاحبار و وهب منبه بودند. ولیکن در حکومت اسلامی ما یهودیان بسیار محبوب هستند. آنها خود را کلیمی میخوانند و میگویند چون خدا با موسی صحبت کرد او کلیم الله شد و قوم او کلیمی محسوب میشوند. با اینکه موسی مقام بسیار بزرگی داشت ولی قوم او حتی به زبان او نیز مورد لعنت قرار گرفتند.

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (۲۵) (موسی) گفت

پروردگارا من جز اختیار شخص خود و برادرم را ندارم پس میان ما و میان این قوم

نافرمان جدایی بینداز.

-سوره مائده آیه ۲۵-

سؤال اصلی این است که اگر این روحانیون واقعا مسلمانند چرا اینقدر به اعمال قوانین تورات و نه قرآن علاقه مندند؟ آیا آنها نیز یهودزاده‌هایی هستند که هنوز میخواهند از تورات و نه از قرآن اطاعت کنند؟ آنها

همچنین با پیروی از قوانین تورات سودگرفتن بر روی پول از غیریهودیان را حلال میدانند با اینکه قرآن سود گرفتن بر روی پول را معادل جنگ کردن با خدا میداند. آیا اگر آنها مسلمانند نباید به حکمهای محکم قرآنی و نه توراتی پابند باشند؟ آیا نباید از شکسته شدن حکمهای قرآنی و نه توراتی ناراحت شوند؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ  
مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۷۸)  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا  
کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده  
است واگذارید. (۲۷۸)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَإِن تَبُتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلَمُونَ  
وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)  
و اگر (چنین) نکرديد، بدانيد به جنگ با خدا  
و فرستاده وي، برخاسته‌ايد؛ و اگر توبه  
کنيد، سرمایه‌هاي شما از خودتان است. نه  
ستم مي‌کنيد و نه ستم مي‌بينيد. (۲۷۹)

—سوره بقره آیه ۲۷۸—

با اینکه در اسلام شیعه واقعی که شاهان صفوی آن را در ایران بنیان نهادند یهودیان به شدت منفور بودند در انقلاب اسلامی یهودیان بسیار محبوب هستند. با اینکه شاهان صفوی قوانین زیادی بر ضد یهودیان وضع کرده آن‌ها را از بسیاری شغلها ممنوع کرده بود و آنها مجبور بودند لباسهای مشخصی بپوشند تا مردم از خطرات آنها آگاه باشند سردمداران جمهوری اسلامی یهودیان را کاملا در ایران آزاد گذاشتند. آنها طوری رفتار کردند که تمامی شاهان گذشته ما افرادی فاسد بودند و تنها افراد صالح حاکم بر این مملکت آنانند. آنان دم از اسلام شیعه میزنند ولی بزرگترین شخصیتهای آنان را که صفویان هستند گرامی نمیدارند. آنها



نمیگویند شاهان شیعه احمق نبودند که یهودیان را "نجس" میدانستند زیرا آنها میدانستند که یهودیان در صورت معاشرت با جنتایلها آنها را به فساد میکشند. چرا آنها هیچوقت با چنین شدت با زرتشتیان و مسیحیان بد نبودند؟ هیتلر نیز احمق نبود که قوانین نورنبرگ را وضع کرد و یهودیان را وادار به پوشیدن لباس خاص کرد بلکه او به اینکار مجبور شد تا جلوی نابودی جامعه از درون را بگیرد. چرا در زمانی که ما با یهودیان بد بودیم میتوانستیم همه چیز تولید کنیم ولیکن از وقتی با آنها خوب شدیم حتی نمیتوانیم چوب بستنی تولید کرده و آن را نیز وارد میکنیم؟

آنان سیستم شاهنشاهی را مذموم میدانند ولیکن به این اشاره نمیکنند که داوود و سلیمان پادشاه بودند. هیچیک از پیامبران خدا سیستم دمکراسی ایجاد نکردند. عیسی ابن مریم و حسین ابن علی هر دو ضد دمکرات ترین افراد بودند. دمکراسی روش فریسیان و قاتلین پیامبران است.

آنها حتی بیشتر جرمها و جنایات یهودیان در حق ملت ایران را مخفی کردند. آنها در تاریخی که در مدارس به ما درس دادند، پوریم را سانسور کردند. آنها به ما نگفتند که یهودیان کشتن اجداد ما را همه ساله جشن میگیرند. با اینکه تمامی مردم دنیا غیر از خود ما این داستان را میدانند و این مساله نقش بسیار مهمی در اسلام آوردن ما داشت. آنها نگفتند که یهودیان نقش ویژه‌ای در دنیا دارند و با تمام مردم دیگر متفاوتند. آنها خود با آنها متفاوت برخورد میکنند و حق ویژه‌ای برای آنان قائلند ولی این را از ما مخفی کردند.

آنها همه ما را به زور مجبور به رفتن به مدارس میکنند و در این مدارس دروغ را به نام حقیقت به ما تحویل میدهند. آنها در ما این فکر را میکارند که شما هیچ کاری نمیتوانید بکنید و احمقهایی هستید که باید هرچیزی خارجها گفتند گوش دهید. آنها آلبرت اینشتین یهودی و صهیونیست را به عنوان سمبل علم به زور به ما داده و دانشمندان مسلمان را مخفی کردند. آنها عاشق آقای زرگزاده و صراف هستند و به آنها

مرتب جایزه میدهند ولی از آقای امامزاده متنفرند. این مدارس و دانشگاهها تمام فرهنگ و علم بومی ما را نابود کرده‌اند. از زمانی که این مدارس و دانشگاهها باز شده‌اند ما نه تنها چیزهای بیشتری تولید نمیکنیم بلکه کارهایی که قبلا میتوانستیم بکنیم را هم فراموش کرده‌ایم. جوانان ما اگر به مدرسه و دانشگاه نمیرفتند هیچوقت ایده عدم توانایی خود و برتری غربیان را قبول نمیکردند. آنها هیچوقت طرفدار یهودیان نمیشدند. شیخ فضل‌الله نوری صد سال پیش گفت که آنها با ایجاد مدرسه اجباری قصد در فاسد کردن زنان ما دارند، اگر او امروز زنده بود تنها چیزی که میگفت این بود: "دیدید حرف من راست بود."

آنها نگفتند که تمام بزرگان ما مانند سعدی، سنایی، خاقانی، فردوسی، مولوی و حتی بزرگان دنیای غرب مانند هنری فورد، ولتیر، مارتین لوتر و غیره همه با یهودیان بد بودند و در نوشته‌های خود از آنها بد گفته‌اند. هر کس که برای ما سمبل اخلاق و درستکاری بوده است با آنان بد بوده است.

آنها نگفتند که عبدالحسین زرینکوب یهودی بود و قصد او زدودن دین اسلام بود. در اسلام هیچکس "عبد" کسی غیر از خدا نمیتواند باشد. میتوان غلام حسین بود ولی عبودیت مختص خداست. آنها نگفتند که نام خانوادگی زرینکوب همان *Goldstein* است.

آنها هیچگاه نگفتند که تنها دلیلی که انگلستان موفق شد هربار بدون مقاومتی از طرف دولت وارد ایران شود این بود که یهودیان دربار همه طرفدار انگلیس بودند زیرا انگلیس چیزی بود که "برای یهودیان خوب بود". آنها اهمیتی به ثروت جنتایلها و وضعیت آنها نمیدادند. در آمریکا تعداد جاسوسان یهودی دستگیر شده توسط دولت به مراتب بیشتر از ایران است. تنها یهودیانی که در ایران به جرم جاسوسی دستگیر شدند ۱۳ نفر در شیراز بودند که حکومت بعدا همه آنها را از ترس خود پنهانی آزاد کرد. آیا امکان دارد که کشوری با اسرائیل در جنگ باشد و جاسوسان یهودی را دستگیر نکند در حالی که جاسوسان یهودی

در کشورهای که بهترین دوست اسرائیل هستند با این تعداد دستگیر میشوند؟ آنها ظاهراً با صهیونیسم وارد جنگ شده اند ولیکن هیچ چیز در مورد تلمود و محتوای آن برای مردم ما بیان نمیکنند. یهودیان آنقدر در مملکت ما پررو هستند که به صورت علنی از تلمود دفاع میکنند و آن را گنجینه‌ای مقدس مینامند. گنجینه مقدسی که ما را حیوان و پیامبران خدا را جادوگر و حرامزاده مینامد. حکومت ما سه یهودی آمریکایی با چهره‌های عجیب را که برای خرابکاری و دادن پول به کردها به کردستان رفته بودند دستگیر میکند ولی حتی جرات ندارد به عامه مردم بگوید که اینها یهودی هستند چه برسد به اینکه آنها را اعدام کند. اگر ما اینقدر از یهودیان میترسیم برای چه با آنها جنگ میکنیم؟ آیا ما واقعا با آنها در جنگیم یا با ذریه پیامبر خودمان؟ آنها همیشه وانمود میکنند که صهیونیستها یهودیان نیستند. ولیکن در واقع هرکس به تلمود اعتقاد دارد و از جمله یهودیان ایران صهیونیست است. اگر این یهودیان از ایران بروند چه اتفاقی میفتد که ما اینقدر باید به آنها باج دهیم. وقتی آنها از آلمان رفتند نه تنها زندگی مردم بدتر نشد بلکه بسیار بهتر شد. اقتصاد آلمان شکوفا شد و خانواده دوباره قدرت گرفت. آنها عیسی را به عنوان پیامبر اسلام معرفی نمیکنند و حرف مثبت زدن از عیسی را نشانه مسیحی شدن فرد میدانند و او را دوست ندارند. حال آنکه بخش زیادی از قرآن به عیسی ابن مریم اختصاص دارد. مقام عیسی ابن مریم جزو بالاترین مقامهایی است که خداوند برای هر پیامبری در نظر گرفته است. به هیچ پیامبر دیگری قبل و بعد از عیسی معجزه زنده کردن مردگان داده نشده است. قرآن میگوید که یک مسلمان باید تمام انبیای الهی را قبول داشته، بین هیچکدام فرق نگذاشته و همه را دوست دارد.

**قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ  
وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۸۴)**

بگو به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده گرویدیم و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما او را فرمانبرداریم .

سوره آل عمران، آیه ۸۴

یک مسلمان نباید بین هیچیک از انبیای الهی فرق بگذارد. مسلمان کسی نیست که فقط به محمد علاقه و کار داشته و به زندگی بقیه پیامبران بیتوجه باشد. داوود و سلیمان پیامبران یهودی نیستند بلکه پیامبر اسلام و تسلیم شدن در برابر خدا هستند. ما باید زندگی تمام پیامبران الهی و نه فقط پیامبر خودمان را بدانیم. ما هنوز هم مانند اجداد ساسانی خود هستیم که یهودیان را دوست داریم ولی عیسی را دوست نداریم. آنها با پیروی از اصول تلمودی خود با ما مانند حیوان رفتار میکنند و جان ما برای آنها بی ارزش است. آنها در برخورد با ما از هیچ چیزی غیر از زور استفاده نمیکنند زیرا ما حیواناتی هستیم که فقط با زور میتوان با ما صحبت کرد. هیچکس برای تربیت کردن گوسفندان با آنها حرف نمیزند. اگر مسلمانی در هر جای ایران و دنیا کشته شود کسی از مسئولین دولتی ذره‌ای ناراحت نمیشود. اگر حقوق مسلمان ایرانی در هر جای دنیا پایمال شود کسی از مسئولین به او کمک نمیکند. اگر اموال مسلمان غصب شود کسی ناراحت نمیشود. آنها ما را دوست ندارند بلکه عاشق یهودیان هستند. آنها به اینکه جان یهودی بیشتر از جان جنتایل ارزش دارد اعتقاد دارند. حکومت ما فعالان سیاسی با قیافه‌های عجیب و فامیلهای غریب نظیر "بنی یعقوب" و یا "کهن" را دستگیر میکند ولیکن حتی جرات این را ندارد که بگوید اینها یهودیند. حکومت ما به کمک بانکها به یهودیان وامهای بزرگ میدهد تا تمامی شرکتهای و واحدهای تولیدی را تحت کنترل خود درآورند و هیچگاه آن‌ها را باز پس نمیگیرند. ۵۰٪ منابع بانکی ما در دست دوهزار نفر است و این دوهزار نفر مطمئناً از قوم

برگزیده هستند. آنها این حق اضافه را دارند که وام بگیرند ولی آن را پس ندهند، همانگونه که در همه جای دنیا اینکار را میکنند. آنها به یهودیان اجازه تاسیس بانک خصوصی میدهند و این بانکها قارچگونه رشد کرده و ما را چپاول میکنند. آنها حتی وقتی یک فیلم ضد صهیونیستی مانند "شکارچی شنبه" میسازند چون تمامی صاحبان سینماها یهودیند آن را در هیچ سینمایی نمیتوان یافت. حتی وقتی آن را در تلویزیون نشان میدهند آن را سانسور میکنند تا انجمن کلیمیان ناراحت نشود. آنها حتی قرآن را نیز سانسور میکنند و آیات بنی اسرائیل را هیچوقت نمیخوانند که انجمن کلیمیان ناراحت نشود. چگونه است که انجمن کلیمیان در مملکت ما دارای اینقدر قدرت است. خداوند به مومنان میگوید یهود و مسیحی را اولیاء خود نگیرید و تنها از او و نه از انجمن کلیمیان بترسید.

فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَنَّيْ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۰) پس از آنان نترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید .

سوره بقره آیه ۱۵۰

در دانشگاهها و مدارس ما یهودیان بسیار ارزشمند و مورد احترام هستند ولیکن مسلمانان که حتی از نسل امامان شیعه بوده ذره‌ای احترام ندارند. در حکومت ما کهنه‌ها به امامزاده‌ها، صرافها به حسین زاده‌ها، ساعتچیها به محمدیها درس اسلام میدهند. حاج آقا یعقوبی و یعقوبزاده در تمامی ادارات دولتی مسئول کارهاست ولیکن هیچکس نمیگوید که یعقوب همان اسرائیل است. خواننده معروف ما بنیامین نام دارد ولیکن هیچکس نمیگوید که کدام مسلمان اسم فرزند خود را بنیامین میگذارد. آقای یامین پور به ما درس اسلام میدهد و از اسلام ما ایراد میگیرد ولی هیچکس نمیگوید که این نام خانوادگی کاملاً عبری است، فقط

در اسرائیل یافت میشود و به معنی فرزند شمعون است. مهمترین صادرکننده و وارد کننده ما آقای عسگراولادی است که بر اساس قانون بازگشت میتواند شهروندی اسرائیل را بگیرد و ما آنقدر احمقیم که هنوز نفهمیدیم که کیست که با واردات میوه در فصل برداشت کشاورزان جنتایل را نابود میکند. کیست که پرتقال و سیگار از اسرائیل به کشور می‌آورد. آیا هیچکس دیگری برای تصدی این پست وجود ندارد؟ آیا دولت اسرائیل هیچوقت هیچ مسلمان زاده ای را مسئول نقاط حساس خود میکند؟ دلالتان یهودی با کار گروهی با یکدیگر محصولات کشاورزان را به ناچیز می‌خورند و گران می‌فروشند. هر کس که به آنان مخالفت کند تمامی سازمانهای دولتی به طرفداری آنان بسیج شده و مخالفان را نابود میکنند. پزشکان یهودی بیمارستانهای ما را قبضه کرده و آنها را تبدیل به مغازه کرده‌اند. آنها آنقدر پول را دوست دارند و آنقدر از ما متنفرند که حاضرند بگذارند مسلمانی که پول کافی برای مداوا ندارد بمیرد ولیکن او را مداوا نکنند. آنها در فکرند که چگونه آپاندیس هر بیماری را بیدلیل درآورده و او را سرکیسه کنند. آنها جنتایلهها را نه به عنوان انسان و بلکه کمتر از انسان میبینند. به حق ما خودمان را مسخره کرده‌ایم؟ آیا ما جنتایلهها واقعا آنگونه که یهودیان میگویند احمق نیستیم؟ آیا رفتار ما واقعا گوسفندوار نیست؟ ما ابلهیم که اینها را هنوز نفهمیده‌ایم. در سالهای اخیر که دیگر آنها علنا نسبت به بقیه ایرانیان دارای حق بیشتری هستند. کنیسه های آنها رونق دارد ولیکن مساجد همه خالی است. آنها افرادی با قیافه های عجیب را مسئول مساجد کرده اند که هر مسلمان واقعی را با بدرفتاری و دورویی از مسجد دور کند. مساجد ما عملکردی غیر از یک تالار پذیرایی تزئین شده با لغات عربی ندارند. در حکومت اسلامی محل تجمع مسلمانان مسجد و نه کافی شاپ است. محل خوابیدن در راه ماندگان مسجد و نه مسافرخانه است. محل کمک به فقرا مسجد و نه سازمان بهزیستی است. محل کسب علم مسجد و نه دانشگاه است. محل حلال شدن ازدواج مسجد و نه ثبت احوال است. مسجد باید مرکز زندگی باشد، مسجد باید جایی باشد که همه از روی علاقه به سمت آن بشتابند.

مسجد باید جایی باشد که مشکلات ما را حل کند. مسجد باید مرکز فعالیتهای گروهی ما باشد. خداوند مومن را نه به خاطر تعداد لغات عربی که از دهان او خارج میشود بلکه به خاطر نیت درونی او پاداش میدهد. خداوند از ریا کاری متنفر است زیرا او شنوا و بیناست. او درون مردم را میداند و میبیند حتی قبل از اینکه هیچ بگویید.

**"وقتی عبادت میکنی، مانند منافقان نباش، آنها عاشق این هستند که در کنیسه ها و در خیابانها عبادت کنند تا توسط مردم دیده شوند"**

**"وقتی عبادت میکنی، مانند جنتایلهها بیمعنی تکرار مکن، زیرا آنها فکر میکنند به خاطر تعداد کلمات خود شنیده خواهند شد."**

**عهد جدید، انجیل متی، فصل ششم.**

مسلمانها و به خصوص سادات میخواهند از ایران مهاجرت کنند و بروند. با اینکه هیچ کشوری مسلمانان را به راحتی پذیرا نیست آنها حاضرند صدها هزار دلار خرج کرده تا تابعیت یک کشور غربی را به دست آورند. ولیکن یهودیان ایران با اینکه حتی پیشنهادهای پادشاهی هزاران دلاری به آنها میشود تصمیم دارند در ایران بمانند. مسلمانان هر روز فقیرتر و یهودیان هر روز ثروتمندتر میشوند. آیا در حکومت اسلامی واقعی همه مسلمانان ناراضی و همه یهودیان راضی اند؟ ثروت یهودیان در ایران دارای امنیت بسیاری است ولیکن بیشتر مسلمانان دارای اموالی هستند که توسط افراد نامعلوم و یا ارگانهای دولتی به طریقی غصب شده است. شکایت از این افراد نیز در قوه قضائیه به جایی نمیرسد. با اینکه اموال آقای ساعتچی کاملاً در امان است، اموال آقای حسینی هر روز به طریقی مشکوک غصب میشود. از خود پرسید که چگونه ممکن است

که اطلاعاتی که من در این کتاب به شما گفتم تاکنون از طریق مدارس و یا رسانه ها پخش نشده است. آیا دیگر میتوان مخفی کردن این مسائل را سهوی دانست و یا عمدی بودن آن کاملاً مشخص است.

سران حکومت جمهوری اسلامی اکثراً دارای قیافه های بسیار عجیب هستند. گویی همه آنها دارای نژاد متفاوتی نسبت به عامه مردم میباشند. به طور مثال هیچوقت در دوستان و یا اطرافیان کسی که شبیه سران حکومت باشد یافت نمیشود. همچنین آنها اکثراً با هم فامیل بوده و فقط در درون هم ازدواج میکنند و پیمانی ژنتیک با هم دارند. آنها ظاهر موجه دارند ولیکن اصل دین را که عدالت، بخشش و ایمان به خداست فراموش کردند. آنها کاملاً مانند فریسیان رفتار میکنند. آنها از خوردن اموال مردم هیچ ناراحت نمیشوند زیرا میگویند: "لیس علینا علی امیین شیئاً" ما نسبت به جنتایلهما هیچ مسئولیتی نداریم. آنها همگی تا زیر چشم خود ریش دارند و در صورتی که به اسرائیل بروند از یهودیان قابل تشخیص نیستند. آنها همگی دارای نامهای خانوادگی مرتبط با پیامبران اسرائیل نظیر اسحاق، یعقوب و یوسف هستند.

هیات متولفه اسلامی در واقع هیات متولفه یهودی است. اکثریت افراد این حزب یهودزاده هایی هستند که در زمان رضا شاه و در اوج اسلام ستیزی ظاهراً مسلمان شدند. با اینکه بر اساس هلاخا تمامی آنها هنوز یهودی محسوب شده و در صورت تمایل میتوانند با استفاده از قانون بازگشت شهروندی اسرائیل را به دست آورند. عملکرد این حزب کاملاً مشابه *AIPAC* است. آنها با گذاشتن افراد خود در دانشگاهها، وزارتخانه ها و شریانهای اقتصادی کنترل کشور را در دست گرفته اند. آنها در دانشگاهها با گذاشتن افرادی از خود در پستهای تصمیم گیری و تخصیص بودجه جلوی هرگونه فعالیت علمی مفید را میگیرند. آنها جوانان ما را تشویق به خود کم بینی و گرفتن بقیه یهودیان مانند انیشتین به عنوان خدا میکنند. حال از خود پرسید که کدام احمقی با قومی از مردم وارد جنگ شده ولی در عین حال افرادی از آن قوم را در پستهای حساس میگمارد. کدام ابلهی با اسرائیل دشمن بوده ولی در عین حال کارهای بد آن را از مردم خود مخفی میکند.



کدام انسان جاهلی با اسرائیل جنگ میکند ولیکن پوریم را از مردم خود مخفی میکند. ما بهترین دوست اسرائیل هستیم زیرا مسلمانان واقعی را مجازات میکنیم و یهودیان را با پول نفت پاداش میدهیم. ما فقط منتظریم تا وقتی مردم همه از دین متنفر شدند یهودیان را دوباره به مملکت بازگردانیم و اموال باقی مانده جنتایلهها را ضبط کنیم. ما همانگونه که اشعیا در عهد عتیق گفته است اعتقاد داریم که تمام ثروت جنتایلهها به یهودیان اختصاص دارد.




خاتمکاری اصفهان همیشه از طرح ستاره داوود استفاده میکند. آیات قرآن را در میان طرحهای ستاره داوود مینویسند و از آن به عنوان طلسم استفاده میکنند تا چشم بد را دور کند. در صورتی که در دین اسلام و حتی یهودیت استفاده از طلسم و جادو منع شده است.

وزارت اطلاعات ما محل اصلی یهودیان است. این وزارتخانه به جای اینکه به وظیفه اصلی خود که مبارزه با تهدیدهای یهودیان در حق ما جنتایلهها است عمل کند، به محل اصلی فعالیت‌های یهودی تبدیل شده است. وزارت اطلاعات ما هنوز نیز مانند زمان شاه توسط یهودیان کنترل میشود. وزارت اطلاعات ما فردی یهودی

زاده به نام سعید امامی با نام اصلی دانیال قوامی را به عنوان مسئول انتخاب کرده و به او اجازه میدهد که جنتایلهای ایرانی را بکشد. کدام احمقی نمیداند که یهودیان به ظاهر به اسلام میگردند تا آن را از درون خراب کنند؟ آیا این روحانیون مسلمان نما حتی یکبار نیز قرآن را نخوانده اند؟ وزارت اطلاعات ما به فردی مانند خاوری اجازه میدهد که در پستهای مهم مانند رئیس بانک باشد با اینکه حتی با جستجوی نام او در سرویس گوگل (*Google*) میتوان فهمید که پسر او با اسرائیل در ارتباط است. آیا وزارت اطلاعات حتی دسترسی به گوگل نیز ندارد؟ به تازگی گزارشی از سازمان پنتاگون انتشار یافته است که در آن گفته شده است که در وزارت اطلاعات ایران یهودیان دارای تابعیت اسرائیلی حضور دارند. هر کس شک دارد که این گفته پنتاگون دروغ است کافی است نظری به قیافه کارکنان این وزارتخانه و اعمال آنان بیندازد.

سپاه پاسداران نیز که باید وظیفه دفاع از این مملکت را بر عهده داشته باشد تبدیل به عنصری برای اعمال برتری مالی یهودیان نسبت به بقیه شده است. فرماندهان ما نام فرزندان خود را دانیال و بنیامین میگذارند. به تازگی خبری منتشر شده است که یک پسر یهودی ایرانی که مانند بقیه یهودیان ایران بسیار ثروتمند بوده با دختر یکی از فرماندهان سپاه رابطه جنسی داشته است. دیگر آنها چگونه باید بگویند که یهودی هستند.



**TALMOOD TORA  
BET KENESAT  
POL -E- CHOUBI**

*since 2005*  
עברית 5766  
1385 persian

Address: No 7 , foroughi ally , enghelab st , Before the pol e-choubi Intersection , In front pol -e choubi BRT station , tehran , iran.

---

**WWW.TALMOOD26.IR**

کنیسه های ایران از ستاره داوود و نه از منورا استفاده میکنند.



یهودیان ایران در فیسبوک (*Facebook*) علنا اعلام میکنند که طرفدار اسرائیل هستند و دولت و وزارت اطلاعات نیز کاملا آنها را آزاد میگذارد. دشمنان واقعی دولت ما جنتایلهای مسلمان و خصوصا ذریه واقعی علی هستند.

Open Group



**Isaac Yitzhak**

ארתור היקר

בבקשה , לגרש מדף זה הגויים!!!!!!!

Dear Arthur, expel from Gentiles!!!!!!! (Translated by Bing)

June 29 at 4:09pm near London, England

3 people like this.



**Isaac Yitzhak** منظورم اینه که غیر خودی بیرون!!

June 30 at 7:47am

یهودیان ایران نیز به دیوار نژادی بین خود و جنتایلها اعتقاد دارند و آن را حفظ میکنند. تصویر از نوشته های یهودیان ایرانی در فیسبوک گرفته شده است که در آن نویسنده به عبری نوشته است که "جنتایلها بیرون".



در بسیاری موارد چهره یهودیان ایرانی از جنتایلهای مسلمان قابل تشخیص نیست ولیکن آنها همه اعتقاد دارند که با ما متفاوت بوده و از ما بهترند.

مسئولان ما تاریخ یهودیان را در ایران از چشم ما مخفی کرده اند. آنها نگفته اند که دلیل نابودی زندیان که جنتایلهای ایرانی آنها را بسیار دوست داشتند یک یهودی به نام حاج ابراهیم کلانتر بود. آنها نگفتند که دلیل فساد قاجار و اعطای منابع طبیعی ما به بیگانگان این بود که یهودیان دربار میخواستند ثروت را از ما گرفته و به بقیه یهودیان دهند. آنها نگفتند که اصفهان دارای نام قبلی جهودیه بوده و مرکز یهودیان در ایران است. آنها نگفتند که نقشه شهر تهران را یک یهودی به نام ویکتور گروئن (*Victor Gruen*) درست کرد و محله عودلاجان یهودی نشین ثروتمندترین محله تهران در زمان قاجار بود. آنها نگفتند که اولین مدارس

ایران، مدارس آلیانس (*Alliance Israelite Universelle*) یهودی بود که در سال ۱۸۹۸ برای پیشبرد اهداف یهودیان ایجاد شده بود. آنها نگفتند که تمامی تاریخدانانی که برای کشف آثار باستانی خصوصا هخامنشی به ایران آمدند مانند رومن گیرشمن (*Roman Ghirshman*) یهودی بودند. آنها نگفتند که در دولتهای قدیم تمامی افرادی که دارای پسوند "الدوله" بودند یهودی و آنها که دارای پسوند "الدین" بودند مسلمان بودند. آنها نگفتند که حبیب القانیان که صهیونیست بوده، ثروت ما را چپاول میکرد و به اسرائیل میفرستاد، ظاهرا حاجی بود. آنها نگفتند تمامی کافه‌ها و کاباره‌های خیابان لاله‌زار تهران دارای صاحبان یهودی بودند و از این رو نام خانوادگی لاله‌زاری در بین یهودیان بسیار یافت میشود. آنها نگفتند که هفته‌نامه "زن روز" که فمینیسم را در بین زنان جنتایل ایرانی تشویق میکرد توسط "هما سرشار" یهودی کسی که اکنون طرفدار بمباران ایران و جنتایلهای ایرانی است ایجاد شد. آنها نگفتند که در انتخابات سال ۲۰۰۸ آمریکا، تمامی یهودیان ایرانی ساکن لوس آنجلس که اموال ما را در زمان انقلاب غارت کرده و با خود به آمریکا بردند طرفدار جان مک‌کین (*John McCain*) و طرفدار بمباران ایرانیان جنتایل و کشتن آنان بودند. آنها یهودیند و به بقیه یهودیان و نه به جنتایلهای علاقه مندند. یهودیان ایرانی در طی سی سال گذشته هیچوقت از پول نفتی که از ایران بردند به بقیه جنتایلهای ایرانی چه در ایران و چه در آمریکا کمک نکرده و بلکه آن را صرف اهداف بقیه یهودیان و اسرائیل کردند. آنها فقط همدین میشناسند و هموطن برای آنها بیمعنی است. یهودیان معتقدند که ما جنتایلهای حیوانهای احمقی بیش نیستیم و یهودیان حقوق بیشتری از بقیه مردم داشته و تنها انسانها آنان هستند. مسئولین ما به تلمود و نه به قرآن اعتقاد دارند و از قوانین آن و نه از قوانین محکم قرآن تبعیت میکنند.

آنها با شرکتهای یهودی بین المللی قراردادهای بزرگ میبندند و در عین حال داعیه مبارزه با صهیونیزم میزنند. آنها با سیتروئن (*Citroen*) قرارداد بسته و خط تولید از آن خریداری میکنند ولیکن نمیگویند که

آندره گوستاو سیتروئن (*Andre-Gustav Citroen*) موسس آن یهودی و صهیونیست بود. آنها هیچ علاقه‌ای به خرید خط تولید از تویوتا، هوندا، مرسدس و یا دیگر شرکت‌های آلمانی و ژاپنی ندارند، زیرا اینکار به فامیلهای یهودی آنها سود نمیرساند. آنها لاستیک گلدستون (*Goldstone*) تولید میکنند ولی نمیگویند تمامی کسانی که نام خانوادگی گلدستون دارند یهودیند. آنها از شرکت نستله (*Nestle*) بد میگویند و میخواهند آنرا تحریم کنند ولیکن هنری نستله (*Henri Nestle*) و صاحبان امروزی شرکت نستله اکثرا جنتایل آلمانی - سوئیسی هستند و تنها در اسرائیل سرمایه گذاری کردند. کاری که هر شرکت بین المللی مجبور است انجام دهد. آنها هیچوقت چیزی در مورد بایکوت دل (*Dell*) که مستقیما دارای صاحب یهودی است و مایکل دل رئیس آن صهیونیست است صحبت نمیکنند. آنها با یهودیان بد نیستند و از آنها اجناس زیادی خریداری میکنند. دشمن آنها هنوز هم مانند جنگ جهانی دوم آلمانیها و ژاپنیها هستند. مردم ما بر عکس به آلمانیها و ژاپنیها بسیار علاقه مندند. تمامی برندهایی که مردم دوست دارند دارای صاحبان جنتایل و تمامی برندهای مورد علاقه دولت صاحبان یهودی دارند. مردم به آدیداس (*Adidas*) و پوما (*Puma*) علاقه مندند که توسط دو برادر نازی آدی داسلر و رودولف داسلر (*Rudolf و Adi Dassler*) ایجاد شده اند. ما به نازیها علاقه مندیم و دولت ما به یهودیان. مردم ما آلمانیها را دوست دارند و دولت ما فرانسویها و انگلیسیها را. یهودیان نیز این سلیقه ما را میبینند و برای همین با ما و نه با دولت ما دشمنند.

تمامی سینمای ما در دستان یهودیان است و آنها به کمک این قدرت فرهنگ ما را تغییر میدهند. آنها هر روز فاحشگی زنان و عیاش بودن مردان و برداشتن ابرو و آرایش کردن برای آنان را به عنوان مدرنیته در جامعه جا میدازند. بیشتر اهالی سینما دارای قیافه های عجیب بوده و از مردم عادی متفاوتند. آنها جنتایلها را تشویق به هرزگی و فساد میکنند. در آن طرف قضیه نیز آنتی تز آنها پرستش ولی فقیه به عنوان خداست تا



حال ما را از دین به هم بزنند. آنها هر دو طرف را کنترل میکنند همانگونه که در آمریکا دمکراتها و جمهوریخواهها را کنترل کرده و یا کمونیسم و کاپیتالیسم را کنترل میکردند. آنها در هر دعوا هر دو طرف را کنترل میکنند، هیچ ایدئولوژی برای آنها به صورت ذاتی مهم نیست. تنها قانون مهم این است که چه چیزی برای یهودیان بهتر است.



عیسی خطاب به فریسیان هفت چیز را به عنوان دلیل فساد آنان گفت. بسیاری از این مسائل اکنون به روحانیون شیعه نیز وارد است زیرا آنان ریا را به رضایت خدا ترجیح داده اند:

گفت، کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشستهایند .  
پس آنچه به شما گویند، نگاه دارید و بجا آورید، لیکن مثل اعمال ایشان مکنید زیرا  
می گویند و نمی کنند .  
زیرا بارهای گران و دشوار را می بندند و بر دوش مردم میگذارند و خود نمی خواهند آنها



را به یک انگشت حرکت دهند.

و همه کارهای خود را می‌کنند تا مردم، ایشان را ببینند. حامیلهای خود را عریض و

دامنهای خود را پهن می‌سازند،

و بالا نشستن در ضیافت‌ها و کرسیهای صدر در کنیسه‌ها را دوست دارند،

و تعظیم در کوچه‌ها را و اینکه مردم ایشان را آقا آقا بخوانند.

عهد جدید، انجیل متی، ۲۳:۱

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می‌بندید،

زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شونده‌گان را از دخول مانع می‌شوید .

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا خانه‌های بیوه‌زنان را می‌بلعید و از روی

ریا نماز را طویل می‌کنید؛ از آنرو عذاب شدیدتر خواهید یافت .

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا که برّ و بحر را می‌گردید تا مریدی پیدا

کنید و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست‌تر از خود، پسر جهنّم می‌سازید !

وای بر شما ای راهنمایان کور که می‌گویید، هر که به معبد قسم خورد باکی نیست لیکن

هر که به طلای معبد قسم خورد باید وفا کند .

ای نادانان و نابینایان، آیا کدام افضل است؟ طلا یا معبدی که طلا را مقدّس می‌سازد؟

و هر که به مذبح قسم خورد باکی نیست لیکن هر که به هدیه‌ای که بر آن است قسم

خورد، باید ادا کند .

ای جهال و کوران، کدام افضل است؟ هدیه یا قربانگاه که هدیه را تقدیس می نماید؟ پس هر که به قربانگاه قسم خورد، به آن و به هر چه بر آن است قسم خورده است؛ و هر که به معبد قسم خورد، به آن و به او که در آن ساکن است، قسم خورده است؛ و هر که به آسمان قسم خورد، به کرسی خدا و به او که بر آن نشسته است، قسم خورده باشد .

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که نعناع و شبت و زیره را عشر می دهید و مهمترین احکام شریعت، یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده اید! می بایست آنها را بجا آورده، اینها را نیز ترک نکرده باشید .

ای رهنمایان کور که پشه را صافی می کنید و شتر را فرو می برید !

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار، از آن رو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می نمایید و درون آنها مملو از جبر و ظلم است .

ای فریسی کور، اول درون پیاله و بشقاب را طاهر ساز تا بیرونش نیز طاهر شود !

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که چون قبور سفید شده می باشید که از بیرون،

نیکو می نماید لیکن درون آنها از استخوانهای مردگان و سایر نجاسات پر است !

همچنین شما نیز ظاهراً به مردم عادل می نمایید، لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت مملو هستید .

وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیا را بنا می کنید و مدفنهای

صادقان را زینت می‌دهید،

و می‌گویید، اگر در ایام پدران خود می‌بودیم، در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی‌شدیم!

پس بر خود شهادت می‌دهید که فرزندان قاتلان انبیا هستید .

پس شما پیمانۀ پدران خود را لبریز کنید!

ای ماران و افعی‌زادگان! چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟

عهد جدید، انجیل متی ۲۳:۱۳

وای بر شما روحانیون شیعه که ربا را حلال کرده‌اید و به اسم بانکداری اسلامی به ما دادید.

وای بر شما که با یهودیان دوستید و با فرزندان علی دشمن هستید.

وای بر شما که اموال جنتایله‌ها و فرزندان علی را به ناروا می‌خورید و مانند مردم عادی کار نمی‌کنید.

وای بر شما که دزدیهای یهودیان و کارهای بد آنان را مخفی کردید.

وای بر شما که قرآن می‌خوانید ولی با دشمنان خدا و پیامبران او دوستید.

وای بر شما که همه کارهای خود را برای ریاکاری انجام می‌دهید و عاشق احترام مردم، نه رضایت خدا هستید.

وای بر شما که به آنچه تدریس میکنید اعتقاد ندارید و هدف شما قدرت دنیوی و نه پاداش اخروی است.

وای بر شما که جوانان را دینزده کردید و آنها را از دین جدشان دور کردید.

وای بر شما که احکام تورات را بر احکام قرآن مقدم میدارید.

وای بر شما که خدا را فراموش کرده‌اید و از او نمیترسید.

وای بر شما که مانند فریسیان رفتار کردید و خود را به مال ناروا فربه کردید.

چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟

## ذریه علی

وقتی این واقعیت که فرزندان پیامبران دارای وضعیت ویژه‌ای در دنیا هستند بر شما آشکار شود، نقش ویژه ایران نیز برای شما آشکار خواهد شد. وقتی بفهمید که کوهن‌ها زندگی و افکار شما را کنترل میکردند و میکنند نقش ویژه سادات را متوجه میشوید. در زمانی که خلفای عباسی و اموی فرزندان پیامبر خود را میکشند و با دشمنان خدا و پیامبران (یهودیان) بسیار خوب بودند ما ایرانیان در یک تصمیم سرنوشت ساز به فرزندان پیامبر امی (جنتایل) پناه دادیم. ما آنها را در بین خود گرفتیم و ارزش علی را درک کردیم. ما فهمیدیم که اسلام واقعی در اسلام علی و نه کعب الاحبار است. ما فهمیدیم که ذریه این پیامبر بسیار ارزشمند است و در آن زمان خدا ما را انتخاب کرد تا در جنگ آخر الزمان پیروز باشیم. تصمیم سرنوشت ساز

ما، سرنوشت ویژه‌ای برای ما رقم زد. ما با الگوبرداری از حسین ابن علی ترس از مرگ را کنار گذاشتیم و بر مرگ غلبه کردیم. از این رو ما تنها ملتی هستیم که همگی مرگ با عزت را به زندگی با ذلت ترجیح می‌دهیم. ما با تمامی مردم دنیا فرق داریم و خداوند ما را برگزیده است تا دنیا را اصلاح کنیم.

قال الامام الحسين (ع): «إِنِّي لَا أُرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»

حسین ابی علی: من مرگ را چیزی جز سعادت و زندگی با ظالمان را چیزی جز ذلت

نمی‌بینم. مسند الامام الشهید، ج ۲ ص ۴۷۸.

یهودیان نیز کاملاً از وضعیت ویژه ما آگاهند. آنها که خود به دلیل داشتن نژاد پیامبران دارای هوش زیادی هستند و خود میدانند که همه چیز را کنترل میکنند، خود از ذریه پیامبر امی (جنتایل) نیز آگاهند. آنها که خود آگاه هستند که چه تعداد از کوهن‌ها در پست‌های مهم هستند میدانند که سیدها نیز دارای پتانسیل بسیار زیادی هستند. آنها تمامی توان خود را بسیج کرده اند که به کمک حکومت خود ما نسل علی را از بین ببرند. آنها با ایجاد گشت ارشاد و اعمال مشابه زنان سیده و مسلمان ما را از دین زده میکنند. همانگونه که نوکر قبلی آنها الیور کرامول (*Oliver Cromwell*) انگلستان را دین زدایی کرد. آنها به کمک روحانیون فاسد یهودی زاده و جنتایل جوانان ما را از دین زده کردند. آنها روحانیون واقعی را نابود کردند. آنها بیشترین سود بانکی در دنیا را به اسم بانکداری بدون ربا به ما دادند. آنها بانکداری کسری را حلال دانستند. آنها پول بدون ارزش ذاتی و بیمه و امثال آن را اسلامی دانستند. آنها خود آگاهند که جوانان مسلمان ایران در تمامی زمینه های علمی هوش فوق العاده‌ای نشان میدهند و میتوانند همه چیز را اصلاح کنند. از این رو است که آنها هر روز از حکومت ما میخواهند که آنها را بیشتر سرکوب کند. وقتی فشار بیش از حد به جوانان ما می آید آنها

دوباره یکی از عمال خود را به عنوان مسئول نجات ما نشان می‌دهند و جنبش سبز راه می‌دازند. با اینکه هیچوقت در مورد مشکل یهودی ایران حرف نمی‌زنند. آنها هیچوقت حکمت شاهان صفوی در محدود کردن یهودیان را بیان نمی‌کنند.

مسلمان واقعی ما هستیم که از اسلام آنها متنفریم. مسلمان واقعی ما هستیم که نمیتوانیم هم نماز بخوانیم و هم دروغ بگوییم. مسلمان واقعی ما هستیم که مسلمان بودن را نه در چادر و یا مانتو پوشیدن بلکه در اعمال درست و ناراحتی از دروغ و دزدی میبینیم. مسلمان واقعی ما هستیم که ترجیح می‌دهیم بیدین باشیم تا مانند آنان. ماییم که مانند عیسی دینداری را در ایمان درونی میبینیم نه در ظاهر سازی فریسیان. مسلمان واقعی ما هستیم که از دیدن فاحشه شدن دخترانمان و معتاد شدن پسرانمان ناراحت میشویم. مسلمان واقعی ما هستیم که اکنون تحت فشاریم. مسلمان واقعی ما هستیم که در حال نابود شدن هستیم. مسلمان واقعی ماییم که نسلی از ما باقی نخواهد ماند اگر از خود دفاع نکنیم.

**(عیسی خطاب به حواریون) اگر دنیا از شما متنفر است به یاد داشته باشید که دنیا اول از من متنفر بوده است. اگر شما به دنیا تعلق داشتید، دنیا با شما مانند یکی از خود رفتار میکرد. شما به این دنیا تعلق ندارید، من شما را از بیرون دنیا انتخاب کرده ام. این دلیل آن است که دنیا از شما متنفر است. حرفهایی که به شما زدم را یاد داشته باشید: هیچ خدمتگزاری از ارباب خود بالاتر نیست. اگر آنها من را آزار دادند، شما را نیز آزار خواهند داد. اگر آنها تعلیمات من را گوش دادند، تعلیمات شما را نیز گوش خواهند داد. آنها با شما اینگونه رفتار خواهند کرد به خاطر نام من، زیرا آنان کسی که من را فرستاده است**

## نمیشناسند. - عهد جدید، انجیل یوحنا، ۱۵:۱۸

ولیکن وقت آشکار شدن حقیقت فرا رسیده است. خورشید هیچوقت پشت ابر نمیماند. وقت آن رسیده است که مردی از ذریه علی به پا خیزد و با قوم فاسد دشمن خدا و پیامبران به جنگ برخیزد. مردی که بانکها را جمع کرده و بانکدارها را اعدام کند. ارزش پول را ثابت کرده، پول را تبدیل به سکه طلا و نقره کند و سود بانکی را از بین ببرد. مردی که سیستم آموزش و پرورش اجباری را از بین برده و مساجد را احیاء کند. مردی که جزیه را بازگردانده و اقتصاد را از دست یهودیان خارج کند. مردی که اسلام واقعی را به همه مردم دنیا نشان داده و مردم همه جا را از ظلم و ستم مالی یهودیان نجات دهد. مردی که دشمنان خدا را به خفت و خواری که سزاوار آنان است برساند و ذریه پیامبر جنتایل را از ظلم و نابرابری نجات دهد. مردی که پسران را تشویق به کشاورزی و دختران را تشویق به مادر شدن کند. آن روز بسیار نزدیک است، خداوند ما را فراموش نکرده است.

**(خداوند فرمود) در روزهای آخر، من قدرت ایلام (سرزمین ایران) را به او باز خواهم**

**گردانید.**

**- عهد عتیق، ارمیا، ۴۹:۳۹**

## بازگشت به اصول قرآنی، تنها راه نجات ما

تنها راه نجات ما بازگشت اخلاق به درون خودمان است. ما نباید مانند مسئولان حکومت دروغ بگوییم و دزدی کنیم. ما نباید سربرادر مسلمان خود کلاه بگذاریم. ما باید خانواده را احیاء کنیم. ما باید به جوانان خود

کمک کنیم تا ازدواج کرده و نسل بعدی ما را ایجاد کنند. ما نباید فکر و ذکر خود را در مال اندوزی بلکه در این که چگونه به بقیه مسلمانان ایرانی کمک کنیم بکار بریم. ما نباید در ملیت و بلکه در دین فکر کنیم. ما باید بدانیم که آقای کهن هیچوقت با ما یکی نخواهد شد، هرچند که ظاهراً مسلمان دو آتشه شود. ما باید مسئولیت پذیر باشیم و برای بهتر شدن خود و اجتماع بکوشیم. ما باید بدانیم که کسانی که در حکومت و در اطراف ما این فسادها را میکنند یهودیند. آنها قومی هستند که خداوند از آنها دل کنده است و دیگر عذاب جهنم ابدی بر آنها قطعی شده است. در قلب آنها مرض است و خداوند نیز مرض آنها را زیاد میکند. زیرا خداوند میخواهد نهایت عذاب را به آنان بچشاند. ما باید از حکومت بخواهیم که آنها را از ما جدا کند. ماییم که باید با پیروی از قوانین قرآن در بین خود اسلام را احیا کنیم. ماییم که باید کنترل مساجد را از دست حکومت و یهودیان پشت پرده آن خارج کنیم. ماییم که باید با ثروت خود به جای خرید تجملات به بقیه مسلمانان هم کیش خود کمک کنیم. ماییم که نباید برای پولی که از راه حرام به دست آمده است ارزشی قائل باشیم. ماییم که نباید حاضر باشیم برای تمامی پول دنیا به برادر مسلمان خود ظلم کنیم. ماییم که باید به کسانی از بین خود که خداوند به آنها برکت داده است کمک کنیم و نه اینکه به آنها بخل بورزیم. ماییم که باید بهترینها از بین خود را گرامی بداریم نه اینکه به آنها حسادت کنیم. تا زمانی که ما مانند قبل رفتار کنیم آینده تغییری نخواهد کرد. در صورتی که ما تلاش کنیم عوض شویم مطمئناً حکومت به جنگ با ما برخاست. ولیکن ما دیگر میدانیم که آنها چه کاره اند. ما ترسی از مرگ نداریم زیرا زندگی با ذلت را نمیپذیریم.

مردم عادی ما نیز تنها در صورتی نجات خواهید یافت که از شهرها به روستاها بازگشته و سادات واقعی و نخبگان خود را به عنوان رئیس و کدخدا انتخاب کنید و فرمانبردار باشید. به جای حسادت به نخبگان مسلمان و سادات و آزار و اذیت آنان، آنان را گرامی بدارید و بدانید که آنها تنها کسانی هستند که میتوانند



شما را از آینده دهشتناک حفظ کنند. بدانید دوستان واقعی شما کسانی هستند که امروزه تحت فشارند. خود را مسلح کنید و عمال حکومتی را در بین خود راه ندهید و از پول تقلبی کاغذی حکومت برای مبادله محصولات خود استفاده نکنید. ثروت خود را در بانک نگذارید و مانند گذشته از سکه طلا و نقره استفاده کنید. گناه و فساد شهرها را رها کرده و دوباره به کشاورزی بازگردید. غذای خود را خود تولید کنید و از فروشگاه خریداری نکنید. قانون خدا را با دقت و شدت اجرا کنید و هیچ چیزی که در قرآن نیست را به عنوان قانون خدا قبول نکنید. به منافع گروهی و نه به منافع شخصی فکر کنید. حرمت مالکیت را حفظ کنید و نگذارید حتی یک نفر مال دیگری را به زور غصب کند. برادری را در بین خود ایجاد کنید و با یکدیگر رقابت نکنید. فرزندان خود را خود با کتاب خدا آموزش دهید و به مدارس دولتی نفرستید. بدانید که مهمترین چیز ایمان به خداست و نه پول و ثروت. تنها در این صورت است که نجات خواهید یافت.

ما باید قومی مقدس باشیم، نه قومی که بر سر همدیگر کلاه گذاشته و با برادر مسلمان خود دعوا کنیم. ما نباید پولپرست باشیم بلکه باید خدای ابراهیم را بپرستیم. ما باید زنده بمانیم و نسل خود را حفظ کنیم. ما باید پیروز شویم و حکومت الله را ایجاد کنیم. ما باید یاد تمامی پیامبران را زنده کنیم. ما باید نمونه اخلاق و درستکاری و وجدان کاری برای تمامی جهانیان باشیم. ما باید جایگاه درست خود را در جهان به دست آوریم. ما موفق خواهیم شد زیرا خداوند ما را دوست دارد. ما موفق خواهیم شد زیرا او برای ما سرنوشت ویژه‌ای قرار داده است. ما موفق خواهیم شد زیرا درستکاری اجداد ما بدون پاداش باقی نخواهد ماند. ما ارض مقدس را به ارث میبریم زیرا ماییم که مردمان صالح هستیم. ما کسانی هستیم که به مردم دیگر حمله نکرده و اموال آنها را چپاول نمیکنیم. ما درستکاری و درستکاری بدون پاداش نیست. خداوند وعده داده است که او هیچ قومی را تغییر نمیدهد تا خود از درون تغییر کنند. ما همین امروز باید عوض شده و حقیقت وعده خدا را درک کنیم. تنها در صورتی که تک تک ما از کارهای بد گذشته خود توبه کرده، اموالی که در

چند سال اخیر به ناروا خوردیم بازگردانده، دروغ گفتن را کنار گذاشته و در راه درستکاری گام برداریم. سرنوشت ملت ما تغییر خواهد کرد. ایده‌آل و لیاقت ما این است نه آنچه امروز میبینیم. ما پیروز خواهیم شد اگر شما خواننده ایمان بیاورید. وقت آن است که نه تنها خود تغییر کرده بلکه در اطرافیان خود نیز تغییر ایجاد کنید. این کتاب را به هر که میشناسید بدهید. من نه به دنبال قدرت و نه به دنبال پاداش مالی از نوشتن این کتاب نبوده و تنها قصدم بیدار کردن ملتی خفته با قدرتی بیپایان بود. شما نیز با ادامه دادن این راه این کتاب را به هر کس میشناسید، پیر و جوان، زن و مرد بدهید تا بلکه آنها نیز واقعیت را ببینند. ما میتوانیم زیرا خداوند ما را برگزیده است. قوم برگزیده واقعی ما هستیم که نژاد پیامبر جنتایل را داریم. خداوند نجاست را از ما زدوده است و برای همین است که نمیتوانیم از وضعیت فعلی راضی باشیم. خداوند نجاست را از ما زدوده است و برای همین است که دشمنان خدا با ما دشمنند. خداوند نجاست را از ما زدوده است و برای همین تحت فشاریم.

سران حکومت آن دسته که یهودی هستند که حساب کار آنان جداست. ولیکن آنها که جنتایل بوده ولیکن با یهودیان برای جمع آوری ثروت و ظلم به هموعان خویش همکاری کردند و حقیقت را از آنها مخفی کردند عذاب خفت آور این دنیا و دنیای بعدی در انتظار آنان است. توبه کنید تا وقت باقی است. هر آنچه میدانید افشا کنید تا وقت باقی است. مطمئناً حکومت دارای لیستی از یهودیان است که با استفاده از آن آنها را برای پستهای مختلف میگذارد. خشم خدا به زودی شما را گرفتار خواهد کرد. شما به زودی در این دنیا در آتش خشم مردم و در آن دنیا در آتش ابدی خواهید سوخت. توبه کنید شاید از جهنم ابدی رهایی پیدا کنید. خداوند هیچ ظلم و ستمی را بدون مجازات باقی نمیگذارد. ما به زودی به خاطر کارهای بد شما در سی سال گذشته از همه شما انتقام خواهیم گرفت مگر اینکه ایمان آورده و با ما همراه شوید. ما دشمنان خدا و پیامبران او را شکست خواهیم داد.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۸) رَبَّنَا إِنَّكَ  
 جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (۹) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ  
 أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ (۱۰) كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ  
 قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۱۱) قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سِتُّ مَوَاطِنَ  
 وَتُخْشَرُونَ إِلَيَّ جَهَنَّمَ وَيَسَّ الْمِهَادُ (۱۲)

پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت کردی دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان و از  
 جانب خود رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. پروردگارا به یقین تو در  
 روزی که هیچ تردیدی در آن نیست، گردآورنده مردمانی قطعاً خداوند در وعده خلاف  
 نمی‌کند. [آنان] به شیوه فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند آیات ما را دروغ  
 شمردند پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت و خدا سخت‌کیفر  
 است. به کسانی که کفر ورزیدند بگو به زودی مغلوب خواهید شد و در دوزخ محشور  
 می‌شوید و چه بد بستری است.

—سوره آل عمران، آیه ۸—

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ وَأَرْنَا

مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۱۲۸)

پروردگارا ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما  
امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان  
ده و بر ما ببخشای که تویی توبه‌پذیر مهربان.

سوره بقره آیه ۱۲۸

## ضمیمه ۱: لیستی از نامهای خانوادگی یهودیان ایران - همه کسانی که این فامیله‌ها را دارند لزوماً

یهودی نیستند، ولیکن یهودیانی با این نام خانوادگی نیز یافت میشوند. البته نامهای خانوادگی که از نام قبایل اسرائیل، کوهانیم و یا لغات عبری گرفته شده اند احتمال یهودی بودن را بسیار زیاد میکنند. مثلاً نام خانوادگی کهن، کهنچی، کهنزاد، کهنپور نشاندهنده کوهن بودن است. نام خانوادگی یعقوب زاده، بنی یعقوب، یعقوب پور نشاندهنده فرزند یعقوب (اسرائیل) بودن است. نام خانوادگی یوسف زاده، یوسف پور نشاندهنده فرزند یوسف بودن (قبیله مناشه و افرائیم) بودن است. نام خانوادگی ربیع زاده و یا ربیع پور به معنی فرزند ربی (خاخام) بودن است. نامهای خانوادگی مرتبط با طلا، نقره، مس و یا صرافی نیز نشاندهنده پیشینه یهودی فرد است. بسیاری از یهودیان دارای نامهای خانوادگی مرتبط با نسل اسحاق هستند. از این رو نامهای مرتبط با اسحاق، یعقوب و فرزندانش و سایر پیامبران اسرائیل در بین آنها زیاد یافت میشود. یهودیان فکر میکنند نور و جواهری در بین جنتایله‌ها هستند و از این رو نامهای خانوادگی مرتبط با نور و جواهر در بین آنان زیاد است. ولیکن بازهم لزوماً داشتن این نامها صد در صد نشاندهنده یهودی بودن فرد نیستند. رفتار فرد از قبیل تشویق بقیه مردم به فساد، سرکار نرفتن شنبه‌ها، دروغگویی، هوش زیاد، اندوختن پول، ویزا گرفتن بسیار راحت از کشورهای خارجی، بدگفتن از اسلام، وحشی خواندن پیامبر، گرفتن وامهای بسیار بزرگ از بانکها، پرستیدن مال دنیا، ریاکاری بیش از حد، داشتن افرادی در نقاط مختلف و ادارات که به شدت طرفدار او هستند و مهمتر از همه طرفداری از ربا و بانکداری فعلی بیش از هر چیز نشانه یهودی بودن فرد است. یهودیان اکثراً دارای مشکلات و بیماریهای ژنتیکی، قیافه‌های عجیب، بینیهای بزرگ، موی بدن زیاد، عینک و موهای مجعد هستند. ولیکن بازهم در بین جامعه ایرانی تشخیص چهره یهودی از غیریهودی بسیار مشکل است. توجه به رفتارهای ازدواجی نیز میتواند نشاندهنده یهودی ماندن فرد باشد. فردی که به ظاهر به اسلام گرویده است فقط در بین یهودی زاده‌ها ازدواج میکند. لیست زیر تنها بخشی از نامهای خانوادگی یهودیان ایران است و نامهای خانوادگی یهودی زیاد دیگری نیز وجود دارند. نامهایی که با رنگ قرمز مشخص شده اند نامهایی هستند که بیشتر در بین یهودیان یافت میشوند. بقیه نامها در بین ایرانیان جنتایل نیز زیاد یافت میشوند. نامهای یهودی صرفاً منحصر به این نامها نیستند و بسیاری از یهودیان نامهای خانوادگی کاملاً اسلامی دارند. یهودیان خود به طرز عجیبی حتی از طرز نگاه کردن همدیگر را میشناسند.

<i>Abrishami</i> ابریشمی	<i>AleEshagh</i> آل اسحاق	<i>Asadi</i> اسدی
<i>Abrishamian</i> ابریشمیان	<i>Almasi</i> الماسی	<i>Asemani</i> آسمانی
<i>Abadi</i> آبادی	<i>Amir</i> امیر	<i>Asgaroladi</i> عسگراولادی
<i>Abadani</i> آبادانی	<i>Amid</i> عمید	<i>Asher</i> اشهر
<i>Abadehi</i> آباده‌ای	<i>Amini</i> امینی	<i>Ashraf</i> اشرف
<i>Abbasi</i> عباسی	<i>Aminian</i> امینیان	<i>Ashouri</i> آشوری
<i>Abyaneh</i> ابیانه	<i>Amlashi</i> املشی	<i>Ashtiani</i> آشتیانی
<i>Adibi</i> ادیبی	<i>Anvari</i> انوری	<i>Atash</i> آتش
<i>Aeenechi</i> آینه چی	<i>Aref</i> عارف	<i>Attaran</i> عطاران
<i>Afshar</i> افشار	<i>Arefi</i> عارفی	<i>Azadian</i> آزادیان
<i>Afshari</i> افشاری	<i>Araki</i> اراکی	<i>Azari</i> آذری
<i>Akbari</i> اکبری	<i>Ardalan</i> اردلان	<i>Azhari</i> اظه‌ری
<i>Akhavan</i> اخوان	<i>Arjomand</i> ارجمند	<i>Azimi</i> عظیمی
<i>Alaee</i> علایی	<i>Aryayee</i> آریایی	<i>Azizi</i> عزیزی
<i>Alamouti</i> الموتی	<i>Arya</i> آریا	<i>Azizian</i> عزیزیان

<i>Babadi</i> بابادی	<i>Banaee</i> بنایی	<i>Bereyani</i> برلیانی
<i>Baboli</i> بابلی	<i>Banki</i> بانکی	<i>Binafard</i> بینافرد
<i>Bahadori</i> بهادری	<i>Barani</i> بارانی	<i>Birjandi</i> بیرجندی
<i>Bahari</i> بهاری	<i>Bashari</i> بشری	<i>Broumand</i> برومند
<i>Bahrami</i> بهرامی	<i>Bastani</i> باستانی	<i>Broujerdi</i> بروجردی
<i>Bahonar</i> باهنر	<i>Bayat</i> بیات	<i>Bograt</i> بقراط
<i>Bahmani</i> بهمنی	<i>Bazargan</i> بازرگان	<i>Bolour</i> بلور
<i>Bakhash</i> بخاش	<i>Behjat</i> بهجت	<i>Boloorian</i> بلوریان
<i>Bakhshi</i> بخشی	<i>Behfar</i> بهفر	<i>Boostani</i> بوستانی
<i>Bakhtiar</i> بختیار	<i>Beigi</i> بیگی	<i>Boostanfar</i> بوستانفر
<i>Bakhtiari</i> بختیاری	<i>Benyamin</i> بنیامین	<i>Bootehsaz</i> بوته ساز
<i>Bakhtavar</i> بخت آور	<i>Ben Yaghoub</i> بن یعقوب	<i>BourBour</i> بوربور
<i>Balakhani</i> بالاخانی		<i>Bozorgmehr</i> بزرگمهر
<i>Bani Yaghoob</i> بنی یعقوب	<i>Bent Yaghoub</i> بنت یعقوب	<i>Chubin</i> چوبین
		<i>Cohan</i> کهن

<i>Dabashi</i> دباشی	<i>Davoudpour</i> داوودپور	<i>Eemani</i> ایمانی
<i>Daliri</i> دلیری	<i>Davidi</i> داویدی	<i>Eezadi</i> ایزدی
<i>Damghani</i> دامغانی	<i>Davoodi</i> داوودی	<i>Ehsani</i> احسانی
<i>Damirchi</i> دمیرچی	<i>Dayyani</i> دیانی	<i>Elahi</i> الهی
<i>Danesh</i> دانش	<i>Dehghan</i> دهقان	<i>Elghanian</i> القانیان
<i>Daneshjou</i> دانشجو	<i>Dehghani</i> دهقانی	<i>Eliasi</i> الیاسی
<i>Danialpour</i> دانیالپور	<i>Dehpour</i> دهپور	<i>Enayati</i> عنایتی
<i>Daneshgar</i> دانشگر	<i>Deilamani</i> دیلمانی	<i>Esfahani</i> اصفهانی
<i>Dardashti</i> دردشتی	<i>Delijani</i> دلیحانی	<i>Eshagh</i> اسحاق
<i>Darvish</i> درویش	<i>Delshad</i> دلشاد	<i>Eshaghpour</i> اسحاقپور
<i>Darian</i> دریان	<i>Diba</i> دیبا	<i>Eshaghian</i> اسحاقیان
<i>Daryani</i> دریانی	<i>Divan</i> دیوان	<i>Eshraghi</i> اشراقی
<i>Daryaee</i> دریایی	<i>Ebrahimi</i> ابراهیمی	<i>Eslami</i> اسلامی
<i>Dashti</i> دشتی	<i>Ebrahimzadeh</i> ابراهیم	<i>Etemadi</i> اعتمادی
<i>Davoudian</i> داوودیان	زاده	<i>Ettehad</i> اتحادی



اقبال <i>Eqbal</i>	فیروز <i>Firouz</i>	قربان <i>Ghorban</i>
فلاح <i>Falah</i>	فروتن <i>Foroutan</i>	گیوه چی <i>Givehchi</i>
فلاحتی <i>Falahati</i>	فومنی <i>Foumani</i>	گوهریان <i>Goharian</i>
فرهمند <i>Farahmand</i>	فولادی <i>Fooladi</i>	گلباز <i>Golbaz</i>
فرجاد <i>Farjad</i>	گنجی <i>Ganji</i>	گلستان <i>Golestan</i>
فریور <i>Farivar</i>	گنجیان <i>Ganjian</i>	گلچیان <i>Golchian</i>
فرجامی <i>Farjami</i>	جبللی <i>Gebelli</i>	<i>Golestaninezhad</i>
فرنوش <i>Farnoosh</i>	گرامی <i>Gerami</i>	گلستانیان نژاد
فراشی <i>Farrashi</i>	گرامیان <i>Geramian</i>	گلیان <i>Golian</i>
فرخزاد <i>Farrokhzad</i>	قهرمانی <i>Ghahremani</i>	گلپایگانی <i>Golpaygani</i>
فرزام <i>Farzam</i>	قلمچی <i>Ghalamchi</i>	گلساز <i>Golsaz</i>
فاضل <i>Fazel</i>	غفاری <i>Ghaffari</i>	گلشنی <i>Golshani</i>
فکری <i>Fekri</i>	قوام <i>Ghavam</i>	گلشن <i>Golshan mehr</i>
فریدونی <i>Fereidouni</i>	قرمزبان <i>Ghermezian</i>	مهر
فیروزی <i>Firouzi</i>	قدس <i>Ghods</i>	گرگانی <i>Gorgani</i>

<i>Gowhari</i> گوهری	<i>Hamedani</i> همدانی	<i>Jafari</i> جعفری
<i>Habibi</i> حبیبی	<i>Harouni</i> هارونی	<i>Jasbi</i> جاسبی
<i>Haddad</i> حداد	<i>Hassan</i> حسن	<i>Jalili</i> جلیلی
<i>Haghighi</i> حقیقی	<i>Hassani</i> حسنی	<i>Jalilian</i> جلیلیان
<i>Haim</i> حیم	<i>Hassibi</i> حسیبی	<i>Jamshidi</i> جمشیدی
<i>Haimpour</i> حیمپور	<i>Hay</i> حی	<i>Javaherian</i> جواهریان
<i>Hadian</i> هادیان	<i>Hedayati</i> هدایتی	<i>Javedanfar</i> جاودانفر
<i>Hajian</i> حاجیان	<i>Hejazi</i> حجازی	<i>Jawahery</i> جواهری
<i>Hajimiri</i> حاجیمیری	<i>Hekmat</i> حکمت	<i>Jazi</i> جازی
<i>Hakakian</i> حکاکیان	<i>Helli</i> حلی	<i>Johari</i> جوهری
<i>Hakim</i> حکیم	<i>Hessabi</i> حسابی	<i>Jourabchi</i> جورابچی
<i>Hakimian</i> حکیمیان	<i>Hoshiar</i> هوشیار	<i>Kabiri</i> کبیری
<i>Hakimzadeh</i> حکیم زاده	<i>Hoorvash</i> هوروش	<i>Kadkhodazadeh</i> کدخدازاده
<i>Hakimirad</i> حکیمیراد	<i>Ilami</i> ایلامی	<i>Kafashian</i> کفاشیان
<i>Halimi</i> حلیمی	<i>Izadi</i> ایزدی	

<i>Kahen</i> کاهن	<i>Kermanshahi</i>	<i>Khiabani</i> خیابانی
<i>Kalimi</i> کلیمی	کرمانشاهی	<i>Khoei</i> خویی
<i>Karbasi</i> کرباسی	<i>Kermanian</i> کرمانیان	<i>Khomeini</i> خمینی
<i>Karbaschi</i> کرباسچی	<i>Kermani</i> کرمانی	<i>Khorrami</i> خرمی
<i>Kashani</i> کاشانی	<i>Khakshoor</i> خاکشور	<i>Khorasani</i> خراسانی
<i>Kashi</i> کاشی	<i>Khaki</i> خاکی	<i>Khorsandi</i> خرسندی
<i>Kasraee</i> کسرای	<i>Khamenei</i> خامنه‌ای	<i>Khorshidi</i> خورشیدی
<i>Kamali</i> کمالی	<i>Khamseh</i> خمسه	<i>Khorramian</i> خرمیان
<i>Kanani</i> کنعانی	<i>Khansari</i> خوانساری	<i>Kiani</i> کیانی
<i>Kazemi</i> کاظمی	<i>Khalili</i> خلیلی	<i>Kianouri</i> کیانوری
<i>Keivani</i> کیوانی	<i>Khalilian</i> خلیلیان	<i>Kimiaee</i> کیمیایی
<i>Keipour</i> کیپور	<i>Kharrazi</i> خرازی	<i>Kohan</i> کهن
<i>Keramat</i> کرامت	<i>Khatami</i> خاتمی	<i>Kohanzad</i> کهنزاد
<i>Kermanshahchi</i>	<i>Khataee</i> ختایی	<i>Kohanchi</i> کهنچی
کرمانشاهچی	<i>Khazaei</i> خزایی	<i>Kohanteb</i> کهن‌تَب

*Kohanpour* کهنپور

*Lotfizadeh* لطفی زاده

*Manuchehrian*

*Kordestani* کردستانی

*Lucas* لوکاس

منوچهریان

*Kosar* کوثر

*Madani* مدنی

*Mashhadi* مشهدی

*Kiumehr* کیومهر

*Maddahi* مداحی

*Mashaian* مشاییان

*Laavi* لاوی

*Mah* ماه

*Masoudi* مسعودی

*Laavian* لاویان

*Mahgrefteh* ماه گرفته

*Matloubi* مطلوبی

*Laame* لامع

*Makhmalbaf* مخملباف

*Mazaheri* مظاهری

*Laahijani* لاهیجانی

*Makhmalian* مخملیان

*Mehrannia* مهراننیا

*Larijani* لاریجانی

*Maknoon* مکنون

*Mehrabi* محرابی

*Lalehzari* لاله زاری

*Maleki* ملکی

*Meirzadeh* میرزاده

*Lavaeee* لوائی

*Malekan* ملکان

*Melamed* ملامد

*Lavasani* لواسانی

*Malakouti* ملکوتی

*Melmed* ملمد

*Laahijani* لاهیجانی

*Malayeri* ملایری

*Merage* معراج

*Leevian* لیویان

*Malkoukian* ملکوکیان

*Mesbah* مصباح

*Lolae* لولایی

*Manjili* منجیلی

*Messian* مسیان

<i>Meschi</i> مسچی	<i>Mosaeian</i> موساییان	<i>Najibi</i> نجیبی
<i>Mesforosh</i> مسفروش	<i>Moshiri</i> مشیری	<i>Najjar</i> نجار
<i>Mesri</i> مصری	<i>Moslehi</i> مصلحی	<i>Nakhon</i> ناخن
<i>Milani</i> میلانی	<i>Moteie</i> مطیعی	<i>Navvab</i> نواب
<i>Mirae</i> میرایی	<i>Motamed</i> معتمد	<i>Nayeri</i> نیری
<i>Mirzaei</i> میرزایی	<i>Mottahi</i> متحی	<i>Nazarian</i> نظریان
<i>Moaddel</i> معدل	<i>Mottaki</i> متکی	<i>Nejad</i> نجاد
<i>Moallem</i> معلم	<i>Mozzafarian</i> مظفریان	<i>Nejati</i> نجاتی
<i>Moghaddam</i> مقدم	<i>Nabae</i> نبعی	<i>Neisani</i> نیسانی
<i>Moghtader</i> مقتدر	<i>Naderi</i> نادری	<i>NikAeen</i> نیک آیین
<i>Mohebi</i> محبی	<i>Naeem</i> نعیم	<i>Nikjoo</i> نیک جو
<i>Mojib</i> مجیب	<i>Naeemi</i> نعیمی	<i>Niknam</i> نیکنام
<i>Monzavi</i> منزوی	<i>Nahai</i> نهایی	<i>Niknazar</i> نیک نظر
<i>Mosavi</i> موسوی	<i>Nahawandi</i> نهاوندی	<i>Nikrooz</i> نیکروز
<i>Mosazdeh</i> موسی زاده	<i>Naini</i> نائینی	<i>Nobari</i> نوبری

نوذری <i>Nozari</i>	پریزاده <i>Parizadeh</i>	پورمرتضی <i>Pourmorteza</i>
نیکزاد <i>Nikzad</i>	پرتوی <i>Partovi</i>	قمی <i>Qomi</i>
نوآئین <i>NoAeen</i>	پنبه چی <i>Panbechi</i>	ربیع زاده <i>Rabizadeh</i>
نقره چی <i>Noghrechi</i>	پایور <i>Payvar</i>	ربیعی <i>Rabiee</i>
نقره ساز <i>Noghresaz</i>	پیکار <i>Peikar</i>	ربانی <i>Rabbani</i>
نورانی <i>Noorani</i>	پیکاریان <i>Peikarian</i>	رفیعی <i>Rafie</i>
نوربخش <i>Noorbakhsh</i>	پسیانی <i>Pesiani</i>	رهبر <i>Rahbar</i>
نورسته <i>Norasteh</i>	پزشکی <i>Pezeshki</i>	رحیمپور <i>Rahimpour</i>
نصرت <i>Nosratabadi</i>	پزشکیان <i>Pezeshkian</i>	رحمانی <i>Rahmani</i>
آبادی	<i>Pezeshkzadeh</i>	رخشانی <i>Rakhshani</i>
نعمان <i>Newman</i>	پزشکزاده	رنگرز <i>Rangraz</i>
میرآخور <i>Mirakhor</i>	پزشکپور <i>Pezeshkpour</i>	رشیدی <i>Rashidi</i>
اخوت <i>Okhovvat</i>	پیرانی <i>Pirani</i>	رشیدیان <i>Rashidian</i>
اوتادی <i>Otadi</i>	پیرنظر <i>Pirnazar</i>	رستگار <i>Rastegar</i>
پریزاد <i>Parizad</i>	پولداری <i>Pouldar</i>	راوندی <i>Ravandi</i>

Raz راز	Safaeه صفایى	Samadi صمدى
Razi رازى	Safi صافى	Sanei صنایى
Reyhanian ريحانيان	Saghizadeh ساقيزاده	Sayyad صيادى
Rezwani رضوانى	Sahraee صحرايى	Seiti صيتى
Rismani ريسمانى	Salari سالارى	Seraji سراجى
Roubini روبينى	Salehi صالحى	Seyhoun سيهون
Roshan روشن	Samimi صميمى	Simanian سيمانيان
Rowshanrad روشنراد	Sarrafeh صراف	Simchi سيمچى
Saabet ثابت	Sarrafezadeh صراف زاده	Shakibaeه شكيابى
Saatchi ساعتچى	Sarshar سرشار	Shakeri شاكرى
Saadati ساداتى	Sarvari سرورى	Shafiei شفيعى
Saba صبا	Sasanfar ساسانفر	Shahbazi شهبازى
Sabbagh صباغ	Sasan ساسان	Shahidi شهيدى
Saberi صابرى	Sasanian ساسانيان	Shahriari شهريارى
Sadri صدرى	Sasooni ساسونى	Shajarian شجريان

Shamloo شاملو	Soleimanzadeh سلیمان	Talachi طلاچی
Shemirani شمیرانی	زاده	Talaszazan طلاسازان
Shirazi شیرازی	Soomekh سومخ	Talebi طالبی
Shirazian شیرازیان	Tabibpour طبیب پور	Tanha تنها
Shirvani شیروانی	Tabibzadeh طبیبزاده	Tarokh تارخ
Shooshtari شوشتری	Taban تابان	Tashkhisi تشخیصی
Shokouhi شکوهی	Tabari طبری	Termehchi ترمه چی
Simnegar سیمنگار	Tabasi طبسی	Tizabi تیزابی
Sina سینا	Tabrizi تبریزی	Tofigh توفیقی
Sinai سینایی	Tadayon تدین	Toghiani طغیانی
Sohanian سوهانیان	Tadayoni تدینی	Toosi طوسی
Solati صولتی	Taheri طاهری	Tovi طوفی
Soltani سلطانی	Tajeri تجاری	Vafa وفا
Soleimani سلیمانی	Tajerani تاجرانی	Vahedi واحدی
	Talaeه طلائی	Vakilian وکیلان



<i>Vakili</i> وکیلی	<i>Yazdianpour</i> یزدیانپور	<i>Zanjani</i> زنجانی
<i>Varmazyar</i> ورمزیار	<i>Yeganeh</i> یگانه	<i>Zanjirbaf</i> زنجیرباف
<i>Yadegar</i> یادگار	<i>Yeroushalmi</i> یروشلمی	<i>Zar</i> زر
<i>Yadegaran</i> یادگاران	<i>Younessian</i> یونسیان	<i>Zarbini</i> زربینی
<i>Yaghoobzadeh</i> یعقوبزاده	<i>Younesi</i> یونسی	<i>Zarbakhsh</i> زربخش
<i>Yaghoobi</i> یعقوبی	<i>Yousefi</i> یوسفی	<i>Zargari</i> زرگری
<i>Yaghoobnezhad</i> یعقوبنژاد	<i>YousefZadeh</i> یوسف زاده	<i>Zargaran</i> زرگران
<i>YaminPour</i> یامین پور	<i>Yousefpour</i> یوسفپور	<i>Zargarian</i> زرگریان
<i>Yari</i> یاری	<i>Yousefian</i> یوسفیان	<i>Zarrabian</i> ضرابیان
<i>Yashayei</i> یشایایی	<i>Zaghi</i> زاغی	<i>Zarrini</i> زربینی
<i>Yazdanpour</i> یزدانپور	<i>Zakeri</i> ذاکری	<i>Zarrindast</i> زربندست
<i>Yazdi</i> یزدی	<i>Zafarmehr</i> ظفرمهر	<i>Zarrinvand</i> زربینوند
<i>Yazdian</i> یزدیان	<i>Zahiri</i> ظهیری	<i>Zendedel</i> زنده دل
	<i>Zamani</i> زمانی	<i>Zoobin</i> زوبین

## ضمیمه ۲ : نامهای خانوادگی یهودی در دنیای غرب

بسیاری از نامهای خانوادگی یهودی ایرانی و غربی یکسان است و تنها ترجمه یکدیگر میباشد. مثلاً Cohen همان کهن، Newman همان نعمان، Goldstein همان زرشناس یا زرکوب، Abramovich همان ابراهیمی، Shem-tov همان نیکنام، Ben-David همان داوودزاده، Jacobi همان یعقوبی و ... میباشد.

- |                    |                    |                  |
|--------------------|--------------------|------------------|
| • Aaron (surname)  | • Aschner          | • Bergner        |
| • Aaronovich       | • Asener           | • Bergson        |
| • Aarons (surname) | • Asherson         | (surname)        |
| • Aaronsohn        | • Ashkenazi        | • Berkovic       |
| • Aaronson         | (surname)          | • Berkovich      |
| • Abecasis         | • Ashlag           | • Berkovits      |
| • Abécassis        | • Asner            | • Berkowitz      |
| • Abendana         | • Assing           | • Berkson        |
| • Abrahamsohn      | • Assner           | • Berlinsky      |
| • Abramczyk        | • Atali            | • Berman         |
| (surname)          | • Attali           | • Bernal         |
| • Abramowicz       | • Auer (surname)   | • Bernays        |
| • Abrams (name)    | • Auerbach (Jewish | • Bernbaum       |
| • Abramsky         | family)            | • Bernstein      |
| • Abramson         | • Aumann           | • Berwald        |
| • Abukasis         | • Auspitz          | • Bettelheim     |
| • Acél             | • Austerlitz       | • Bialik         |
| • Adelman          | • Ausubel          | • Biber          |
| • Adelstein        | • Azoulay          | • Bielschowski   |
| • Adler            |                    | • Bielschowsky   |
| • Agmon            | <b>B</b>           | • Bielszowska    |
| • Aharonov         | • Bach (surname)   | • Bielszowski    |
| • Aharonovich      | • Baehr            | • Bierbaum       |
| • Akhiezer         | • Bähr             | • Binder         |
| • Al-Harizi        | • Baer             | (surname)        |
| • Alberstein       | • Baginski         | • Bing (surname) |

- *Alfandari*
- *Alferov*
- *Alharizi*
- *Alkalai*
- *Almog (surname)*
- *Almond (disambiguation)*
- *Alon*
- *Alperovich*
- *Alperstein*
- *Alpert*
- *Alshech*
- *Alshich*
- *Alterman*
- *Altermann*
- *Altman*
- *Altschul*
- *Altshuller*
- *Amendola*
- *Ančerl*
- *Ancona (disambiguation)*
- *Apfelbaum*
- *Appel*
- *Applebaum*
- *Apter*
- *Arditi (disambiguation)*
- *Arendt (disambiguation)*
- *Arens*
- *Aron (name)*
- *Aronin*
- *Aronof*
- *Aronoff*
- *Bagrit*
- *Bakst*
- *Balaban*
- *Balkany (disambiguation)*
- *Ballabon*
- *Band (surname)*
- *Bär*
- *Bar-Lev*
- *Barash*
- *Barenboim*
- *Baron-Cohen*
- *Barrington*
- *Barsky*
- *Bärwald*
- *Bassani*
- *Bassano*
- *Batushansky*
- *Bauer (surname)*
- *Bauman*
- *Baumhorn*
- *Baumrin*
- *Baumring*
- *Baumstein*
- *El-Baz*
- *Beckermann*
- *Behr*
- *Alexander Beider*
- *Beilin*
- *Beilinson*
- *Belkin (surname)*
- *Ben Asher (surname)*
- *Ben Haim*
- *Ben-Aharon*
- *Biram*
- *Birnbaum*
- *Biterman*
- *Bitterlich*
- *Bitterman*
- *Bittermann*
- *Blatt (surname)*
- *Blaustein (surname)*
- *Blechman*
- *Blechmann*
- *Bleich*
- *Bloomberg*
- *Bloomfield*
- *Blowitz*
- *Blum*
- *Blumberg*
- *Blumenberg*
- *Blumenfeld*
- *Blumenkranz*
- *Bodenheimer*
- *Bodner*
- *Bogoraz*
- *Boim*
- *Bomberg*
- *Bomrin*
- *Bomrind*
- *Borkenau*
- *Borstein*
- *Botbol*
- *Botstein*
- *Botvinnik*
- *Botwinik*
- *Boyarin*
- *Boym*

- *Aronov*
- *Aronova*
- *Aronow*
- *Aronowa*
- *Aronowicz*
- *Artom*
- *Aschersohn*
- *Ascherson*

- *Ben-David*
- *Ben-Zvi*
- *Benda*
- *Bendemann*
- *Benesch*
- *Bercovici*
- *Bercow*
- *Berenbaum*
- *Berezovsky*
- *Berger*
- *Bergman*
- *Bergmann*

- *Bozeman*  
(surname)
- *Brackman*
- *Bräuer*
- *Brahm*  
(surname)
- *Brainin*
- *Brandeis*
- *Brandstätter*
- *Brandwein*

- *Brauner*
- *Braunstein*
- *Braunwald*  
(surname)
- *Braverman*
- *Brecher*
- *Bregman*
- *Brenner*
- *Breslau*  
(disambiguation)
- *Brettler*
- *Breuer*
- *Brezis*
- *Brichto*
- *Brickner*
- *Brik* (surname)
- *Brisker*
- *Briski*
- *Briskin*
- *Briskina*
- *Briskman*
- *Broch*

*C cont.*

- *Cohnheim*
- *Conforti*
- *Cornfeld*
- *Cosßmann*
- *Cotto* (name)
- *Courant*
- *Cowell* (surname)
- *Cowen*
- *Crescas*
- *Cresques*
- *Cronfeld*
- *Cronfeldt*
- *Cukier*
- *Cukierman*
- *Cukor*
- *Czukor*

*D*

*E cont.*

- *Eisenberg*
- *Eisenberger*
- *Eisenmann*
- *Eisenstadt*  
(disambiguation)
- *Eisenstein*  
(surname)
- *Elbaz*
- *Eliad*
- *Elkin*
- *Elkis*
- *Engelmann*
- *Ephron*
- *Epstein*
- *Erlbaum*
- *Ermler*

*F*

(disambiguation)

- Broder
- Brodowski
- Brodzka
- Brodzki
- Bronfenbrenner
- Bronfman
- Bronner
- Bronowski  
(surname)
- Bronstein
- Brownstein
- Bryskin
- Buchman
- Buchsenbaum
- Bucksbaum
- Buksbaum
- Buxbaum
- Byk

## C

- Calman
- Cantarini
- Cantor (surname)
- Carmoly
- Cassirer
- Cassuto
- Cassutto
- Castellazzo
- Castelli
- Castelnovo  
(surname)
- Castiglione  
(surname)

## E

- Damrosch
- Dantzig
- Davidovsky
- Demb (surname)
- Dembitz
- Dembitzer
- Denker
- Derenbourg
- Dershowitz
- Deutsch (surname)
- Deutscher
- Deutschmann
- Dische
- Disraeli  
(disambiguation)
- Dobrin
- Doctorow
- Dorfman (surname)
- Dorfmann
- Dorn
- Drach
- Drachmann
- Dreyfus
- Drezner
- Dvorkin
- Dworkin

- Eckstein
- Eckstine
- Edelmann
- Edelstein
- Efron

- Faerber
- Färber
- Fajerman
- Falk (name)
- Fehér  
(surname)
- Feierman
- Feig
- Feige
- Feigel
- Feigenbaum
- Feigin
- Feigl
- Feiglin
- Feilhaber
- Feinberg
- Feingold
- Feinmesser
- Feinstein
- Feist
- Feit
- Feldheim
- Feldman
- Felsenbaum
- Ferber
- Feuchtwanger
- Feuerman
- Feuermann
- Feuerstein
- Feuerwerker
- Feynman  
(disambiguation)
- Fichman

- *De Castro family*
- *(Sephardi Jewish)*
- *Ceder*
- *Cerf (surname)*
- *Cerf Beer*
- *Cerf-Beer*
- *Cerfbeer*
- *Cerfberr*
- *Cerff*
- *Charney*
- *Chaskel*
- *Chelouche*
- *Cherith*
- *Chodorow*
- *Chomsky*
- *(surname)*
- *Chouraqui*
- *Ciechanover*
- *Citroen*
- *Citron*
- *(disambiguation)*
- *Cohen (surname)*
- *Egit*
- *Ehrenbaum*
- *Ehrenberg*
- *Ehrenfeld*
- *Ehrenfest*
- *Ehrenhaft*
- *Ehrenpreis*
- *Ehrenpreiss*
- *Ehrenpreiß*
- *Ehrenreich*
- *Ehrenstein*
- *Ehrlich*
- *Eibenschütz*
- *Eichberg*
- *Eichel*
- *Eichelbaum*
- *Eichler*
- *Eidelberg*
- *Eidus*
- *Einstein (surname)*
- *Eisen*
- *Fiedler*
- *Fingermann*
- *Finkel*
- *Finkelstein*
- *Finn (surname)*
- *Firestone*
- *Firkovich*
- *Fisch (surname)*
- *Fischbein*
- *Fischel*
- *Fischl*
- *Fishbein*
- *Fishbine*
- *Fishel*
- *Fishkin*
- *Fishkina*
- *Fishkind*
- *Fishman*
- *Flatau*
- *Fleisch*
- *Fleischer*

- *Fleischman*
- *Flohr*
- *Forman*
- *Fradkin*
- *Franck*
- *Frank (surname)*
- *Frankel*
- *Frankl*
- *Franzos*
- *Fredkin*
- *Freilich*
- *Freudenberger*

*G cont.*

- *Glaßmann*
- *Glick*
- *Glik*
- *Glozman*
- *Glück*
- *Gluzman*
- *Gnesin*
- *Gnesina*
- *Gold (surname)*

*H cont.*

- *Haberkorn*
- *Hafftka*
- *Hahn*
- *Halberstam*
- *Halevi*
- *Halper*
- *Halperin*
- *Halpert*
- *Halphen*

- *Freudenthal*
- *Freund*
- *Freundel*
- *Fridman*
- *Fried (surname)*
- *Friedberg*
- *Friedeberg*
- *Friedberger*
- *Friedman*
- *Frisch*
- *Fröhlich*
- *Froman*
- *Fromkin*
- *Fromm*
- *Frucht*
- *Frum*
- *Frum (surname)*
- *Frumkes*
- *Frumkin*
- *Fuchs*
- *Fur (surname)*
- *Fürst (surname)*
- *Fürstenberg*
- *Goldberg*
- *Goldberg (surname)*
- *Goldberger*
- *Goldblatt*
- *Goldbloom*
- *Goldblum*
- *Golden*
- *Goldenberg*
- *Goldfarb*
- *Goldfeld (surname)*
- *Goldhaber*
- *Goldhagen*
- *Goldin*
- *Goldman*
- *Goldmann*
- *Goldreich*
- *Goldscheider*
- *Goldstein (surname)*
- *Goldwasser (surname)*
- *Gollancz (disambiguation)*
- *Golomb*
- *Golub*
- *Gombrich*
- *Goodman (surname)*
- *Gordon (name)*
- *Gottesman*
- *Gottschalk*
- *Grass (disambiguation)*
- *Greenbaum*
- *Hamburg (disambiguation)*
- *Hamburger (disambiguation)*
- *Hammerstein (surname)*
- *Hanani (name)*
- *Harari*
- *Harpaz (surname)*
- *Hart (surname)*
- *Haselberg*
- *Hasenclever*
- *Hassan (surname)*
- *Hausmann*
- *Hautzig*
- *Hayyoth (names)*
- *Ḥazzan (surname)*
- *Hecht (surname)*
- *Hechter*
- *Hechtman*
- *Hechtmann*
- *Hefter*
- *Heidenheim*
- *Heidler*
- *Heifetz*
- *Heilbroner*
- *Heilbronner*
- *Heilprin*

## G

- *Galitz*
- *Gans (surname)*
- *Ganz (surname)*
- *Ganzfried*
- *Garfinkel*
- *Garfunkel*
- *Gecht*
- *Gechtman*
- *Gefter*

- *Gekht*
- *Gekhtman*
- *Gelernter*
- *Gelfand*
- *Geller*
- *Gellner*
- *Gerber (surname)*
- *Gershkovich*
- *Gerson*
- *Gerstmann*
- *Gerstner*
- *Gertner*
- *Gifter*
- *Gilbert (surname)*
- *Gillerman*
- *Gingold*
- *Gironi*
- *Gitelman*
- *Gitlis*
- *Glasman*
- *Glasmann*
- *Glassmann*
- *Glatzer*
- *Greenberg*
- *Greenblatt*
- *Greenfeld*
- *Greengold*
- *Greenspan*
- *Greenspun*
- *Greenstein (surname)*
- *Grimberg*
- *Grinberg*
- *Gross (surname)*
- *Grunebaum*
- *Grünfeld*
- *Grünbaum*
- *Grünberg*
- *Grundman*
- *Grundmann*
- *Grünspan*
- *Grynberg*
- *Guggenheim*
- *Günzburg (surname)*
- *Gusikov*
- *Gutfreund*
- *Gutman*
- *Guttenplan*
- *Gutmacher*
- *Heine*
- *Heinemann*
- *Heissler*
- *Heitler*
- *Hekht*
- *Helfand*
- *Helfgot*
- *Hellberg*
- *Heller (surname)*
- *Henig*
- *Henikstein*
- *Hepner*
- *Heppner*
- *Herczl*
- *Hersch*
- *Hersh*
- *Hershtik*
- *Herskowitz*
- *Hertz (disambiguation)*
- *Hertzberg*
- *Hertzfeld*
- *Herxheimer*
- *Herz*
- *Herzberg*
- *Herzfeld (disambiguation)*
- *Herzig*
- *Herzl*
- *Herzog (disambiguation)*

*H*

- *Haar*
- *Haas*
- *Haber*
- *Haberfeld*



- *Hesse*  
(disambiguation)
- *Hessel*  
(disambiguation)
- *Heymann*
- *Hillberg*

- *Hillenbrand*
- *Hilsenrath*
- *Himmelblau*
- *Himmelfarb*
- *Hirsch*
- *Hirschson*
- *Hirsh*
- *Hitzig*
- *Hönig*
- *Hoeningberg*
- *Hönigberg*
- *Hoenigsberg*
- *Hönigsberg*
- *Höschel*
- *Hoffmann*
- *Hofmeister*
- *Holderbaum*
- *Holderman*
- *Holdermann*
- *Holler*
- *Holtz*
- *Holtzman*
- *Holz*
- *Holzer*
- *Homberg*
- *Honegger*

*J cont.*

- *Joelson*
- *Jonas (name)*
- *Jonilowicz*
- *Judt*
- *Juran*
- *Justman*
- *Justmann*

*K*

- *Kadelburg*
- *Kadishman*
- *Kaestenbaum*
- *Kästenbaum*
- *Kafka*  
(disambiguation)
- *Kaganovich*
- *Kagel*
- *Kahneman*
- *Kaiser (surname)*
- *Kalish*
- *Kallenbach*
- *Kanarfogel*
- *Kanievsky*

*K cont.*

- *Kleinmann*
- *Kleinová*  
(surname)
- *Klemperer*
- *Klinger*
- *Klopfer*
- *Klotz (surname)*
- *Kluger*
- *Klugman*
- *Klugmann*
- *Koffka*
- *Kofman*
- *Kogen*
- *Kogon*
- *Kohlberg*
- *Kohut*
- *Kolisch*
- *Königsberg*  
(disambiguation)
- *Koplowitz*
- *Koppelman*
- *Koranda*

- (surname)*
- *Honig*
- *Honigberg*
- *Honigman*
- (surname)*
- *Honigmann*
- *Hönigmann*
- *Honigsberg*
- *Honigsman*
- *Honigsmann*
- *Hönigsmann*
- *Hönigswald*
- *Hopf*
- *Horkheimer*
- *Hornstein*
- *Horovitz*
- *Horvitz*
- *Horwitz*
- *Hoscheck*
- *Hoschek*
- *Hošek*
- *Hoshek*
- *Hoszek*
- *Houseman*
- *Huffman*
- *Hurwicz*
- *Hurwitz*
- *Husik*
- *Hyman*
  
- I*
- *Idelson*
- *Isaac (name)*
- *Israel (name)*
- *Kaniuk*
- *Kantorowicz*
- *Kaplowitz*
- *Karlin*
- *Karpeles*
- *Karplus*
- *Karyo*
- *Kasher (surname)*
- *Kashtan*
- *Kassirer*
- *Kastenbaum*
- *Katz*
- *Katz (surname)*
- *Katzen*
- *Katzenbach*
- *Katzenellenbogen*
- *Katzman*
- *Katzmann*
- *Katznelson*
- *Kaufmann*
- *Kayserling*
- *Kehlmann*
- *Keller (surname)*
- *Kellerman*
- *Kellermann*
- *Kellner*
- *Kessler (name)*
- *Kestenbaum*
- *Kestnbaum*
- *Khaimov*
- *Khalifman*
- *Khenin*
- *Khudaydatov*
- *Kimhi*
- *Kimmelman*
- *Koranyi*
- *Koren*
- *Korn*
- (disambiguation)*
- *Kornberg*
- *Kornblum*
- *Kornbluth*
- *Kornfeld*
- *Korngold*
- (surname)*
- *Kornhaber*
- *Kornheiser*
- *Kornhäusel*
- *Kornzweig*
- *Kosman*
- (surname)*
- *Kossmann*
- *Koßmann*
- *Kott*
- *Kouchner*
- *Kraidman*
- *Krantz*
- *Kranz*
- (surname)*
- *Krasner*
- *Krassner*
- *Krebs*
- *Krein*
- *Kreisky*
- (surname)*
- *Kremnitz*
- *Kremnitzer*
- *Krochmal*
- *Kronfeld*

- *Isserles*
- *Isserlin*

*J*

- *Jacobi (surname)*
- *Jaffe*
- *Jaglom*
- *Jakobson (surname)*
- *Jakubowicz*
- *Jastrow*
- *Jelinek*
- *Jellinek*
- *Joachim (surname)*

- *Kinstler (surname)*
- *Kirsch (surname)*
- *Kirschbaum*
- *Kirschenbaum (surname)*
- *Kisling*
- *Kissling*
- *Kittel (disambiguation)*
- *Kitzis*
- *Klauber*
- *Klein (surname)*
- *Kleiner*
- *Kleinman*

- *(surname)*
- *Kronfeldt*
- *Kroyanker*
- *Kuk (disambiguation)*
- *Kulik*
- *Kulischer*
- *Kümmel (disambiguation)*
- *Kunstler*
- *Künstler*
- *Kuranda*
- *Kurrein*
- *Kurzweil*
- *Kushner*
- *Kushnir*
- *Kutner*

*L*

- *Lachs*
- *Lamdan*
- *Lamm*

- *Landau (disambiguation)* *L cont.*
- *Landauer*
- *Landesmann*
- *Landmann*
- *Landsberg*
- *Landshut (disambiguation)*
- *Landshuth*

- *Litwin*
- *Loeb*
- *Löwe*
- *Loewi*
- *Loewy*
- *Lokshin*
- *Lorber*

*M cont.*

- *Mendelssohn*
- *Menke*
- *Mertz*
- *Mesika*
- *Meyer (surname)*
- *Meyerbeer*

- *Landsmann*
- *Landsteiner*
- *Lanzmann*
- *Lapin*
- *Laskier*
- *Latner*
- *Lattner*
- *Lavin*  
(disambiguation)
- *Lawton*                    M  
(surname)
- *Lax*
- *Lederer*
- *Lederman*
- *Lehman*
- *Lehmen*  
(disambiguation)
- *Lehrer*
- *Lehrman*
- *Leibovitch*
- *Leibowitz*
- *Leitner*
- *Leman*
- *Lemann*
- *Lemberger*
- *Lemmer*  
(surname)
- *Lerman*
- *Lerner*
- *Leskali*
- *Levenfish*
- *Levi (surname)*
- *Levin (surname)*
- *Levine*
- *Levinson*
- *Lotman*
- *Lourie*
- *Löw*
- *Lowenstam*
- *Lurie*
- *Luxemburg*
- *Luzzatti*
- *Luzzatto*
- *Maazel*
- *Magid*
- *Maibaum*  
(surname)
- *Maidanik*
- *Maier*
- *Maimonides*  
(disambiguation)
- *Mair (surname)*
- *Maisel*
- *Malamud*
- *Malkin*
- *Malkovich*
- *Malkovitch*
- *Malkovitz*
- *Malkovych*
- *Malkowicz*
- *Malkowitz*
- *Malmuth*
- *Mandel*
- *Mandelbaum*
- *Mandelkern*
- *Mangel (surname)*
- *Manheimer*
- *Meyrowitz*
- *Mezvinsky*
- *Micula*  
(surname)
- *Milgram*
- *Milgrom*
- *Milstein*
- *Minkowski*
- *Minkus*
- *Mintz*
- *Minz*
- *Mirisch*
- *Mirish*
- *Mirman*
- *Mirtenbaum*
- *Mirtenboim*
- *Von Mises*
- *Mittag*
- *Mizrachi*
- *Moreno*  
(surname)
- *Morgentaler*
- *Morgenthau*
- *Morpurgo*
- *Mortara*
- *Moscheles*
- *Moschkowitz*
- *Moscovich*
- *Moscovici*
- *Moscovitch*
- *Moscowitz*
- *Moshkovich*
- *Moshkovitz*
- *Moskovich*
- *Moskovics*

- *Levitan*
- *Levitt*
- *Levitzki*
- *Levy (surname)*
- *Lewandowski*
- *Lewis (surname)*
- *Libermann*
- *Librescu*
- *Lichtenstadt*
- *Lichtenstein (surname)*
- *Lichter*
- *Lichtermann*
- *Lichtmann*
- *Liebermann*
- *Liebowitz*
- *Lifshitz*
- *Likhterman*
- *Liliental*
- *Lilienthal*
- *Lindenbaum*
- *Lindwurm*
- *Lipiner*
- *Lipkin*
- *Lippa*
- *Lipschitz*
- *Lissauer*
- *Littauer*
- *Litvak*
- *Litvinov*
- *Mannheim (disambiguation)*
- *Mannheimer*
- *Margolies*
- *Margolis*
- *Margules*
- *Margulies*
- *Margulis*
- *Markowitz*
- *Marks*
- *Marks (surname)*
- *Marx (surname)*
- *Masbaum*
- *Massbaum*
- *Mastbaum*
- *Masur (surname)*
- *Maurer*
- *Mauss*
- *Maxwell (surname)*
- *Maybaum*
- *Mayer (name)*
- *Mayor (surname)*
- *Mayr*
- *Mazel*
- *Mazower*
- *Meidner*
- *Meir*
- *Meiri*
- *Melamed (surname)*
- *Melnick*
- *Meltzer*
- *Moskovits*
- *Moskowitz*
- *Moss (surname)*
- *Moszkovicz*
- *Moszkowicz*
- *Moszkowski*
- *Moussaieff*
- *Mühsam*
- *Muntz*
- *Munz*
- *Myrtenbaum*
- *Myrthenbaum*

*N*

- *Nachman*
- *Nadelman*
- *Nadelmann*
- *Nadler*
- *Nadson*
- *Nagel (surname)*
- *Nagelberg*
- *Nagelberger*
- *Nageler*
- *Naim*
- *Napolitano*
- *Narkis*
- *Neisser*
- *Neri (surname)*
- *Netanyahu*

*N*

- *Neuhaus*

*R cont.*

*S cont.*

- *Neumark*  
(surname)
- *Neutra*
- *Niedenthal*
- *Niyazov*
- *Noam*
- *Nunnelee*
- *Nussbaum*

*O*

- *Obst*
- *Ochs (surname)*
- *Olmert*
- *Opler*
- *Oppert*
- *Oppler*
- *Oren*  
(disambiguation)
- *Ornstein*
- *Ovitz*

*P*

- *Palatnik*  
(surname)
- *Paler*
- *Palm*
- *Palma*
- *Paltrow*
- *Paskowitz*
- *Pasternack*
- *Pasternak*
- *Perlman*
- *Perlmutter*
- *Perper*

- *Rabinowitz*
- *Radnitz (surname)*
- *Radnitzer*
- *Rahmer*
- *Rajchman*
- *Ransohoff*
- *Rappaport*
- *Rappoport*
- *Rauschenberg*  
(surname)
- *Regelson*
- *Reich*  
(disambiguation)
- *Reichart*
- *Reichmann*
- *Reisman*
- *Reiss (name)*
- *Reitman*
- *Remak*
- *Reti*
- *Revivo*
- *Richler*
- *Riesman*
- *Riess*
- *Riesz*
- *Rifkin*
- *Rifkind*
- *Rignano*
- *Rivlin*
- *Rodberg*
- *Roitman*
- *Rokeach*
- *Rokhlin*
- *Rosen*

- *Sabsovich*
- *Sabsowicz*
- *Sabsowitz*
- *Sacher*
- *Sachs*
- *Saft*
- *Sagan*
- *Sakharov*
- *Salinger*
- *Samia*
- *Samter*
- *Sandler*
- *Sandoval*
- *Sapir*
- *Sapsovich*
- *Sapsowicz*
- *Sapsowitz*
- *Sarfati*
- *Sarna*
- *Sauerbraun*
- *Sauerbron*
- *Sauerbrum*
- *Sauerbrun*
- *Sauerbrunn*  
(surname)
- *Sawilowsky*
- *Schaefer*
- *Schapira*
- *Schapiro*
- *Schatz*
- *Schatzmann*
- *Schawlow*
- *Schechter*
- *Scheck*

- *Perutz*
- *Pfefferberg*
- *Piasek*  
(disambiguation)
- *Piccio*
- *Pincherle*
- *Pinkas* (surname)
- *Pinsky*
- *Pinto*
- *Plesner*
- *Plessner*
- *Pliskin*
- *Plotkin*
- *Podhoretz*
- *Polack* (surname)
- *Polak*
- *Polgár*
- *Poliakoff*
- *Poliker*
- *Politzer*
- *Pollack*
- *Pollak*
- *Polyakov*
- *Polák*  
(disambiguation)
- *Pontecorvo*  
(disambiguation)
- *Popper*
- *Porges*
- *Postan*
- *Prager*
- *Prawer*
- *Preis*
- *Preiss*
- *Presburger*
- *Pressburger*
- *Rosenband*
- *Rosenbaum*
- *Rosenberg*  
(surname)
- *Rosenberger*
- *Rosenblatt*
- *Rosenblum*
- *Rosenbluth*
- *Rosenfeld*
- *Rosengart*
- *Rosengarten*
- *Rosenhain*
- *Rosenhayn*
- *Rosenstock*
- *Rosenzweig*
- *Roshal*
- *Roshwald*
- *Rosin*  
(disambiguation)
- *Rosner*
- *Rotberg*
- *Rothberg*
- *Rothenberg*  
(disambiguation)
- *Rothkowitz*
- *Rothmann*
- *Rothschild*
- *Rottman*
- *Rottmann*
- *Rovner*
- *Rubashkin*
- *Rubinstein*
- *Rumkowska*
- *Rumkowski*
- *Rumkowsky*
- *Scheinbaum*
- *Scheinbein*
- *Scheinblum*
- *Scheiner*
- *Scherzer*
- *Scheuer*
- *Schierokauer*
- *Schiff*
- *Schiffer*
- *Schild*
- *Schildkraut*
- *Schimmel*
- *Schlamme*
- *Schlesinger*
- *Schlessinger*
- *Schnabel*
- *Schneersohn*
- *Schneider*  
(surname)
- *Schneiderman*
- *Schneller*
- *Schnirelmann*
- *Schnitzler*
- *Schoenberger*
- *Schoenblum*
- *Scholem*
- *Scholz*
- *Schomberg*
- *Schönbaum*
- *Schönberger*
- *Schönblum*
- *Schönfeld*
- *Schönfinkel*
- *Schönwald*

- *Pruefer*
- *Pulitzer*

- *Ryback*
- *Rybak*

(*surnam*)

*R*

*S*

- *Rabin*
- *Rabinovich*
- *Rabinovitch*
- *Rabinow*

- *Saban*  
(*disambiguation*)

- *Schor*
- *Schorr*
- *Schottenstein*
- *Schul*
- *Schulberg*
- *Schuldiner*
- *Schulhof*
- *Schulhoff*
- *Schulman*
- *Schultz*
- *Schulweis*
- *Schulz*
- *Schulze*
- *Schur*
- *Schvarczman*
- *Schvartzman*
- *Schwarczman*
- *Schwarczmann*
- *Schwartz*
- *Schwartzman*
- *Schwartzmann*
- *Schwarz*
- *Schwarzman*
- *Schwerner*
- *Segal*

*S cont.*

- *Slezak*
- *Slifkin*
- *Slutsky*
- *Smolenskin*
- *Sobol*
- *Sobolevsky*
- *Sobolewski*
- *Sofer*  
(*disambiguation*)
- *Sohn*
- *Sokolow*
- *Soloveitchik*
- *Solow*
- *Soncino*
- *Sondheim*  
(*surname*)
- *Sonnenfeld*
- *Soomekh*
- *Sorokin*
- *Sorotzkin*
- *Soybelman*
- *Soyer*
- *Specht*

*S cont.*

- *Sutro*
- *Sutzkever*
- *Svarczman*
- *Szenes*
- *Szold*
- *Szpilman*
- *Szulc*
- *Szwarzman*

*T*

- *Tajchman*
- *Tannenbaum*
- *Tansman*
- *Tanzer*
- *Tatz*
- *Taube*
- *Taubenschlag*
- *Taubes*
- *Taubman*
- *Taussig*
- *Taylor*  
(*surname*)



- *Seiden*
- *Seidman*  
(surname)
- *Seidmann*
- *Seinfeld*  
(disambiguation)
- *Seldes*
- *Selinger*
- *Seltzer*
- *Sergei Yudin*
- *Sforno* (family)
- *Shabat*
- *Shabazi*
- *Shaked*  
(disambiguation)
- *Shalit* (surname)
- *Shapero*
- *Shapira*
- *Shapiro*
- *Sharaf*
- *Shiller*
- *Shinwell*
- *Shor*
- *Shore*  
(disambiguation)
- *Shpilband*
- *Shubert*
- *Shulman*
- *Shvartsman*
- *Shwekey*
- *Siegel*
- *Silber*
- *Silberberg*
- *Silberman*
- *Silberstein*
- *Spector*  
(disambiguation)
- *Spera*  
(disambiguation)
- *Sperber* (surname)
- *Sperling*
- *Spiegel* (surname)
- *Spiegelmann*
- *Spiegl*
- *Spiegler*
- *Spielberg*
- *Spielmann*
- *Spindler*
- *Spiro* (name)
- *Spitz* (surname)
- *Spitzer*
- *Spivak*
- *Springer* (surname)
- *Staffel*
- *Stammberger*
- *Stampfer*
- *Starker*
- *Stein*
- *Steinberg*  
(surname)
- *Steinberger*  
(surname)
- *Steinitz* (surname)
- *Steinitzer*
- *Steinsaltz*
- *Stern* (surname)
- *Sternberg*  
(surname)
- *Sternberger*
- *Sternhell*
- *Tedesco*  
(surname)
- *Teicher*
- *Teitel*
- *Teitelbaum*
- *Teller*  
(surname)
- *Tendler*
- *Tepper*
- *Thalberg*
- *Thalmann*
- *Tiegerman*
- *Tischman*
- *Tischmann*
- *Tizman*
- *Tobianski*
- *Toch*
- *Toffler*
- *Toledano*
- *Toledo*
- *Topelson*
- *Topol*
- *Topolski*
- *Trachtenberg*
- *Traub*
- *Traube*
- *Trebitsch*
- *Trumpeldor*
- *Tuchman*
- *Tugendhat*
- *Turkovich*
- *Turover*
- *Twersky*
- *Tyszman*

- |                                     |                                      |                                 |
|-------------------------------------|--------------------------------------|---------------------------------|
| • <i>Silver</i><br>(disambiguation) | • <i>Stettin</i><br>(disambiguation) | • <i>Tzipris</i>                |
| • <i>Silverberg</i>                 | • <i>Steuermann</i>                  | <i>U</i>                        |
| • <i>Silverman</i>                  | • <i>Stier (surname)</i>             |                                 |
| • <i>Silverstein</i><br>(surname)   | • <i>Stock</i><br>(disambiguation)   | • <i>Ul'man</i>                 |
| • <i>Simmel</i>                     | • <i>Stolovich</i>                   | • <i>Ullmann</i>                |
| • <i>Simson (name)</i>              | • <i>Strasburg</i>                   | • <i>Ulmann</i>                 |
| • <i>Singer (surname)</i>           | • <i>Strasburger</i>                 | • <i>Ungar</i>                  |
| • <i>Singermann</i>                 | • <i>Straßburger</i>                 | • <i>Unger</i>                  |
| • <i>Sirota</i>                     | • <i>Strauch</i>                     | • <i>Uziel</i>                  |
| • <i>Skutch</i>                     | • <i>Straussler</i>                  | <i>V</i>                        |
| • <i>Skutsch</i>                    | • <i>Stricker</i>                    |                                 |
|                                     | • <i>Strousberg</i>                  | • <i>Vahl (surname)</i>         |
|                                     | • <i>Stutschewsky</i>                | • <i>Vaidman</i>                |
|                                     | • <i>Suchet</i>                      | • <i>Vainberg</i>               |
|                                     | • <i>Sulzberger</i>                  | • <i>Veneziano</i>              |
|                                     | • <i>Sussman</i>                     | • <i>Veneziano</i><br>(surname) |
|                                     |                                      | • <i>Vengerov</i>               |
|                                     |                                      | • <i>Vilner</i>                 |
|                                     |                                      | • <i>Vishniac</i>               |
| • <i>Vogel</i>                      | <i>W cont.</i>                       | <i>W cont.</i>                  |
| • <i>Vogelstein</i>                 |                                      |                                 |
| • <i>Voinovich</i>                  | • <i>Weinmann</i>                    | • <i>Wolfson</i>                |
| • <i>Volkov (surname)</i>           | • <i>Weinreb</i>                     | • <i>Wolpe</i>                  |
| • <i>Volokh</i>                     | • <i>Weinreich</i>                   | • <i>Wölfel</i>                 |
| • <i>Volpe</i>                      | • <i>Weinstein</i>                   | • <i>Wouk</i>                   |
| • <i>Voronov</i>                    | • <i>Weinstock</i>                   | • <i>Wronski</i>                |
| • <i>Vroman</i>                     | • <i>Weinstone</i>                   | • <i>Wurmbrand</i>              |
| <i>W</i>                            | • <i>Weintraub</i>                   |                                 |
|                                     | • <i>Weinzweig</i>                   | <i>Y</i>                        |
| • <i>Wach (name)</i>                | • <i>Weiskopf</i>                    |                                 |
| • <i>Wachs</i>                      | • <i>Weiss</i>                       | • <i>Yadin</i>                  |

- *Wachsmann*
  - *Waghalter*
  - *Wahl (surname)*
  - *Wahle*
  - *Wahrman*
  - *Wahrmann*
  - *Waksman*
  - *Wald*
  - *Waldenberg*
  - *Waldman*
  - *Waldmann*
  - *Walzer*
  - *Waronker*
  - *Wax*  
(disambiguation)
  - *Waxman*
  - *Wechsler*
  - *Wecht*
  - *Weideman*
  - *Weidenbaum*
  - *Weidenman*
  - *Weidenmann*
  - *Weidenreich*
  - *Weider*
  - *Weidmann*
  - *Weigl*
  - *Weil (surname)*
  - *Weinbaum*
  - *Weinberg*
  - *Weinberg*  
(surname)
  - *Weinberger*
  - *Weinblatt*
  - *Weiner*
  - *Weinfeld*
  - *Weiss (surname)*
  - *Weisskopf*
  - *Weißkopf*
  - *Weisz*
  - *Weitz*
  - *Weitzenbaum*
  - *Weitzmann*
  - *Weizenbaum*
  - *Weizmann*
  - *Werfel*
  - *Werkner*
  - *Wertheimer*
  - *Weschler*
  - *Wessely*
  - *Wetterhahn*
  - *Wexler*
  - *Wexner*
  - *Wiefenfeld*
  - *Wiener*
  - *Wiesel*
  - *Wiesenfeld*
  - *Wiesenthal*  
(disambiguation)
  - *Willenberg*
  - *Winograd*
  - *Wintzer*
  - *Winzer (surname)*
  - *Witkin*
  - *Witkowski*
  - *Wittkower*
  - *Woerfel*
  - *Wohl*
  - *Wolanowska*
  - *Wolanowski*
  - *Woldenberg*
  - *Yaglom*
  - *Yahalom*  
(surname)
  - *Yalom*
  - *Yampolsky*
  - *Yaron*
  - *Yemin*  
(disambiguation)
  - *Yerushalmi*
  - *Yudin*
- Z**
- *Zakharov*
  - *Zamenhof*
  - *Zandberg*
  - *Zapruder*
  - *Zederbaum*
  - *Zedner*  
(surname)
  - *Zeidman*
  - *Zeidmann*
  - *Zeilberger*
  - *Zeitlin*
  - *Zeldin*  
(surname)
  - *Zelikovitch*
  - *Zilber*
  - *Zilberman*
  - *Zimbalist*
  - *Zimetbaum*
  - *Zinn*
  - *Zinnemann*
  - *Zlotowitz*

- *Weingart*
- *Weingarten*
- *Weingartner*
- *Weininger*
- *Weinman*

- *Wolf (name)*
- *Wolfensohn*
- *Wolfenson*
- *Wolfsohn*

- *Zuckerandel*
- *Zuckerandl*
- *Zuckermandel*
- *Zuckermandl*
- *Zuckermann*
- *Zuckert*
- *Zukerman*
- *Zunser*
- *Zuntz*
- *Zunz*
- *Zweig*
- *Zwerling*
- *Zylberman*